

چک لیست برای پایان بخشیدن به خودکامگی

چگونه ناراضیان می‌توانند در قرن بیست ویکم پیروز شوند

کارزارهای مقاومت مدنی

پیتر ا کر من

سایر نوشته‌های منتشر شده پیتراکرمن

مبارزه استراتژیک بی‌خشونت:

پویایی قدرت مردم در قرن بیستم

(با کریس کروگلر)

پراجر - ۱۹۹۴

نیرویی قدرتمندتر:

قرن مبارزه بی‌خشونت

(با جک دووال)

سنت مارتینز گریفین - ۲۰۰۰

چگونه آزادی پیروز میشود: از مقاومت مدنی تا دموکراسی پایدار

(با آدریان کاراتنیکی)

فریدم هاوس - ۲۰۰۵

جلوگیری از خشونت مرگبار: از مسئولیت برای حفاظت تا حق یاری رسانی

کارزارهای مقاومت مدنی

(با هاردی مریمن)

نشر مرکز بین‌المللی مبارزات بی خشونت - ۲۰۱۹

تصویر روی جلد: تصویر روی جلد مربوط به مبارزه بی‌خشونتی است که به سه دهه حکومت وحشت عمربشیر و همدستان نظامی‌اش در سودان پایان داد. ناراضیان سودانی با مهارت کارزاری پیروزمندانه را با استفاده از دانش کارزارهای موفق پیشین، طراحی واجرا کرده ومتخصصان جهانی را شگفت زده کردند.

عکس از: لانا هارون

چک لیست برای پایان بخشیدن به خودکامگی

چگونه ناراضیان می‌توانند
در قرن بیست ویکم
پیروز شوند

کارزارهای مقاومت مدنی

پیتر ا کر من

ICNC
PRESS



چک لیست برای پایان بخشیدن به خودکامگی
چگونه ناراضیان می‌توانند در قرن بیست ویکم پیروز شوند
کارزارهای مقاومت مدنی
نوشته: پیتر اکرمن
چاپ اول: سپتامبر ۲۰۲۱
انتشارات مرکز بین‌المللی مبارزات بی‌خشونت

International Center on Nonviolent Conflict
600 New Hampshire Ave NW, Suite 1010
Washington, D.C. 20037 USA

www.nonviolent-conflict.org
CONTACT: icnc@nonviolent-conflict.org

© 2021 Peter Ackerman
All rights reserved.

ISBN: 978-1-943271-50-4



چک لیست برای پایان بخشیدن به خودکامگی

سپاس از همکاری / ۱

۱ **مقدمه / ۳**

نقش تکامل یابنده مقاومت مدنی در نبرد علیه خودکامگی

۲ **غلبه بر ترس وسردرگمی / ۱۹**

پنج ایده‌ای که ناراضیان باید بدانند

۳ **چگونه ناراضیان می‌توانند خود را توانمند سازند / ۴۱**

چک لیست سوالات از یک تا چهار

۴ **چگونه ناراضیان می‌توانند مبارزه را هدایت کنند / ۷۵**

چک لیست سوالات ازپنج تا هشت

۵ **چگونه ناراضیان می‌توانند اعتماد به نفس را افزایش دهند / ۱۱۱**

چک لیست تمرین برای آزادی

۶ **انتخابی تاریخی / ۱۲۳**

تن دادن به خودکامگی یا شعله ورساختن موج چهارم دموکراسی

پیوست / ۱۳۵

کارگاهی وآنلاین

ارزشیابی دروس

لیست جدولها / ۱۴۱

فهرست ارقام / ۱۴۲

اعتبار عکس / ۱۴۳

شرح عکس: مراحل اولیه انقلاب یاس
که بن علی رئیس جمهور تونس را در سال ۲۰۱۰ برکنار کرد.



قدردانی‌ها

پس ازدرگذشت جین شارپ در سال۲۰۱۸، تنها کسی که از ابتدا دراین سیردرمبارزات بی‌خشونت با من همراه بوده، همسر ۴۹ ساله‌ام جوآن لیندوم اکرمن است. او همواره براین موضوع تاکید کرده که چرا درک درست از مبارزات بی‌خشونت برای حفظ حقوق بشر وحکومت دمکراتیک ضروری است. ارزش‌هایی که من واو مشترکا باورداریم.

علاوه بر تشویق‌های اساسی همسرم، این کتاب بدون همکاری هاردی مریمن، مدیرمرکز بین‌المللی مبارزات بی‌خشونت نوشته نمی‌شد. نسخه اولیه چک لیست را می‌توان در بخش اول مطلب خلاصه شده‌ای که من و هاردی برای اندیشکده شورای آتلانتیک نوشتیم، پیدا کرد. عنوان نوشته این است: آیا اقتدارگرایی در حال بازگشت است؟ مشارکت فکری و همکاری‌هایش در تمام بخش‌های این کتاب منعکس شده است. با کوشش او کتاب چک لیست برای پایان بخشیدن به خودکامگی، توسط انتشارات مرکز بین‌المللی مبارزات بی‌خشونت منتشرشد. نهایت تشکر را از ماچه بارتکوفسکی، بروس پیرسون، آلیس رن ولیلیان هاتاوی برای ویرایش بسیاری از پیش نویس‌ها دارم.

من مدیون بسیاری از پژوهشگرانی هستم که به آثارشان در کتاب اشاره شده وکسانی که توصیه‌های انتقادی به من کرده‌اند. ازجمله ماریا استفان، اریکا چنووت، استفن زونز، جاناتان پینکنی وایوان مارووویچ.

دیگر کسانی که متن را بررسی کرده‌اند عبارتند از آرون لوبل، روبن بریگتی و هانس بیننديک. در مجموع آن‌ها نظرات طرح شده را دقیق‌ترکرده وتناقضات وجاافتادگی‌های مهم را شناسایی کرده‌اند. این نسخه با تصحیحات آن‌ها به نحو قابل توجهی بهبود یافته است.

درسمت چپ: کمپین"نه" درمخالفت با آگوستو پینوشه در شیلی، ۱۹۸۸

معمولا باور عمومی بر این است
که خودکامگان دوام می آورند برای
این که انحصار استفاده از زور
را در اختیار دارند . با این همه
اما مردم تحت ستم از تاکتیک‌های
مبارزه بی خشونت مانند اعتصاب،
بایکوت وتظاهرات توده‌ای به
عنوان ابزاری قدرتمند، برای آزادی
خود استفاده می‌کنند.

۱

فصل اول

پیشگفتار :

نقش تکامل یابنده مقاومت مدنی در نبرد علیه خودکامگی

معمولا باورعمومی بر این است که خودکامگان دوام می آورند برای این که انحصار استفاده از زوررا دراختیار دارند. در حالی که خشونت علیه شهروندان تنها می‌تواند برای مدتی تعیین‌کننده باشد. توضیح بهتری وجود دارد: تا زمانی که شهروندان درک نکنند که چگونه می‌توانند بدون توسل به خشونت، پایگاه حمایت خودکامه را تضعیف کرده واو را از قدرت برانند، استبداد ادامه خواهد داشت. مردم تحت ستم می‌توانند با استفاده ازتاکتیک‌های مقاومت مدنی مثل اعتصاب، بایکوت، اعتراضات عمومی و سایرروش‌ها، گردش اموررا مختل کنند. مقاومت مدنی نیرومندترین ابزاررا برای آزادی مردم به آن‌ها می‌دهد.

اخبارخوب از مبارزات بی خشونت درنقاط مختلف دنیا درحال افزایش است. این اخبار مورد استقبال گسترده ناراضیان ومخالفین وتمام کسانی که خواهان تعالی حقوق بشروحکومتی دمکراتیک وعاری از فساد هستند، قرارمی‌گیرد. با این همه، پتانسیل مقاومت مدنی به نحو گسترده‌ای ناشناخته باقی مانده است. علت را هم باید در چالشی که مقاومت مدنی درمقابل فرضیه متعارف ورایج درباره طبیعت قدرت قرارمی‌دهد، جستجوکرد. سیاستگذاران، پژوهشگران وسایر ناظران معمولا قدرت خودکامگان دراستفاده ازخشونت برای اداره وکنترل جامعه را بیش ازحد برآورد می‌کنند. در عین حال ظرفیت مردم عادی برای تضعیف استبداد ودستیابی به حقوق خود از طریق استفاده استراتژیک از تاکتیک‌های بی‌خشونت را هم دست کم می‌گیرند.

من نیم قرن پیش به این بینش رسیدم واز آن پس تلاش کرده‌ام که این دانش را به ناراضیان وفعالان دموکراسی‌خواه منتقل کنم تا فرصت‌های نامحدود خود را برای زندگی در جامعه‌ای آزادتردرک کنند.

از اوایل تا اواسط دهه ۱۹۷۰ من دردوره دکترا در رشته استراتژیک دردانشکده حقوق ودیپلماسی فلچر دردانشگاه تافتس تحصیل می‌کردم. شکست نیروهای نظامی آمریکا در ویتنام باعث علاقه من به جنگ نامتقارن شد. مطالعه دراین خصوص به من نشان داد که چگونه دشمنانی با قابلیت‌های نظامی بسیارضعیف می‌توانند با به کارگیری استراتژی‌های متفاوت وبا استفاده از عوامل فرهنگی، اقتصادی و روانی جنگ بیفروزند. توماس شلینگ استاد دانشگاه هاروارد که در سال ۲۰۰۵برنده جایزه نوبل دراقتصاد شد، استاد من در درس تئوری استراتژیک بود. شلینگ محققی برجسته در مورد نحوه برقراری ارتباط بین ایالات متحده واتحاد جماهیر شوروی به منظورکاهش خطر تصادفی جنگ هسته‌ای بود.

از پروفسور شلینگ بعد از یکی سخنرانی‌هایش پرسیدم که چگونه قهرمانانی با توان نظامی پایین‌ترمی‌توانند بردشمنانی با توان نظامی برتر پیروزشوند. اوپاسخی چالش برانگیز داد: اگر علاقمند به مطالعه در این زمینه هستی، چرا به جای قهرمانانی با توان نظامی ضعیف، درباره قهرمانانی مطالعه نمی‌کنی که اصلاً توان نظامی ندارند.

پروفسور شلینگ مرا با جین شارپ آشنا کرد. شارپ در آستانه انتشار کتاب سه جلدی معروف خود به نام سیاست‌های کنش بی‌خشونت بود. محور تفکرات شارپ پایان نامه‌ای درباره اتین دولابوتی بود که به قرن‌ها قبل برمی گردد. لابوتی در گفتمان خود درباره خدمت داوطلبانه که در سال ۱۵۷۶ منتشرشد نوشت:

تصمیم بگیرید که دیگر خدمت نکنید، ناگهان آزاد می شوید، من از شما نمی خواهم که خودکامه را سرنگون کنید، دیگر از او حمایت نکنید. شما خواهید دید که پایه‌های این هیولای غول پیکر فرو خواهد ریخت و زیر وزن خود سقوط کرده وقطعه قطعه خواهد شد.[۱]

---

۱ ـ مجموعه آثار اتین لابوتی(پاریس ۱۸۹۲) به نقل از جین شارپ در کتاب سیاست‌های کنش بی‌خشونت ۱۹۷۳

قرائت شارپ از این بینش در روزگارما چنین است:

از نظر سیاسی، کنش بی‌خشونت مبتنی بر یک فرض بسیار ساده است: مردم همیشه آن‌چه را که به آن‌ها گفته می‌شود انجام نمی‌دهند وگاهی اوقات آن‌چه ممنوع شده است را انجام می‌دهند. افراد ممکن است از قوانین اطاعت نکنند. کارگران ممکن است دست از کار بکشند و اقتصاد را فلج کنند. سیستم اداری ممکن است از اجرای وظایف خودداری کند. سربازان وپلیس ممکن است در سرکوب اهمال بورزند وحتی ممکن است شورش کنند. زمانی که همه این رویدادها همزمان اتفاق بیفتد، ممکن است حاکمین کسان دیگری بشوند. فروپاشی قدرت می‌تواند در طیف گسترده‌ای از درگیری‌های اجتماعی وسیاسی رخ دهد. زمانی که مردم از همکاری امتناع وکمک خود را دریغ می‌کنند وبرنافرمانی وسرپیچی خود پای می‌فشارند، مخالفین خود را انکار می‌کنند. هر دولت ویا هرسیستم سلسله مراتبی، به همکاری نیروی انسانی نیاز دارد. اگر تعداد زیادی ازمردم به قدرکافی این کارها را انجام دهند، قدرت دولت ویا سیستم سلسله مراتبی ساقط خواهد شد. این فرضیه اساسی کنش بی‌خشونت است.[۲]

بی خشونت به یک موضع اخلاقی اشاره دارد و حال آن‌که مقاومت مدنی استفاده از روش‌های بی‌خشونت برای کسب قدرت است.

آشنایی با کارهای شارپ از نظر فکری برای من لحظه‌ای مهم ونیز تعهدی مستمر به مطالعه مبارزات بی‌خشونت بود. درمطالعات مستمر ۴۵ سال گذشته‌ام هرگزموردی پیدا نکردم که ناقض صحت واهمیت انقلابی نظریه شارپ باشد. در همان دوره اهمیت به کار بردن اصطلاحات دقیق در مورد این پدیده را دریافتم. شارپ اصطلاح مبارزه بی‌خشونت را به کار می‌برد، اما من اصطلاح مقاومت مدنی را به کار می‌برم. منظور هر دوی ما یکی است. من چرا اصطلاح مقاومت مدنی را به کار می‌برم؟ برای این‌که خطرمخلوط کردن آن با مفهوم کنش بی‌خشونت را کاهش دهم. بی خشونت به یک موضع اخلاقی اشاره دارد وحال آن که مقاومت مدنی به استراتژی استفاده از روش‌های بی‌خشونت اشاره دارد.

مثال دیگری از سردرگمی درباره اصطلاحات در این زمینه استفاده از اصطلاح "جنبش‌های اعتراضی" به جای مقاومت مدنی است. این خطا، نادیده گرفتن این حقیقت است که مقاومت مدنی شامل تاکتیک‌هایی غیراز اعتراضات نیز هست. از جمله اعتصاب و جمله اعتصاب

---

۲ - جین شارپ، سیاست کنش بی‌خشونت، بخش اول: قدرت و مبارزه (بوستون، ماساچوست:ناشران پورتر سارجنت، ۱۹۷۳)، ۶۳

توضیح اصطلاحات کنش بی‌خشونت

بیشترین اصطلاحاتی که به‌جای کنش بی‌خشونت به کار برده می‌شوند عبارتند از **مقاومت مدنی** ودرگیری **بی‌خشونت** و کمترین اصطلاحاتی که به کار برده می شوند **قدرت مردم وتلاش بی‌خشونت و مقاومت بی‌خشونت است.**

اصطلاح **درگیری بی‌خشونت** به غلط این ایده را القا می‌کند که استراتژی‌ها و تاکتیک‌های بی‌خشونت را می‌توان دردرگیری علیه دشمنان مسلح و مجهز مانند پلیس و ارتش به کار گرفت.

ازحدود ده سال قبل اصطلاح مقاومت مدنی به جای درگیری بی‌خشونت به کار برده می‌شود.

سایر اصطلاحاتی که مترادف با کمپین‌های **مقاومت مدنی** می‌شوند، سردرگمی به وجود می‌آورند. این اصطلاحات شامل موارد زیر هستند:

مخالفت مسالمت آمیز، که نشان ازایده‌های آرامش دهنده دارد وحال آن‌که تاکتیک‌های بی‌خشونت برای به هم ریختن وضعیت موجود طراحی شده تا از خودکامه‌ها سلب مشروعیت کند.

جنبش‌های اعتراضی، تداعی کننده تصاویر دراماتیک از میلیون‌ها نفردرخیابان‌هاست وحال آن‌که مقاومت مدنی تنها با اعتراضات پیروز نمی‌شود. مقاومت مدنی مجموعه‌ای از تاکتیک‌های مختلف مورد نیاز است که درچارچوب طراحی دقیق یک استراتژی به کارگرفته می‌شود.

بی‌خشونت استراتژیک، امری اخلاقی یا دستوری دینی است که خشونت را رد می کند ویادآور رهبران اخلاق‌گرا مانند گاندی و مارتین لوترکینگ است. ممکن است که بسیاری از رهبران کمپین مقاومت‌های مدنی مایل بوده باشند که از تاکتیک‌های خشونت‌آمیز استفاده کنند، درصورتی که به آرمان آن‌ها کمک کند.، ولی این کار را نکردند و به جای آن با توجه به شرایط خود تصمیم گرفتند از دیسیپلین بی‌خشونت به عنوان عنصر کلیدی در استراتژی پیروزمندانه خود استفاده کنند.

جنبش‌های عدالت اجتماعی، دراین جنبش‌ها می‌توان بسیاری از تاکتیک‌های مشابه را به کار گرفت. این تاکتیک‌ها برای پشتیبانی افکار عمومی از مسائل خاصی طراحی شده است، مسائل خاصی مانند تغییر آب وهوا، اصلاحات در قوانین کیفری، نژادپرستی وازدواج همجنسگرایان. پیروزی لزوماً به تغییر دائمی در روابط قدرت نمی‌انجامد،

در مقایسه با جنبش‌های عدالت اجتماعی هدف همه کمپین‌های مقاومت مدنی شکست دشمنانی مشخص از طریق تضعیف پایگاه قدرت آن‌هاست، مخصوصاً پایگاه‌هایی که در رابطه با کنترل تمامیِ مردم هستند.

در این کتاب اصطلاح **جنبش مقاومت مدنی** بااصطلاح **کمپین مقاومت مدنی** به یک معنا وگاهی به‌جای یکدیگر به‌کار می‌روند. هردوی آن‌ها بیانگر فعالیت‌های بشری برای هدفی مشترک هستند که در مراحل مختلف ودر دوره زمانی خاصی انجام می‌شوند. اصطلاح **ناراضی** اشاره به شهروندانی دارد که با اثرات مصیبت‌بار ظلم اقتدارگرایان مبارزه می‌کنند. این آثار مصیبت‌بار شامل نقض حاکمیت قانون، فساد، نقض حقوق بشروهمه بی‌عدالتی‌های سیستماتیک دیگری است که زندگی وآزادی را تهدید می‌کنند. این افراد را **فعالین دموکراسی‌خواه** نیز می‌نامند ودراین کتاب هر دو اصطلاح به جای هم به کار برده می‌شوند.

اصطلاح **خودکامگی** به جای اصطلاحات **دیکتاتوری، اقتدارگرایی واستبداد** نیزبه کاربرده می‌شود. رهبران این سیستم‌های سیاسی **خودکامگان، دیکتاتورها، اقتدارگرایان** ومستبدین خوانده می‌شوند ومشترکات این رژیم‌ها، کنترل اهرم‌های قدرت درجامعه است که به آزارسیستماتیک و نقض حقوق بشرشهروندان می‌انجامد.

ازدیدگاه‌یک‌ناراضی‌تفکیک‌بین**کمپین‌مقاومت مدنی، تاکتیک‌ها واستراتژی** مفید خواهدبود. ازدیدگاه یک ناراضی **کمپین مقاومت** مدنی یعنی مجموعه تمامی درگیری‌های بی‌خشونت از ابتدا تا انتهای پیروزشدن. تاکتیک‌ها کنش‌های خشونت‌بار ویا بی‌خشونتی را که مبارزین در زمان و مکانی مشخص انجام می‌دهند، توضیح می دهد. استراتژی پیوند هماهنگ کننده بین تاکتیک‌ها برای ضربه حداکثری بر دشمن است.

برای توضیحات بیشتر درباره اصطلاحات مبارزات بی‌خشونت به واژه نامه مقاومت مدنی نوشته هاردی مریمن ونیکولای باراک یوسفی در وبسایت مرکز می توانید بین‌المللی مبارزات بی‌خشونت مراجعه کنید.این نوشته را در سایت مرکز یاد شده دانلود کنید.

بایکوت که نقش تعیین کننده‌ای در تاریخ کنش‌های بی‌خشونت بازی می‌کند (به عنوان نمونه نمودار شماره ۱ را نگاه کنید که اصطلاحات کنش بی‌خشونت درآن توضیح داده می‌شود.)

نوآوری‌های شارپ برای درک درست ما از مقاومت مدنی بسیار مفید است. دو کتاب مهم او، روش‌های کنش بی‌خشونت و جلد دوم آن سیاست‌های کنش بی‌خشونت به شناساندن ۱۹۸ روش (یا تاکتیک) اختصاص یافته است.[۳] بدون این لیست (و موارد قبل از آن) کنش بی‌خشونت انتزاعی باقی می‌ماند و دردوران مبارزات، بینشی عملی برای فعالین دموکراسی‌خواه ارائه نمی شد.[۴]

در دنیای امروز ثابت شده است که این یازده تاکتیک شارپ بیشترین ضربه را به خودکامگان برای کنترل مردم می زند:

- دادخواست گروهی یا عمومی
- تجمعات اعتراضی یا حمایتی
- کناره‌گیری از سازمان‌های اجتماعی
- تحریم برخی کالاها و خدمات توسط مصرف کنندگان
- ناکارآمدی عمدی و عدم همکاری با برخی ازسازمان‌های دولتی
- تحریم ازطرف تولیدکنندگان (خودداری تولیدکنندگان از فروش ویا تحویل تولیدات خود.)
- امتناع از پرداخت هزینه‌ها، عوارض وارزیابی‌ها
- اعتصاب درمراتب مختلف (کارگربه کارگر، منطقه به منطقه؛ توقف تدریجج)
- توقف فعالیت‌های اقتصادی (زمانی که کارگران اعتصاب می‌کنند و کارفرمایان نیز فعالیت‌های اقتصادی را همزمان متوقف می‌کنند)
- اعتصاب همراه با ماندن درمحل کار (اشغال محل کار)
- ایجاد کار زیادی برای تشکیلات اداری

من در سال ۱۹۷۶ تز دکترای خود را با عنوان جنبه‌های استراتژیک جنبش‌های مقاومت بی‌خشونت تحت نظر شارپ نوشتم وبا موفقیت ازآن دفاع کرد.

---

۳ - جین شارپ، سیاست‌های کنش بی‌خشونت ، بخش دوم: روش‌های مبارزه بی‌خشونت (بوستون، ماساچوست:ناشران پورتر سارجنت، ۱۹۷۳).

۴ - رجوع کنید به کریشنالال شریدارانی، جنگ بدون خشونت: مطالعه روش گاندی و دستاوردهای آن (نیویورک: هارکورت، بریس وشرکت، ۱۹۳۹)؛ ومارتین اوپنهایمر و جورج لیکی، کتابچه راهنمای اقدام مستقیم: استراتژی و تاکتیک برای حقوق مدنی و همه موارد دیگرجنبش‌های اعتراضی بدون خشونت (شیکاگو، ایلینوی: کتاب های چهارگانه ۱۹۶۵)

پایان نامه من الهام گرفته از مقاله‌ای نوشته پروفسور شلینگ است که ۶۰ سال پیش در کتاب "مقاومت مدنی به عنوان یک دفاع ملی: کنش بی‌خشونت در برابر تهاجم" نوشته شده است. شلینگ مشاهده کرده بود که:

خودکامه و مردم تحت کنترلش به نوعی مواضعی متقارن دارند. مردم می‌توانند بیشتر چیزهایی که خودکامه از آن‌ها می خواهدرا دریغ کنند، یعنی اگر بخواهند می‌توانند. اگر آن‌ها سازماندهی منضبطی داشته باشند، می‌توانند از همکاری خودداری کنند. خودکامه می‌تواندهر چه را که از او می‌خواهند رد کند. او می‌تواند این کار را با استفاده از نیروهای تحت فرمانش وبا زور انجام دهد.... در اینجا شرایط چانه‌زنی به وجود می‌آید و هر کدام از طرفین که منضبط تربوده وسازماندهی بهتری داشته باشند، می‌توانند بیشتر خواسته‌های طرف مقابل را رد کنند. شرایط تا زمانی که یک طرف برنده شود در همین وضعیت باقی می ماند.[۵] به نظر شلینگ تاکتیک‌هایی که مقاومت کنندگان مدنی انتخاب می‌کنند مانند تاکتیک‌های اقتدارگرایان سود وزیان‌هایی دارد. برنده طرفی است که این سود و زیان‌ها را به بهترین وجه برای طرف خود توزیع می کند. مقاومت کنندگان مدنی ماهر می‌خواهند اختلال ایجاد کنند تا بیشترین ریزش را در نیروهای طرف مقابل سبب شوند ومطلوب آن‌ها این است که تاکتیک‌هایی را به خدمت بگیرند که اختلالات نسبتاً کوچک به ریزش بسیار زیاد نیروهای طرف مقابل بیانجامد. اقتدارگرایان ماهر باید مردم را غالباً با استفاده از خشونت به اطاعت وادارند ومطلوب آن‌ها این است که با کمترین خشونت بیشترین تعداد را وادار به اطاعت کنند. ریزش جمعی در برابر اطاعت جمعی برنده را تعیین می‌کند.امیدوار بودم، با استفاده از بینش شلینگ، تحقیق در مورد مقاومت مدنی را با استفاده از مطالعه قدرت (به عنوان مثال، این که کدام طرف بیشترین امتیاز را دارد) تا مطالعه استراتژی (به عنوان مثال، تعیین این که کدام طرف بیشترین دست‌آورد را دارد) گسترش دهم. می‌خواستم بیشتر بفهمم چه کسی و چرا برنده مبارزات مقاومت مدنی می‌شود. هدف من هرگز خلق مدلی برای پیش بینی نبود، بلکه می‌خواستم ویژگی‌هایی که ممکن است به نفع هر یک از طرفین باشد را برجسته کنم. پایان نامه من دو مورد از کنش بی‌خشونت را که نمی‌توانستند بیش از این باهم تفاوت داشته باشند مقایسه می‌کند: اولین انقلاب روسیه بین سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ وجنبش استقلال هند ومخصوصاً تاکید من بر دوره زمانی بین ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۱ است.

من می‌خواستم بیشتر بفهمم چه کسی وچرا برنده مبارزات مقاومت مدنی می‌شود.

---

۵ - توماس سی شلینگ، "چند سوال در مورد دفاع مدنی"، درمقاومت مدنی به عنوان یک دفاع ملی: اقدام بی‌خشونت علیه تجاوز، ویرایش: آدام رابرتز (هاریسبورگ، پنسیلوانیا، انتشارات استاکپول، ۱۹۶۸)، ۳۰۴

انقلاب اول روسیه یک قیام توده‌ای بی‌خشونت، خودجوش وبدون رهبری بود، اما به یک موفقیت اولیه علیه تزار دست یافت وآن هم خلق دومای اول(مجلس) بود. متاسفانه مجلس صحنه رقابت بلشویک‌ها ومنشویک‌ها شد وبه خشونت‌های پراکنده در مسکو وسنت پترزبورگ تنزل یافت وبه آسانی توسط نیروهای تزار سرکوب ومجلس منحل شد.

جنبش استقلال هندوستان توسط ماهاتما گاندی رهبری می‌شد، شخصیتی کاریزماتیک که به نحوفوق‌العاده‌ای قادر بود هندوها ومسلمان‌ها را برای اخراج انگلیس‌ها از هند متحد کند. تحت رهبری خلاقانه اودر راهپیمایی نمک در سال ۱۹۳۰ بیش از ۲۵۰ میلیون نفر هندی شرکت کردند. اختلالاتی که به علت حمله بی‌خشونت به معدن نمک به وجود آمد، سبب شد که نایب‌السلطنه مجبور شود مستقیماً با گاندی وارد مذاکره شود. تفاوت گسترده درنتیجه مبارزات این دوجنبش به سه تصمیم گیری مشخص توسط ناراضیان بستگی داشت:آیا متحد شدند؟ آیا برنامه ریزی کرده و تاکتیک‌های مختلف کنش بی‌خشونت را اجرا کردند؟ آیا دیسیپلین کنش بی‌خشونت را حفظ کردند؟ درانقلاب روسیه پاسخ به هرسه تصمیم" نه" و درجنبش استقلال هند پاسخ به هرسه تصمیم "آری" بود. این تصمیمات آزادانه توسط ناراضیان گرفته شده بود ونه توسط دشمنان اقتدارگرای آن‌ها. همچنین امکان ندارد که بشود استدلال کرد کدام یک از اقتدارگرایان، تزار روسیه ویا نایب السلطنه هند مهارت بیشتری در حفاظت از موقعیت خود داشتند، برای این که رویدادها هر دوی آن‌ها را سردرگم کرده بود. بنابراین نتیجه‌گیری منصفانه به شرح زیراست: اول، هندی‌ها بامهارت بیشتر دربه اجرا گذاشتن تاکتیک‌های بی‌خشونت بر روس‌ها برتری داشتند ودوم، پروفسور شیلینگ درست می‌گفت که ناراضیان "با انضباط مناسب وسازمان داده شده" در برابر دشمنان اقتدارگرا بیشترین شانس را برای برنده شدن دارند .مطلب بالا این بحث جاری درعلوم اجتماعی را پیش می‌کشد که آیا اتفاق افتادن رویدادها به دلیل ساختاراست (یعنی سازماندهی) ویا عاملیت (یعنی مهارت افراد). من معتقدم که با مورد قانع کننده‌ای روبروهستیم که دریک مبارزه بی‌خشونت میان ناراضیان وخودکامه‌ها، مهارت‌ها عامل تعیین کننده طرف پیروز است .اکثریت قاطع به اصطلاح واقع گرایان سیاسی این نتیجه را با توجه به سلاح‌هایی که هرخودکامه‌ای دراختیار دارد، مسخره می‌دانند.

در یک مبارزه بی‌خشونت میان ناراضیان وخودکامه‌ها، مهارت‌ها عامل تعیین کننده طرف پیروزاست.

به معنای این سخن درعمل فکرکنید: اگر نقش أنواع برتری‌های ناراضیان برخودکامگان محل شک باشد، اما این مهارت ناراضیان درراه‌اندازی کمپین‌های مقاومت مدنی است که بدون شک عنصر تعیین کننده درپیروزی است. ناراضیان می‌توانند محدودیت‌هایی را که برآن‌ها قبل از شروع مبارزات بی‌خشونت به ظاهر تحمیل شده، ارزیابی کنند وتا لحظه پایان درگیری، براساس تجربیات به دست آمده امکان بازنگری درفعالیت‌ها را دارند. برای همین است که درمیان گذاشتن اخبارامیدوارکننده با فعالان دموکراسی خواه وسایر حوزه‌های مرتبط، تعهد اصلی من درطول کارم بوده است.

شواهدی که این دیدگاه را تایید می‌کند فراوان است. از زمان مهاتما گاندی تا جنبش حقوق مدنی آمریکا، از مبارزه برای دموکراسی در اروپای شرقی در زمان جنگ سرد، تا مبارزه علیه نژادپرستی در آفریقای جنوبی، تاریخ ملت ها با کمپین‌های مقاومت مدنی شرکت گرفته است. در دهه های اخیر شاهد شتاب گرفتن نسل جدیدی از از جنبش‌ها و رهبران در کشورهایی مانند الجزایر، ارمنستان، بحرین، بورکینافاسو، مصر، گرجستان، گواتمالا، هنگ کنگ، ایران، لبنان، میانمار، نپال، نیکاراگوئه، پاکستان، لهستان، روسیه، صربستان، اسلواکی، سودان، توگو، تونس، اوکراین، ونزوئلا و زیمبابوه بوده‌ایم.

دربسیاری از این کشورها بسیج بی‌خشونت مردمی قدرت خودکامگان را از بین برد، عقب‌نشینی دمکراتیک را ممکن، فساد را محدود وتاب‌آوری اجتماعی را تقویت کرد. حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق اقلیت‌ها وسایر گروه‌های مورد تهدید پیشرفت کرد. اگرچه درپاره‌ای موارد این جنبش‌ها درهمه جنبه‌ها نتوانستند دستاوردهای خود را تثبیت کنند(بعنوان مثال، بحرین و مصر) و برخی دیگر همچنان ادامه دارد(بعنوان مثال، ایران، میانمار، ونزوئلا و زیمبابوه) اما شواهد محکم تاریخی نشان می‌دهد که جنبش‌های مقاومت مدنی تنها محرک بزرگ گذارازاقتدارگرایی به دموکراسی هستند. خودکامگان این راعلنا نمی‌گویند، اما سناریویی است که بیشترین وحشت را از آن دارند. پاشنه آشیل آن‌ها مقاومت مدنی پایدارو همگانی توسط مردم درمقابل کسانی است که سعی می‌کنند برآن‌ها حکومت کرده و آن‌ها را سرکوب کنند.

جین شارپ معتقد بود و من هم هنوز معتقدم که مقاومت مدنی درمبارزه علیه خودکامگان درهرگوشه ازجهان مطرح بوده وهست. در سال ۱۹۸۳ انستیتو آلبرت انیشتن را بنیان نهادیم تا دانش مقاومت مدنی را به ناراضیانی که در گرماگرم جنگ در خطر سرکوب قرار داشتند، انتقال دهیم. به این نتیجه رسیدیم که بهترین گزینه ما ارتقاء دانش و بینش عمومی درباره چگونگی راه انداختن کمپین‌های موثر مقاومت مدنی است، ولی تاکتیک‌های مشخصی را توصیه نکردیم.



ازچپ به راست: پیتراکرمن، جین شارپ و وزیردفاع لیتوانی، آدریوس بوتکویچیوس، درویلنیوس ۱۹۹۱

گفتن به ناراضیان که" اول اینجا اعتصاب کنید وبعد آنجا اعتراض کنید" بسیار خطرناک بود. استراتژی وتاکتیک‌های هرمبارزه بی‌خشونتی منحصر به فرد است وبا توجه به فرهنگ، مذهب، اقتصاد وسایر فاکتورها در آن کشور بخصوص شکل می‌گیرد وتنها رهبری بومی می‌تواند آن را درک کند. قبل از اینکه توصیه کنیم، پذیرفتیم که درباره صحنه نبرد آن‌ها چیزی نمی دانیم، از جمله مقاصد وتوانایی‌های دشمنان خشنی که با آن‌ها روبرو هستند.

با همه این‌ها، در موارد نادری ما وارد مناطق درگیری شدیم تا به مبارزین بی‌خشونت کمک کنیم. یکی از تجربه‌های به یاد ماندنی ما سفر به لیتوانی در سال ۱۹۹۱ برای دیدار با نخست وزیروزیر دفاع بود. نیروهای روسیه تازه وارد کشور شده ودریک رویارویی درایستگاه اصلی تلویزیون شهرویلنیوس ۱۵۰ نفراز اهالی لیتوانی را کشته بودند. مخالفین خواهان استراتژی جایگزینی برای دفاع مسلحانه بودند تا با تهاجم تمام عیاری که می‌ترسیدند قریب‌الوقوع باشد، مقابله کنند. امروزه دولت لیتوانی طرح کاملی برای مقاومت مدنی توده‌ای در برابر اشغال احتمالی نیروهای خارجی دارد. درآن دوران ودر طول آن برخورد وبسیاری برخوردهای دیگر که بعدا اتفاق افتاد، با ناراضیانی آشنا شدیم که فکر می‌کردند درمقابل دشمنان خودکامه خود با مشکلات فراوانی روبروخواهند بود.

همگی مشتاقانه به دنبال توصیه‌های ما بودند تا بدانند چگونه می‌توانند استراتژی بهینه‌ای را برای مقاومت بی‌خشونت خود انتخاب کنند.

گذشته از کاردرانستیتو آلبرت اینشتین من از تهیه چند فیلم درباره مقاومت مدنی نیزحمایت کردم. یکی ازآن‌ها فیلم مستندی بود به نام نیروی برتر که نامزد جایزه امی بود ومن مشاور اصلی آن درباره محتوای فیلم بودم. این فیلم در سپتامبر سال ۲۰۰۰ در شبکه عمومی آمریکا (پی.بی.اس) نشان داده شد وحاوی شش قسمت درباره مقاومت بی‌خشونت بود:

- جنبش آزادی هند علیه برتانیا در دهه ۱۹۳۰
- جنبش حقوق مدنی ایالات متحده در دهه ۱۹۶۰
- مبارزات ضد آپارتاید آفریقای جنوبی در اواسط دهه ۱۹۸۰
- مقاومت دانمارک در برابر اشغال نازی‌ها در اوایل دهه ۱۹۴۰
- مخالفت کارگران شیلیایی با حکومت ژنرال آگوستو پینوشه در دهه ۱۹۸۰
- جنبش همبستگی لهستان برای اتحادیه‌های مستقل و حقوق دمکراتیک در ۱۹۸۰

پیام بنیادی نیروی برتر این است:علیرغم این که این مبارزات در قاره‌های مختلف و در طول دهه‌های مختلف رخ می‌دهند، همگی داستان یکسانی را روایت می‌کنند. این مبارزات نشان می دهند که چگونه تاکتیک‌های بی خشونت را می توان در قالب یک استراتژی منسجم برای از هم پاشاندن حتی سرکوب‌گرترین دشمنان اقتدارگرا به کار گرفت.

دومین فیلمی که من یکی از تهیه‌کنندگان آن بودم به نام پایین آوردن دیکتاتور در سال ۲۰۰۲ در پی. بی. اس نشان داده شد و داستان برکناری اسلوبودان میلوسویچ قصاب بالکان با استفاده از مقاومت مدنی سازمان یافته بود. برخلاف تصور عمومی، او قدرت خود را بدون شلیک یک گلوله از دست داد.

پایین آوردن دیکتاتور جایزه پیبادی برای بهترین مستند را در سال ۲۰۰۲ برد ودر همان سال از طرف اتحادیه بین‌المللی فیلم‌های مستند به عنوان بهترین فیلم مستند سال انتخاب شد. این فیلم به همراه دو فیلم دیگر جایزه فیلم مستند برای مقاومت مدنی را برده بود وبه بیش از ۲۰ زبان وگویش ترجمه شد[۶]، وتوسط میلیون‌ها نفردر بیش از ۱۰۰ کشور دیده شد.

---

۶ - مستندهای انقلاب نارنجی، وقایع اوکراین در سال ۲۰۰۴ ومصر: انقلاب نیمه تمام، وقایع مصر در سال‌های قبل وبعد از انقلاب مصر در سال ۲۰۱۱ تمام فیلم‌ها را می‌توان به صورت رایگان دید. در https://www.nonviolent-conflict.org/icncfilms/

موفقیت این فیلم‌ها تایید کرد که تقاضاهای بیشتری برای دانش در زمینه مقاومت مدنی وجود دارد. بیشتر از آن‌چه انستیتو آلبرت انیشتن خود را برای آن آماده کرده بود. شارپ می‌خواست انستیتوی آلبرت انیشتن عمدتاً بر کارهای او تمرکز کند و من می‌خواستم در زمینه خلق و گسترش دانش برای فعالان دموکراسی‌خواه تهاجمی‌تر عمل کنم. در سال ۲۰۰۲ مرکز بین‌المللی مبارزه بی‌خشونت را تاسیس کردم. هدف من حمایت از تحقیقات نوین و به اشتراک‌گذاری دانش مقاومت مدنی برای پیشبرد حکمرانی دمکراتیک مطابق با اعلامیه جهانی حقوق بشر بود.

تئوری ICNC (مرکز بین‌المللی مبارزات بی‌خشونت) برای تغییر بر اساس این سه مدل است:

نمودار ۱: تئوری آی سی ان سی برای تغییر



این مدل تاکید می‌کند که وجود ناراضیان وفعالان دموکراسی‌خواه آگاه برای پیشرفت بشریت حیاتی است ونیز تاکید دارد که برای تغییر حاکمیت استبدادی باید با استبداد روبرو شد وآن را به چالش کشید. خودکامگی، غیرانسانی‌ترین شرایط را به وجود می‌آورد وبه خشونت گسترده، مرگ، بلایا، بیماری‌های غیرقابل کنترل، فقر، جهل وفساد منجرمی‌شود. این مسائل تنها با تغییر رابطه قدرت بین خودکامگان وشهروندان حل می‌شود.

مقاومت مدنی مردم را قادرمی‌سازد که با خودکامگان به گونه‌ای مبارزه کنند که احتمال موفقیت خود را به حداکثر واحتمال از دست دادن جان را به حداقل برسانند. داده‌های تحقیقات محور نشان می‌دهد که مقاومت مدنی بیشترین پتانسیل را برای گذار به یک سیستم دمکراتیک پایدار دارد که نتیجه آن توسعه سیاسی، اجتماعی واقتصادی است.

علاوه براین، کمپین‌های مقاومت مدنی بسیار بیشتر از آن است که تصورمی‌شود. بیش از ۱۵۰ کمپین جدید تاکنون تنها درقرن حاضرظهور کرده است. از جمله ۹۵ کمپین جدید که درسال‌های ۲۰۱۰تا ۲۰۱۹ آغاز شد. در همین دوره تعدادکمپین‌های جدید مقاومت مدنی بسیار بیشترازتعداد شورش‌های خشونت‌آمیز جدید است (نمودار ۲را ببینید).

اگرچه تناقضی هم وجود دارد: با آن‌که مقاومت مدنی استراتژی ترجیحی برای آزادی دراطراف دنیا شده، نرخ موفقیت آن‌ها به نحو چشمگیری کاهش پیدا کرده است. (نمودار شماره ۳ را ببینید).

نمودار ۲: شروع کمپین های توده‌ای بی خشونت وخشونت بار به تفکیک دهه ها (۱۹۰۰- ۲۰۱۹)

Source: Erica Chenoweth, "The Future of Nonviolent Resistance," *Journal of Democracy* 31, no. 3 (July 2020): 69–84.

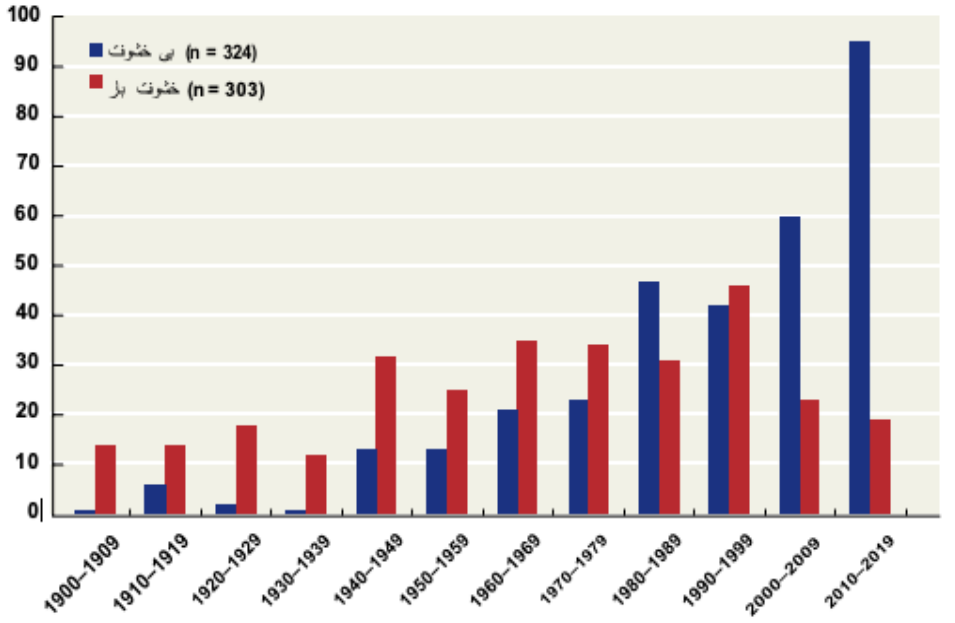

نمودار ۳: نرخ موفقیت درکمپین های توده‌ای بی خشونت وخشونت باربه تفکیک دهه ها (۱۹۰۰- ۲۰۱۹)

Source: Erica Chenoweth, "The Future of Nonviolent Resistance," *Journal of Democracy* 31, no. 3 (July 2020): 69–84.

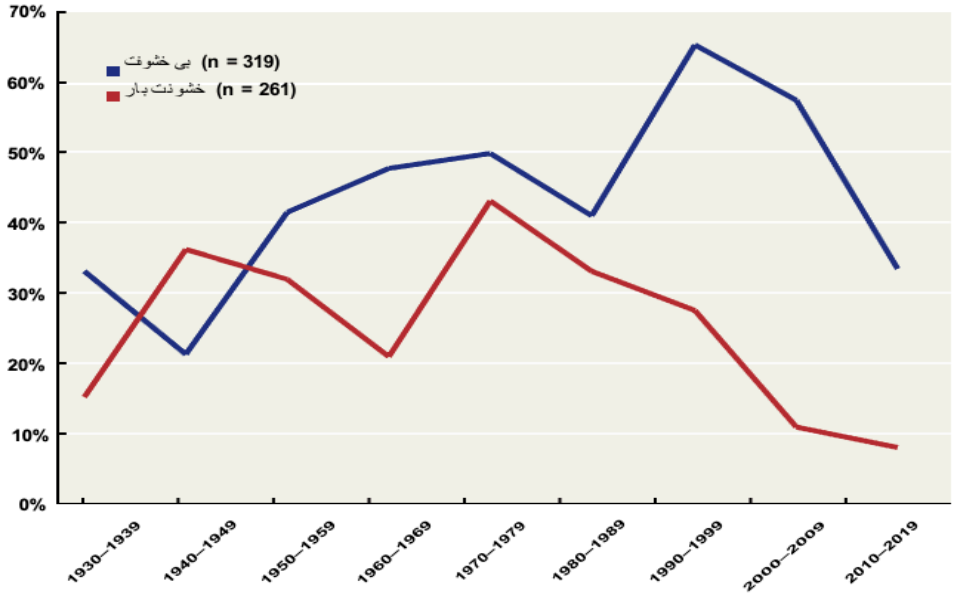

یک دلیل برای کاهش نرخ موفقیت این است که خودکامگان مهارت‌های خود را برای رویارویی ومقابله با فعالان دموکراسی خواهی که قدرت آن‌ها را به چالش کشیده‌اند افزایش داده‌اند. به عنوان مثال خودکامگان در تضعیف وحدت ناراضیان والقاء خشونت درصفوف آن‌ها مهارت بیشتری یافته‌اند ودرنتیجه سبب کاهش مشارکت درمبارزات بی‌خشونت می‌شوند. آن‌ها همچنین دراستفاده ازفناوری‌های پیشرفته برای محدود کردن حریم خصوصی وسرکوب آزادی‌های فردی مهارت بیشتری یافته‌اند.

دلیل دوم کاهش نرخ موفقیت این است که همگام با کمپین‌های مقاومت مدنی، آموزش دردسترس برای آن‌هایی که متعهد به مقاومت مدنی شده‌اند، نیست. ثابت شده است که اطلاعات درباره کمپین‌های مقاومت‌مدنی برای ناراضیان بسیار ارزشمند است، ناراضیانی که بزرگترین مانع آن‌ها برای مقابله با خودکامگان سردرگمی وعدم اعتماد به نفس است واین‌که چگونه استراتژی را طراحی واجرا کنند.

متاسفانه تعداد ناراضیانی که به دانش قابل استفاده در باره مقاومت مدنی دسترسی دارند بخش کوچکی ازمتقاضیان موجود هستند. افرادی حرفه‌ای مانند پزشکان یا نظامیان آموزش‌های گسترده‌ای برای ارتقاء مهارت و تخصص خود می‌بینند، این آموزش‌ها آن‌ها را قادر می‌سازد که با وجود استرس زیاد عملکرد موفقیت‌آمیزی در شرایط خصمانه داشته باشند. برعکس ناراضیان و فعالان دموکراسی‌خواه عضو حرفه شناخته شده‌ای نیستند و درنتیجه از نظرآموزش ویا تشکیلاتی حرفه‌ای، یاحمایت نمی‌شوند ویا خیلی کم حمایت می‌شوند. می‌بینند، این آموزش‌ها آن‌ها را قادر می‌سازد که با وجود استرس زیاد عملکرد موفقیت‌آمیزی در شرایط خصمانه داشته باشند. برعکس ناراضیان و فعالان دموکراسی‌خواه عضو حرفه شناخته شده‌ای نیستند و درنتیجه از نظرآموزش ویا تشکیلاتی حرفه‌ای، یاحمایت نمی‌شوند ویا خیلی کم حمایت می‌شوند.بنابراین پیدا کردن راه‌های جدید برای بالا بردن سطح مهارت ناراضیان ام روزی، اگربخواهند درسطحی برابربا اقتدارگرایان سرکوبگررقابت کنند، بسیار حیاتی است. در این کتاب سعی برآن است که نقش حیاتی ناراضیان در به چالش کشیدن قدرت خودکامگان ومتحدین‌شان تقویت شود. امیدوارم "چک لیست برای پایان بخشی به خود کامگی" بتواند راه‌های نوآورانه‌ای را ارائه دهد که منجر به افزایش تعداد فعالان دموکراسی‌خواه شود. کسانی که بتوانند کمپین‌های مقاومت مدنی را رهبری کرده وبه پیروزی برسانند. انجام این امر می‌تواند توازن قوا بین ناراضیان وخودکامگان برقرار کند واین امر عامل اصلی خواهد بود در برافروختن موجی از جنبش‌های دموکراسی خواهانه موفق در سرتاسر دن.

سمت راست: تظاهرکنندگان انقلاب نارنجی در کیف، اوکراین، ۲۰۰۴


УКРАЇНА
Так!
Так
мінресурс!

بهترین راه برای درک
مبارزات بی‌خشونت این است
که آنرا جنگ قدرتی بین
ناراضیان وخودکامگان تصور
کنیم. زمانی‌که کمپین مبارزه
بی‌خشونت پایان می‌یابد تنها یک
برنده و یک بازنده وجود خواهد
داشت. مهارت بیشتر طرف
پیروز را تعیین می‌کند.

۲

فصل دوم

غلبه بر ترس و سردرگمی:

پنج ایده که ناراضیان باید بدانند

در طی ۱۸ سال گذشته مرکزبین‌المللی مبارزات بی‌خشونت انتشار اطلاعات درباره مقاومت مدنی را برای مردم جهان تسریع کرده است. ما از طریق فیلم‌ها، کارگاه‌ها، سخنرانی‌ها و ترویج تحقیقات، با محققین، متخصصان رسانه‌ای وسیاست خارجی، مقامات دولتی و اعضای جامعه بین‌المللی غیردولتی(NGO) تبادل اطلاعات کرده‌ایم. وب سایت موسسه (www.nonviolent-conflict.org) یک اتاق تهاتر جهانی درباره اطلاعات مربوط به مقاومت مدنی است، با منابع ترجمه شده دربیش از ۷۰ زبان و گویش مختلف - فهرستی که پیوسته درحال گسترش است (جدول ۲ را ببینید).

مهم‌ترازهمه، تعامل قابل توجهی با هزاران ناراضی وفعال دموکراسی‌خواه در بیش ازصد کشورو درهمه قاره‌ها داشته‌ایم (شکل۴ را ببینید).

قصد ما این است که نشان دهیم چگونه توزیع گسترده اطلاعات درباره مقاومت مدنی می‌تواند میزان خشونت‌های مرگباررا پایین بیاورد وچشم‌اندازحاکمیت دمکراتیک عاری از فساد وحامی حقوق ابتدایی بشررا بهبود ببخشد.

زمانی این فعالیت‌ها برسمیت شناخته شد که آی سی ان سی درسال ۲۰۱۴ کاندیدای جایزه نوبل شد. تعدادی از امضاء کنندگان عبارتند از: لخ والسا، رئیس جنبش همبستگی درلهستان که خود برنده جایزه نوبل صلح بود، توماس شلینگ، برنده جایزه نوبل ۲۰۰۵ در اقتصاد؛ لری دایموند، محقق برجسته وضعیت دموکراسی در جهان؛ جیمز استاوریدیس، نفر اول نیروی دریایی فرماندهی عالی نیروهای متفقین، ناتو در اروپا؛ و کشیش جیمزلاوسون، استراتژیست برجسته جنبش حقوق مدنی ایالات متحده وسازمان‌دهنده تحصن‌ها در نشویل در سال ۱۹۶۰(به جدول ۳ مراجعه کنید).

جدول ۲: منابع در کتابخانه آی سی ان سی به ۷۴ زبان					
تایلندی	هستانی	لتونی	هندی	تاتارها کریمه	آفان اورومو
تبتی	پرتغالی	لینگالا	اندوزینیایی	کرواسی	آمهری
تیگرینیا	رتغالی برزیلی	لیتوانیایی	ایتالیایی	دری	عربی
ترکی	پرتغالی قاره ای	لوگاندا	ژاپنی	هلندی	ارمنی
اوکراینی	روسی	مقدونیه ای	جینگ پا	انگلیسی	آذری
اردو	صربی	مالاگاسی	زبان کنادایی	استونی	بلوچی
ازبکی	سندی	مالایایی	کارن	فارسی	بنگالی
ویتنامی	اسلواکی	ماياها	خمری	فرانسوی	بلاروسی
کوسا	سپانیایی	دوشنبه	کیروندی	گرجی	بوسنیایی
	سواحیلی	مغولی	کیتوبا	آلمانی	برمه ای
	تاگالوگ	نپالی	کره‌ای	گجراتی	کاتالان
	تامیلی	نروژی	کردی	هاییتی کرول	چین
	تلوگو	پشتو	قرقیزی	عبرانی	چینی

تجربه ما بوده است که درزندگی تحت حکومت خودکامگان، ناراضیان از هرکجا که باشند، چالش‌های مشترکی دارند. فعالان دموکراسی‌خواه محدود به سه نوع انتخاب هستند. دوتای آن‌ها یا خوشایند نیستند ویا مملوازخطرهای ناشناخته هستند. معمولا یک ناراضی کسی است که گزینه اول یعنی انفعال ویا رضایت از شرایط موجود ونبود آزادی را رد کرده است. به جز چند مورد استثنایی آنان اطمینان کمی برای گزینه دوم یعنی راه‌اندازی شورشی خشونت‌باردارند. برخی ازآن‌ها قبلاً در شورش خشونت‌آمیز شکست خورده ویا مشارکت داشته‌اند واکنون استراتژی‌های جایگزین را بررسی می‌کنند.

دراین شرایط تنها گزینه سوم یعنی مقاومت مدنی باقی می‌ماند که ناراضیان درباره آن دو عقیده متضاد دارند. گروهی باوردارند که کمپین مبارزه بی‌خشونت آخرین وتنها امید آن‌ها برای کسب آزادی واحقاق حقوقشان است. گروه دوم فکر می‌کنند که آیا شرایط منحصر به فرد آن‌ها کمپین مقاومت مدنی را بی‌اثرنخواهد کرد. مهمترازهمه، فعالان دموکراسی‌خواه به دنبال ایده‌هایی هستند که بتوانند به آن‌ها باورداشته باشند. در این مورد هم مانند همه اشکال رقابت، اعتماد به نفس برای روشن‌اندیشی، اقدام قاطع وسرسخت باقی‌ماندن حیاتی است. هرطرف، چه ناراضیان وچه خودکامگان که بیشترین اعتماد را به استراتژی خود داشته باشند وآن را قابل اجرا بدانند، احتمالاً در مبارزه بی‌خشونت پیروزمی‌شوند. به همین دلیل بسیارمهم است که دراولین برخورد، پنج ایده متمایز با ناراضیان درمیان گذاشته شود تا ترس آن‌ها را کاهش داده وتوقع آن‌ها را نسبت به پیروزی بردشمنان خودکامه بالا ببرد.

ما امضا کنندگان زیر....سازمانی پیشگام را که دانش خود در زمینه پیگیری عدالت را با بقیه به اشتراک می‌گذارد، نامزد دریافت **جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۱۴** می‌کنیم. گروهی متشکل از پژوهشگران فعال که در یازده سال گذشته **انتشار اطلاعات قابل اتکاء وعملی** را تقویت، تعمیق وگسترش داده‌اند. این اطلاعات براساس نتایج ملموس، تحقیقات دقیق وداده‌های تاریخی قابل اعتماد به دست آمده‌اند.

به بیانی ساده‌تر، ما گروهی را نامزد می‌کنیم که درک کنش بی‌خشونت را دردنیا قابل فهم کرده است..... ایده‌ها خود به خود آموزش نمی دهند ومردم ایده‌ها را به نحو موثری از درس‌های عملی، زمانی می‌آموزند که به متخصصین مجرب، متفکر وبهترین مواد درسی ممکن دسترسی داشته باشند.

آی سی ان سی در قرن بیست ویکم راه را برمطالعات سیستماتیک و تدریس جهانی استراتژی‌های موثروپویا، همراه **با بهترین تمرین‌های** جنبش‌های مقاومت مدنی گشود. ما معتقدیم علت انتشار سریع دانش مقاومت مدنی در جهان در دهه گذشته را می‌توان به کارهای اساسی این گروه نسبت داد. بدون تلاش آن‌ها، این جبهه جهانی **برای گسترش صلح** نه تنها در میان ملت‌ها که در بین خودشان چنین سازمان یافته و پایدار به وجود نمی‌آمد.

امضا شده توسط لخ والسا، توماس شلینگ، لری دایموند،

جیمز استاوریدیس، جیمز لاوسون ودیگران

جدول ۳: نامزدی آی سی ان سی برای جایزه صلح نوبل ۲۰۱۴

نمودار ۴: فعالان دموکراسی‌خواه، پژوهشگران، سیاست سازان، روزنامه نگارانی که با آی سی ان سی درکشور های



این نقشه نشان دهنده کشورها ومناطقی است (به رنگ زرد) که حداقل یک شرکت کننده از آن در یک کارگاه حضوری یا سمینار حداقل چهار روزه درآی سی ان سی شرکت کرده است. آی سی ان سی با شرکت کنندگان اکثریت قابل توجهی از این کشورها در دوره چند ساله تعاملات متعددی داشته است.

أفغانستان
الجزایر
آرژانتین
ارمنستان
استرالیا
بنگلادش
بلاروس
بلژیک

بولیوی
بوسنی‌وهرزگوین
برزیل
بلغارستان
بورکینا فاسو
برمه
بوروندی
کامبوج

کامرون
کانادا
شیلی
چین
عاج ساحل

کنگو
دومینیکن
اکوادور
مصر
السالوادور
استونی

اتیوپی
فیجی
فنلاند
فرانسه
آلمان
غنا

گینه
یونان
گواتمالا
هائیتی
هندوراس
هنگ کنگ
مجارستان
هند

اندونزی
ایران
عراق
اسرائیل
ایتالیا
قزاقستان
کنیا
کوزوو

مختلف درارتباط هستند.

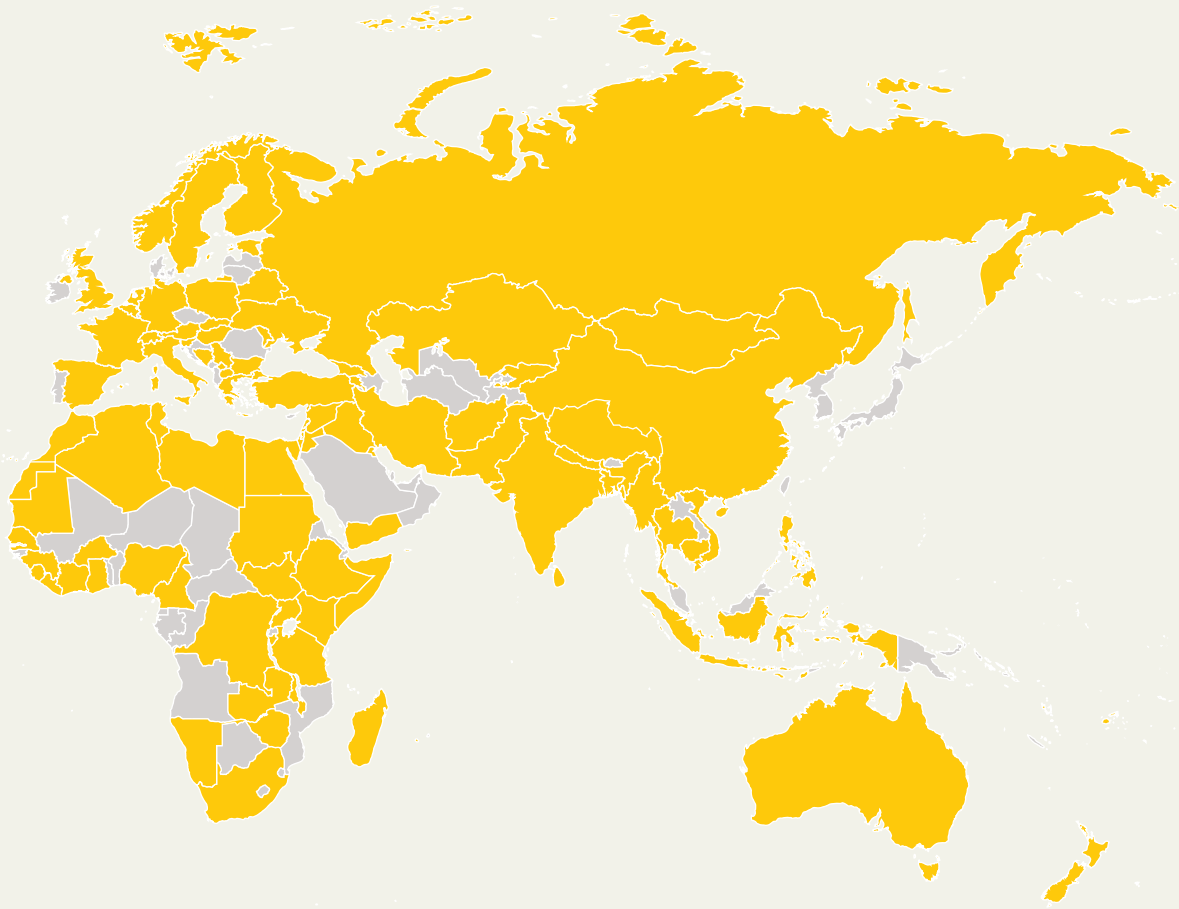

کویت
قرقیزستان
لبنان
بریا
لیبی
مقدونیه
مادااگاسکار
مالاوی
مالدیو

موریتانی
مکزیک
مولداوی
مغولستان
مراکش
نامیبیا
نپال
هلند
نیوزیلند

نیکاراگوئه
نیجر یه
نروژ
پاکستان
فلسطین
پاراگوئه
پرو
فیلیپین
لهستان

روسیه
سنگال
صربستان
سیرالئون
سنگاپور
اسلوواکی
اسلوونی
سومالی
آفریقای جنوبی

سودان جنوبی
اسپانیا
سریلانکا
سودان
سوئد
سوئیس
سوریه
تانزانیا
تایلند

نبت
نونگو
نونس
ترکیه
اوگاندا
اوکراین
ریتانیا
آمریکا

اوروگوئه
وانوآتو
ونزوئلا
ویتنام
پاپوآی غربی
صحرای غربی
یمن
زامبیا
زیمبابو

جدول ۴

۵ ایده‌ای که ناراضیان باید بدانند:

۱ ناراضیان به این حقیقت تاریخی توجه داشته باشند این راهی که آن‌ها می‌روند، بسیاری قبلاً رفته‌اند وبسیاری درآینده خواهند رفت. با توجه به این امربا اطمینان خاطرحرکت کنند.

۲ ناراضیان باید درک کنند که درمبارزه آن‌ها هیچ شرایط خاصی حاکم نیست که بتواند مانع پیروزی آن‌ها شود.

۳ استراتژی‌های مبتنی برتاکتیک‌های خشونت‌آمیز احتمال کمی برای برنده شدن دارند، برای این که راه‌های پیروزی برای آن‌ها محدود است و حال آن‌که خودداری از تاکتیک‌های خشونت آمیز وحفظ انضباط بی‌خشونت، امکان ایجاد راه‌های بیشتری را برای پیروزی فراهم می‌کند.

۴ کمپین مقاومت مدنی مطمئن‌ترین مسیربرای گذار به دموکراسی است.

۵ مهم‌ترین کاری که ناراضیان می‌توانند انجام دهند تا شانس موفقیت خود را افزایش دهند، افزایش مهارت خود درسازماندهی، بسیج و پایداری است. بدین گونه نسبت به دشمنان اقتدارگرای‌شان برتری پیدا می‌کنند.

ایده شماره ۱

ناراضیان به این حقیقت تاریخی توجه داشته باشند این راهی که آن‌ها می‌روند، بسیاری قبلاً رفته‌اند وبسیاری درآینده خواهند رفت. با توجه به این امربا اطمینان خاطر حرکت کنند.

در گذشته مطالعات موردی درباره مقاومت بی‌خشونت همیشه برای خواندن دردسترس نبود. به عنوان مثال من در سال ۱۹۷۶ تنها دو مورد را در پایان‌نامه خود مطالعه تطبیقی کردم. شانزده سال بعد در اولین کتابم، مبارزه استراتژیک بی‌خشونت: پویایی قدرت مردم در قرن بیستم، شش مورد را مقایسه کردم. در سال ۲۰۰۰ در دومین کتابم نیرویی قدرتمندتر: یک قرن مبارزه بی‌خشونت، تنها سیزده مورد را مطالعه کردم.

در سال ۲۰۰۷ آی سی ان سی، کمک مالی خود را به پروژه داده‌های مربوط به نتایج کمپین‌های بی‌خشونت وخشونت‌آمیز آغاز کرد که در سال ۲۰۱۱ به انتشار کتاب برنده جایزه " چرا مقاومت مدنی کارمی‌کند: منطق استراتژیک مبارزه بی‌خشونت " انجامید. این کتاب نوشته اریکا چنووت ومریااستفان است.[7]

این کتاب ۱۰۶ مورد کمپین‌های بی‌خشونت بین سال‌های ۱۹۰۰ و۲۰۰۶ را تحلیل می‌کند وبربرتری اثربخشی مقاومت مدنی نسبت به شورش‌های خشونت‌بار درمبارزه علیه رژیم‌های بی‌رحم با ارائه عدد ورقم تاکید دارد.

از سال ۲۰۱۱ تاکنون پروژه داده‌های NAVCO جمع‌آوری نتایج کمپین‌های بی‌خشونت وخشونت‌آمیزرا ادامه داده وبا اضافه کردن موارد دیگری ازمبارزه بی‌خشونت، تا آخرسال ۲۰۱۹ مجموع آن‌ها را به ۳۲۵ مورد رسانده است. پایگاه اطلاعات این پروژه آزاد است وفعالان دموکراسی‌خواه به راحتی می‌توانند موارد مشابه با مبارزه خود را درآن پیدا کنند.[8] این پروژه گسترش یافته تا مشاهدات روزانه داخل کمپین‌ها را هم شامل شود وبتوانیم درک بهتری ازاثرات کوتاه مدت عوامل گوناگون در جهت‌گیری کمپین‌ها داشته باشیم. درمجموع کل داده‌های ورودی میلیون‌ها مورداست.

انتشار کتاب" چرا مقاومت مدنی کارمی‌کند" اعتبار وعلاقه زیادی را درجهان برای مبارزه بی‌خشونت به عنوان یک رشته تحصیلی به وجود آورد. علاوه برآن اطلاعات این مبارزات نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری درمورد شروع کمپین مقاومت مدنی براساس خرد است ونه منحصر به فرد بودن.

---

۷ - کتاب "چرا مقاومت مدنی کارمی‌کند: منطق استراتژیک مبارزه بی‌خشونت" در سال ۲۰۱۲ جایزه بهترین کتاب درباره دولت، سیاست وامور بین‌الملل را ازبنیاد وودرو ویلسون دریافت کرد.

۸ - پروژه داده‌های(NAVCO) اکنون توسط دانشگاه هاروارد و درآدرس زیرعرضه می‌شود:

https://dataverse.harvard. edu/dataverse/navco

ایده شماره ۲

ناراضیان باید درک کنند که در مبارزه خاص آن‌ها هیچ شرایط بخصوصی حاکم نیست که بتواند مانع پیروزی آن‌ها شود.

نفی مکررمقاومت مدنی بخصوص از ناحیه حرفه‌ای‌های سیاست خارجی براین مبناست که این مبارزه تنها درررویارویی با دشمنان ملایم ویا کمترستیزمجوموفق می‌شود ودر جوامعی که یا فقیرهستند ویا اختلافات شدید قومی دارند موفق نخواهد بود. آن‌ها مداوما شکست رژیم آپارتاید درآفریقای جنوبی، دیکتاتوری پینوشه درشیلی، دیکتاتوری مارکوس در فیلیپین، رژیم کمونیستی درلهستان را نادیده می‌گیرند واخیراً به عنوان مثال می‌توان از سقوط حسنی مبارک درمصر، زین‌العابدین بن علی درتونس، عمرالبشیر درسودان که از جمله بی‌رحم‌ترین دیکتاتورهای قرن بیست ویکم بود، نام برد. نمی‌توان ادعا کرد که هیچ کدام ازاین دیکتاتورها میانه رو، ملایم ومایل نبودند که سرکوب جدی یا حتی کشتار جمعی کنند. هیچ کدام از این کشورها اقتصاد رشد یافته‌ای نداشتند. این موارد شامل جوامعی بودند که بیشترین تنوع قومیتی وفرهنگی را داشتند.

برخی از بدبینان می‌گویند: «مطمئناً شما فکر نمی‌کنید که دولت‌های توتالیتر مانند رژیم‌های کره‌شمالی یا چین می‌توانند به همین راحتی سقوط کنند؟». اولاً سقوط هراستبدادی ساده نیست. ثانیا این مهم است که به خاطر داشته باشیم دیکتاتوری‌ها آن‌گونه که به نظر می‌رسند همیشه قوی نیستند وقدرت آن‌ها می‌تواند فرسوده شده باشد، حتی زمانی که از دید ناظران بیرونی به‌نظرمی‌رسد که براوضاع مسلط هستند. بنابه قولی، زمانی که استبداد ادامه دارد خودکامگان شکست ناپذیر وزمانی که سقوط می‌کنند، بناگهان سقوط شان اجتناب ناپذیر به‌نظرمی‌رسد. سوم، طول عمر یک رژیم استبدادی به توانایی خودکامه برای داشتن استراتژی مناسب برای ماندن درقدرت بستگی دارد. در مورد کره شمالی وچین، جوامع درهردواین کشورها به سختی ایستا یا منزوی هستند - در غیر این صورت چرا این رژیم‌ها به این همه اقدامات ظالمانه نیاز دارند تا مردم را مطیع نگه دارند؟ در این گونه جوامع پویا، مراحل اولیه مقاومت مدنی تسلط خودکامه بر مردم را سست می‌کند. موج‌های بعدی مبارزه بی‌خشونت احتمال پیروزی را افزایش می‌دهد.

تحلیل وبررسی کَمّی مبارزات بی‌خشونت به لحاظ کیفی مثال‌های بالا را تایید می‌کند. در سال ۲۰۰۸ خانه آزادی(Freedom House) تحقیقی را تحت عنوان محیط‌های توانمند برای جنبش‌های مدنی و پویایی گذار دمکراتیک منتشر کرد که فاکتورهای ساختاری متفاوت و اثرآن‌ها برمقاومت مدنی را در ۶۷ گذار از اقتدارگرایی به دموکراسی بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۶ مورد آزمون قرارداد.

دراین مطالعه دیده می‌شود که عوامل سیاسی وعوامل محیطی هیچکدام اثر آماری مشخصی برموفقیت یا شکست جنبش‌های مدنی نداشته است.... جنبش‌های مدنی در کشورهای کمتر توسعه یافته و به لحاظ اقتصادی فقیر همان اندازه احتمال موفقیت دارند که جوامع توسعه یافته و مرفه. این مطالعه همچنین شواهد قابل توجهی پیدا نکرد که چند قطبی‌های مذهبی ویا قومی تاثیرعمده‌ای براحتمال ظهورمخالفان مدنی منسجم داشته باشد. به نظر نمی‌رسد نوع رژیم تاثیر مهمی برتوانایی جنبش‌های مدنی برای جلب حمایت گسترده مردم داشته باشد.[۹]

ایده شماره ۳

استراتژی‌های مبتنی بر تاکتیک‌های خشونت‌آمیز احتمال کمی برای برنده شدن دارند، برای این که راه‌های پیروزی برای آن‌ها محدود است و حال آن‌که خودداری از تاکتیک‌های خشونت‌آمیز و حفظ انضباط بی‌خشونت امکان ایجاد راه‌های بیشتری را برای پیروزی فراهم می‌کند.

دو دلیل برای این نتیجه‌گیری وجود دارد، ساختاری ودیگری براساس تحقیقات کمّی. در رابطه با دلیل ساختاری، لطفاً شکل۵ را ببینید که در آن جمعیت به چهار دسته تقسیم شده‌اند. اولین دسته رهبران أرشد هستند که بیشترین نفع را از رژیم دیکتاتوری می‌برند. دسته دوم نخبگانی از بخش‌های مختلف جامعه هستند که اهرم‌های لازم برای سرکوب را در اختیار رهبری قرارمی‌دهند. دسته سوم کارگران ومدیرانی ازارکان حمایت کننده مختلف

شکل ۵: نمای عمومی از میدان نبرد

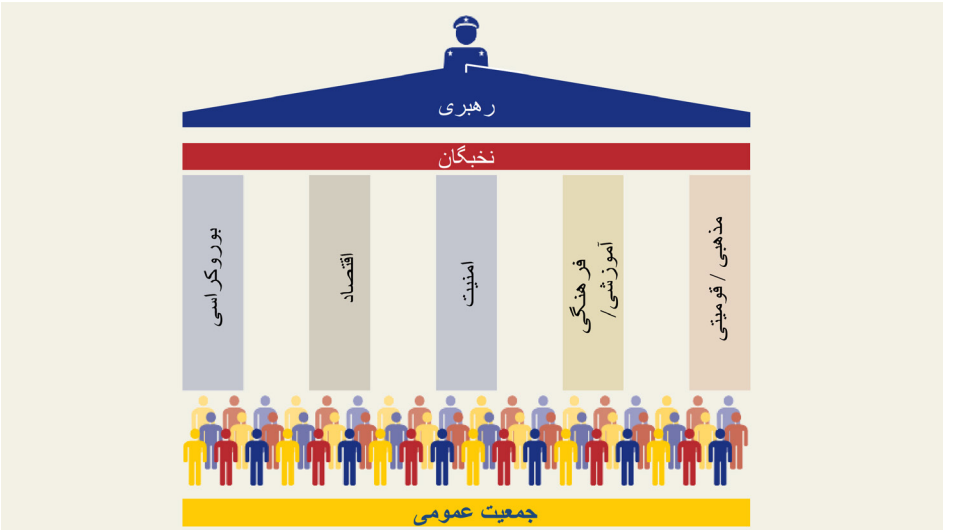

همین میدان نبرد با چک لیست سوال ۱ نیز برای توصیف استراتژی اساسی مقاومت مدنی استفاده می شود.

۹ - النورمرچنت و آرک پودینگتون، توانمند سازی محیط برای جنبش‌های مدنی وپویایی گذار دمکراتیک (واشنگتن، دی سی: خانه آزادی، ژوئیه ۲۰۰۸)

هستند که برای هر جامعه کارآمد مورد نیازند. دسته چهارم مردم عادی هستند. ارکان حمایتی در هرکشوری وفرهنگی متفاوت است وتنها رکن ثابت نیروهای امنیتی هستند.

تعدادی از شهروندان در میان مردم عادی مسئول نگهداری وخدمت‌دهی به ارکان حمایت کننده هستند. بقیه دربخش‌های نه چندان رسمی جامعه کار می‌کنند وشناسایی وکنترل آن‌ها مشکل است.

در تئوری شورش خشونت آمیز (همانطور که در شکل ۶مشاهده می‌شود)، نیروهای چریکی برای کشتن اعضای کلیدی جامعه که ارکان حمایت‌کننده را حفظ می‌کنند فعال می‌شوند. سپس به کشتن گروه نخبگان روی می‌آورند تا آن‌جا که نیروهای امنیتی دیگر نتوانند رهبری را حفاظت کنند.

شکل ۶- تئوری شورش خشونت آمیز

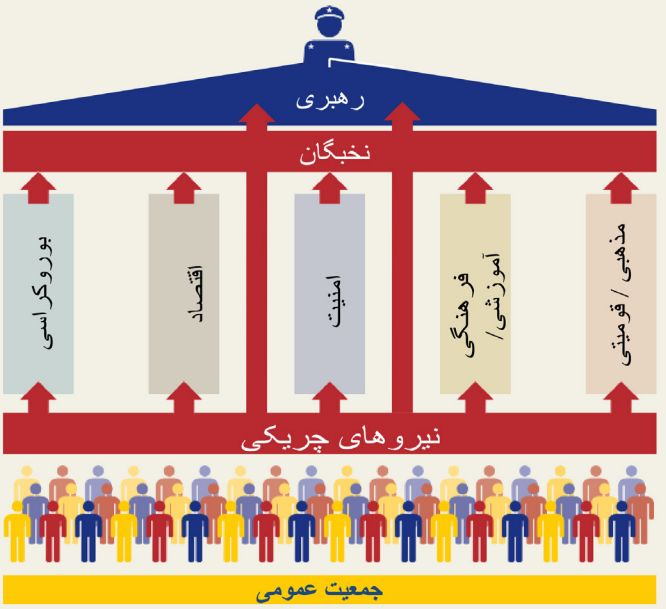

معمولاً، در چنین سناریوی خشونت آمیزی، هیچ گروه دولتی واقعی برای مذاکره درباره انتقال قدرت وجود ندارد. اگر شورشیان پیروز شوند، خودکامه ویارانش باید برای جان خود فرارکنند وشورشیان قدرت را به دست می‌گیرند. شکل ۷ نشان می دهد که چرا شورش مسلحانه مشکل وپرخطر است. شورشیان خشونت‌گرا معمولاً عملیات خود را زمانی شروع می‌کنند که نسبت به نیروهای امنیتی دیکتاتور شدیداً درموضع ضعف هستند، مگر این که شورشیان پیروزی‌های اولیه قابل توجهی داشته باشند.

در غیر این‌صورت توانایی‌های نظامی آن‌ها به سرعت به سمت زوال پیش می‌رود. نیروهای امنیتی درفرصت بدست آمده دوباره خود را سروسامان می دهند و ازحامیان کلیدی خود حفاظت می‌کنند وبا ضد حمله شورشیان را از بین می‌برند.

البته اثرات منفی آن توسط عموم که صدمات جانبی قابل توجهی از ناحیه مبارزه مسلحانه متحمل می‌شوند، بیشتر احساس خواهد شد. علاوه برآن شورش خشونت‌بارشکست خورده می‌تواند مردم را برای سال‌ها ساکت کند وآن‌ها را نسبت به هرگونه مقاومت از جمله اتکاء به تاکتیک‌های بی‌خشونت برای مخالفت با خودکامگان بی‌علاقه سازد.

بیهودگی نسبی شورش خشونت‌بار در داده‌های زیادی مورد تاکید قرارگرفته است. چند نکته مهم ارزش بررسی را دارد:

شکل ۷- شورش خشونت‌بار: خطرات

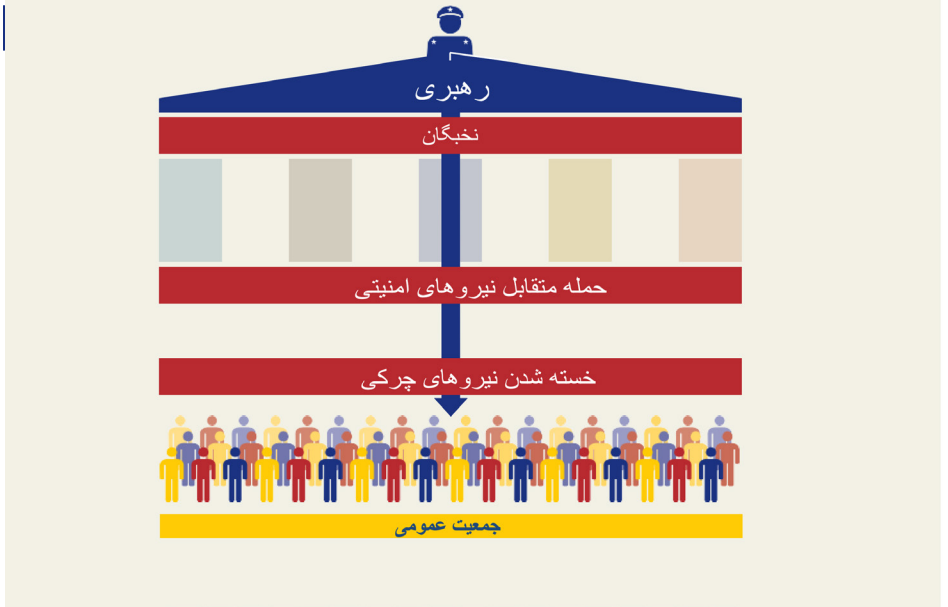

- در طول ۱۲۰ سال گذشته، مبارزات بی‌خشونت حداقل دو برابر شورش‌های خشونت بارموفقیت آمیز بوده است.
- میانگین مدت برای یک شورش بی‌خشونت موفق سه سال و برای شورش خشونت‌بار نه سال است.
- احتمال وقوع کشتار دسته جمعی هزارمقاومت کننده مدنی یا بیشتر در طول یک شورش خشونت‌آمیز تقریباً سه برابر بیشتر از یک کمپین مقاومت مدنی است.

- احتمال این‌که نتیجه یک کمپین برنده مقاومت مدنی گذار به سوی دموکراسی باشد ۹ برابر بیشتر از نتیجه سرنگونی دیکتاتور با شورش مسلحانه است.
- حتی زمانی که یک کمپین مقاومت مدنی با شکست مواجه می‌شود، شانس موفقیت در گذار به یک نتیجه دمکراتیک ظرف پنج سال بعد ۳۵ درصد است. این تاب‌آوری در تضاد کامل با یک شورش خشونت‌آمیز شکست خورده است که تقریباً هیچ شانسی برای موفقیت در پنج سال بعد ندارد.[10]

این اطلاعات به روشنی نشان می‌دهد که تزریق خشونت به شورش علیه دیکتاتوری غیرمنطقی است و کمپین مقاومت مدنی خطر کمتری نسبت به دست‌آوردهای درخشان خود دارد.

ایده شماره ۴

کمپین مقاومت مدنی مطمئن‌ترین مسیر برای گذار به دموکراسی است

جاناتان پینکنی، محقق، وضعیت دموکراسی را قبل و بعد از مبارزات بی‌خشونت مطالعه کرده است. او در تحقیق خود تحت عنوان" زمانی که مقاومت مدنی پیروز می‌شود: ایجاد دموکراسی پس از قیام عمومی" به این نتیجه می‌رسد که گذار سیاسی در نتیجه کمپین‌های مقاومت مدنی به احتمال زیاد به دموکراسی می‌انجامد، فارغ از این که وضعیت دموکراسی در آن کشور در قبل از دوره گذار چگونه بوده است (نمودار ۸ را مشاهده کنید). پینکنی نتیجه می‌گیرد:

شواهد آماری از این ادعا پشتیبانی می‌کند که مبارزه بی‌خشونت نقشی مهم در دمکراتیزه کردن بازی می‌کند. توضیح این نقش با استدلال‌های رایج ممکن نیست. مقاومت مدنی در بدترین و سرکوبگرترین رژیم‌ها اتفاق می‌افتد و موفق می‌شود. البته اکسیر صد درصد شفابخشی نیست، عوامل متعددی مانند زمینه سیاسی و منطقه‌ای یک کشور و سطح توسعه اجتماعی- اقتصادی نقش مهمی در احتمال شکل‌دهی دموکراسی دارند. با این حال، حتی در کشورهای بسیار غیردمکراتیک، مقاومت مدنی به نحو چشمگیری گذار سیاسی کشور را به گونه‌ای شکل می‌دهد که به احتمال قوی منجر به دموکراسی می‌شود.[11]

این یافته‌ها اهمیتی حیاتی برای ناراضیان دارند و به چگونگی پیشرفت و حفاظت از دموکراسی نیز مربوط می‌شوند.

---

۱۰ - مشاوره پیتر آکرمن و هاردی مریمن در مورد پیشگیری از خشونت‌های جمعی: از مسئولیت برای حفاظت تا حق همیاری کمپین‌های مبارزه مدنی برای بحث درباره داده‌ها دانلود رایگان: www.nonviolent-conflict.org

۱۱ - جاناتان پینکنی، زمانی که مقاومت مدنی پیروز می‌شود: ایجاد دموکراسی پس از قیام عمومی، (واشینگتن دی سی انتشارات آی سی ان سی ۲۰۱۸)،

شکل ۸: سطوح قبل از گذار به دموکراسی و پس از گذار به دموکراسی

منبع: جاناتان پینکنی، زمانی که مقاومت مدنی موفق می‌شود: ایجاد دموکراسی پس از قیام‌های بی‌خشونت مردمی (واشنگتن، دی سی:انتشارات مرکز بین‌المللی مبارزات بی‌خشونت ۲۰۱۸) ۴۰.

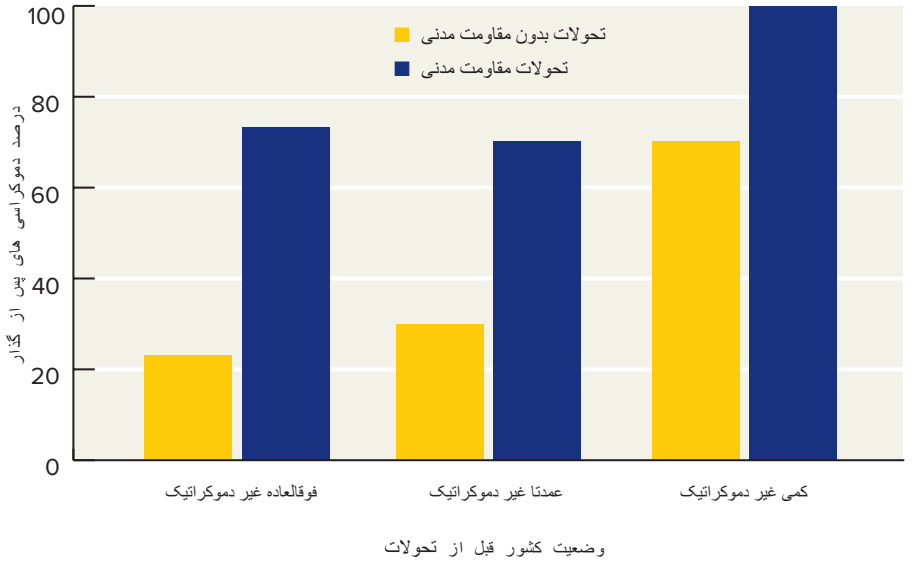

ایده شماره ۵

مهم‌ترین کاری که ناراضیان می‌توانند انجام دهند تا شانس موفقیت خود را افزایش دهند، افزایش مهارت خود در سازماندهی، بسیج و پایداری است. بدین گونه نسبت به دشمنان اقتدارگرایشان برتری پیدا می‌کنند.

بهترین راه برای درک کمپین‌های مقاومت مدنی این است که آن را جنگ قدرتی بین ناراضیان (ومردمی که آنان نمایندگی می‌کنند) با خودکامه بدانیم. زمانی که مبارزه بی‌خشونت پایان می یابد تنها یک برنده و یک بازنده دارد و برنده کسی است که مهارت‌های بهتری داشته است.

برای مقایسه یک رویداد ورزشی را فکر کنید، می‌تواند تنیس، کشتی، بسکتبال ویا فوتبال باشد. اگر هردو طرف میل شدیدی به بردن داشته باشند، هر دو طرف سعی می‌کنند در مرحله آماده سازی برای مسابقه از دیگری بهتر باشند. برای هر ورزش مهم، میلیاردها دلار برای تسهیلات، ورزشکاران و مربیان آن‌ها هزینه شده است. یک شخصیت نمونه نظامی مانند ژنرال چهارستاره بازنشسته جیمزاستاوریدیس را در نظربگیرید. فرمانده عالی نیروهای متفقین در ناتو، او یک ناوشکن نیروی دریایی، یک اسکادران ناوشکن و یک ناو هواپیمابر را در نبرد فرماندهی کرده است. وقتی از او پرسیدم چندساعت آموزش برای هرساعت فرماندهی داشته است گفت شش ساعت به ازای هریک ساعت.

همچنین ساعات آموزشی او تقریباً به طور کامل به بخش‌های اولیه و میانی حرفه او معطوف بوده است. دریاسالار استاوریدیس فارغ‌التحصیل آکادمی نیروی دریایی ایالات متحده وسایر کالج‌های جنگی معتبر است. او به‌عنوان بخشی از آموزش، مدرک دکترای خود را در امور بین‌الملل از دانشگاه حقوق و دیپلماسی فلچر دریافت کرد.

آیا کسی فکر می‌کند که ناراضیان در حرفه خود، در هرکجای دنیا، نسبت آموزش به عملیات شان نزدیک یا معادل عدد فوق باشد؟ آیا موسسات معتبری وجود دارند که کارشان به طور خاص تقویت توانایی‌های ناراضیان برای به‌عهده‌گیری مشاغل مهم در آینده باشد؟ بسیاری از مردم تصور می‌کنند که ناراضیان کار خود را ترک کرده و یا شغلی دارند که ارتباطی به مبارزه ندارد. تخصص رهبری قبل از آن که مقاومت مدنی علیه خودکامه را شروع کند چه بوده است؟ مهم‌ترین سرمایه خودکامه قدرت نظامی نیست، بلکه توانایی او برای ایجاد ترس و سردرگمی در بین فعالان دموکراسی‌خواه است. نتیجه آن ممکن است انفعال باشد. در شرایطی که کمپین مقاومت مدنی نومیدانه احتیاج به روحیه دارد.

با پذیرش ایده‌های پنجگانه در این فصل ناراضیان می‌توانند بنیانی برای یادگیری عمیق خود درباره مقاومت مدنی پی بریزند.

آی سی ان سی همواره پیشگام ایجاد فرصت برای آموزش ناراضیان و فعالان دموکراسی‌خواه بوده تا بتوانند درک خود را از مقاومت مدنی گسترش دهند. کارگاه‌های ۵ روزه و دوره‌های آنلاین هفت هفته‌ای آی سی ان سی، فرمت آموزشی کلیدی برای مطالعه پیشرفته درباره مقاومت مدنی بوده است.

از سال ۲۰۰۶ ما مشارکت‌کنندگانی از ۱۳۰ کشور و ناحیه برای این آموزش‌ها داشته‌ایم (تصویر شماره ۹ را ببینید).

در این جلسات، فعالان، پژوهشگران، روزنامه‌نگاران و اعضای سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های سیاسی از هرقاره‌ای به جزقطب جنوب از نزدیک باهم همکاری داشته‌اند. همه آن‌ها برای درک عمیق‌تر از چگونگی شکل‌گیری جنبش‌های مقاومت مدنی، سازماندهی، انتخاب استراتژی، بسیج کردن مردم، ایجاد ائتلاف، برقراری ارتباط، انتخاب تاکتیک‌ها، مذاکره و ایجاد تغییر، مشارکت داشته‌اند. این دوره‌ها توسط پژوهشگران برجسته و پیشکسوتان کمپین‌های مقاومت مدنی گذشته تدریس می‌شوند. این برنامه‌ها طیف گسترده‌ای از مسائل مختلف را دربرمی‌گیرند، ازجمله نقش بازیگران خارجی درحمایت یا سرکوب مقاومت مدنی، چالش‌های گذار های دمکراتیک، استراتژی‌هایی که جنبش‌ها به کار می‌گیرند تا با سرکوب‌های خشونت بار و شورش‌های مسلحانه مقابله کنند.

در مورد تجربه‌آموزی از این کارگاه‌ها نکات زیادی را می‌توان مطرح کرد. پس از سال‌ها تعامل با تعداد زیادی از ناراضیان، به طور مداوم مشاهده می‌کردیم.



شرکت کنندگان در کورسهای آنلاین آی سی ان سی
بر اساس کشور اصل



شکل ۹: شرکت کنندگان دوره آنلاین آی سی ان سی بر اساس مبدا اصلی

که بزرگترین سرمایه یک خودکامه قدرت نظامی نیست، بلکه تعدادی متغیر های اجتماعی، اقتصادی وسیاسی هستند که فعالان دموکراسی‌خواه درمبارزه با آن‌ها به سادگی ممکن است دچارسردرگمی، بی تفاوتی ویا افتراق شده واین مبارزه آن‌ها به نفع خودکامه تمام شود. محیطهایی که مبارزه بی‌خشونت درآن‌ها جریان دارد پیچیده است ومبارزین مدنی نیاز به حمایت مردمی وهماهنگی‌های ائتلاف-محوردارند تا بتوانند مجموعه‌ای از تاکتیک‌ها را برای برنده شدن دریک استراتژی پیروزبه کاربگیرند، گرچه اغلب ممکن است احساس سردرگمی کنند.

ترس طبیعی ازتصمیمات اشتباهی که ممکن است زندگی وآزادی مردم را به خطربیندازد، سبب می‌شود که دچارانفعالی شوند که خودکامه‌ها به دنبال آن هستند ونیزممکن است توهم شکست‌ناپذیری خودکامه را القاء کند.

نظرات فارغ‌التحصیلان دررابطه با حمایت وآموزشی که دیده‌اند برای آی سی ان سی حیاتی‌است وبه این سازمان برای برنامه‌های آینده‌اش کمک می‌کند. تاکنون آی سی ان سی صدها ارزیابی کتبی وشفاهی ازشرکت کنندگان دربرنامه، پشتیبانی کننده‌ها وهمکاران دریافت کرده واثرات این برنامه‌ها را ارزیابی می‌کند. در اینجا بخشی از یافته‌های کلیدی آورده شده است:

نمودار ۵- یافته‌های کلیدی از ارزیابی‌های شرکت کنندگان:

- برنامه‌ها ومحتوای آموزشی آی سی ان سی در بخش سازمان‌های غیر دولتی منحصر به فرد وبسیار مفید است و شبیه هیچ‌یک از برنامه‌های آموزشی مشابه دردیگرموسسات نبوده است. برنامه‌هایی که بسیاری ازشرکت کنندگان درجاهای دیگردرآن‌ها شرکت کرده بودند.
- درمورد نتیجه برنامه‌ها وحمایت‌های مالی آموزشی آی سی ان سی، نظرات شرکت کنندگان به شرح زیراست:
- الف. تعهد بیشتری نسبت به مقاومت مدنی موثر وسازماندهی جنبش یافته‌اند.
  - ب. از آنچه آموخته‌اند در عمل استفاده می‌کنند
  - ج . این دانش را به دیگران آموزش می‌دهند
- همکاری‌های طولانی مدت و همبستگی بین شرکت کنندگانی که در کارگاه‌های آی سی ان سی باهم آشنا شده‌اند و شبکه‌های آن‌ها به وجود آمده است.
- در برخی موارد، کمپین‌های مقاومت مدنی برای حقوق بشراز برنامه‌های آی سی ان سی خارج شده‌اند وحمایت مالی به دست آورده‌اند.

لطفاً به اطلاعات اضافی که در پیوست آمده نگاه کنید، اطلاعاتی درمورد ارزیابی‌ها وموضوعات مطروحه دربرنامه‌های پنج روزه موسسه. ارزیابی وشناخت مثبت از ناحیه متخصصان کلیدی از جمله رهبران جنبش حقوق مدنی آمریکا، دکتر جیمز لاوسون هم دریافت کرده‌ایم. او کسی است که تحصن‌ها در سالن غذا خوری را در سال‌های ۱۹۶۰ سازماندهی کرد. دکتر لاوسون هزاران نفر را در ۶۰ سال

گذشته آموزش داده، در چندین دانشگاه تدریس کرده واخیراً مدال طلای کنگره را دریافت کرده است. اومی‌گوید:

این مرکزی است که اغلب اوقات آرزو داشتم به وجود بیاید. بیش از هرسازمانی در ۱۰۰ سال گذشته برای انتشار، تبلیغ واشاعه مبارزه بی‌خشونت، کنش‌های بی‌خشونت ومقاومت مدنی تلاش کرده است.... بیشتر به مردم کمک کرده است تا گزینه‌های خود را در دنیای معاصر بشناسند، گزینه‌هایی برای چگونه مبارزه کردن، واین‌که چگونه درمقاومت اشتباه می‌کنیم ونشان داده که این گزینه‌ها نوشته شده در رویاهای تو خالی نیستند، بلکه در کارهای واقعی وملموس میلیون‌ها اگرنه میلیاردها مردم در ۱۲۰ سال گذشته پایه دارد....

کشیش لاوسون دریکی ازکارگاه‌های آی سی ان سی در سال ۲۰۱۶ حضوریافت وگفت: مهم‌ترین کاری است که در کشورمن وحتی در تمدن غربی انجام شده است.

بدون شک یکی از دلایل موفقیت این کارگاه‌ها ایجاد محیطی صمیمی(یا برای دوره‌های آنلاین، تعمیق مشارکت) و کامل بودن برنامه درسی است. دانشجویان از کشورهای مختلف ومناطق گوناگون اما با امیدها وترس‌های مشترک، دورهم جمع شده وهمدیگر را بنحو فوق‌العاده‌ای تقویت می‌کنند.

اما چه اتفاقی می‌افتد زمانی که کارگاه‌ها ودوره‌های آنلاین پایان می‌یابد وناراضیان به گرماگرم نبرد درکشور خود برمی‌گردند؟ آن‌ها ممکن است از تجربه خود راضی باشند، ولی به کارگاه‌های آموزشی نیامده‌اند که فقط برای خود آموزش دیده باشند. بسته به نوع فعالیت‌هایشان ممکن است با صدها وبلکه هزاران نفرازشهروندان درتماس باشند. باید بتوانند اطلاعات به دست آمده ازکارگاه‌های آموزشی را به درستی منتقل کنند. بنابراین بینش و دانش آن‌ها باید واضح و سرراست باشد و بتوانند آن‌ها را دقیقاً وبه آسانی وبه نحوی موثروکاربردی به کسانی که در کلاس‌ها حضورنداشتند منتقل کنند.

اهمیت این مسئله و سایر سوالات درباره اشتراک و کاربرد دانش مقاومت مدنی را نباید دست کم گرفت. ما الان در برهه حساسی از تاریخ هستیم، اقتدار گرایی در جهان افزایش یافته وتعداد جنبش‌های دموکراسی‌خواهانه هم بنحو بی‌سابقه‌ای زیاد شده است. وجود همزمان این دو روندعلت افزایش بسیارزیاد تقاضا برای کمک آموزشی به ناراضیان را نشان می‌دهد تا بتوانند جنبش‌های خود را قدرتمندترکنند.

این امرنیازمند انتقال اطلاعات بدون دخالت مستقیم آی سی ان سی است. باید اطلاعات را روزانه برای استفاده منتقل کرد. برای این کار باید به ناراضیان ابزاراضافی داد تا بتوانند خود آموزگارومربی خود شوند.

چک لیست برای رسیدن به آزادی" در فصل ۵ می‌تواند یک راه پیشگامانه برای تحقق این امر باشد. این چک لیست حاوی ۸ سوال است که در فصل‌های سه وچهار توضیح داده شده است.

سوالات چک لیست‌ها مبنای روشنی را برای ناراضیان فراهم می‌کند تا بتوانند شرایط فعلی کمپین‌های خود را ارزیابی کنند. آن‌ها می‌توانند نقاط قوت وضعف ونکاتی را که نیاز به تمرکزو تنظیم دارد، شناسایی کنند. در محیطی که فعالان دموکراسی‌خواه با خواست‌های چندگانه‌ای روبروهستند، چنین تحلیلی می‌تواند بنحوفوق‌العاده‌ای امکان شکست راکمترکند. چک لیست می‌تواند به ناراضیان کمک کند تا احساس سردرگمی را از بین ببرند وبا اعتماد زیاد به سمت جلو حرکت کنند.

هشت سوال درچک لیست به دو دسته تقسیم می‌شوند: " ایجاد قابلیت‌ها" و" هدایت مبارزه". این سوالات به گونه‌ای طراحی شده‌اند که پاسخ آن‌ها کمترمربوط به شرایط فعلی وبیشتر برای تنظیم حرکت درآینده باشند. پاسخ به هر کدام ازسوالات "آری" ویا "نه"خواهد بود، اما شدت آن با توجه به میزان پیشرفت مبارزه بی‌خشونت متغیرخواهد بود. پاسخ به سؤالات فوق باید مورد توجه دقیق ناراضیان وهمچنین سازمان‌های دموکراسی‌خواه باشد.

چک لیست نشان می‌دهد که چرا کمپین‌های مقاومت مدنی شکست می‌خورند ویا پیروز می‌شوند وچگونه مسیرهای تاکتیکی جایگزین را شناسایی کنیم.

برخی ممکن است ادعا کنند که به دلیل تعداد زیاد متغیرهای اثرگذار، هرچک لیستی برای پایان بخشیدن به خودکامگی تنها موارد خاصی را می‌تواند پوشش دهد. آن‌ها ممکن است استدلال کنند که تصمیمات حیاتی درباره آینده مبارزات بی‌خشونت نیازمند توجه بنیانی به فاکتورهای منحصر به فرد درهرزمان ومکان خاص است ونسخه واحدی وجود ندارد.

چک لیست نمی‌خواهد نسخه واحد بدهد ونقش عوامل خاص درمبارزه نادیده گرفته شود، به جای آن چک لیست کمک می‌کند تاعوامل اثرگذاردریک چارچوب استراتژیک گسترده بهتردرک شود.

چک لیست باید به ناراضیان نشان دهد که چرا وچگونه کمپین‌های مقاومت مدنی شکست می‌خورند ویا پیروز می‌شوند وچگونه مسیرهای تاکتیکی جایگزین را شناسایی کنند.

تهیه چک لیستی که هدف آن کمک به کمپین‌های مقاومت مدنی برای مبارزه با خودکامگان باشد کارساده‌ای نیست. اگر درست انجام نشود می‌تواند عواقبی درحد مرگ وزندگی داشته باشد. به هرصورت دربسیاری زمینه‌های دیگرزندگی هم پیچیدگی وجود دارد، مانند توسعه شهرک‌های چند منظوره، اما درمواردی که مسئله مرگ وزندگی وجود دارد، مثل حمل ونقل هوایی ویا اورژانس پزشکی، نشان داده شده که وجود چک لیست‌ها بسیارلازم وارزشمند هستند.

چک لیست برای پایان بخشیدن به خودکامگی

ایجاد توانمندی‌ها

1. آیا کمپین مقاومت مدنی مردم را حول آرمان‌ها، رهبران واستراتژی واحد برای پیروزی متحد می‌کند؟
2. آیا کمپین مقاومت مدنی ضمن حفظ انضباط بی‌خشونت، گزینه‌های تاکتیکی متنوع را به کارمی‌گیرد؟
3. آیا کمپین مقاومت مدنی برای ایجاد حداکثراختلال با حداقل خطر، تاکتیک‌های خود را تنظیم می‌کند؟
4. آیا کمپین مقاومت مدنی به دنبال یافتن راه‌هایی برای جلب ارزشمندتر حمایت بیرونی است؟

هدایت مبارزه

5. آیا تعداد وتنوع شهروندانی که با خودکامگی رویارویی دارند احتمالاً افزایش پیدا می‌کند؟
6. آیا اعتقاد خودکامه به اثربخشی سرکوب خشونت‌بار کاهش می‌یابد؟
7. آیا احتمال ریزش حامیان کلیدی خودکامه افزایش می‌یابد؟
8. آیا پس از مبارزه، نظم سیاسی که برقرارمی‌شود با ارزش‌های دمکراتیک سازگارخواهد بود؟

درست مانند سایر مواردی که درآن‌ها ازچک لیست استفاده می‌شود، خطرات درمبارزات بی خشونت بسیار بالاست. کسانی که درگیر مبارزات مدنی هستند استرس بسیار زیادی دارند. آن‌ها زندگی، اموال وآزادی‌های محدودی که هم اکنون دارند را به خطرمی‌اندازند. اطلاعاتی که باید پردازش شود تا تصمیمات مؤثر اتخاذ شود، می‌تواند بسیارپیچیده باشد. چک لیست توجه را برمتغیرهای مهم درازمدت درمبارزه متمرکز می‌کند واتکاء به موارد کوتاه مدت وکم اهمیت که اغلب آن‌ها بسیار آشکار واحساسی هستند را کاهش می‌دهد.



تحصن دانشجویان در رستورانت مخصوص سفیدپوستان در نشویل، ایالات متحده ۱۹۶۰.

در این مورد، جراح ونویسنده، اتول گاوانده که درمورد اهمیت چک لیست‌ها در زمینه‌های مختلف تحقیق کرده، می‌نویسد:

به نظر می‌رسد چک لیست‌ها می‌توانند برای جلوگیری از شکست دربسیاری از وظایف، از هرکسی حتی افراد باتجربه محافظت کنند. آن‌ها نوعی شبکه شناسایی هوشمندانه به وجود می‌آورند. می‌توانند جلوی نقایص ذهنی وذاتی همه ما را بگیرند- نقایص حافظه، دقت وتوجه...[۱۲]

تحت شرایط واقعاً پیچیده- جایی که لازم است دانش فراتر ازهرفرد وهرموردغیرقابل پیش‌بینی حاکم باشد....[چک لیست‌های موثر] تضمین می‌کنند که موارد احمقانه، اما مهم نادیده گرفته نشوند واطمینان می‌دهند مردم برای مدیریت مسائلی دقیق و ظریف وغیرقابل پیش‌بینی گفت وگو وهماهنگی کنند.[۱۳]

هشت سوال چک لیست باید کلی وبه مبارزه بی‌خشونت مربوط باشند. درعین حال هرگز نباید آن را با فرمولی برای موفقیت اشتباه کرد. به همین ترتیب چک لیست نمی‌تواند مشخص کند که چه کسی پیروزمی‌شود، ناراضیان یا خودکامگان. با این حال، می‌توان مجموعه‌ای مهم ومستمراز شاخص‌ها را ارائه داد تا استنباط شود که چگونه خواسته‌های شهروندان برای آزادی برقدرت ریشه‌دار رژیم‌های خودکامه غلبه می‌کنند ویا نمی‌کنند.

سوالات کلی چک لیست پاسخ‌های بسیارمشخصی دارند. سوالات مبتنی براطلاعات قابل دسترسی هستند که تنها ناراضیان همان منطقه به آن‌ها وقوف دارند وخارجی‌ها لزوما نمی‌توانند آن‌ها را درک کنند. علاوه براین، بسته به جزئیات مبارزه، هرهشت سؤال چک لیست درزمانی معین به یک اندازه مهم نیستند واهمیت تغییرپاسخ سوالات از ''آری'' به ''نه'' بستگی به ظهوروسقوط چالش‌های بخصوصی دارد که خودکامه اعمال می‌کند.

سوالات کمک می‌کنند تا امکان پیروزی کمپین‌های مقاومت مدنی به حداکثربرسند. سوالات باید هم برای تک تک افراد ناراضی وهم برای سازمان‌های دموکراسی‌خواه، مناسب باشند. پاسخ‌ها می‌توانند کمک کنند تا دعوت به مبارزه‌ای شکل بگیرد که به بسیج ملیون‌ها نفربیانجامد. به حداکثررساندن این احتمال در فصل پنجم '' چک لیست برای رسیدن به آزادی'' توضیح داده شده است. بزرگترین ارزش این کار ایجاد اجماع در میان مردم برای اولویت دادن به کنش است، مانع از اتلاف انرژی شده وتوقعات را بالا نگه می‌دارد. ضمن آنکه امید خودکامه برای بی‌تفاوتی وناامیدی مردم را با اعتماد به نفس بالای ناراضیان ازبین می برد.

---

۱۲ - اتول گاونده مانیفست چک لیست: چگونه کارها را درست کنیم (نیویورک: پیکادر، ۲۰۰۹، ۴۷.

۱۳ - گاونده، ۷۹

استراتژی‌های مقاومت مدنی در بسیاری ازمبارزات مختلف با موفقیت عمل می‌کنند، برای این‌که خودکامگان وابسته به اطاعت محض هستند تا در قدرت باقی بمانند. اما با گذشت زمان بسیاری از شهروندانی که تحت حاکمیت دیکتاتورها زندگی می‌کنند برای همیشه بی‌تفاوت نمی‌مانند.

۳

فصل ۳

چگونه ناراضیان خود را توانمند کنند

چک لیست سوال شماره ۱

آیا کمپین مقاومت مدنی مردم را به دور آرمان‌ها، رهبران، واستراتژی برای پیروزی متحد می‌سازد؟

ویژگی اصلی کمپین‌های مقاومت مدنی وحدت است. شعارتفرقه بینداز وحکومت کن از دیرباز شعار خودکامگان در هرکجا ودرطول تاریخ بوده است. کسانی که گرفتار این شرایط هستند وحدت آن‌ها به درجات، متلاشی خواهد شد. در اکثر جنبش‌ها غلبه برچالش‌های داخلی برای متحد کردن، تعیین کننده زمانی است که کمپین مقاومت مدنی می‌تواند خودکامه را در موضع دفاعی قراردهد. اتحاد در کمپین مقاومت مدنی سه بخش دارد:

- آرمان‌ها
- رهبری
- استراتژی

■ آرمان ها

مردمی‌که‌در یک‌کشور دیکتاتوری زندگی می‌کنند دو انتخاب دارند: می‌توانند منفعلانه منتظر بمانند تا رژیم خود تحول پیدا کرده وملایم‌ترشود وزندگی وخود را با آن‌چه از ارزش‌های انسانی باقی مانده، تحت ستم خودکامه‌ها ادامه دهند، یا می‌توانند علیه دیکتاتوری قیام کنند وبا استفاده از تاکتیک‌های خشونت‌بار یا بی‌خشونت دیکتاتوری را ازبین ببرند.

برای کسانی که شورش را انتخاب می کنند، مجموعه ای از آرمان‌ها برای زندگی بهتر باید ارزش خطرات درگیرشدن درمبارزه را داشته باشد. این آرزوها را می‌توان به دو صورت بیان کرد" آزادی از" یا" آزادی برای".

"آزادی از" محافظت در برابر خطرناک‌ترین ویژگی‌های استبداد، از جمله اعمال خشونت، بازداشت خودسرانه، توقیف دارایی وتهدیدهای ناشی از آن‌ها است. " آزادی برای" استفاده از امکانات ودستاوردهای بشری است که شامل، آزادی بیان، سفربدون محدودیت، آزادی فعالیت بخش خصوصی وآزادی مذهب است.

علاقه مشترک جمعیت وسیعی از مردم درجامعه احتمالاً "آزادی از " است، اگرچه در مورد "آزادی برای" اختلاف عقیده‌ای بین مردم برای انواع آزادی‌ها و نیزشدت وضعف آن‌ها وجود دارد. هرفرد، گروه‌های فرهنگی ویا مذهبی خواسته‌ها وآرزوهای خود را برای زندگی بهتردارند. یافتن هارمونی برای خواسته‌ها وآرزوهای همه، پیش زمینه‌ای برای بالا بردن نرخ مشارکت دربین افراد با جنسیت، سن، قومیت، وضعیت اقتصادی وموقعیت جغرافیایی مختلف فراهم می‌کند.

برای وحدت آرمان‌ها وخواسته‌ها در بین فعالان دموکراسی‌خواه لازم نیست که آرمان‌ها مشخصا شناسایی شده ویا خواسته‌های همه مردم یک دست باشد. لازم نیست همه گروه‌های مختلف به طور یکسان نسبت به کمپین مقاومت مدنی متعهد باشند، اما اگر تا حدودی همه در مواردی از کمپین حمایت کرده ودرآن مشارکت کنند کمپین به مراتب قدرتمندتر خواهد بود.

نکته کلیدی در جامعه پسا - دیکتاتوری این است که آرمان هرمبارز درتقابل با میل همکارانش نباشد. باید نسبت به آرمان‌های یکدیگر تساهل داشته باشند ونه این‌که دنبال یکسان بودن همه آرمان‌ها باشند.

در گرماگرم کمپین مقاومت مدنی انتظار می‌رود که مردم با کسانی که به خوبی نمی‌شناسند کارکنند. اگربرخی از ناراضیان خواسته‌های مخفیانه‌ای دارند که ممکن است دیگران را تهدید کند، در این صورت کمپین ضربه خواهد خورد. با این حال، اجرای موفقیت‌آمیز تاکتیک‌های بی‌خشونت که مستلزم ریسک‌های مشترک وتکیه برفعالیت‌های هماهنگ است، باهمکاری فعالان درعمل مشخص، لایه‌های فزاینده‌ای از اعتماد ایجادکرده وبه کاهش بی‌اعتمادی وشک‌ها کمک می‌کند.

■ ر هبر ی

در درازمدت احترام به آرمان‌های متفاوت، بدون رهبری مورد اعتماد که بتواند روزانه اعتماد را به همه القا کند، نمی‌تواند پایدار بماند. وظیفه اولیه رهبران ایجاد انگیزه در گروه‌های مختلف برای حمایت از تلاش جمعی مشترک برای مقاومت مدنی است. برای این کار رهبران باید جمعیت را متقاعد کنند که رهبری استراتژیی دارد که می‌تواند به پیروزی بیانجامد وخطرات ناشی از مبارزه بی‌خشونت را توجیه کند.

آن‌چه ایجاد وحدت را ساده‌تر می‌کند این است که با گذشت زمان کمتر کسی است که ستم وفساد خودکامه دامنش را نگرفته باشد ومردم به این نتیجه می‌رسند که باید قدرت جابجا شود. برای این منظورنیاز به مبارزه‌ای تاریخی با خودکامه است، برای این‌که خودکامگان با میل خود قدرت را رها نمی‌کنند.

وقتی خودکامگان درسیاست تفرقه بینداز وحکومت کن مهارت دارند، کسانی که آن‌ها را به چالش می‌کشند، باید رهبرانی ماهرتر در ایجاد وحدت باشند. لازم است که رهبران جنبش از دلایل نارضایتی وارزش‌های افراد وجناح‌های مختلفی که می‌خواهند آن‌ها را بسیج کنند، دانشی عمیق داشته باشند. ارتباط موثررهبران با مردم باید تجربه‌های شخصی واحساسات مردم عادی را بازتاب دهد وآن‌ها را به مشارکت ممتد در مقاومت بی‌خشونت فرا بخواند، حتی زمانی که چشم‌اندازدلگرم کننده‌ای به نظرنمی‌رسد.

تصمیمات تاکتیکی باید به روش‌هایی سازماندهی واجرا شود که شهروندان احساس کنند متناسب با خطراتی است که آن‌ها مایل به پذیرش هستند.

برخلاف ارتش درجنگ، کمپین‌های بی‌خشونت فرمانده رسمی وقدرت کنترل برجمعیت بسیج شده را ندارند. بنابراین تصمیمات تاکتیکی باید به گونه‌ای سازماندهی واجرا شود که شهروندان احساس کنند متناسب با خطراتی است که آن‌ها مایل به پذیرش هستند. عاملی که مسئله را پیچیده‌ترمی‌کند این است که شهروندان با آرمان‌های مشابه می‌توانند تحمل‌های متفاوتی در برابرخطرداشته باشند. رهبران باید از این دوگانگی آگاه باشند .رهبرهرکمپین مقاومت مدنی باید روش کار خود را پیدا کند. برخی از روش‌های رهبری سلسله مراتبی وبرخی دیگرغیرمتمرکز هستند. اغلب روش‌های رهبری ترکیبی ازاین دو هستند که منعکس کننده ویژگی‌های شخصیت رهبری در کمپین‌های مقاومت مدنی است. به ازاء هررهبرملی کاریزماتیک وشناخته شده، تعداد زیادی رهبران محلی وجود دارند که باید در ایجاد ائتلاف، مذاکره وتجمیع منافع در بین گروه‌های مختلف به نیابت از طرف همه مهارت داشته باشند. رهبران مختلف در رده‌های ملی یا محلی، از مناطق مختلف یک کشورکه گروه‌های متفاوتی را نمایندگی می کنند، اگر بتوانند باهم کارکنند اتحادی دیرپا ودراز مدت به وجود می‌آورند.

هر روش رهبری جنبه‌های مثبت ویا منفی خود را دارد. رهبری کاریزماتیک گاندی تنها راهی بود که توانست هندوها ومسلمانان را در مقابل انگلیسی‌ها متحد کند ونیزبعداز راه‌اندازی کمپین نمک ۱۹۳۰، با درخواست انگلیس‌ها به عنوان پیش‌شرط مذاکره، توانست آن را متوقف کند.

گاندی به لنکستر هندوستان مسافرت کرد تا خودش با انگلیسی‌ها مذاکره کند. جواهر لعل نهرو رهبرکنگره ملی هند به شدت با این کارمخالف بود. به درستی پیش‌بینی کرد که تعلیق عملیات توسط گاندی شتاب جنبش را خواهد گرفت وریزش پلیس محلی را پایان خواهد داد.

برخلاف گاندی جنبش سبز درایران وجنبش دموکراسی‌خواهی در هنگ کنگ نوعی از بی‌شکلی داشت وسبک رهبری بی‌شکل را در چند ماه اول دنبال کرد. در هر دو مورد قدرت اولیه از اعتراضات خیابانی سرچشمه گرفت وعمدتاً خودجوش بود. ناراضیان هنگ کنگ به مقاومین توصیه می کردند که "آب باشید"ما بی شکل هستیم. ما فرم ناپذیرهستیم. ما جریان داریم. می‌توانیم ناخوانده وارد شویم. ما مانند آب هستیم![۱۴] (درجنبش سبزابتدا رهبری مورد قبول معترضین وجود داشت، اما خودش آمادگی ودانش لازم برای رهبری را نداشت ودرعمل جنبش به صورت بی‌شکل درآمد. توضیح مترجم)

این نوع رهبری بی‌شکل دو مزیت آشکاردارد. اول آن‌که خود کامه نمی‌تواند سرکمپین را قطع کند برای این که یافتن آن غیرممکن است. دوم، این شکل از رهبری می‌تواند به طور خودجوش از انرژی حاصل از یک جرقه غیرمنتظره که توان شعله‌ورشدن دارد، استفاده کرده وسبب تحریک وخشم همگان شود.

از طرف دیگر مشکل رهبری بی‌شکل این است که درتنوع وتوالی گزینه‌های تاکتیکی به اشکال برمی‌خورد، به‌خصوص در زمانی که اثربخشی تاکتیک واحدی مانند اعتراضات توده‌ای کاهش می‌یابد وهمراه با آن اعتماد به نفس خودکامه افزایش می‌یابد. (دیکتاتورها همواره سیستم دفاعی خود را اصلاح می‌کنند). بدتر از آن ممکن است که صدای همگانی علیه استفاده ازتاکتیک‌های خشونت‌آمیز وجود نداشته باشد ومعترضین ناامید وبیمناک شوند.

هرچقدر مبارزه بی‌خشونت بیشترطول بکشد، نیاز به رهبری ساختاری بیشترمی‌شود. در غیراین صورت کمپین مقاومت مدنی به عملیات محدودی کاهش پیدا کرده واثرآن به تدریج ازبین می‌رود.

در صورتی که فعالان دموکراسی‌خواه احساس کنند رهبران پذیرای ایده‌های خوب آن‌ها هستند، احتمال حمایت آنان ازرهبری هماهنگ بسیار زیاد خواهد بود. کمپین‌های موفق باید حلقه ارتباطی آزادی داشته باشند تا مردم از نواحی مختلف بتوانند به طور مستمر برداشت‌ها ونظرات خود را به رهبران تصمیم‌گیر منتقل کنند. تداوم تلاش واعتماد هرحوزه به حوزه دیگرنکته‌ای کلیدی است. در سطح ملی نه ممکن است ونه لزوماً توصیه می‌شود که هواداران جنبش سعی کنند جهت تاکتیک‌های اصلی را تعیین کنند وبالعکس معنی نمی‌دهد که رهبران ارشد در مورد تاکتیک‌های خاص درمحل‌های خاص تصمیم بگیرند.

---

۱۴ - مری هوی، پست توییتری، ۲۵ ژوئن ۲۰۱۹، ۱۱:۰۷ بعدازظهر
https://twitter.com/maryhui/status/۱۱۴۳۷۱۷۳۶۷۵۲۱۸۲۴۷۶۸

کمپین مقاومت مدنی باید طوری طراحی شود که شرایط محیطی، تهدیدها، فرصت‌ها وقابلیت‌های بازیگران مختلف را درنظر بگیرد. درسطح محلی هیچ کس این عوامل را بهتر از ناراضیانی که در آن جوامع زندگی می‌کنند وخود را سازماندهی کرده‌اند، نمی شناسد.

این سطح ازنفوذ مردمی برای کمپین‌ها، هم فرصت وهم چالش می‌آفریند. کمپین را قادر می‌سازد تا براساس اطلاعات دقیق ازصحنه مبارزه عمل کند. اماهیچ تضمینی وجود ندارد که این فعالان تصمیمات تاکتیکی بگیرند که با مجموعه اهداف استراتژیک کمپین همسوباشد. این مشکلی است که همه سازمان‌های بزرگ اعم ازدولتی، نظامی ویا کسب وکاربا آن روبروهستند. درعین حال کمپین‌های مقاومت مدنی برخلاف سایر نهادها نمی‌توانند برای اطاعت کردن، پیشنهاد افزایش دستمزد ویا ارتقای شغلی بدهند ویا برای سرپیچی کسی را توبیخ ویا اخراج کنند. کمپین مقاومت مدنی در نهایت تلاشی

داوطلبانه است ونتیجه آن می‌تواند برای مدتی طولانی نامشخص وخطرناک باقی بماند. کمپین‌های مقاومت مدنی وابسته به انگیزه‌های غیرقابل لمسی هستند که مردم رامتحد نگه می‌دارد ومردم با این انگیزه‌ها در محدوده گزینه‌های مشخصی که در چارچوب برنامه گسترده جنبش برای پیروزی قراردارند، عمل می‌کنند.

مهم‌ترازهمه، هرجنبش مبتنی بر قدرت مردم، متاثر ازفرهنگ شهروندان است، مواردی از قبیل اولویت‌ها وهنجارها درهنر، مذهب، رسوم قومیتی ونهادهای اجتماعی. فرهنگ یک جنبش برفشاری که کمپین مقاومت مدنی می‌تواند برخودکامه‌ها واردکند، تاثیری باورنکردنی دارد.

فرهنگ می‌تواند محرک کارگروهی، فراگیری، مسئولیت‌پذیری وانضباط باشد وراه را برای تفکراستراتژیک به جای کنشی بدون اندیشه هموار کند. فرهنگ جنبش مانندِ دی.ان. ای است. نقشی را نشان می‌دهد که کارکرد کمپین مقاومت مدنی را بدون فرماندهی از مرکزو کنترل متمرکز بسیار ساده‌ترمی‌کند. رهبران باید بدانند که چگونه ازاین تمایلات فرهنگی برای بیشترین حد مشارکت استفاده کنند.

■ استراتژی

اگر وحدت نیازمند رهبران الهام‌بخشی است که قادرباشند درباره آرزوهای مردم برای پایان دیکتاتوری سخن بگویند، درآن صورت برای برنده شدن، چسب یک تئوری و برنامه قابل فهم وپذیرفته شده مورد نیازاست. با شتاب گرفتن مبارزات بی‌خشونت دراین قرن، بسیار مهم است که فعالان دموکراسی‌خواه درک کنند چرا قدرت مردم موفق می‌شود ویا شکست می خورد. مبارزه بی‌خشونت در زمینه‌های مختلفی کارمی‌کند، اما درنهایت ازدو واقعیت بنیادی استفاده می‌کند: اول اینکه رژیم‌های اقتدارگرا برای اینکه بتوانند مردم تحت حکومت خود را کنترل کنند، نیاز به اطاعت محض ازناحیه آن‌ها دارند.

شکل ۱۰: نمای مشترک از میدان نبرد

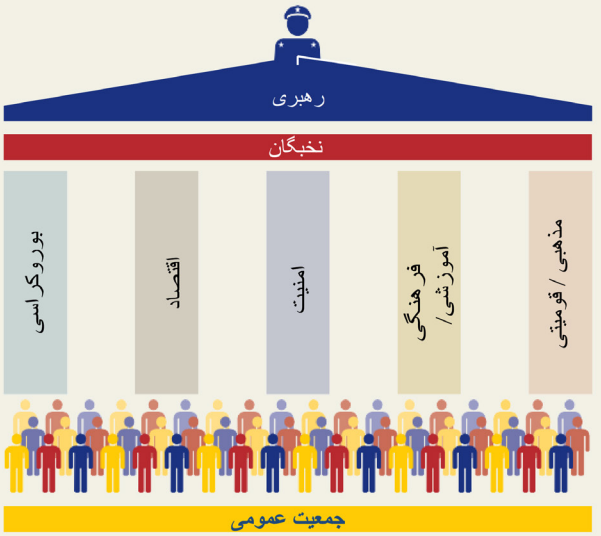

دوم این‌که همه افراد در دیکتاتوری به طور یکسان مصمم نیستند که در دوران آرامش و یا سختی به دیکتاتور وفادار بمانند. صحنه نبرد نشان داده شده در تصویر ۱۰ مشابه تصویر صحنه نبرد در فصل ۲ است که خطرات استراتژی شورش خشونت بار را نشان می‌داد. فرصت نشان داده شده در تصویر ۱۱ توسط ناتان شارانسکی توضیح داده شده است، شارانسکی ناراضی معروف روس وزندانی در گولاک بود که مانع از مهاجرت او به اسرائیل شدند.

هر جامعه اقتدارگرا از سه گروه تشکیل شده است، باورمندان واقعی، آن‌ها که نظام را قبول ندارند، ولی با آن کار می‌کنند و ناراضیان. در هر رژیم اقتدارگرا، مهم نیست که فرهنگی و یا جغرافیایی باشد، اکثریت باورمندان واقعی به پیام انقلاب به تدریج به گروه دوم یعنی آن‌ها که رژیم را قبول ندارند، ولی با آن کار می‌کنند می‌پیوندند. آن‌ها دیگر به رژیم اعتقاد ندارند، ولی می‌ترسند که بگویند. دسته سوم ناراضیان هستند. پیشگامانی که جرئت می‌کنند از خط دسته دوم و آن‌چه آن‌ها دارند، عبور کنند.[۱۵] ابتدا این مسئله درونی است، سپس آن را بیان می‌کنند و سرانجام در جهت احساسات درونی ملت عمل می‌کنند.

دسته دوم یا همان کسانی که دوبار فکر می‌کنند، می‌توانند از مخفی بودن به سمت علنی بودن حرکت کنند و سرانجام از نظام جدا شوند. یک کمپین مقاومت مدنی موفق

---

۱۵ - اتان شارانسکی، «خیابان هوشمند»، لس آنجلس تایمز، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

story.html (accessed July-oe-sharansky۲۶-۲۶-jun-۲۰۰۹-https://www.latimes.com/ archives/la-xpm ۸, ۲۰۲۱

تصویر ۱۱: فرصت

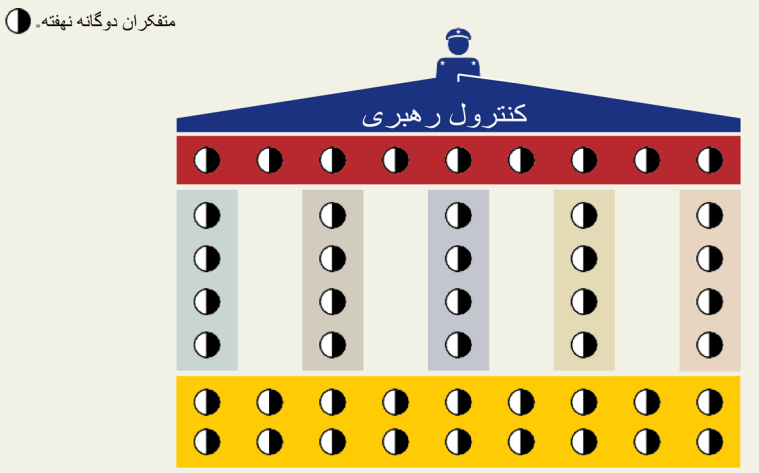

خواسته خودکامه برای آرامش داخلی ومشروعیت داشتن را به چالش می‌کشد وبا استفاده از بسیاری برخوردهای تاکتیکی "دوبارفکرکنندگانی" را که تمایل خود را مخفی نگه می‌دارند (آن‌ها که نسبت به جنبش سمپاتی دارند، ولی حاضر نیستند خطربپذیرند ودرنتیجه عقاید خود را ابراز نمی کنند) تبدیل به کسانی می‌کنند که مخالفت خود را علنی می‌کنند. (کسانی که دیگر جزو وفاداران به رژیم شناخته نمی‌شوند (واز رژیم فاصله می‌گیرند. (کسانی که به عنوان متحدان فعالان دموکراسی‌خواه شناخته می‌شوند.)

شکل ۱۲ تاکتیک‌های مقاومت مدنی را نشان می‌دهد که وضعیت فعلی را دچار اختلال می‌کند ودارندگان تفکر دوگانه را از مرحله پنهان به علنی انتقال می‌دهد.

شکل ۱۲- مقاومت مدنی اختلال ایجاد می کند

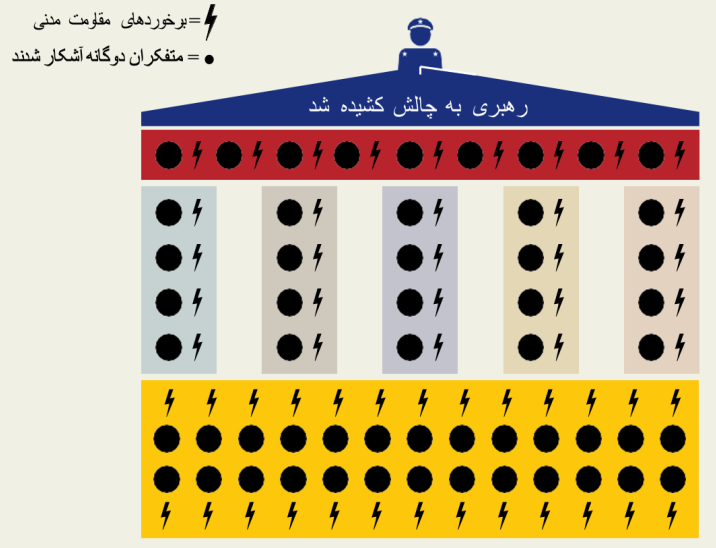

با شتاب گرفتن این روند، حفظ هاله شکست ناپذیری خودکامگان برایشان مشکل می‌شود.

در شکل ۱۳ مقاومت مدنی درمسیر پیروزی قرارمی‌گیرد. دارندگان تفکر دوگانه تعدادشان زیادتر وفعال‌تر می‌شوند وبه کسانی که با آن‌ها همفکرهستند می‌پیوندند. مردم اختلاف‌اشان را با خودکامگان نمایان‌ترمی‌کنند، از جمله طرفداری آشکار ازجنبش وپیوستن به مقاومت. همزمان با آن‌که ارتباطات عمیق‌تروگسترده‌ترمی‌شود، امکان فاصله گرفتن از رژیم زیاد شده وحتی سرعت می‌گیرد. سرانجام خودکامه وپایگاهش دستخوش طوفان می‌شوند ونفوذ ومشروعیت خود را به سرعت از دست می‌دهند ونتیجه آن یا خروج خودکامه ویا مذاکره برای اشتراک در قدرت است.

مبارزه بی‌خشونت زمانی پیروز می‌شود که ازدیاد اختلال‌های تاکتیکی، فاصله گرفتن مردم از رژیم اقتدارگرا وپیوستن آن‌ها به جبهه مقابل را افزایش دهد. گزینه‌های تاکتیکی نامحدود ومتفاوتی درهرلحظه ازکمپین مبارزه مدنی وجود دارد وراه‌های زیادی را به سوی پیروزی می‌گشاید. با همه این‌ها انتخاب بدون فکرتاکتیک‌ها وبدون در نظرگرفتن تاثیرات آن‌ها، وحدت را از بین می‌برد. مردم به رهبرانی که فاقد برنامه‌ریزی مستمرهستند، اعتماد ندارند. این برنامه‌ریزی باید شامل ارزیابی از پیشرفت کارها واز بین بردن نقاط ضعف هم باشد.

FIGURE 13: Civil Resistance Wins

● = متفکران دوگانه برای ایجاد انحراف به هم پیوند می خورند رهبری سرگردان است

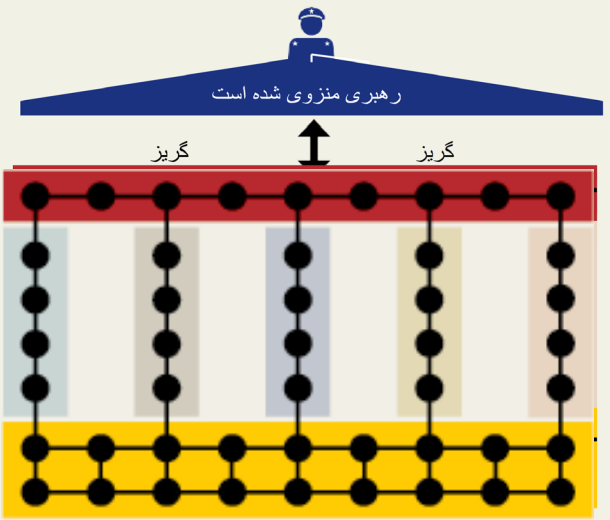

با انتخاب مقاومت مدنی به عنوان جایگزینی برای مبارزه خشونت‌آمیز، تصمیمی مهم‌تر از این که چگونه با بی رحمی رژیم‌های دیکتاتوری مقابله کنیم، وجود ندارد. انتخاب استراتژی غلط همانگونه که در سوریه از سال ۲۰۱۱ تاکنون اتفاق افتاده است می تواند به قیمت جان هزاران نفر وآوارگی میلیون‌ها نفربیانجامد.[۱۶]

چک لیست سوال شماره ۲

آیا کمپین مقاومت مدنی ضمن حفظ انضباط بی‌خشونت گزینه‌های تاکتیکی متنوع را به کارمی‌گیرد؟

درمقاومت مدنی منظورتاکتیک‌هایی است که دربرهه‌ای اجرا می‌شوند ومی‌توانند هزینه زیادی را برسیستم فرماندهی وکنترل دیکتاتوری تحمیل کنند.

درمقاومت مدنی امکانات تاکتیکی نامحدودند وتنها درعالم تخیل می‌توان آن‌ها را محدود کرد. از آن جا که سرچشمه گزینه‌های تاکتیکی این است که چگونه می‌توان درجامعه انتظارات دیکتاتوربرای رفتارقابل قبول شهروندان را با شکست روبرو کرد، گزینه‌ها نامحدودند. تاکتیک‌هایی که قصد آسیب رساندن دارند، ازکمپین مقاومت مدنی کنار گذاشته می‌شوند. آن‌ها بخش جدایی‌ناپذیری ازاستراتژی شورش‌های خشونت آمیزهستند. تاکتیک‌های بی‌خشونت می‌توانند استراتژی‌های خشونت بار را تقویت کنند، ولی برعکس آن عملی نیست.

لیست ۱۹۸ روش جین شارپ ۵۰ سال پیش و در زمان ساده‌تری منتشرشد. در دنیای به مراتب پیچیده امروز که همه چیز به هم وابسته است، فرصت های زیادی برای بستن مراکزتجاری ونهادهای اجتماعی که دیکتاتورانتظاردارد برآن‌ها کنترل داشته باشد، وجود دارد. آی سی ان سی لیستی متشکل از ۳۴۶ روش که توسط مایکل بیر تهیه شده است وشامل ۱۹۸تاکتیک اصلی شارپ هم می‌شود، منتشر کرده است.[۱۷]

آن‌چه در زیر می‌آید ۴۱کمپین مقاومت مدنی است که نمونه‌های خاصی از تاکتیک‌های بدون خشونت را نشان می دهد.

---

۱۶ - ماچه بارتکوفسکی و جولیا طالب، "نزدیک بینی مبارزه سوریه ودرس‌های کلیدی"، در "آیا اقتدارگرایی به صحنه برمی گردد؟"، ویرایش. متیو جی. باروز و ماریا جی استفان(واشنگتن، دی سی: شورای آتلانتیک، ۲۰۱۵.
Authoritarianism_/۰۱/۲۰۱۶/https://www.nonviolent-conflict.org/wp-content/uploads
pdf.Chapter۱۰

۱۷ - مایکل بیر، تاکتیک‌های مقاومت مدنی در قرن ۲۱(واشنگتن، دی سی: نشر آی سی ان سی،۲۰۲۱).

جدول ۷: ۴۱ کمپین مقاومت مدنی با نمونه‌هایی از تاکتیک‌های بی‌خشونت

کمپین بی‌خشونت	مکان	سال	تاکتیک‌های کلیدی بی‌خشونت
1. انقلاب لبخندها علیه رئیس جمهور عبدا لعزیز	الجزایر	۲۰۱۹-۲۰۲۰	اعتراضات و تظاهرات هفتگی؛ اعتصابات دانشجویی (دانشجویان کلاس‌ها را تحریم می‌کنند) اعتصاب عمومی، کمپین زنان بوتفلیقه " میدان فمینیست" برای حقوق مساوی، اعتصاب کارگران و متوقف کردن سیستم حمل ونقل، تحریم گسترده انتخابات ریاست جمهوری
2. کمپین ضد استرداد وطرفداری از خود مختاری	هنگ کنگ	۲۰۱۹-۲۰۲۰	ظاهرات توده‌ای، راهپیمایی، اشغال مکان‌های عمومی از جمله پارک‌ها، محوطه دانشگاه‌ها اعتصاب کارگران، تحصن در فرودگاه بین‌المللی هنگ کنگ تشکیل یک زنجیره انسانی ۵۰ کیلومتری به نام راه هنگ کنگ الهام گرفته شده از راه بالتیک توسط سه کشور بالتیک درمبارزه بی خشونت در سال ۱۹۸۹ برای استقلال، سازماندهی انتخاباتی که با حضور گسترده رای دهندگان به پیروزی قاطع اردوگاه طرفداران دموکراسی در نوامبر ۲۰۱۹ منجرشد.
3. انقلاب علیه رئیس جمهور عمربشیر	سودان	۲۰۱۸-۲۰۱۹	اعتراضات، اعتصاب عمومی، سربازان خود را سپر مردم درنیروهای امنیتی کردند، تظاهرات برای احترام به زنان که شورش را رهبری کردند، راهپیمایی به سمت مرکز فرماندهی ارتش، تحصن و اعتصاب
4. کمپین به رهبری زنان علیه حجاب اجباری	ایران	۲۰۱۸-۲۰۱۹	زنان در میدان های اصلی حجاب از سر برداشتند، عکس گرفتند ودرفضای مجازی منتشر کردند. مردان با انجام اقدامات مشابه اعتراضات پیوستند وعکس آن را در فضای مجازی منتشر کردند.
5. انقلاب مخملین	ارمنستان	۲۰۱۸	راهپیمایی اعتراض آمیزدرشهرهای بزرگ وکوچک ارمنستان، تحصن در میدان اصلی پایتخت، راهپیمایی‌های توده‌ای، ارتش ارمنستان به معترضین پیوست، مسدود کردن خیابان‌ها، اعتصاب کارگران
6. کمپین"بومیدی!"	لبنان	۲۰۱۵-۲۰۱۶	شعارهای اعتراضی، شعارهای طنزآمیز، ربط دادن شخصیت‌های سیاسی به بحران زباله، اعتراضات خیابانی در پایتخت
7. " سابقه پاک" به سوی تصویب لایحه مبارزه با فساد	برزیل	۲۰۰۸-۲۰۱۰	ارسال هشدارهای منظم ازطریق شبکه‌های اجتماعی با فراخوانی حرکت برای اقدام ویژه، طومار آنلاین برای حمایت از لایحه مبارزه با فساد، ایمیل و تلفن قانونگذاران، درخواست الکترونیکی توییت و ویدیو
8. کمپین حمایت از کمیسیون ضد فساد	اندونزی	۲۰۰۹	خواننده‌های محبوب آهنگ‌های ضد فساد ساختند، طومار، اعلامیه نصب بنر، تحصن، تجمع جلوی ایستگاه‌های پلیس، کنسرت، تئاتر خیابانی، کارهای سرگرم کننده برای عموم، شعار" برای اندونزی سالم با فساد مبارزه کنید"
9. کمپین برای ممانعت از فساد پلیس	اوگاندا	۲۰۱۹-۲۰۰۹	تهیه تفاهم‌نامه‌ای بین مقامات مجری قانون درباره همکاری بین کمپینضد فساد وپلیس، نظارت جامعه بر رفتار پلیس، کارگاه‌های آموزش اصول اخلاقی، در پایان کلاس پلیس باید متعهد شده وآن را امضا کند نظرسنجی وجمع آوری اطلاعات درباره اینکه آیا در ۶ ماه گذشته کسی پلیس رشوه داده است، ملاقات با ساکنان در مورد قوانین مربوط به رفتار پلیس وگزارش در مورد اهانت وفساد آن‌ها

کمپین بی‌خشونت	مکان	سال	تاکتیک‌های کلیدی بی‌خشونت
10. انقلاب دموکراتیک علیه سلطنت مطلق	**نپال**	۲۰۰۶	اعتصاب عمومی منطقه‌ای و سراسری، راهپیمایی، تظاهرات، محاصره ساختمان‌های دولتی، اعتراضات توده‌ای، دانشجویان تظاهرات و تجمعات را رهبری کردند.
11. کمپین حسابرسی اجتماعی برای مبارزه با فساد	**کنیا**	۲۰۰۵	برگزاری انجمن‌های اجتماعی برای آموزش مردم درباره پروژه‌های عمومی وفرایند تخصیص بودجه برای آن‌ها، جمع آوری اطلاعات درباره مورد نیازهای جامعه، جمع آوری اطلاعات درباره این که آیا پروژه های عمومیتکمیل شده‌اند، کیفیت وهزینه آن‌ها، بازرسی پروژه‌ها، برگزاری جلسات با ساکنان ومقامات، بازی‌های عروسکی وطنز برای تمسخر وشرمسارکردن مقامات فاسد
12. کمپین ضد فساد "شما را می بینیم"	**مصر**	۲۰۰۵	راه اندازی وب سایت shayfeen.com؛لوگوی چشم دلالت بر این دارد مردم مقامات را زیر نظر دارند. توزیع ۱۰۰ هزار استکان چای با آرم شایفین و ۲۵۰ هزار کیسه پلاستیکی برای حمل نان با شعار " ما شما را می‌بینیم در انتخابات شما را نظاره خواهیم کرد" فیلم ازمراحل انتخابات تقلب را نشان خواهد داد
13. استقلال انتفاضه علیه نیروهای سوری در کشور و تسلط بر نهادهای کشور	**لبنان**	۲۰۰۵	تشییع جنازه‌های عمومی و تشییع جنازه‌های اعتراضی، تجمع برای " حقیقت" ایجاد کمپ در میدان شهدا در پایتخت برای اعتراضات دائمی، کمک داوطلبانه مردم برای حفظ چادرها درمیدان، فعالان بی‌خشونت اجازه هیچ پرچم حزبی ندادند، سرود ملی و پرچم ملی، اعتراضات
14. خداحافظ "پول برای حفاظت" کمپین ضد مافیا در سیسیل	ایتالیا	۲۰۰۴	کمپین استیکر بر روی تیرهای برق در پالرمو" همه کسانی که پول حفاظت می‌پردازند، نامحترم هستند" اوراقی با شعارهای ضد مافیا بر روی نرده‌ها و پله‌ها آویزان کردند. در یک مسابقه فوتبال بنری را در دست داشتند که رویش نوشته شده بود" اتحاد علیه مافیا" از مردم امضا گرفتند که از مغازه‌هایی که پول برای حفاظت نمی‌پردازند خرید خواهند کرد. حمایت از مالکانی که از پرداخت پول برای حفاظت امتناع کردند. حمایت آن‌ها به صورت تشویق مردم برای خرید از آن‌ها بود. کنش خرید اخلاقی راه انداختند و مشتریان و دارندگان مشاغل را در برابر پول برای حفاظت متحد کردند، برپنجره مغازه‌هایی که برای حفاظت نمی پرداختند استیکر نصب می‌کردند. کتاب زرد و برچسب محصولات برای مغازه‌هایی که پول برای حفاظت پرداخت نمی‌کردند تهیه کردند. به تجمعات واعتراضات پیوستند، تیم ورزشی برای جنبش درست کردند، از گردشگری برای مشاغلی که پول برای حفاظت نمی‌پرداختند حمایت کردند، تحقیق می‌کردند آیا کسب وکارها در انصراف از کارکردن با مافیا صادق هستند یا خیر؟
15. مبارزه بی خشونت برای خودمختاری توسط مردم صحرای غربی	صحرای غربی	۱۹۹۹-۲۰۱۰	شب های نمایش دانش آموزی؛ تحصن در مرکز شهر؛ اشغال میدان سمبولیک پرچم ممنوعه صحرای غربی، ایجاد کمپ واعتراض کمی خارج از شهر اصلی

کمپین بی‌خشونت	مکان	سال	تاکتیک‌های کلیدی بی‌خشونت
16. رکن پنجم کمپین مبارزه با فساد	هند	۲۰۰۴- تاکنون	آموزش افراد در مورد نحوه ثبت درخواست تحت قانون «حق اطلاعات»؛ امتناع از پرداخت رشوه؛ تعهد عمومی علیه فساد؛ مقاومت نمادین(نشر اسکناس صفر روپیه‌ای برای نشان دادن این که مردم علاقه‌ای به دادن رشوه ندارند) برگزاری مسابقات مقاله نویسی، زنجیره انسانی، تحصن، جلسات عمومی، پخش اعلامیه، جمع‌آوری امضا، مراسم بزرگداشت، خدمات اجتماعی در روستاها، اختصاص شماره تلفن برای گزارش در مورد فساد، اعلام دقیق قیمت ها برای خدمات دولتی مانند صدور گواهینامه در ورودی اداره‌های دولتی تا مردم بدانند که چقدر باید بپردازند.
17. انقلاب نارنجی	اوکراین	۲۰۰۴- ۲۰۰۵	اشغال میدان" میدان" ایجاد کمپ واستقرار چادرها، سازماندهی خدمات اجتماعی برای حمایت از معترضین، اعتصاب، تظاهرات، کنسرت های روزانه، نمایش های تئاتری، ارتباط با نیروهای امنیتی ازطریق مقامات بازنشسته ارتش وتماس بین المللی، ارتش به معترضان بپیوندند، ارتش به نیروهای امنیتی طرفدار رژیم خبر داد که آن‌ها بدون سلاح از معترضان حمایت خواهند کرد.
18. جنبش صلح به رهبری زنان	لیبریا	۲۰۰۳	گروه متحد زنان مسیحی و مسلمان راه اندازی شد، پوشیدن لباس سفید یک دست به نشانه صلح وتجمع روزانه در بازارماهی فروشان به مدت یک هفته، اعتصاب جنسی وامتناع از رابطه جنسی تا پایان جنگ، سازماندهی راهپیمایی درخیابان مونروویا؛ سازماندهی تحصن در مقابل محل مذاکرات صلح در آکرا غنا، تهدید به برهنه شدن ونگه داشتن مردان در ساختمان مگر اینکه قرارداد صلح امضا شود
19. لیست سیاه نامزد های فاسد	کره جنوبی	۲۰۰۰	راه اندازی وب سایت برای لیست سیاه نامزدهای سیاسی، مدارک مربوط به نامزد های نامناسب، حمایت از نامزدهای بدون پیشینه فساد، گرفتن تعهد از نامزدها برای انجام اصلاحات سیاسی، انتشار منشور صلح برای تفهیم انضباط کدش بی‌خشونت. نشان دادن کارت زرد در راهپیمایی‌ها زمانی که نام نامزدهای لیست سیاه خوانده می‌شد، سازماندهی جشنواره سرخ، جایی که هزار کارت قرمز نشان می‌دادند وفریاد می زدند" بیرون"، تجمع با شمع‌های روشن، تظاهرات دوچرخه سواران، کاروان کشاورزان، اعتراض کودکان، بیرون آوردن نامزدهای غیر فاسد ومحترم از سایه، تا نامزدهای لیست سیاه در سایه قرارگیرند.
20. بهار پاپوایی	پاپوا	۱۹۹۹- ۲۰۰۴	ایجاد نهادهای حکومتی موازی پاپوآ؛اعتراضات وتظاهرات از جمله فروشندگان زن در بازار، بالا بردن پرچم ممنوعه پاپوا (ستاره صبح)
21. کمپین بی‌خشونت علیه رئیس جمهور میلوسویچ	صربستان	۱۹۹۸- ۲۰۰۰	تجمعات؛ راهپیمایی، تظاهرات؛ کنسرت‌های راک؛ علیه میلوسویچ ، اعتصاب بایکوت، طومار، بیانیه‌های عمومی، مسدود کردن راه‌های اصلی، اشغال مکان‌ها وساختمان‌های عمومی، تئاتر خیابانی وصحنه‌های طنزسیاسی و با پیام‌هایی علیه میلوسویچ، اپوزیسیون با نیروهای امنیتی تماس برقرار کرد.
22. یک دقیقه تاریکی برای روشنایی دائمی، کمپین ضد فساد	ترکیه	۱۹۹۷	هرشب مردم چراغ‌های خود را به مدت یک دقیقه همزمان خاموش می‌کردند وبرقابلمه وتابه می‌کوبیدند، چراغ قوه ها را روشن می‌کردند، ماشین‌ها در چهارراه‌ها بوق می زدند، شب زنده داری، راهپیمایی در محل.

کمپین بی‌خشونت	مکان	سال	تاکتیک‌های کلیدی بی‌خشونت
23. انقلاب مارچ	مالی	۱۹۹۱	استفاده از نوازندگان سنتی به نام گریوت برای انتشار اطلاعات و داستان‌های مقاومت. تظاهرات، اعتصاب دانشجویان، راهپیمایی برای صلح
24. کمپین مقاومت بی‌خشونت	کوزوو	۱۹۸۹-۱۹۹۷	ایجاد دولت موازی ومدارس آلبانیایی درکوزوو، اعتراضات، اعتصاب کارگران، بایکوت مدارس صربی و نهادهای دولتی
25. اعتراضات دموکراسی	چین	۱۹۸۷-۱۹۸۹	برگزاری سالن‌های دمکراتیک، پوسترهای دیواری به عنوان یک استراتژی کلیدی برای برقراری ارتباط، طومارهای دانشجویان، دانشجویان تظاهرات را رهبری می خواهانه کردند،با بلندگو شهروندان را درباره اعتراضات مطلع می‌کردند، تحریم مدارس، نامه سرگشاده به مقامات، اعتصاب غذا واشغال میدان تین آن من
26. انتفاضه اول	فلسطین	۱۹۸۷-۱۹۹۳	اعتصاب کارگران فلسطینی، بایکوت، نهادهای موازی، تشکیل کمیته‌های اسرائیلی- فلسطینی
27. جنبش همبستگی	لهستان	دهه ۱۹۸۰	اشغال کارخانه‌ها توسط کارگران؛ راه اندازی سندیکاهای مستقل حرفه‌ای، انتشارات زیرزمینی برای شکستن سانسور، مدارس زیرزمینی، اعتصابات، تظاهرات و اعتراضات، ترانه‌های مقاومت وطنز
28. کمپین علیه آپارتاید	آفریقای جنوبی	۱۹۸-۱۹۹۴	تحریم کسب وکار سفیدپوستان درپورت الیزابت؛ نافرمانی مدنی از قوانین و شیوه‌های آپارتاید، تشییع جنازه‌های عمومی درصفوف منظم، راهپیمایی چند نژادی برای صلح، اعتصاب ودرخواست ازدیگران برای کارنکردن، بایکوت پرداخت اجاره بایکوت مدارس، تحریم ورزش ورویدادهای فرهنگی، تحریم‌های بین‌المللی، کمپین بایکوت واگذاری کسب و کارها، ایجادنهادهای جایگزین جامعه -محور مانند تعاونی‌ها، کلینیک ها ودفاتر قانونی عمومی.
29. مبارزه علیه دیکتاتوری نظامی	شیلی	۱۹۸۵-۱۹۸۸	اعتصابات کارگری وکاهش سرعت کار؛ آموزش درکلیساها برای مبارزه بی‌خشونت تظاهرات، خواندن سرود، راه رفتن ورانندگی آهسته در روز تعیین شده، کوبیدن برتابه وقابلمه،اعتراضات هنری، سازماندهی انتخابات
30. انقلاب قدرت مردم	فیلیپین	۱۹۸۳-۱۹۸۶	شب زنده داری؛ تجمعات؛ تظاهرات؛ سازماندهی انتخابات؛ تحریم رسانه‌های حامی رژیم، اعتصاب مدارس؛ اعتصابات عمومی؛ بسیج برای حفاظت از سربازانی که از رژیم جدا شده‌اند، تظاهرکنندگان سربازان وفادار به رژیم را درآغوش کشیده وبرای آن‌ها دعا می‌کردند.
31. مقاومت علیه تهاجم شوروی	چکوسلواکی	۱۹۶۸	عدم همکاری سیاسی، تحصن، تظاهرات، " ده فرمان" مقاومت بی‌خشونت توسط چک‌ها واسلواک‌ها علیه نیروهای شوروی که در روزنامه "وسرنی پرا" در ۲۶ اوت ۱۹۶۸ چاپ شد. زمانی که سرباز شوروی برای کمک از افراد محلی نزدیک می‌شوند "فرمان ها" از مردم می‌خواهند چنین کنند: ۱ - نمی‌دانم ۲ - اهمیت ندهید ۳ - نگویید ۴ - ندارم ۵ - نمی دانم چگونه ۶ - ندهید ۷ - نمی‌توانم ۸ - نفروشید ۹ - نشان ندهید ۱۰ - هیچ کاری نکنید.

کمپین بی‌خشونت	مکان	سال	تاکتیک‌های کلیدی بی‌خشونت
32. نشویل کمپین جنبش متحده حقوق مدنی در آمریکا	ایالات متحده	۱۹۶۰	آموزش و تمرین فعالان سیاسی در زیرزمین کلیسا، تحصن در پیشخوان رستورانت‌ها، پرکردن زندان‌ها، بایکوت مشاغل مرکزشهر، راهپیمایی توده‌ای به سمت دفتر شهردار
33. کمپین کنش مثبت برای استقلال	غنا	۱۹۴۹-۱۹۵۱	تحریم اقتصادی علیه کالاهای انگلیسی، بستن فروشگاه‌ها؛ تحصن، تاسیس مدارس مستقل
34. جنبش زبان بنگالی	بنگلادش	۱۹۴۸-۱۹۵۲	اعتصاب عمومی، تجلیل وتشییع جنازه، تشکیل کمیته اقدام زبان مادری و سازمان‌های اجتماعی- فرهنگی، اعتصابات، سازمان ملل روز جهانی زبان مادری را در بزرگداشت این جنبش صلح آمیز نامگذاری کرد.
35. مقاومت مدنی علیه اشغال نازی‌ها	دانمارک	۱۹۴۰-۱۹۴۴	" ده فرمان" مقاومت مدنی که دانمارکی‌ها ازآن حمایت کردند: کند کاری، کارغیرموثر، اقداماتی که به ضررنازیها باشد، توقف ویا تأخیرحمل ونقل‌هایی که مورد استفاده نازی است، بایکوت فیلم‌ها، بایکوت روزنامه‌های آلمانی، بایکوت مغازه‌های آلمانی، حمایت ازهمه کسانی که مورد تعقیب نازی‌ها هستند. با این کار توانستند ۹۰ درصد از یهودیان دانمارک را نجات دهند.
36. مبارزه استقلال هند	هند	۱۹۳۰-۱۹۳۱	نافرمانی مدنی عمومی دربرابرمالیات وانحصار تولید و فروش نمک توسط بریتانیا، اعلامیه‌های عمومی وسخنرانی گاندی وطرفدارانش، دادخواست‌های دسته جمعی، اقدامات دسته جمعی مانند نیایش وبه اهتزاز درآوردن پرچم ملی هند، آواز خوانی ورقص، راهپیمایی(راهپیمایی نمک) عزاداری عمومی برای کشته شدگان در تظاهرات توسط انگلیسی‌ها، تحریم کالاهای انگلیسی، هارتال(اعتصاب محدود) تحریم مدارس، اشغال انبارهای نمک، نافرمانی مدنی و خودکفائی.
37. انقلاب ۱۹۱۹ برای استقلال مصر از بریتانیا	مصر	۱۹۱۹-۱۹۲۱	کمپین جمع‌آوری امضا در حمایت از استقلال کامل؛ اعتصابات دانشجویی، اعتصابات کارگران و دهقانان، زنان به عنوان اعتراض محجبه شدند، تظاهرات در مراسم تدفین، تحریم کالاهای انگلیسی، نمازبا شرکت انبوه مردم برای استقلال، استفاده ازنمایش و وموسیقی وادبیاتی که ازنافرمانی حمایت می‌کرد.
38. اعتراض تنباکو در ایران	ایران	۱۸۹۰-۱۸۹۲	تحریم تنباکو وتظاهرات بی‌خشونت علیه شرکت انگلیسی که انحصار تولید، فروش و صادرات تنباکوی ایران را به دست آورده بود.
39. مقاومت در برابر لهستان روسی کردن	لهستان	۱۸۸۵-۱۹۱۴	توسعه دانشگاه فلاییِنگ (ماری کوری که بعدها جایزه نوبل گرفت از این دانشگاه غیر قانونی فارغ التحصیل شد) تحریم سیستم مدارس دولتی روسیه، راه اندازی مدارس به زبان مادری
40. کمپین مقاومت انفعالی برای یکسان سازیحقوق سیاسی در امپراطوری هابسبورگ	مجارستان	۱۸۵۰-۱۸۶۰	امتناع از خدمت سربازی؛ امتناع از گفتگو به زبان آلمانی؛ بایکوت جشن‌های رسمی،تحریم دادگاه‌ها، تحریم کالاهای اتریشی، امتناع از تهیه غذا ومسکن برای سربازان اتریشی
41. کمپین‌ها علیه قانون تمبر در کلنی‌های بریتانیا	کلنی‌های آمریکایی	۱۷۶۵-۱۷۶۶	عدم واردات؛ بایکوت؛ عدم پرداخت مالیات؛ عدم مصرف کالاهای انگلیسی

با وجود طیف وسیعی از تاکتیک‌های به‌کاررفته در این ۴۱ مورد، آن‌ها را می‌توان به دو صورت مفید دسته بندی کرد. اول براساس خطر: تاکتیک‌های بی‌خشونت را می‌توان با توجه به خطراتی که مخالفان با آن روبرو هستند، دسته‌بندی کرد. تاکتیک‌های تجمع، مانند گردهمایی‌ها برای اعتراض یا حمایت، پرخطرترین هستند و هدف بزرگی برای حملات خشونت باردیکتاتورها می‌باشند. تاکتیک‌های پراکنده مانند کنارهگیری از نهادهای اجتماعی خطر کمتری دارند، برای این که آن‌ها کنش‌هایی مجزا بوده و اهدافی ضروری برای سرکوب خشونت‌باربه حساب نمی‌آیند.

دوم براساس واکنش خودکامه: می‌توان تاکتیک‌های بی‌خشونت را همچنین به گونه‌ای متمایز دسته‌بندی کرد. روش‌هایی که دیکتاتور باید در برابر آن‌ها عکس‌العمل نشان دهد. کارهایی که باید کرد، مانند اعتصاب سراسری، در این صورت خود کامه باید ناراضیان را وادار به توقف کاری کند که انجام می‌دهند. کارهایی که نباید کرد، مانند مصرف کالاها و خدماتی خاص، به عبارت دیگر باید آن‌ها را تحریم کرد. در این صورت خود کامه مجبور است ناراضیان را وادار کند تا فعالیت‌های عادی خود را از سربگیرند.

موفق‌ترین کمپین‌های مقاومت مدنی از تاکتیک‌هایی از هرکدام از دسته‌بندی‌های بالا استفاده می‌کنند. اتکاء به تاکتیکی واحد بعید است که استراتژی خوبی برای برنده شدن باشد، برای این‌که همه شهروندان حاضرنیستند که خطرات آن را بپذیرند. تاکتیک‌های چندگانه خودکامه را برسر دوراهی قرارمی‌دهد وبرایش مشکل خواهد بود که از طرفی مقاومت کنندگان را سرکوب وازطرف دیگربه کسانی که حاضر به اطاعت مجدد می‌شوند، پاداش بدهد. اگر دسترسی به تاکتیک‌های متفاوت مزیتی برای استراتژی ایجاد می‌کند، ممکن است پرسیده شود که "چرا محتاطانه تعدادی از تاکتیک‌های خشونت‌باررا به مجموعه تاکتیک‌ها اضافه نکنیم"؟ این استدلال معمولاً زمانی مطرح می‌شود کمپین مقاومت بی‌خشونت موقتاً شتاب خود را از دست داده و ناامیدی درحال افزایش است. به این دلیل فعالان دموکراسی‌خواه باید دیگران را قانع کنند که کمپین‌های مقاومت مدنی برتر از شورش خشونت‌بار هستند وباید آماده باشند که از این نظردفاع کنند.

علت شکست کمپین‌های مقاومت مدنی، ناتوانی آن‌ها درترتیب وتوالی به کارگیری تاکتیک‌های متنوع بی‌خشونت دریک برنامه استراتژیک منسجم است.

با این حال درمواردی جنبش‌های مقاومت مدنی خود را متعهد به حفظ انضباط بی‌خشونت می‌دانند، اما گروه‌های خارج از جنبش ظهورکرده وبه موازات جنبش، به عملیات خشونت‌باردست می‌زنند. بعد چه می‌شود؟ آیا این پویایی می‌تواند به جنبش بی‌خشونت کمک کند وشانس موفقیت آن رابالا ببرد؟

پاسخ برخی مثبت است واستدلال می‌کنند که چون گروه‌های خشونت گرا سبب می‌شوند که فعالان دموکراسی‌خواه منطقی به نظربرسند وتهدید به خشونت مقامات را می‌ترساند، آن‌ها با

گروه‌های میانه رو ترمقاومت کنندگان مدنی به توافق می‌رسند. این استدلال به لحاظ تاریخی به اثبات نرسیده است. اریکا چنووت وکورت شاک پژوهشگران تاریخ، درباره ۱۰۶ کمپین بی‌خشونت بین سال‌های ۱۹۰۰ و ۲۰۰۶ تحقیق کردند ودرمورد تغییر اساسی در این حکومت‌ها کندوکاو کردند.[۱۸] در هیچ کدام از این موارد نتوانستند شواهدی پیدا کنند که همزیستی با گروه فعال خشونت گرا (که برخی اوقات به آن‌ها" جناح خشونت " می‌گویند)، تاثیر مثبتی برکمپین مقاومت مدنی داشته باشد. علاوه برآن، چنووت وشاک شواهد آماری قابل توجهی پیدا کردند که تعامل با جناح خشونت اثرات منفی برکمپین‌ها گذاشته بود. به عنوان مثال متوسط جنبش مقاومت مدنی با جناح خشونت، ۱۷درصد کوچکتر از متوسط جنبش مقاومت مدنی بدون جناح خشونت بود. چون مشارکت غیرنظامیان عاملی کلیدی درموفقیت جنبش‌هاست، جناح‌های خشونت، غیرمستقیم شانس پیروزی درمبارزه را کاهش می‌دهند.

چنووت وشاک همچنین متوجه شدند که حضورجناح خشونت قویا اصطکاک بین ناراضیان را زیاد می‌کند. درهم آمیختن خشونت با تاکتیک‌های بی‌خشونت انتظارجنبش را برای متحد باقی ماندن از بین می‌برد ودرنتیجه احتمال برنده شدن را کاهش می‌دهد. جناح خشونت همچنین احتمال این که فعالان دموکراسی‌خواه بیشتر درمعرض سرکوب قراربگیرند را افزایش می‌دهد ودرنتیجه مشارکت کاهش یافته وشانس موفقیت جنبش کمترمی‌شود.

یافته‌های چنووث وشاک در مورد ناسازگاری خشونت ومقاومت مدنی تعجب‌آور نیست. قیام‌های خشونت‌بارو کمپین‌های مقاومت مدنی با دوپویایی کاملاً متناقض عمل می‌کنند. حتی خشونت محدود به شتاب مورد نیاز برای موثربودن کمپین مقاومت مدنی آسیب می‌زند.

این یکی از دلایلی است که خودکامگان به سختی تلاش می‌کنند تا ازطریق عوامل نفوذی خود (عوامل تحریک کننده) مردم را تحریک کرده تا به خشونت روی بیاورند.

هرکسی استدلال کند که کمپین مقاومت بی خشونت باید در برابر متحدانی که می‌خواهند دست به خشونت بزنند، مدارا کند، اشتباه می‌کند. پذیرفتن استدلال چادربزرگ ازنظر عملکردی به این معناست که کمپین مقاومت مدنی باید پذیرای خشونت دربین نیروهای خود که با ایده مبارزه بی‌خشونت هماهنگ هستند، باشد. هرگونه اتکا به متحدینی که مایلند از خشونت استفاده کنند، اعتماد به نفس ونظم وترتیبی که با حفظ انضباط بی‌خشونت به دست می‌آید را تضعیف می‌کند.

---

۱۸ - ریکا چنووت و کورت شاک، «آیا چالش‌های مسلحانه همزمان برنتایج کمپین‌های توده‌ای بی‌خشونت اثر می‌گذارند؟» درباره بسیج: فصلنامه بین‌المللی ۲۰، شماره ۴(۲۰۱۵):۴۲۷-۴۵۱

حضور شورشیان طرفدار خشونت مانع اختلال و جدا شدن حامیان اصلی دیکتاتور می‌شود، امری که کلید موفقیت است. عقل سلیم حکم می‌کند که دوبارفکرکنندگان در شرایطی که کسانی که می‌خواهند آن‌ها را به طرف خود جذب کنند، درعین حال آنان را به ضرب وجرح وحتی مرگ تهدید می‌کنند، عقیده خود را آشکار کنند.

سوال دیگر این است که آیا خرابکاری را باید تاکتیکی خشونت‌بار تلقی کرد یا بی‌خشونت؟ پاسخ این است که بستگی دارد. انفجار ریل قطار درست قبل از این‌که قطار مسافربری برسد، تاکتیکی خشونت‌بار است، اما انفجار ریل قطار و هشداردر مورد آن قبل از این‌که قطار مسافربری برسد، تاکتیکی بی‌خشونت است. خط روشنی بین تخریب اموال وخرابکاری که خطری را متوجه زندگی، سلامت ورفاه مردم بکند، وجود دارد. ترسیم این خط روشن در مورد خرابکاری در سیستم دوربین‌ها که برای تحت نظر گرفتن مردم نصب شده، بسیار آسان است. از کارانداختن دوربین‌ها واستفاده از بدافزاربرای آلوده کردن پایگاه داده‌هایی که برای کنترل اجتماعی به کار می‌رود را به سختی می‌توان تاکتیک خشونت آمیز نامید. خودکامه ممکن است استدلال کند که این خرابکاری‌ها خشونت‌آمیز است چون اختلال ایجاد می‌کند. اعتراضات توده‌ای، اعتصابات، بایکوت‌ها هم اختلال ایجاد می‌کنند تا مشروعیت خودکامه را به چالش بکشند.

چک لیست پرسش شماره ۳

آیا کمپین مقاومت مدنی برای ایجاد حداکثراختلال باحداقل خطر، تاکتیک‌های خود را تنظیم می کند؟

ناراضیان با دو چالش روبرو هستند: این‌که چگونه تاکتیک‌های مناسب را انتخاب کنند واین‌که به چه ترتیبی درطول زمان آن‌ها را به اجرا بگذارند. نتایج این انتخاب‌ها فوق‌العاده مهم هستند. متوسط چارچوب زمانی برای یک مبارزه موفق بی‌خشونت سه سال است. پیاده کردن یک تاکتیک بدون در نظرگرفتن این‌که بعد چه می‌شود وقدم بعدی چیست، به شکست می‌انجامد.

تا حدودی تاثیرتاکتیک‌های بی‌خشونت با موفقیت یا شکست تاکتیک‌های قبلی بی‌خشونت مشخص می‌شود وبرای همین است که یک تاکتیک مشخص بی‌خشونت اگر درمراحل مختلفی ازکمپین به اجرا گذاشته شود، فشار متفاوتی برخودکامه وارد می‌کند. اعتصاب عمومی درمراحل اولیه مبارزه ممکن است زود هنگام باشد، اما ثابت شده است که در مراحل بعدی تعیین کننده است. تصویری ازاین پدیده تفاوت بین حوادث سال ۲۰۰۰ در صربستان با سال ۱۹۸۹ درچین و۲۰۰۳ درونزوئلا را نشان می‌دهد.

در صربستان توالی استراتژیک تاکتیک‌ها علیه رئیس جمهوراسلوبودان میلوسویچ به سقوط او در سال ۲۰۰۰ منجر شد. درفیلم مستند پایین آوردن دیکتاتور تاریخچه رویدادهای اصلی که به برکناری میلوسویچ انجامید، نشان داده می‌شود. این رویداد به انقلاب بولدوزر معروف شد (صحنه بیادماندنی از حرکت بولدزر به سمت ایستگاه تلویزیون که سنگر پروپاگاندای میلوسویچ محسوب می‌شد). درپنجم اکتبرسال ۲۰۰۰ صدها هزار تظاهرکننده در بلگراد جمع شدند.

اما این اتفاقات به طورخودجوش وناگهانی روی ندادند. در حقیقت آن‌ها اوج تاکتیک‌های برنامه ریزی شده‌ای بودند که متوالیا به اجرا درآمدند وازگروه‌های اجتماعی صربستان نشأت گرفته بودند. این مبارزه به رهبری گروهی از جوانان ودانشجویان "آتپور"(مقاومت) که دوسال قبل تشکیل شده بود، شروع شد. فعالیت‌های آن‌ها درابتدا با طنز وشوخی علیه رژیم آغاز شد.

در طول زمان ترس مردم از رژیم سفاک ریخت وحرکات رژیم دستمایه خنده شد. آموزش‌های آتپور بربرنامه‌ریزی استراتژیک، ایجاد کنش‌های خلاقانه بی‌خشونت والزام مطلق به حفظ انضباط بی‌خشونت تاکید داشت. این گروه نقش مهمی درمتحد کردن اپوزیسیون جدا ازهم داشت وکمپین" کار او تمام است"را قبل ازانتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۰ راه انداخت. فعالان دومیلیون استیکر" کاراو تمام است" توزیع کرده ودر سرتاسر کشوردیوارنویسی کردند. همچنین با پلیس وارتش ارتباط برقرارکرده وازآن‌ها خواستند که از رژیم بریده وازمقاومت حمایت کنند. زمانی که میلوسویچ تلاش برای دزدی انتخابات را شروع کرد، مردم آماده بودند.

سه روز پس از انتخابات در ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۰ میلوسوویچ به دروغ مدعی شد که کاستونیکا نتوانست اکثریت آرا را بیاورد وانتخابات به دوردوم می‌رود تا با اورقابت کند. تظاهرات بی‌خشونت با خروج دانش‌آموزان از مدارس آغاز شد، بقیه گروه‌های کارگران به زودی به کارگران معدن منطقه کلوبآرا پیوستند واعتصاب کردند. منطقه کلوبارا بیشترین برق مصرفی کشور را تامین می‌کرد. این اعتصابات، اعتصاب عمومی مردم صربستان را درپی داشت. کارگران حمل ونقل بزرگراه‌های کلیدی وراه‌های اصلی را بستند. اعتصاب شهرهای بزرگ وکوچک را در سراسرکشورفلج کرد ونیروهای امنیتی رژیم تقلیل یافتند. در پنجم اکتبرطرفداران اعتصاب جلوی باقیمانده پلیس‌های وفادار به رژیم را که می‌خواستند اعتصاب کارگران کلوبارا را بشکنند، گرفتند ودرهمان حال اپوزیسیون به میلوسویچ هشدار داد که از قدرت کنارهگیری کند. طبق برآوردها در پنجم اکتبر بیش از یک میلیون نفرازنواحی مختلف کشورآمده وبه خیابان‌های بلگراد سرازیرشدند وبه تجمع توده‌ای بی‌خشونت درپایتخت پیوستند.

یک روزبعد وزمانی که روشن شد دیگر پلیس از رژیم حمایت نمی‌کند، میلوسویچ شکست را پذیرفت وتسلیم شد.

یکی از دلایل اصلی که کمپین‌های مقاومت مدنی شکست‌های سنگینی را تجربه کردند به علت عدم توانایی آن‌ها درحفظ ترتیب وتوالی تاکتیک‌های متنوع درچارچوب یک استراتژی منسجم است. بدون چنین برنامه‌ای احتمال گسترش بسیج عمومی در سرتاسر کشور کم می‌شود. به عنوان مثال می‌توان ازدرس‌های تظاهرات میدان تیان انمن در سال ۱۹۸۹ و اعتصاب عمومی در ونزوئلا در سال ۲۰۰۲ - ۲۰۰۳ نام برد.

دانشجویان دموکراسی‌خواه چینی استراتژی واحد خود را که تظاهرات خیابانی بود در بسیاری از شهرها وبه ویژه در پایتخت متمرکز کردند. در حالی‌که فقط به صورت نمادین قدرتمند بودند. تمرکزجغرافیایی تظاهرکنندگان به رژیم این فرصت را داد تا آن‌ها را ایزوله کند. رژیم خودکامه توانست ارتباط آن‌ها را با بقیه شهرها ومناطق قطع کند وآن‌ها را به طورفیزیکی محاصره کرده وسریعاً دست به سرکوب وحشیانه دانشجویان بزند.

علت شکست کمپین‌های مقاومت مدنی، ناتوانی آن‌ها درترتیب وتوالی به کارگیری تاکتیک‌های متنوع بی‌خشونت دریک برنامه استراتژیک منسجم است.

همزمان دستگاه پروپاگاندای رژیم دانشجویان را تروریست وغاصبان خشن معرفی کرد. با نگاهی به گذشته، کمپین مقاومت مدنی با هرگونه شتابی که داشت از هم پاشید، برای این‌که نتوانست تاکتیک‌های متنوع را به کارگرفته و آن‌ها را درخارج ازپکن پیاده کند.

در مورد ونزوئلا، اپوزیسیون در سال ۲۰۰۲ کمپینی را راه انداخت تا رئیس جمهور هوگو چاوز را وادار به برگزاری انتخاباتی جدید کند. اعتصابات به رهبری اتحادیه‌های مشاغل و فدراسیون‌های کارگری سه ماه ادامه یافت وسرانجام شکست خورد. شبکه‌های تلویزیونی خصوصی روزانه وبدون محدودیت اعتصاب را پوشش می‌دادند وکمک می‌کردند تا شتاب آن را حفظ کنند. اعتصاب درابتدا منجربه توقف شرکت بزرگ نفت دولتی شد ونیزدربین مردم شکاف انداخت. کنش نتوانست حمایت مردم معمولی ونزوئلا را جلب کند و بسیاری از صاحبان مشاغل تصمیم گرفتند که به اعتصاب نپیوندند. چاوز نیز هوادارانش را بسیج کرد وحامیان دولت رابرای تجمعات ضد اعتصاب سازماندهی کرد و اعتصاب کنندگان را برای کمبود بنزین ومواد غذایی مقصر دانست. کمبودهایی که روی زندگی مردم معمولی ونزوئلا اثر گذاشته بودند.

دولت ونزوئلا در یک ضد حمله (نه مانند آنچه در هنگ کنگ در سال ۲۰۲۰ اتفاق افتاد) شروع به اخراج مدیران وکارگران اعتصابی کرد وبا اعتصاب شکنان وفادار دوباره کار را شروع کرد.

فشار رژیم برای پایان دادن به اعتصاب افزایش یافت و به موازات آن تعدادی از کسب وکارهای متوسط وکوچک برای جلوگیری از ورشکستگی اعتصاب را شکستند، در حالی‌که پروپاگاندای دولت برای بسیج مردم علیه اعتصابیون ادامه داشت. وفاداری ارتش به چاوز به قوت خود باقی ماند ورژیم توانست دست به اقدامات سرکوبگرانه بزند. از جمله هزاران نفررا اخراج کرد. تعداد زیادی را به گونه‌ای هدفمند بازداشت کرده وسرانجام اعتصاب را فرونشاند.

چنووت در مقاله "آینده مقاومت بی‌خشونت" تفاوت بین نتایج صربستان، چین وونزوئلا راتوضیح داده و توصیه‌هایی برای دموکراسی‌خواهان امروز دارد:

جنبش‌هایی که قبل از بسیج مردمی اقدام به برنامه‌ریزی دقیق، سازماندهی، آموزش وائتلاف سازی می کنند، افراد زیادتری را جلب می‌کنند تا جنبش‌هایی که قبل از این‌که درباره برنامه واستراتژی سیاسی بحث کنند به خیابان می‌آیند.[۱۹]

چنووت دراین مقاله به دوتناقض در روند مقاومت مدنی در این قرن اشاره می‌کند: شتاب دراماتیک مبارزات بی‌خشونت وکاهش چشمگیرنرخ موفقیت دراین مبارزات. این مسئله را می‌توان به این صورت توضیح داد: تعداد کمی از جنبش‌ها مانند صربستان بودند که شتاب وحرکت در سمت فعالان دموکراسی‌خواه بود وتعداد زیادی مانند چین وونزوئلا بودند که شتاب وحرکت درسمت خودکامگان بود.

برای حفظ شتاب، مخالفان باید تاکتیک‌هایی را در اولویت قراردهند که:

- رابطه بین اختلالات اجتماعی وجدایی کسانی که خودکامه بیش از همه به آن‌ها وابسته است را تقویت می‌کنند.
- رابطه بین سرکوب واطاعت که خودکامه برای حفظ نظم به آن متکی است را تضعیف کند.

این روابط در شکل ۱۴ نشان داده شده است. بالا سمت راست، حوزه ووظیفه ناراضیان توضیح داده می‌شود. وظیفه ناراضیان این است که اولویت تاکتیک‌ها را مشخص کنند تا در امتداد خط A با کمترین اختلال در سطوح اجتماعی وایجاد بیشترین ریزش درطرفداران دیکتاتورحرکت کنند. خودکامه می‌خواهد کارآیی تاکتیک‌های ناراضیان را همان گونه که در خط B می بینیم کاهش دهد، تاجایی که حتی میزان بالای اختلال دراثرتاکتیک‌های بی‌خشونت به کمترین ریزش نیروهای طرفدارش منجرشود.

---

۱۹ - اریکا چنووت، " آینده مقاومت بی‌خشونت"، درنشریه دموکراسی ۳۱، شماره ۳(جولای ۲۰۲۰): ۶۹-۸۴

شکل ۱۴: اولویت‌بندی براساس تاثیرمورد انتظار

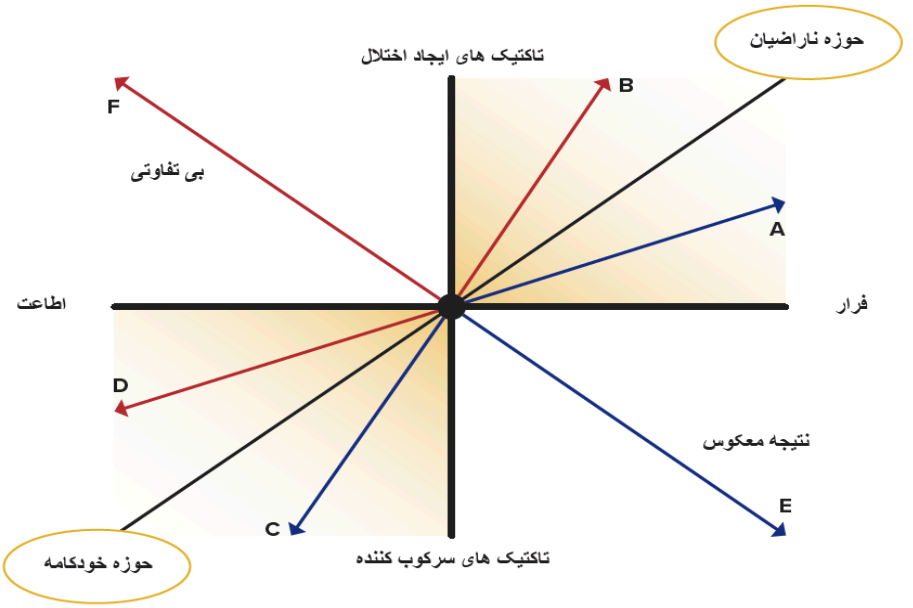

ا گرکوشش خودکامه برای این‌که حرکت فعالان دموکراسی‌خواه را درخط B حفظ کند با توفیق همراه باشد، دراین صورت نهایتاً اختلال اجتماعی سبب ریزش نیروهای طرفدار رژیم نخواهد شد وبی‌تفاوتی ناراضیان را در خط F می‌توان دید.

گوشه پایین سمت چپ حوزه خودکامه است، خودکامه می‌خواهد کمترین سرکوب را به کار ببرد تا کسانی را که بیشترین اطاعت را از او می‌برند ازشهروندان جدا کند (خط D). در مقابل کمپین مقاومت مدنی بر این باور است که زمانی که خودکامه تکیه‌اش بربیشترین سرکوب خشونت‌باراست، به نفع جنبش است. برای این که باید بیشترین منابع خود را به کاربگیرد ومشروعیت او نیزازبین می‌رود ونیز کمترمی‌تواند افراد مطیع را از شهروندان جدا کند(خط C). زمانی که میزان وشدت سرکوب افزایش می‌یابد، اطاعت بیشتر را سبب نمی‌شود، بلکه فقط ریزش را افزایش می‌دهد ودراینجاست که سرکوب نتیجه عکس می‌دهد (خط) E.

مبارزه بی‌خشونت مجموعه برخوردهای تاکتیکی است که درحوزه ناراضیان وحوزه خودکامگان اتفاق می‌افتد. هرچقدربیشتراین برخوردها درامتداد خط‌سبز اتفاق بیفتد، نشان می‌دهد که ناراضیان مهارت بیشتری دارند واگردرامتداد خط نارنجی اتفاق بیفتند، نشان می‌دهد که خودکامگان مهارت بیشتری دارند. تعیین جهت شتاب دردوطرف مبارزه کارمشکلی است، اما ازروی تلاش هرطرف برای برنده شدن می‌توان این جهت را به وضوح دید. یکی ازراه‌های سنجش شتاب درمبارزه بی‌خشونت این است که ببینیم کدام طرف بیشترین برخوردهای تاکتیکی را شروع می‌کند. تاکتیک‌هایی که درحوزه ناراضیان شروع شود، برای ناراضیان تهاجمی وبرای خودکامگان دفاعی خواهد بود.

عکس آن زمانی صادق است که تاکتیک‌ها درحوزه خودکامگان شروع شود، در این صورت خودکامگان تهاجمی و ناراضیان دفاعی خواهند بود. در این چارچوب مفهومی هر طرف که بیشتر موضع تهاجمی داشته باشد، شتاب به نفع او خواهد بود.

با همه این‌ها شتاب مثبت را نباید تنها با تکرار زیاد و سریع تاکتیک‌های بی‌خشونتی که توسط فعالان دموکراسی‌خواه در مبارزه به کارگرفته می شود، اندازه گرفت. چه درونزوئلا باشد یا در هنگ کنگ، بلاروس، روسیه یا ایران، با تکرار یک تاکتیک، اقتدارگرایان هم تاکتیک‌های خود را باسرعت بیشتری به کار می‌گیرند و آن را سرکوب می‌کنند. برای همین است که نرخ موفقیت پایین آمده است.

زمانی که مهارت دخیل است، می‌توان از اندازه‌گیری دیگری برای شتاب استفاده کرد و آن این‌که کدام طرف می‌تواند بیشترین آسیب‌پذیری را به ازاء هرتاکتیک برای طرف مقابل ایجاد کند. مخصوصا چقدر احتمال دارد که فعالان دموکراسی‌خواه که برای ایجاد اختلال فراخوان می‌دهند، با بی‌تفاوتی مواجه شوند؟ ویا چقدر احتمال دارد که تکیه خودکامگان بر سرکوب بیشتر، نتیجه عکس بدهد؟ در این شرایط بهترین روش برای درک شتاب، تغییر نسبی میزان آسیب‌پذیری بین ناراضیان و خودکامگان است.

بسیارمهم است که در هرنقطه ازمبارزه بی‌خشونت برآورد شود که آیا احتمال نزول کمپین مقاومت مدنی به سطح بی تفاوتی وجود دارد؟ آیا احتمال بی‌تفاوتی قبل از این‌که سرکوب خودکامگان نتیجه عکس بدهد، وجود دارد یا نه؟ بهترین راه برای جلوگیری از بی‌تفاوتی مردم استفاده از برخوردهای تاکتیکی متنوع است، به گونه‌ای که همیشه رویارویی‌های بزرگ یا کوچک در بخش‌های مختلف جامعه وجود داشته باشد وخودکامه را درگیرکند. بهترین روش برای این‌که سرکوب نتیجه عکس بدهد، این است که تاکتیک‌ها را به گونه‌ای انتخاب کنیم که خودکامگان نتوانند اجبار را با استفاده از خشونت تحمیل کنند. درزمان انتخاب تاکتیک‌ها وچگونگی ترتیب اجرای آن‌ها، ناراضیان باید با نوآوری تاکتیک‌های بی‌خشونتی را درنظربگیرند که حاوی تهدیدهای جدی برای خودکامه باشد و به اجرا دربیاید. هرتاکتیک درمبارزه بی‌خشونت می‌تواند منبع فشارمستقیم کوتاه مدت یا فشار غیرمستقیم درازمدت ویا هر دوی آن‌ها باشد. خود کامه معمولاً سابقه تاریخی در استفاده از خشونت دارد وزمانی که تهدید به استفاده از خشونت می‌کند، مردم می‌دانند که این تهدید واقعی است وبه احتمال زیاد عملی خواهد شد. اما درابتدا مردم به تهدید خودکامه ازسوی یک کنش بی‌خشونت باورندارند، برای این‌که مبارزین بی‌خشونت ممکن است سابقه تاریخی اجرای آن تاکتیک یا مشابه آن را نداشته باشند. به عنوان مثال اگر ناراضیان تهدید کنند که مثلاً از بایکوت برای اولین بار استفاده خواهند کرد، ابتدا کسی باور نخواهد کرد که این بایکوت می‌تواند خودکامه را به صورتی جدی تهدید کند. تظاهرات توده‌ای از این قاعده مستثنا است، تاکتیکی که مرتباً در مبارزات بی‌خشونت اتفاق می‌افتد.

در مطلبی که اخیراً توسط یوهانس وولرز و الیزا شوارتز تحت عنوان" قدرت لغات: واکنش دولت به بیانیه‌های اعتراضی" نوشته شده، آمده است که:

سازمان‌ها اغلب فعالیت‌های اعتراضی خود را قبل از انجام، برای اطلاع رسانی وجلب حامیان و نیز توجه رسانه‌ها اعلام می‌کنند.[۲۰]

در رویارویی با اعلام اعتراض، دولت سه گزینه مشخص دارد(۱) اعلام اعتراض را نادیده بگیرد(۲) اتخاذ اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از وقوع اعتراض و یا(۳) دادن امتیازاتی برای جلوگیری از وقوع اعتراض.[۲۱]

اگر خود کامه خطرنادیده گرفتن اعتراض را بپذیرد واقداماتی برای جلوگیری از آن انجام ندهد، باید به ناچار امتیازاتی بدهد. فعالان دموکراسی‌خواه بلافاصله می‌توانند از این اهرم استفاده کنند، برای این که دوبارفکرکنندگان که عقیده خود را پنهان نگاه می‌دارند متوجه خواهند شد که دیکتاتورمایل نیست از زوراستفاده کند.

حالا تصور کنید که اگرفرصت‌ها برای تهدید خودکامه‌ها به سایر تاکتیک‌های بی‌خشونت مانند اعتصاب‌ها، بایکوت‌ها وتعداد زیادی ازتاکتیک‌های" باید کرد" و" نباید کرد" منجر شود، چه خواهد شد. برای این‌که یک تاکتیک مشخص به یک تهدید معتبرتبدیل شود، لازم است که آن تاکتیک با قدرتی موثربه اجرا گذاشته شود تا خودکامه حاضر به مذاکره برای جلوگیری از انجام مجدد آن شود.

یکی از تاکتیک‌های موثری که توسط ناراضیان هنگ‌کنگ مورد استفاده قرارگرفت، اشغال فرودگاه به مدت سه روز در آگست ۲۰۱۹ بود. نتیجه موفقیت‌آمیز آن‌ها دربستن فرودگاه بین‌المللی هنگ کنگ این بود که آن‌ها توانستند تهدید کنند که متعاقباً هروقت که بخواهند می‌توانند در فرودگاه تحصن کنند. آن‌ها می‌توانستند اشغال را با شرایط خود شروع ویا پایان دهند. فعالان دموکراسی‌خواه در هنگ‌کنگ ضمن حفظ انضباط بی‌خشونت توانستند بقیه تاکتیک‌ها را به ترتیب شروع ومتوقف کرده وسپس تهدید کنند.

چک لیست پرسش شماره ۴

آیا کمپین مقاومت مدنی برای ایجاد حداکثراختلال باحداقل خطر، تاکتیک‌های خود را تنظیم می کند؟

اغلب اوقات ناراضیان احساس می‌کنند که حلقه گمشده موفقیت آن‌ها حمایت خارجی است و معمولاً این احساس را درتمایل فراوان برای به رسمیت شناختن وضعیت اسفناک خود توسط کشورهای جهان می‌دانند.

مطالعه پیشگامانه اریکا چنووت وماریا استفان، نقش حمایت خارجی در کمپین‌های مبارزه بی‌خشونت: جام زهرآلود یا باده مقدس؟ اثرات کمک‌های خارجی رابه گونه‌ای سیستماتیک بر مبارزات بی‌خشونت حداکثری(آن‌ها که به دنبال تغییر رژیمند) ارزیابی می‌کند.

چنووت واستفان حضورهمه جانبه بازیگران خارجی در مبارزات بی‌خشونت درقرن بیست ویکم را قبول دارند ونتیجه کمک آن‌ها را " ایجاد مشارکت بالا، حفظ انضباط بی‌خشونت، جلوگیری

---

۲۰ - یوهانس وولرز و الیزا شوارتز، «قدرت کلمات: واکنش دولت به اعلام اعتراض» مطالعات تطبیقی سیاسی ۵۲، شماره۳ (۲۰۱۹): ۳۴۷.

۲۱ - وولرز و شوارتز، «قدرت کلمات»، ۳۵۳

ازسرکوب وایجاد انگیزه دربین نیروهای امنیتی برای ریزش وجدا شدن از رژیم" ارزیابی می‌کنند.[۲۲] درعین حال آن‌ها این فرضیه را رد می‌کنند که کمپین مقاومت مدنی برای این‌که شکست نخورد الزاما باید به کمک خارجی تکیه کند.

این مطالعه اولین مورد در نوع خود است. مطالعات قبلی عموماً برلزوم کمک‌های خارجی برای جنبش‌های اجتماعی درکشورهای دمکراتیک یا نیمه دمکراتیک ویاشورش‌های مسلحانه که اقتدار دیکتاتورها را به چالش می‌کشیدند، تمرکز داشتند.

بخش کمّی این مطالعه حاصل تجزیه وتحلیل داده‌های جمع شده از ۲۵۰۰۰ مورد گزارش شده ازکمک‌های خارجی به ۶۸ کمپین حداکثری بی‌خشونت درسراسرجهان است. ۶۷ کمپین مربوط به سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ و یک کمپین(آفریقای جنوبی) خارج از این دوره زمانی است.

بخش کیفی مطالعه چنووت واستفان شامل هشتاد مصاحبه با ذی نفعان کلیدی، اهداکنندگان، سیاست‌گذاران، روزنامه نگاران، مدافعان حقوق بشر ودیگرانی است که هشت مورد از این کمپین‌ها را پوشش می‌دادند.

با ادغام داده‌های کمّی وکیفی این مطالعه موارد زیر را مرور می‌کند:

- زمان بندی کمک‌ها (به جدول ۸مراجعه کنید)
- انواع پشتیبانی (به جدول ۹ مراجعه کنید)
- انواع حامیان (جدول ۱۰ را ببینید)
- انواع گیرندگان (جدول ۱۱ را ببینید)

جدول‌های ۸ تا ۱۰ داده‌ها را مرتب می‌کند تا نشان دهد که چگونه کمک خارجی می‌تواند.

" مشارکت را بالا نگه دارد، انضباط بی‌خشونت را حفظ کند، از سرکوب جلوگیری کند وانگیزه برای ریزش وجدایی نیروهای طرفدار رژیم را فراهم کند".[۲۳]

---

۲۲ - اریکا چنووت و ماریا استفان، نقش حمایت خارجی در کمپین‌های مبارزه بی‌خشونت: جام زهر آلود یا باده مقدس؟(واشنگتن دی سی انتشارات مرکز بین‌المللی مبارزات بی‌خشونت، ۲۰۲۱)،۱.

۲۳ - چنووت و استفان، نقش حمایت خارجی، ۱۸.

شکل ۱۵: تاریخ هشت کمپین از اوائل قرن ۲۱

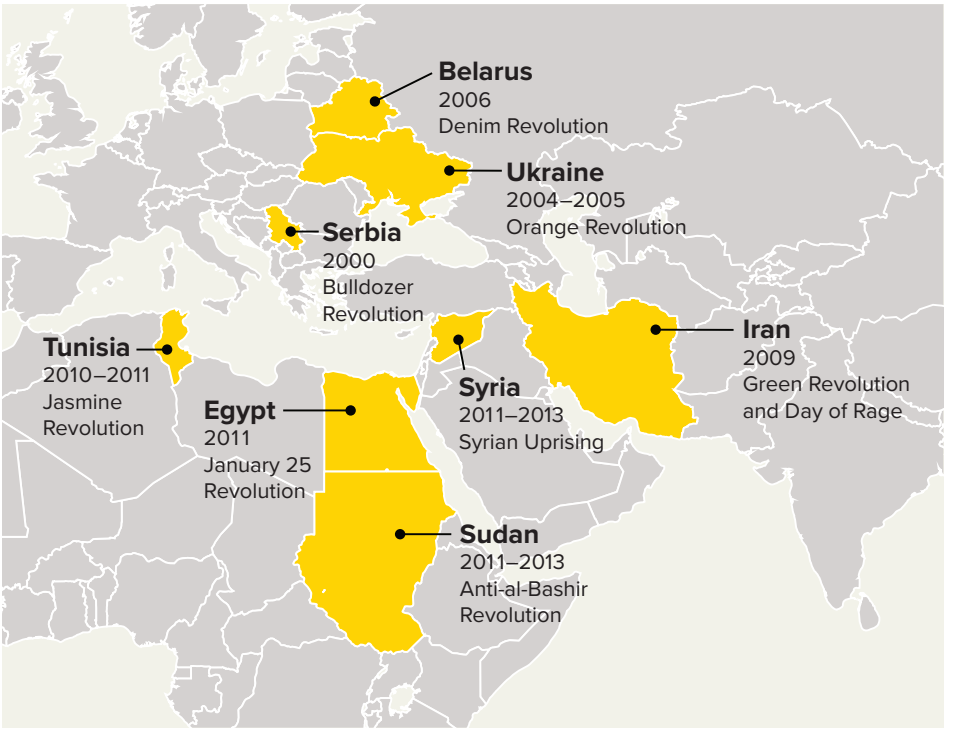

نمودار ۸: زمان‌بندی کمک

■ **پیش ازکمپین:** مواردی ازکمک‌های خارجی که شروع آن‌ها پنج سال پیش از آغاز کمپین بوده است. به عنوان مثال کمک مالی به رسانه‌ها برای این‌که از آزادی مطبوعات حمایت کنند، کارگاه‌های آموزشی برای فعالان دانشجو، یا کامپیوتر وموبایل برای کارمندان نظرسنجی قبل از انتخابات.

■ **اوج کمپین:** مواردی از کمک‌های خارجی که دردوره بسیج عمومی آغاز شد. به عنوان مثال جایی که حداقل هزارنفرمشارکت کننده دیده شوند که به طور مداوم برای بخشی ازکمپین حداکثری بسیج شده‌اند. به عنوان مثال، کمک مالی کوچک به گروه‌های جامعه مدنی که ازحقوق مدنی دفاع می‌کنند، کمک‌های قانونی به مدافعین حقوق بشرکه در زندان هستند، یا مانور دیپلماتیک برای نشان دادن حمایت وهمبستگی با اپوزیسیون.

■ **پس از کمپین:** مواردی ازکمک‌های خارجی که درطول دوره دوساله پس ازپایان مبارزات انتخاباتی، یا همراه با موفقیت (به عنوان مثال، برکناری رهبر فعلی یا استقلال منطقه‌ای) ویاهمراه با شکست(مانند ازکارافتادن کمپین ومشاهده کمتراز ۱۰۰۰ نفرمشارکت کننده). به عنوان مثال میانجی‌گری درجلسات گفت وگو برای اصلاحات درقانون اساسی، ارائه تسهیلات اقتصادی برای حمایت ازاصلاحات دمکراتیک ویا فراخوان برای عدالت واعتراض به نقض گسترده حقوق بشر.

مودار ۹: انواع حمایت

مالی کمک مالی مستقیم (به عنوان مثال، کمک‌های مالی کوچک یا بزرگ، بورسیه‌ها، کمک نقدی، وام، صندوق اعتصاب، صندوق برای کمک‌های قانونی، غذا، دارو، کمک برای پرداخت بدهی وغیره. مثال: فنلاند سیزده هزارودویست وسی وشش دلار)$۱۳۲۳۶ (برای مشارکت دمکراتیک وجامعه مدنی به منظور حمایت از حق سرخپوستان مکزیک برای داشتن نماینده در دموکراسی مکزیک پرداخت کرد، ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ (حمایت قبل از کمپین، جنبش ضدکالدرون، مکزیک).

■ **اخلاقی/نمادین** کنش‌های همبستگی بی‌خشونت (به عنوان مثال، کمپین دیجیتالی یا حمایتی، بسیج مردمی از طرف گروهی در کشور خود، به نمایش گذاشتن هدف وکارهای فعالان، اهدای جوایز، دیداراز کشور، مانند رابرت فورد سفیر آمریکا در سوریه که در ژوئیه ۲۰۱۱ با مخالفین سوری راهپیمایی کرد. مثال: عفوبین‌الملل از عموم مردم درخواست کرد که برای حمایت از دو مرد که در جریان اعتراض به انتخابات در ۱۸ آگست ۲۰۰۰ بازداشت شده و دیگرهرگزدیده نشدند نامه‌های حمایتی بنویسند(حمایت دراوج کمپین، علیه کمپین فوجیموری، پرو).

■ **فنی** - کمک در برنامه‌ریزی، تدارکات، اطلاعات، هماهنگی، گردهمایی فعالان، تحقیقات درزمینه پیشینه افراد واجرای وظایف مرتبط با کمپین (به عنوان مثال: برقراری تماس بین فعالان، هشدار در مورد سرکوب‌های قریب‌الوقوع، تهیه فضا برای آموزش وسازماندهی بدون این که لزوماً آموزش نیز بدهند، ارائه تحلیلی از وضعیت موجود، ارائه کمک‌های مستقیم پزشکی وقانونی). تهیه تجهیزات (مانند تلفن همراه، کامپیوتر، دوربین)، چاپ کتاب، مقاله وترجمه. ایجاد رابطه ویا گردهمایی به منظورایجاد رابطه. مثال: دولت بریتانیا برای توسعه مرکز رسانه‌ای مستقل در اوکراین ۸۰۰ هزارپوند متعهد شد تا در زمینه آموزش روزنامه‌نگاران، سیاستمداران، دارندگان کسب و کار، وکلا، قضات ومدیران سازمان‌های مردم‌نهاد همکاری کند. -۲۰۰۲ ۲۰۰۵(حمایت در اوج کمپین، انقلاب نارنجی اوکراین) .

■ **آموزش**- ارائه آموزش رهبری، ظرفیت سازی برای سازماندهی، سازماندهی کارگران، آموزش جنبش، آموزش قوانین وآموزش خدمات پزشکی. توجه داشته باشید دراین بخش حمایت کننده ملزم به آموزش به فعالان است (نه این‌که فقط فضا برای آموزش تهیه کند که در بخش حمایت تکنیکی به آن اشاره شد) مثال: آژانس اطلاعات آکادمیک اسلواکی وخانه آزادی سمیناری را در مارچ ۱۹۹۹ در براتیسلاوا برگزار کردند. این سمینار با حضور رهبران کمپین "او.کی ۹۸"و ۳۵شرکت کننده از اوکراین، کرواسی، صربستان، بلاروس، روسیه، قرقیزستان ،قفقاز ولیتوانی برگزار شد وهدف آن آشنایی شرکت کنندگان با تجربه جامعه مدنی اسلواکی درباره افزایش مشارکت شهروندان در امور عمومی بود. سمینارعمدتاً برای شرکت کنندگان از کشورهای کرواسی و یوگسلاوی بود که هنوز درگیر مبارزه با رژیم‌های اقتدارگرا بودند ومی‌توانستند بیشترین استفاده را از تجربه اسلواکی ببرند ۱۹۹۹(حمایت پیش از کمپین، انقلاب بولدوزرصربستان).

■ **حفاظت غیرنظامیان بی‌خشونت-** همراهی برای حفاظت، مداخله بی‌خشونت، میانجیگری بین طرف‌های درگیر، زیرنظرگرفتن رفتار رژیم، آتش‌بس وسایرشرایط محلی. مثال: کمیته حفاظت از روزنامه نگاران درگزارشی جزئیات قتل روزنامه نگاران توسط رژیم سوریه را برای اولین بارافشا کرد وخشم عمومی را بر انگیخت، ۲۰۱۲(حمایت پیش ازکمپین، قیام سوری‌ها).

■ **تحریم‌ها علیه رژیم-** وضع تحریم‌های فعال علیه رژیم (به عنوان مثال، مجازات محسوس یک جانبه یا چند جانبه)، پاسخی مستقیم به اقدامات رژیم علیه کمپین، شامل ممنوعیت سفر، محرومیت ازجلسات، توقیف اموال، اعمال تحریم‌های تسلیحاتی و سایراقدامات(به عنوان مثال خروج شرکت‌های چند ملیتی ازآفریقای جنوبی در مخالفت با آپارتاید وغیره). مثال: اعضای اتحادیه‌ها درملبورن، حمل کالاهای صنعتی را متوقف کردند تا اعضای اتحادیه کارگری آفریقای جنوبی آزاد شوند.

۱۹۸۵(حمایت از کمپین در اوج، کمپین علیه آپارتاید، آفریقای جنوبی).

■ **مسیرامن برای جداشدگان از رژیم-** اعطای پناهندگی، عفو، قول پرداخت یا مشوق‌های دیگر برای نخبگان رژیم تا درمقابل کمپین تسلیم شده یا کشور را ترک کنند. مثال: به عنوان مثال روسای جمهورآمریکا، قزاقستان وروسیه مشترکا برای کناره‌گیری رئیس جمهورموقت قرقیزستان قربان بیک باقی‌اف مذاکره کردند. ۲۰۱۰(حمایت از کمپین در اوج، کمپین علیه دولت موقت، قرقزستان).

■ **پیشگیری/کاهش سرکوب-** فراهم آوردن پناهگاه امن برای فعالان، اعطای پناهندگی یا اجازه مهاجرت به فعالان، درخواست آزادی فعالان از زندان، فراخوان برای تظاهرات درپاسخ به آزارفعالان، صدور کیفرخواست، بازداشت ومحاکمه تحت عنوان جنایتکار جنگی وغیره. ممنوعیت ویا توقف حمل کمک‌های نظامی. مثال‌ها: دولت هندوستان نگرانی خود را درباره سرکوب فعالان دموکراسی‌خواه درتظاهرات علیه رژیم گیوم ابراز کرد. ۲۰۰۳-۲۰۰۸(حمایت از کمپین در اوج، کمپین علیه گیوم، مالدیو)

■ **پس گرفتن حمایت-** یکی از متحدین حمایت خود را از دولت مخالف پس می‌گیرد. مثال: (رونالد ریگان رئیس جمهورآمریکا تهدید کرد که کمک‌های خود را به فیلیپین تحت رهبری مارکوس کاهش خواهد داد. آمریکا کمک‌های خود را به مصر در ۲۰۱۳ متوقف کرد). فرانسه سفیر خود را ازآفریقای جنوبی فراخواند، اعلام کرد که مانع ازسرمایه‌گذاری جدید درآفریقای جنوبی خواهد شد واعلام کرد که قطعنامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل ارائه خواهد کرد تا آفریقای جنوبی را به خاطر سیاست‌های نژادپرستانه وجداسازی نژادی محکوم کرده واصرار بر اقدام هماهنگ بین‌المللی علیه کشور خواهد کرد، ۱۹۸۵(حمایت از کمپین، جنبش علیه آپارتاید، آفریقای جنوبی).

نمودار ۱۰: انواع حامیان

■ **سازمان بین‌المللی غیردولتی (INGO)** - سازمان رسمی وخصوصی که فعالیت‌هایی را برای کمک به مردم در کشورهای دیگر انجام می دهد. می‌توانند شامل سازمان‌های مدافع (مانند عفو بین‌الملل، دیده بان حقوق بشر، نیروی صلح بی‌خشونت، انجمن بین‌المللی صلح)، بنیادها و سازمان‌های بشردوستانه (به عنوان مثال، جامعه باز، مرکزبین‌المللی مبارزات بی‌خشونت، بین‌المللی بی‌خشونت)سازمان‌های بشردوستانه، (به عنوان مثال:صلیب سرخ و هلال احمر) گروه‌های آموزشی (به عنوان مثال: کانواس، رایز) وگروه‌های مذهبی(به عنوان مثال: خدمات امدادی کاتولیک). مثال‌ها: عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر، نظارت برانتخابات مالدیو، سازمان دیده‌بان حقوق بشر، ملی دمکراتیک، انستیتوبین‌المللی جمهوری‌خواه، کمیته محافظت ازخبرنگاران.

■ **گروه‌های خارج ازکشوری-** مجموعه افرادی که در خارج زندگی واز مردم کشورخود دفاع می‌کنند (به عنوان مثال، تامیل‌ها در کانادا، سودانی‌ها درایالات متحده). مثال‌ها: لبنانی‌ها درکویت، مهاجران سوری دراردن، انجمن خارج ازکشوری‌های مالاوی.

■ **دانشگاه/ گروه‌های دانشجویی-** گروه‌های رسمی وغیررسمی دانشجویان، مربیان، روشنفکرانی که ازمردم دفاع می‌کنند (به عنوان مثال: دانشجویان اندونزیایی که از فعالان تیموردفاع می‌کنند). مثال‌ها: دانشجویان دانشگاه مک گیل، دانشجویان دانشگاه هاروارد، ائتلاف واشنگتن دی سی علیه آپارتاید ونژادپرستی، دانشجویان ایرا نی ازدانشگاه‌های مختلف.

■ **شبکه همبستگی فراملی (TAN)-** مجموعه‌های رسمی یا غیررسمی از فعالانی که برای حمایت ازمبارزات درکشورهای دیگر بسیج می‌شوند. اغلب (اما نه همیشه) شامل گروه‌هایی درکشورهای توسعه یافته جهان که به نمایندگی ازگروه‌هایی در کشورهای توسعه نیافته بسیج می‌شوند. (به عنوان مثال، سلبریتی‌های آمریکایی برای حمایت از جنبش ضد آپارتاید درآفریقای جنوبی بسیج شدند). از جمله می‌توان ازجنبش‌های خارجی نام برد (به عنوان مثال، فعالان گروه ۶آوریل درمصربرای اعضای اتحادیه کارگری در ویسکانسین در سال ۲۰۱۱ پیتزا فرستادند). اتحادیه‌های فراملیتی ویا اتحادیه‌های کارگری سازمان یافته جداگانه کدگذاری شده ومستثنی هستند. مثال‌ها: ناظران انتخابات کانادا، کمیته آمریکایی درباره آفریقا، اتحادیه دموکراتیک زنان تونس FEMEN.

■ **فردی-** کسی که با ظرفیت فردی خودش عمل می‌کند (برنده جایزه صلح نوبل، سلبریتی‌های حمایت کننده، سرمایه گذار). افرادی که به عنوان عضوی از یک گروه سازمان یافته فعالیت می‌کنند از این لیست مستثنی هستند. مثال‌ها:دالایی لاما، دزموند توتو، الی ویزل، بتی ویلیامز.

■ **سازمان بین‌المللی دولتی (IGO)-** سازمان‌های چندجانبه دولتی، مانند سازمان ملل، بانک جهانی، سازمان بین‌المللی کار، دادگاه کیفری بین‌المللی واز جمله IGOهای منطقه‌ای مانندا‌تحادیه اروپا. مثال‌ها: یونیسف، برنامه‌های توسعه سازمان ملل، سازمان امنیت وهمکاری دراروپا، ناتو، اتحادیه اروپا، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول.

■ **شرکت-** کمپانی یا موسسه، معمولاً یک شرکت چند ملیتی، مانند شل، جنرال موتورز، AT&T یا نایکی. به عنوان مثال‌ها: بارکلیز، موتورولا، توییتر، دیجیتال گروپ، کلمبیا پیکچرز، گوگل.

■ **دولت خارجی-** به عنوان مثال، دولت ایالات متحده، یک آژانس در داخل یک دولت (به عنوان مثال، وزارت خارجه ایالات متحده)، یا فردی که به نمایندگی از یک دولت عمل می‌کنند (به عنوان مثال، وزیر خارجه ایالات متحده) مثال‌ها: ایالات متحده، آلمان، اسپانیا، هلند، نروژ، سوئد، روسیه، فرانسه، هند.

■ **سازمان‌های فراملی کار/ اتحادیه‌ها-** سازمانی غیردولتی و فراملی متشکل از اتحادیه‌های کارگری (به عنوان مثال، AFL-CIO). سازمان بین‌المللی کار استثناست چون IGO است. مثال‌ها: اتحادیه نقاشان ودکوراتورها، شورای مرکزی اتحادیه کارگری چکسلواکی، AFL-CIO، کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی، فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری، مرکز همبستگی.

■ **گروه شورشی / شبه نظامی /رزمندگاه غیردولتی-** نیروی مسلح غیردولتی یا نیمه دولتی در داخل ویا خارج ازکشور (به عنوان مثال، شورشیان ویتنامی که به فعالان ضد آپارتاید آفریقای جنوبی مشاوره می‌دادند). مثال: حماس، حزب‌الله، فارک.

■ **رسانه-** سازمان رسانه‌ای رسمی ویا غیررسمی که مستقیماً اخبار مربوط به جنبش را پوشش می‌دهند. مثال‌ها: رادیوآزادی، خبرگزاری پان آفریکن، گاردین، استارمورنینگ، صدای دمکراتیک برمه.

نمودار ۱۱: انواع کمک گیرنده‌ها

■ **سازمان‌های جامعه مدنی (CSO)-** سازمان‌های رسمی جامعه مدنی که می‌تواند شامل سازمان‌های محلی ویا سازمان‌های پشتیبانی فراملی باشد. (مانند،عفو بین الملل،دیده بان حقوق بشر، نیروی صلح بی خشونت، انجمن بین المللی صلح)، بنیادها و سازمان‌های بشردوستانه (به عنوان مثال، جامعه باز، مرکز بین‌المللی مبارزه بی‌خشونت، سازمان‌های بشردوستانه (به عنوان مثال، صلیب سرخ بین‌المللی و هلال احمر)، گروه‌های آموزشی (مانند CANVAS، Rhize)، و گروه‌ها و مؤسسات مذهبی(به عنوان مثال، خدمات امداد کاتولیک). می‌تواند سازمان‌های مدنی دولتی یا مستقل را نیز شامل بشود.(مانند:سازمان‌های غیردولتی زامبیا، اتحادیه رسانه‌های الکترونیکی مستقل، مرکزانتخابات آزاد و دموکراسی، Izlaz 2000، صلیب سرخ لبنان.

■ **دانشگاه/گروه‌های دانشجویی-** گروه‌های دانشجویی رسمی ویاغیررسمی مربیان و روشنفکران که درعملیات طرفداری و پشتیبانی مشارکت می‌کنند. (مانند دفاع دانشجویان اندونزیایی ازحقوق بشر). مثال‌ها: گروه‌های دانشجویی توگو، دانشجویان پروژه مدارس یونسکو، فارغ‌التحصیلان دانشگاه تونسی، گروه‌های جوان هاییتی.

■ **فردی-** کسی که با ظرفیت فردی خود عمل می‌کند (برنده جایزه صلح نوبل، سلبریتی‌های حمایت کننده، سرمایه گذار). افرادی که به عنوان عضوی از یک گروه سازمان یافته فعالیت می‌کنند از این لیست مستثنی هستند. مثال‌ها: بلاگر برنده زاونایینگ، زرگانار (مشهورترین کمدین برمه)، نخست وزیر سابق عبدالکریم العریانی، کارآموز برنامه توسعه سازمان ملل دربیروت و افراد بسیاری که از آن‌ها نام برده نشده است.

■ **شرکت محلی،** معمولاً شرکت‌های کوچک ویا متوسط که در کشوری گه جنبش در آن‌جا جریان دارد، شرکت‌ها می‌توانند مستقل ویا دولتی باشند. مثال‌ها: دارندگان کسب وکار سیاه پوست آفریقای جنوبی، بخش لبنیات درتونس، منتقدین تلویزیون و رسانه‌ها دراوکراین.

■ **دولت-** دولت‌ها یا عناصری دردولت (مانند دولت مصر)، سازمانی درداخل یک دولت (به عنوان مثال، ارتش مصر)، یا فردی که از طرف دولت عمل می‌کند (مانند: رئیس ستادارتش مصر). مثال‌ها: دولت تایلند، دولت نپال، دولت بلاروس.

■ **سازمان کارگری/ اتحادیه-** گروه‌های سازماندهی شده کارگران(مانند اتحادیه‌ها) می‌توانند دولتی یا مستقل باشند. مثال‌ها: اتحادیه مستقل رسانه‌های اوکراین، اتحادیه ملی روزنامه نگاران اوکراین، حزب کارگربولیوی، اتحادیه‌های کارگری بلاروس، کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی.

■ **گروه شورشی/ شبه نظامی/رزمندگان غیردولتی-** نیروی مسلح غیر دولتی یا نیمه دولتی در داخل و یا خارج از کشور (به عنوان مثال، شورشیان ویتنامی که به فعالان ضد آپارتاید آفریقای جنوبی مشاوره می‌دادند). مثال‌ها: جبهه انقلابی سودان، جبهه پولیساریو، شورشیان پاپائوای غربی.

■ **رسانه‌های محلی-** موسسه رسانه‌ای رسمی یا غیررسمی، رسانه‌ای که مستقیماً جنبش را پوشش می‌دهد، می تواند دولتی یا مستقل باشد. مثال‌ها: Radi B92 ، Charter-97، انجمن رسانه‌های مستقل الکترونیک (ANEM)، سازمان خبرپراکنی لبنان.

■ **احزاب رسمی اپوزیسیون** - احزاب سیاسی قانونی که در کشور فعالیت می‌کنند. مثال‌ها: ائتلاف زاجدنو، کنگره ملی آفریقا، حزب مائوئیست نپال، حزب کنگره سودان، لیگ عوامی

■ **فعالان جنبش-** غیرنظامیان شامل کادرها، رهبران جنبش، گروه‌های مردمی که کمک مستقیم دریافت می‌کنند، اما بجز از موارد یاد شده قبلی. مثال‌ها : جنبش فعالان درآفریقای جنوبی، زامبیا، اوکراین، تونس، یمن، مصر و ایران.

■ **نامشخص-** شواهدی از پشتیبانی وجود دارد، اما اطلاعات موجود در موردآن خیلی کلی است وگیرنده را مشخص نمی‌کند. مثال‌ها:دریافت کنندگان نامشخص درسوریه، مراکش، موریتانی، توگو، تونس،اوکراین، آفریقای جنوبی، لبنان، برمه، تایلند.

■ **موارد دیگر-** همه موارد در اینجا فهرست نشده‌اند. مثال‌ها: رهبران سنتی زامبیا، گروه‌های اقلیت محلی درصربستان، جامعه لاکاس درفیلیپین، بستگان قربانیان جنگ گاز در بولیوی، رهبران زن تایلندی.

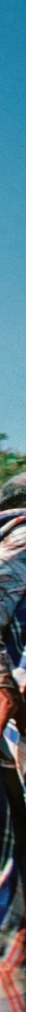

این دایرة المعارف ارزنده اطلاعات، به فعالان دموکراسی‌خواه اجازه می‌دهد تا ارزشمندترین منابع کمک خارجی را شناسایی کنند. چنووت واستفان ۹ مورد کلی را برای بررسی پیشنهاد می‌دهند:

- تعداد کمی قیام بی‌خشونت در بیست سال گذشته بدون توجه و مشارکت فوق‌العاده بین‌المللی وجود داشته است ....
- سرمایه‌گذاری بلند مدت در جامعه مدنی و نهادهای دمکراتیک می‌تواند بنیان‌های اجتماعی برای جنبش‌های بی‌خشونت را تقویت کند....
- فعالانی که قبل از اوج بسیج مردمی، آموزش می‌بینند به احتمال زیاد تعدادی بیشتر وبا تلفاتی کمتر را می‌توانند درکمپین‌ها بسیج کنند ونیز بیشترین ریزش در نیروهای طرف مخالف را سبب شوند. آموزش، کارکردهای مهمی را برای ایجاد مهارت عرضه می‌کند وحتی مهم‌تر ازآن می‌تواند راهی را برای ایجاد رابطه بازکند. اما شاید مهم‌تر ازآن، بتواند راه‌های مستقیمی برای ایجاد رابطه، آموختن از یکدیگر وفضاهایی را برای برنامه‌ریزی استراتژیک عرضه کند.
- کاهش سرکوب رژیم با استفاده ازتعامل سیاسی، دیپلماتیک وامنیتی نوع مهمی از کمک است که شرایط را برای سازماندهی وبسیج بی‌خشونت آماده می‌سازد.
- درمجموع به نظر می‌رسد دولت‌های خارجی غیرمستقیم به اغلب کمپین‌ها کمک می‌کنند. اما این یافته‌ها به این معنا نیست که کمک‌های مستقیم دولت‌ها می‌تواند الزاما به برنده شدن جنبش کمک کند.
- حمایت همزمان خارجی ازگروه‌های مسلح، جنبش‌های بی‌خشونت را به شیوه‌های مختلف تضعیف می‌کند.
- رژیم‌های سرکوبگر اغلب ازکمک‌های متحدین قدرتمند خارجی سود می‌برند واین امر چالشی بزرگ برای فعالان است...
- کمک مستقیم مالی به جنبش‌ها تاثیرکمی برویژگی ونتیجه جنبش دارد.... اهداکنندگان انعطاف پذیرکه موانع بوروکراتیک را به حداقل می‌رسانند، بیشترین کمک را به جنبش‌ها می‌کنند.
- ایجاد هماهنگی میان کمک کنندگان مهم است. این کارحمایت ازمبارزه بی‌خشونت را موثرتر می‌سازد... این ایجاد هماهنگی به ما کمک می‌کند تا متوجه شویم که نه تنها چه کسی در خارج به ما کمک می کند وچه چیزی می‌خواهد بدهد، بلکه چگونه می‌خواهد به ما کمک کند. اتحاد وانسجام برای جنبش وکمک کنندگان به یک اندازه اهمیت دارد...[۲۴]

---

۲۴ - واستفان، نقش کمک‌های خارجی ۱-۳.



تصویر کشاورزان معترض علیه مارکوس در جنبش قدرت مردم در فیلیپین ۱۹۸۶.

درحالی که این مطالعه فرصت‌های موجود زیادی را برای استفاده ازکمک‌های خارجی تایید می‌کند، برای تمام گونه‌های مختلف کمک، هشدارهایی را نیزمی‌دهد به جز یک مورد: "به نظرمی‌رسد، حمایت آموزشی ازکمپین‌های بی‌خشونت، بیش از هرحمایت دیگری موثر است."[۲۵]

روشن است برای این‌که خودکامگان قدیم وجدید جهان بازنشسته شوند، فعالان دموکراسی‌خواه باید رقابتی‌ترشوند. آموزش ناراضیان به هرتعدادی که امکان‌پذیرباشد، تاثیری منفی ندارد. انتقال دانش به صدها هزار فعال کلیدی دموکراسی‌خواه می تواند یکی از بزرگترین فرصت‌ها برای بشریت درجهت تضعیف خودکامگان به وجود آورد. پوشش‌های جهانی باید براین امرمتمرکز شود- به ویژه در حمایت‌های شخصی یا ازسوی بنیادها.

---

۲۵ - ابید.،۵

زمانی که می‌خواهیم تاب‌آوری یک مبارزه مدنی را برآورد کنیم، تعداد شرکت کنندگان مهم‌ترین عامل است. خودکامگان به خوبی می دانند که هر چقدر تعداد مشارکت کنندگان بیشتر باشد، قدرت سرکوب خشونت‌بار آن‌ها کاهش می‌یابد وبه دنبال آن، ظرفیت آن‌ها برای کنترل جمعیتی که اکنون بر آن‌ها حکومت می‌کنند، کمترمی‌شود.

۴

فصل ۴

چگونه ناراضیان مبارزه را هدایت می‌کنند

چک لیست پرسش شماره ۵

آیا تعداد وتنوع شهروندانی که با خودکامگی رویارویی دارند احتمالاً افزایش پیدا می‌کند؟

میزان مشارکت شهروندان یکی از مهم‌ترین روندهایی است که رهبران جنبش باید در دوران مبارزات بی‌خشونت برآن نظارت مستمرداشته وشهروندان را برای افزایش مشارکت تهییج کنند. تغییرتعداد وتنوع مشارکت کنندگان درمقاومت بی‌خشونت مانند فشارسنجی عمل می‌کند که نشان می‌دهد آیا شرایط به نفع خودکامه است یا به نفع ناراضیان.

زمانی که می‌خواهیم تاب‌آوری یک مبارزه مدنی را برآورد کنیم، تعداد شرکت کنندگان مهم‌ترین عامل است.

خودکامگان به خوبی می‌دانند که هرچقدرتعداد مشارکت کنندگان بیشترباشد، قدرت سرکوب خشونت‌بارآن‌ها کاهش می‌یابد وبه دنبال آن، ظرفیت آن‌ها برای کنترل جمعیتی که اکنون بر آن‌ها حکومت می‌کنند، کمترمی‌شود.

هنگامی که پایگاه‌های پشتیبانی کمپین گسترش می‌یابد، گروه‌های جدیدی با مهارت‌ها، فرصت‌ها ومنابع منحصربه‌فرد به کمپین می‌پیوندند ومی‌توان تاکتیک‌ها را متنوع‌تر کرده وجبهه‌های جدیدی علیه خود کامه گشود. به عنوان مثال کارگران کارخانه می‌توانند اعتصاب کنند(جبهه اول) وبعداً معدنچیان به آن‌ها بپیوندند و کار را متوقف کنند (جبهه دوم). دانشجویان کلاس‌ها را بایکوت می‌کنند(جبهه سوم). کشاورزان می‌توانند زنجیره تامین مواد غذایی را درمناطق پراکنده جغرافیایی مختل کنند(جبهه چهارم). می‌توان تاکتیک‌های بیشتروبیشتری را درجبهه‌های جدید به‌کار گرفت (به عنوان مثال، تاسیسات بهداشتی ورویدادهای ورزشی). این جبهه‌ها ممکن است با پیشرفت مبارزه تعدادشان اضافه شود.

هرمجموعه ازمبارزین درمقاومت مدنی شبکه وامکانات خود را دارد، حال آن‌که خودکامه با توجه به این‌که دسترسی او به بعضی ازامکانات مسدود شده، باید کمتروکمترازمنابع خود استفاده کند تا بتواند وضعیت خود را مطمئن‌ترکند.

همان‌طور که گروه‌ها می‌توانند مانع دسترسی دیکتاتور به شبکه‌ها و امکانات خود شوند، می‌توانند این امکانات را در اختیار جنبش رو به رشد مقاومت مدنی بگذارند.

یکی از راه‌هایی که جنبش می‌تواند موجودیت خود را اعلام کند، زمانی است که حامیان آن با یکدیگر همکاری کرده و ساختارهای موازی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به عنوان جایگزین برای رژیم خودکامه و وضعیت موجود ایجاد می‌کنند. همزمان با آن‌که مشارکت افزایش می‌یابد، این نهادهای جایگزین می‌توانند مبنایی برای قدرت جنبش و تاب‌آوری آن شوند و می‌توانند نقش مهمی در تثبیت و تحکیم دستاوردهای جنبش بازی کنند، مخصوصاً در زمانی که جنبش به گذار دمکراتیک نزدیک می‌شود. [۲۶] نرخ بالای مشارکت شهروندان همچنین امکان ریزش و جدا شدن ستون‌های حامی خودکامه را افزایش می‌دهد. هرچقدر افراد بیشتری به کمپین بپیوندند، به همان اندازه کمپین با حامیان کلیدی جبهه مخالف ارتباط بیشتری برقرار می‌کند. کارکنان دولت، سیاستمداران، نیروهای امنیتی، دارندگان کسب و کارهایی که از رژیم نفع می‌برند، کارکنان قوه قضاییه و روزنامه‌نگارانی که برای رسانه‌های دولتی کار می‌کنند، ممکن است کسانی را بشناسند که در مبارزه بی‌خشونت شرکت دارند. رفتار آن‌ها تحت تاثیر اطرافیانی قرار می‌گیرد که آن‌ها را نکوهش می‌کنند و ممکن است از این‌که برای دیکتاتور کار می‌کنند شرمنده شوند. هر چقدر بیشتر اعضای خانواده، دوستان، همکاران، مقامات مذهبی و بقیه کسانی که برایشان اهمیت دارند، به کمپین سمپاتی داشته و منتقد خودکامه باشند، امکان این که تغییر موضع داده و دیگر به خودکامه وفادار نباشند، بیشتر می‌شود.

یک گروه از مشارکت‌کنندگان که نیاز به توجه ویژه دارند زنان هستند. نقش زنان در مقاومت مدنی بسیار مهم است. زنان در کمپین‌های گذشته نقش مهمی داشته‌اند و اهمیت حضور آن‌ها در کمپین برای عموم به تدریج درک شد. بین سال‌های ۱۹۴۹ تا ۲۰۱۳ در حداقل ۹۵ کمپین زنان مشارکت کنندگان خط اول بودند که در برابر ارتش قدرتمند اشغالگر خارجی، استعمارگران و یا رژیم‌های سرکوبگر داخلی به پیروزی رسیدند(شکل شماره ۱۲ را ببینید). داده‌های جمع‌آوری شده در "زنان در مقاومت" (WiRe) نشان می‌دهد که "مشارکت زنان با موفقیت کمپین‌های مقاومت مدنی ربط دارد". [۲۷] مشارکت زنان سطح مشارکت عمومی را بالا می‌برد، جدایی ارتشیان از رژیم را افزایش می‌دهد و احتمال مراعات انضباط بی‌خشونت را بهبود می‌بخشد. در حقیقت عدم مشارکت زنان در خط مقدم مبارزه امکان شکست مقاومت مدنی را ۲۴ درصد افزایش می دهد. [۲۷]

---

۲۶ - ماچه بارتکوفسکی"نهادسازی جایگزین درمقاومت مدنی" مغزهای جنبش، ۱۳ ژوئن ۲۰۱۸
https://www.nonviolent-conflict.org/blog_pos

۲۷ - اریکا چنووت، کانرسیل، وساهانا دارماپوری، مشارکت زنان وسرنوشت کمپین‌های بی‌خشونت: این گزارش در"زنان درمقاومت" (WiRe) درقسمت مجموعه داده‌ها(توضیح مشی) آمده است. برومفیلد، کلرادو، آینده هم افق، اکتبر ۲۰۱۹،

۱۹۶۴/https://www.oneearthfuture.org/file

جدول ۱۲: ۹۵ کمپین‌های مقاومت مدنی موفق با مشارکت قابل توجه زنان درخط مقدم علیه استبدادهای خارجی یا داخلی بین سال‌های ۱۹۴۹ - ۲۰۱۳

کمپین	مکان	شروع	پایان	هدف
مجمع جنبش حزب مردم	غنا	۱۹۴۹	۱۹۵۷	استعمار بریتانیا
کمپین ضد خیمنز	ونزوئلا	۱۹۵۸	۱۹۵۸	دیکتاتوری خیمنز
انقلاب آوریل	کره جنوبی	۱۹۶۰	۱۹۶۰	رژیم ری
جنبش استقلال زامبیا	زامبیا	۱۹۶۱	۱۹۶۳	استعمار بریتانیا
کمپین علیه کارامانلیس	یونان	۱۹۶۳	۱۹۶۳	رژیم کارامانلیس
کمپین ضد هوانگ	ویتنام جنوبی	۱۹۶۴	۱۹۶۵	دولت تیان وانگ هونگ
کمپین علیه تسیرانانا	ماداگاسکار	۱۹۷۲	۱۹۷۲	رژیم تسیرانانا
کمپین علیه حکومت نظامیان	یونان	۱۹۷۳	۱۹۷۴	حکومت نظامیان
انقلاب میخک	پرتغال	۱۹۷۳	۱۹۷۴	حکومت نظامیان
قیام تایلند	تایلند	۱۹۷۳	۱۹۷۳	دیکتاتوری نظامی
جنبش طرفدار دموکراسی	آرژانتین	۱۹۷۷	۱۹۸۳	حکومت نظامیان
کمپین علیه بوتو	پاکستان	۱۹۷۷	۱۹۷۷	خست‌وزیرذوالفقارعلی‌بوتو
کمپین علیه حکومت نظامیان	بولیوی	۱۹۷۷	۱۹۸۲	حکومت نظامیان
کمپین علیه ایندیرا (فاز ۳)	هند	۱۹۷۷	۱۹۷۷	نخست وزیر ایندیرا گاندی
انقلاب ایران	ایران	۱۹۷۷	۱۹۷۹	محمدرضا شاه پهلوی
جنبش طرفدار دموکراسی	تایوان	۱۹۷۹	۱۹۸۵	رژیم اقتدارگرا
جنبش همبستگی	لهستان	۱۹۸۰	۱۹۸۹	رژیم کمونیستی
کمپین علیه پینوشه	شیلی	۱۹۸۳	۱۹۸۹	آگوستو پینوشه
قدرت مردم	فیلیپین	۱۹۸۳	۱۹۸۶	فردیناند مارکوس
کمپین ضد نظامیان اروگوئه	اروگوئه	۱۹۸۴	۱۹۸۵	حکومت نظامیان
کمپین رویارویی‌دوم	آفریقای‌جنوبی	۱۹۸۴	۱۹۹۴	آپارتاید
کمپین علیه حکومت نظامیان	برزیل	۱۹۸۴	۱۹۸۵	حکومت نظامیان
کمپین علیه دووالیه	هائیتی	۱۹۸۵	۱۹۸۶	ژان کلود دووالیه
کمپین علیه جعفر	سودان	۱۹۸۵	۱۹۸۵	جعفر نمیری

کمپین	مکان	شروع	پایان	هدف
جنبش‌علیه نظامیان‌کره‌جنوبی	کره جنوبی	۱۹۸۶	۱۹۸۷	دولت نظامیان
کمپین علیه ارشاد	بنگلادش	۱۹۸۷	۱۹۹۰	حکومت نظامیان
کمپین علیه PRI	مکزیک	۱۹۸۷	۲۰۰۰	دولت فاسد
انقلاب آوازخوانی	استونی	۱۹۸۷	۱۹۹۱	رژیم کمونیستی
جنبش‌علیه کودتا	آرژانتین	۱۹۸۷	۱۹۸۷	تلاش برای کودتا
کمپین‌ضدکمونیستی	بلاروس	۱۹۸۸	۱۹۹۱	رژیم کمونیستی
جنبش طرفدار دموکراسی	لیتوانی	۱۹۸۸	۱۹۹۱	رژیم لیتوانی
مقاومت تیمور	تیمور شرقی	۱۹۸۹	۱۹۹۹	مبارزه با اشغال اندونزی
ضد کمونیسم	مغولستان	۱۹۸۹	۱۹۹۰	رژیم کمونیستی
جنبش‌طرفداردموکراسی	ساحل‌عاج	۱۹۸۹	۱۹۹۰	رژیم‌فلیکس بویگنی
بنین علیه کمونیسم	بنین	۱۹۸۹	۱۹۹۰	رژیم کمونیستی
جنبش طرفداردموکراسی	لتونی	۱۹۸۹	۱۹۹۱	رژیم کمونیستی
انقلاب مخملی	چکسلواکی	۱۹۸۹	۱۹۸۹	رژیم کمونیستی
مردم علیه خشونت	اسلواکی	۱۹۸۹	۱۹۹۲	دولت کمونیستی چکسلواکی
اسلوونی علیه کمونیسم	اسلوونی	۱۹۸۹	۱۹۹۰	رژیم کمونیستی
جنبش طرفداردموکراسی	مجارستان	۱۹۸۹	۱۹۸۹	رژیم کمونیستی
کمپین‌علیه‌رژیم برنهام‌هویت	گویان	۱۹۹۰	۱۹۹۲	دیکتاتوری برنهام هویت
کمپین علیه نظامیان	نیجر	۱۹۹۰	۱۹۹۲	حکومت نظامیان
جنبش طرفدار دموکراسی CCCN واتحادیه	جمهوری آفریقای مرکزی	۱۹۹۰	۱۹۹۳	ریاست جمهوری کولینبا
جنبش دمکراتیک	قرقیزستان	۱۹۹۰	۱۹۹۱	رژیم کمونیستی
حکومت علیه حکومت تک حزبی زامبیا	زامبیا	۱۹۹۰	۱۹۹۱	حکومت تک حزبی
کمپین ضد نظامیان مالی	مالی	۱۹۹۰	۱۹۹۱	حکومت نظامیان
استیر The Stir	نپال	۱۹۹۰	۱۹۹۰	پادشاهی/رژیم پانچایات
اعتراض‌اتحادیه دانشجویان	اوکراین	۱۹۹۰	۱۹۹۰	رژیم ماسول
جنبش طرفداردموکراسی	روسیه	۱۹۹۰	۱۹۹۱	علیه کودتا
جنبش استقلال	اسلوونی	۱۹۹۰	۱۹۹۱	حاکمیت یوگسلاوی
آلبانی علیه کمونیسم	آلبانی	۱۹۹۰	۱۹۹۱	رژیم کمونیستی
کمپین علیه آراپ موی	کنیا	۱۹۹۰	۱۹۹۱	دانیل آراپ موی
صداهای فعال	ماداگاسکار	۱۹۹۱	۱۹۹۳	دیدیر رادسیراکا

کمپین	مکان	شروع	پایان	هدف
کمپین علیه باندا	مالاوی	۱۹۹۲	۱۹۹۴	رژیم باندا
جنبش طرفدار دموکراسی	تایلند	۱۹۹۲	۱۹۹۲	رژیم سوچیندا
جنبش ضد نظامیان	نیجریه	۱۹۹۳	۱۹۹۹	حکومت نظامیان
جنبش علیه میلوسویچ	صربستان	۱۹۹۶	۲۰۰۰	رژیم میلوسویچ
کمپین علیه سوهارتو	اندونزی	۱۹۹۷	۱۹۹۸	حکومت سوهارتو
اعتراضات دانشجویی	اندونزی	۱۹۹۹	۱۹۹۹	رئیس جمهور بی جی حبیبی
جنبش طرفداردموکراسی	کرواسی	۱۹۹۹	۲۰۰۰	سیستم نیمه جمهوری
کمپین علیه دیوف	سنگال	۲۰۰۰	۲۰۰۰	دولت دیوف
کمپین علیه فوجیموری	پرو	۲۰۰۰	۲۰۰۰	دولت فوجیموری
کمپین علیه راولینگ	غنا	۲۰۰۰	۲۰۰۰	دولت راولینگ
دومین جنبش قدرت مردم	فیلیپین	۲۰۰۱	۲۰۰۱	رژیم استراد
کمپین علیه چیلوبا	زامبیا	۲۰۰۱	۲۰۰۱	رژیم چیلوبا
علیه دولت	نپال	۲۰۰۲	۲۰۰۶	علیه حکومت نظامی دولت
جنبش طرفداردموکراسی	ماداگاسکار	۲۰۰۲	۲۰۰۲	رژیم رادسیراکا
کمپین علیه سانچز دی لوزادا	بولیوی	۲۰۰۳	۲۰۰۳	رئیس جمهور سانچز د لوزادا
کمپین علیه گیوم	مالدیو	۲۰۰۳	۲۰۰۸	رژیم گیوم
کمپین علیه آریستید	هائیتی	۲۰۰۳	۲۰۰۴	رئیس جمهور ژان برتراندآریستید
انقلاب رز	گرجستان	۲۰۰۳	۰۰۳	رژیم شواردنادزه
انقلاب لاله	قرقیزستان	۲۰۰۵	۲۰۰۵	رژیم آکایف
توگوعلیه گناسینگب بحران کودتا	توگو	۲۰۰۵	۲۰۰۵	رئیس جمهور فاورگناسینگب
کمپین‌علیه تاکسین	تایلند	۲۰۰۵	۲۰۰۶	رژیم تاکسین
قیام فوراجیدوس	اکوادور	۲۰۰۵	۲۰۰۵	رئیس جمهوراکوادورسرهنگ
انقلاب سرو	لبنان	۲۰۰۵	۲۰۰۵	نیروهای سوریه
اعتراضات لیگ عوامی	بنگلادش	۲۰۰۶	۲۰۰۷	دولت موقت
بحران سیاسی	لبنان	۲۰۰۶	۲۰۰۶	دولت نخست وزیرفواد سینیورا
کمپین علیه مشرف (جنبش حقوقدانان)	پاکستان	۲۰۰۷	۲۰۰۸	دولت پرویز مشرف
کمپین علیه ساکاشویلی	گرجستان	۲۰۰۷	۲۰۱۳	رژیم ساکاشویلی

کمپین	مکان	شروع	پایان	هدف
جنبش علیه مبارک	مصر	۲۰۰۷	۲۰۱۱	دولت
انقلاب کارد وچنگال	ایسلند	2008	2009	انقلاب کارد وچنگال (ظروف آشپزخانه)
(ظروف آشپزخانه)	ایسلند	۲۰۰۸	۲۰۰۹	نخست وزیر گیر هاردی
کمپین اتحاد مردم برای دموکراسی	تایلند	۲۰۰۸	۲۰۰۸	دولت حزب قدرت مردم
جنبش علیه راوالومانانا	ماداگاسکار	۲۰۰۹	۲۰۰۹	دولت راوالومانانا
انقلاب دوم	قرقیزستان	۲۰۱۰	۲۰۱۰	رئیس جمهورقربان بیک باقی‌اف
کمپین طرفدار اواتارا	ساحل عاج	۲۰۱۰	۲۰۱۱	رژیم گباگبو
انقلاب یاس	تونس	۲۰۱۰	۲۰۱۱	رژیم بن علی
تظاهرات علیه دولت مائوئیستی	نپال	۲۰۱۰	۲۰۱۰	دولت مدهاو کومار
کمپین علیه موتاریکا	مالاوی	۲۰۱۱	۲۰۱۲	دولت رئیس جمهور موتاریکا
کمپین‌علیه‌علی‌عبدالله صالح	یمن	۲۰۱۱	۲۰۱۲	رژیم صالح
اعتراضات علیه دولت اسلامی	تونس	۲۰۱۳	۲۰۱۴	حزب النهضه
کمپین با من برقص	بلغارستان	۲۰۱۳	۲۰۱۴	دولت نخست وزیر اورشارسکی
جنبش مدنی‌برای‌دموکراسی	تایلند	۲۰۱۳	۲۰۱۴	دولت ییِنگلاک
یورومیدان	اوکراین	۲۰۱۳	۲۰۱۴	رئیس جمهور یانوکوویچ
تظاهرات علیه مرسی	مصر	۲۰۱۳	۲۰۱۳	رئیس جمهور مرسی

یکی از سوالاتی که باید پرسید این است که آیا شرایطی وجود دارد که کمپین‌ها باید به دنبال به حداقل رساندن مشارکت کنندگان باشند؟ جواب آن "نه" است. هیچ شرایطی وجود ندارد که مشارکت کمتر برمشارکت بیشتر ارجحیت داشته باشد. به‌نظرچنووت واستفان:

> در طول زمان ومکان کمپین‌های بزرگتر احتمالاً شانس موفقیت بیشتری از کمپین‌های کوچکتر دارند. افزایش یک واحد از شرکت کنندگان فعال ۱۰درصد امکان دسترسی یک کمپین به نتیجه نهایی خود را افزایش می‌دهد. (شکل۱۶) اثرات سرانه مشارکت را در پیش‌بینی موفقیت کمپین نشان می‌دهد. این روند به وضوح نشان دهنده آن است که با افزایش مشارکت، امکان موفقیت کمپین نیز افزایش می یابد.[۲۸]

۲۸ - چنووت واستفان، چرا مقاومت مدنی کار می‌کند،

نمودار ۱۶: تاثیر مشارکت براحتمال موفقیت کمپین

منبع: اریکا چنووت وماریا استفان، چرا مقاومت مدنی کار می‌کند: منطق استراتژیک برای مبارزات بی‌خشونت نیویورک، انتشارات دانشگاه کلمبیا ۲۰۱۱) ۴۰)

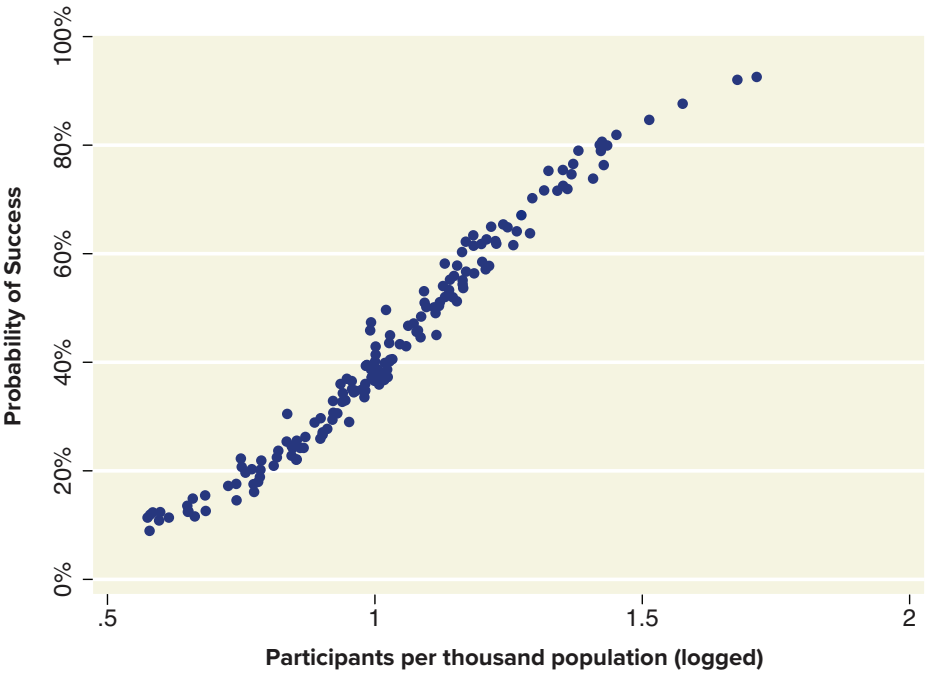

آیا حداقلی ازمشارکت برای موفقیت کمپین مقاومت مورد نیازاست؟ جواب آن آری است وحداقلی وجود دارد، اما برای هرکمپین منحصربه فرد است وشاید فقط بعدا ودرجریان عمل بتوان به آن پی‌برد.

چنووت واستفان درتحقیقات گمّی خود مشخص می‌کنند که "مشارکت" درجنبش "درگیری فعال وقابل مشاهده افراد درکنشی جمعی است".[۲۹] چنووت با این مقیاس بعداً متوجه شد که ۱۶۵ مورد از ۱۶۷ مورد کمپین‌های بی‌خشونت بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۴ زمانی به موفقیت رسیدند که میزان مشارکت را به سه ونیم درصد کل جمعیت ویا بیشتررساندند. در حقیقت بسیاری ازکمپین‌های مقاومت مدنی با درصدی کمتر به پیروزی رسیدند.[۳۰]

میزان مشارکت سه ونیم درصدی ازکل جمعیت ممکن است بسیارکم به‌نظربرسد واز بسیاری جهات چنین هم هست.

---

۲۹ - چنووت واستفان،۳۰

۳۰ - اریکا چنووت"پرسش وپاسخ و به روزرسانی محتاطانه درباره قانون سه ونیم درصد. "مجموعه مقالات بحث و گفتگوی کار"، (کمبریج، کارشناسی ارشد: مدرسه کندی هاروارد،بهار ۲۰۲۰)

اگرچه باید توجه داشت که تعریف چنووت واستفان ازمشارکت شامل بیشترین تعداد افراد قابل مشاهده‌ای است که به وضوح وبه طورروزانه تاکتیک‌های مقاومت مدنی را به اجرا می‌گذارند. (به عنوان مثال، تعداد کسانی که در تظاهرات وراهپیمایی‌ها درکشورمشارکت می‌کنند). بنابراین لازم نیست که همه افراد شرکت کننده مشاهده شوند، زیرا بسیاری ازاشکال مشارکت درمقاومت مدنی برای ارزیابی، به سادگی برای پژوهشگران خارج از جنبش قابل مشاهده نیست. اندازه‌گیری نرخ مشارکت مخصوصاً درتاکتیک‌های پراکنده ویا تاکتیک‌های حذفی (مانند اعتصابات وبایکوت) بسیارسخت‌تراست.

برای هرشرکت کننده‌ای که درجنبش مشاهده شود تعدادی ازحامیان منفعل نیزوجود دارند که تاثیرمثبتی بر کمپین جنبش مقاومت مدنی دارند، با کسانی که می شناسند درباره کمپین گفتگو می‌کنند، دیگران را تشویق می‌کنند که مشارکت کننده فعال‌تری باشند ویا به فعالان دموکراسی‌خواه یا خانواده آن‌ها که تحت تعقیب هستند پناه می‌دهند. ازهرفامیل شامل پدرا، مادران، پسران،دختران، عمه‌ها، خاله‌ها، دایی‌ها، عموها و فرزندان آن‌ها ممکن است فقط یک نفربه صورت فعال وواضح درمبارزه شرکت داشته باشد، اما همه اعضای فامیل از کمپین حمایت می‌کنند وهرکدام از آن‌ها لیست تماس یگانه‌ای دارند که به آن‌ها انگیزه می‌دهند.

تعداد ناراضیانی که اکنون در مبارزه فعال هستند، ازآن دسته حامیان بالقوه و ناراضیانی که درآینده به‌خدمت درمی‌آیند، اهمیت بیشتری ندارند.

بنابراین مشارکت حداقل سه ونیم درصدی که چنووت واستفان مطرح کرده‌اند، به احتمال زیاد بسیارکمترازرقم واقعی شرکت‌کنندگان است. بسیاری ازآن‌ها لزوماً دیده نمی‌شوند و مطمئناً تعداد آن‌ها نیز کمترازمجموعه افرادی است که ازاهداف جنبش حمایت می‌کنند. با این حال آمارسه ونیم درصد نشان می‌دهد که چگونه مقاومت مدنی می‌تواند قدرتمند باشد. مقاومت مدنی موفق نیازمند این است که اکثریت مردم فعالانه ویا غیر فعالانه از جنبش حمایت کرده ویا حداقل درمقابل جنبش نایستند، اما نیازی نیست که اکثریت مردم در زمانی معین برای این‌که موثر باشند، درحرکت گروهی پرخطری شرکت کنند. زمانی که هزاران یا میلیون‌ها نفرتصمیم می‌گیرند آشکار ویا پنهان حمایت خود را ازخودکامه به شیوه‌هایی سازمان یافته واستراتژیک پس بگیرند، خودکامه دیگر قدرت ندارد که آن‌ها را مجبور به اطاعت کرده وخود درقدرت باقی بماند.

تعداد ناراضیانی که اکنون در مبارزه فعال هستند ازآن دسته حامیان بالقوه وناراضیآنی که در آینده به خدمت در می‌آیند، اهمیت بیشتری ندارند.

رهبری کمپین در هر مقطعی نباید از نرخ مشارکت راضی باشد، برای این که ممکن است فعالان دموکراسی‌خواه در طول زمان اشتیاق خود را از دست بدهند و به لحاظ عاطفی از مبارزه فاصله بگیرند. اگر نرخ مشارکت حفظ نشود از سطح مورد نظر کاهش خواهد یافت و تحول منفی خواهد بود. یکی از راه‌های حفظ مشارکت بالا مشغول کردن منظم مردم به امور کمپین است. گاندی از مردم هند خواست تا نخریسی کرده و لباس‌های خود را تهیه کنند. این خواسته گاندی سه فایده داشت: حفظ همبستگی و آگاهی مداوم از مبارزه بی‌خشونت در بین توده مردم، پایگاهی از ناراضیان را برای تاکتیک‌های تهاجمی‌تر آماده کرد، صنعت پارچه لنکشایر را با کاهش واردات پارچه به هند را تحت فشار گذاشت.

برنامه سازنده گاندی را در حال حاضر می‌توان با ایجاد نهادهای جایگزین پیاده کرد. لوک ابس در تحقیق خود "درباره تاثیر مبارزه بی‌خشونت بردگرگونی مسالمت‌آمیز جنگ داخلی" می‌نویسد:

> نهادهای جایگزین اغلب اوقات توسط کمپین‌های بی‌خشونت به وجود می‌آیند تا با نهادهای دولتی که ممکن است ناکارآمد و یا تبعیض‌آمیز باشند، مقابله کنند. نهادهای جایگزین مانند آموزش موازی از سیستم‌های حکومتی خودکفا بوده و مبتنی بر فعالیت‌های مردمی هستند که می‌توانند تعداد بیشتری از مردم را دربربگیرند. [۳۱]

بالا نگه داشتن نرخ مشارکت با استفاده از نهادهای جایگزین "دوبارفکرکنندگان" را هم تشویق می‌کند تا همراه با تکامل مبارزه عقیده خود را آشکار کرده و به جمع بپیوندند.

برای بسیج مردمی، جنبش باید تحلیل کند که چرا مردم از ابتدا اطاعت را پیش گرفته‌اند، جین شارپ به هفت دلیل اشاره می‌کند که چرا مردم از رژیم سرکوبگر اطاعت می‌کنند، دیگران به این لیست شارپ مواردی را اضافه کردند. ده دلیل در اینجا آورده شده است.

شناسایی این‌که کدام دلیل دربخش‌های مختلف جامعه عمل می‌کند و تعمیم دادن آن حتی به اشخاص، وظیفه بسیار مهمی است.

---

۳۱ - لوک ابس، تاثیر مبارزه بی‌خشونت بردگرگونی مسالمت‌آمیز جنگ داخلی (واشنگتن، انتشارات ICNC، ۲۰۲۱)

نمودار ۱۳:

۱ ترس ازمجازات

۲ عادت

۳ تعهد اخلاقی

۴ منافع شخصی

۵ پیوستگی روانی با حاکم

۱۰ دلیل اصلی که چرا مردم از رژیم‌های سرکوبگراطاعت می‌کنند

۶ لاقیدی+ بی‌تفاوتی

۷ عدم اعتماد به نفس

۸ جهل

۹ دنبال روی

۱۰ اجتماع

■ ترس ازمجازات

دلیل اطاعت بسیاری از مردم ترس ازمجازات است. مجازاتی که خودکامه برای عدم اطاعت اعمال می کند، می تواند شامل از دست دادن کار، اعتبارحرفه‌ای، امتیازات، موقعیت، ارتقا، پول، اموال، حقوق قانونی وطرد ازجامعه باشد. این مجازات‌های به ظاهر بی‌خشونت می تواند بسیارموثرباشد، به خصوص زمانی که رژیم آن‌ها را به‌گونه‌ای استراتژیک انتخاب واعمال می‌کند. تهدید رژیم برای اعمال مجازات‌های خفیف‌ترمی‌تواند به همان اندازه فرد را وادار به اطاعت کند که مجازات‌های واقعی وسخت‌ترمانند سرکوب فیزیکی، زندانی کردن، شکنجه ومرگ. بعضی ازافراد ازاین‌که خودشان مورد آزار قراربگیرند، نمی‌ترسند. از این می‌ترسند که خانواده ویا کسانی که به آن‌ها علاقه دارند مورد آزارواقع شوند.

نکته مهم در مورد این مجازات‌ها این است که اثر بازدارنده بسیار زیادی دارند. دولت‌ها امکان وادار به اطاعت کردن یکایک افراد را ندارند، برای همین ترس از مجازات را عمدتا به جامعه القاء می‌کنند تا اکثریت مردم ازآن‌ها اطاعت کنند. آن‌ها برای القای این ترس به فردی که آشکارا اطاعت نمی‌کند، حمله می‌کنند وازاوبه‌عنوان مثالی برای ترساندن دیگران استفاده می‌کنند.

■ عادت

■ با گذشت زمان اطاعت فعالانه ویا انفعالی ازقدرت حاکم می‌تواند به عادت تبدیل شود. مردم ممکن است از خود دیگرسوال نکنند که این کاری که دارند می‌کنند را چرا می‌کنند؟ زمانی که مقام قابل قبولی (مانند رئیس، رهبرمذهبی، بزرگ جامعه، آموزگار، دکتر وسرپرست خانواده) به آن‌ها بگوید که این کار را انجام بده، آن‌ها از دستورات اطاعت می‌کنند بدون این‌که فکرکنند.

■ تعهد اخلاقی

■ برخی افراد ازقوانین ظالمانه پیروی می‌کنند برای این‌که احساس می‌کنند وظیفه اخلاقی آن‌ها است. آن‌ها فکرمی‌کنند اطاعت برای جامعه وادامه سنت‌های فرهنگی ومذهبی خوب است وفکرمی‌کنند این سنت‌ها برای افراد از آزادی مهم‌تراست.

■ منافع شخصی

منافع شخصی انگیزه بسیارمهمی است. پول، استخدام، موقعیت اجتماعی، امنیت فامیلی پذیرش دردانشگاه، دسترسی به بیمه درمانی خوب وسایر منافع وامتیازات مادی می‌تواند دلیلی برای اطاعت باشد دولت بسیاری افراد را استخدام می‌کند تا منافع شخصی آن‌ها را به بقای دولت گره بزند. دارندگان کسب وکارهم به خاطرمنافع شخصی با وضعیت موجود گره خورده‌اند.

■ پیوستگی روانی با حاکم

بعضی حاکمان سعی می‌کنند خود را پدرقبیله ویا پدرملت معرفی کنند. مردم احساس می‌کنند که این حاکمان فامیل آن‌ها هستند. بدون هیچ دلیلی به آن‌ها اعتماد دارند. با آن‌ها پیوند عاطفی دارند واحساس می‌کنند که هرحرکتی که برای حاکمان خوب است، برای قوم وملت هم خوب است. برخی ازاین حاکمان کشور را درلحظات تاریخی رهبری کرده‌اند (مانند مبارزه برای استقلال از قدرت‌های استعماری) وسپس به صورت اسطوره درآمده وآن را مبنایی برای ادعای مشروعیت پایدارخود کرده‌اند. در موارد دیگری حاکمان ادعای نوعی اقتدارمذهبی یا ایدئولوژیک کرده‌اند تا به نظربرسد ذاتا بری ازخطا ووراى نقدهای معمول هستند.

■ لاقیدی و بی تفاوتی

کسانی ممکن است تسلیم حکومت سرکوبگر شوند وادعا کنند که سیاسی نیستند ونسبت به رنجی که حکومت خودکامه برای مردم ایجاد کرده، بی‌تفاوت هستند. ممکن است بگویند "رنج همین است که هست وتابوده چنین بوده وتاهست چنین است" ودرنتیجه ارزشی ندارد برای آن کاری بکنیم. درحالی‌که ابرازلاقیدی وبی‌تفاوتی ممکن است برای مخفی کردن احساس عمیق ناتوانی باشد. بسیاری ازمردم ممکن است برای ظلمی که به آن‌ها می‌شود، حاضرباشند کاری بکنند، درصورتی که احساس کنند این کارآن‌ها موثراست ویا این‌که بدانند چه کاری ازآن‌ها برمی‌آید.

■ عدم اعتماد به نفس

خودکامگان عمدا تصویری از شکست‌ناپذیری خود را به نمایش می‌گذارند تا اعتماد مردم را نسبت به توانایی خود برای به چالش کشیدن موفقیت‌آمیز آن‌ها از بین ببرند وباور کنند که هیچ سیستم جایگزینی برای حاکمیت خودکامه وجود ندارد. خود کامه‌ها گروه‌های اپوزیسیون را به شدت سرکوب می‌کنند تا بتوانند مدعی شوند که هیچ گروه ویا رهبردیگری لیاقت حکومت کردن ندارد. اگرموردی پیش بیاید که مردم سعی کنند خودکامه را به چالش بکشند ودراین کار شکست بخورند، خود کامه دست به پروپاگاندای عظیمی خواهد زد تا احساس ناامیدی را به عموم مردم القاء کند.

■ جهل

اطلاعات قدرت است وخودکامگان بیشترین کوشش خود را می‌کنند تا مردم را درباره فساد، ناتوانی، بی‌کفایتی وآزارها ناآگاه نگه دارند. (جزآزارهایی که عمداً درباره آن‌ها اطلاع‌رسانی می‌شود تا در بین مردم ترس ایجاد کنند). خودکامگان همیشه دیگران را برای سختی‌هایی که مردم درکشورمتحمل می‌شوند، سرزنش می‌کنند. زمانی که جنبش مقاومت مدنی خودکامه را در مورد مسائلی مانند فساد، نقض حقوق بشر، عدم پاسخگویی حکومت به چالش می‌کشد، خود کامه ادعا می‌کند که هزاران یا میلیون‌ها نفر از مقاومت‌کنندگان مدنی خود بخشی ازتوطئه خارجی‌ها بوده وتهدیدی برای کشورهستند. خودکامگان هرگز نمی‌توانند توضیح قانع‌کننده‌ای بدهند که چگونه دخالت واقدام چند قدرت خارجی می‌تواند هزاران یا میلیون‌ها نفرداوطلب را قانع کند تا وقت خود را دراختیارکمپین دموکراسی‌خواهی بگذارند، خطرات را بپذیرند، فداکاری کنند وبا همدیگربرای هدفی مشترک کار کنند. با همه این‌ها به علت ناآگاهی، بعضی ازمردم آن را امکان‌پذیردانسته وبه اطاعت از خود کامه ادامه می‌دهند.

■ دنباله روی

افراد دردنباله روی ازتعداد زیادی ازمردم احساس امنیت می‌کنند. زمانی که تعداد زیادی از مردم مطیع هستند، احتمال این‌که یک فرد ازجمع پیروی کند بیشتر ازاین است که راه جداگانه‌ای برگزیند. ترسی واقعی در باجمع نبودن ویا تکروی وجود دارد و بسیارسخت و خطرناک است که کسی اولین نفری باشد که از جمع پیروی نکند. سوالات مشکلی بپرسد ومزایای ناشناس ماندن را ازدست بدهد.

■ اجتماع

احساس وابستگی به اجتماع می‌تواند محرکی قوی برای رضایت واطاعت باشد. اگراجتماعی به مردم هویت، معنا، وابسته بودن واعتباربدهد، مردم دست به اقدامات زیادی خواهند زد تا بخشی از آن اجتماع باقی بمانند، حتی اگر با تصمیماتی که اجتماع در دوران مبارزات بی‌خشونت می‌گیرد، موافق نباشد. جوامع می‌توانند از طریق جمع فشار بیاورند یا به گونه‌ای انتظارات را تنظیم کنند که مردم دچار شک شده ویا قضاوت خود را نادیده بگیرند ونتوانند با دیدگاهی انتقادی فکرکنند که چه کارهایی تحت عنوان حفظ اجتماع انجام می‌شود.

رهبران مبارزات بی‌خشونت باید تمامی حامیان خود را با دقت بالا وبا ذکر جزئیات لیست کنند. باید دلایل دقیق انفعال فردی وکناره گیری جمعی را درک کنند وراه‌هایی برای ایجاد انگیزه ونیز کنش‌های خاص ومفیدی برای کمپین پیدا کنند. خبرخوب این است که آن‌هایی که در ابتدا تصمیم ندارند به عنوان عضوی از مقاومت مدنی وظیفه‌ای را به عهده بگیرند (بزرگ یا کوچک)، به تدریج اغلب آنان با پیشرفت جنبش برای انجام کارهای بیشترعلاقه‌مند می‌شوند. این مطلب در مورد ناراضیان سابق نیز صادق است: یک کنش ساده اپوزیسیون آن‌ها را به‌یاد نیرویشان می‌اندازد وباردیگرشورواشتیاق برای این که بخشی ازکمپین مقاومت مدنی پیروزباشند، شعله‌ورمی‌شود.

چک لیست پرسش شماره ۶

آیا اعتقاد خودکامه به اثربخشی سرکوب خشونت‌بار کاهش می‌یابد؟

همانطور که نتایج مسابقات ورزشی به دلیل نوسانات بزرگ دراعتماد به نفس بازیکنان قابل پیش‌بینی نیست، اعتقاد خودکامه به اثربخشی سرکوب خشونت‌بار وآزادسازی ظرفیت عملی خود برای سرکوب، بستگی به اعتماد به نفسش دارد. اما چگونه می‌شود اندازه گرفت که اعتماد به نفس خودکامه افزایش پیدا کرده ویا کاهش یافته؟ سنجش باورهای خودکامه در هرزمانی کاربسیارسختی است وظاهرا نمی‌شود پیش‌بینی کرد که باورهایش در طول زمان چگونه تحول پیدا میکنند.

ایوان مارووویچ، یکی از رهبران جنبش دانشجویی آتپورکه باعث سقوط اسلوبودان میلوسویچ درصربستان شد، براساس تجربه معتقد است که شناخت کاهش سطح خشونت "از بیرون به داخل اتفاق می‌افتد". خودکامه ممکن است آخرین کسی باشد که بفهمد سرکوب نتیجه عکس می‌دهد. چندین شاخص پیش‌بینی کننده وجود دارد که برای فعالان دموکراسی‌خواه آشکار است. ناراضیان آزادی‌های بیشتری برای جنبش تجربه می‌کنند که آن‌ها را برای ایجاد اختلال بیشترتشویق می‌کند. دوبارفکرکنندگان پنهان سریع‌ترعقیده خود را آشکارمی‌کنند، برای این‌که دیگرکمتراز مجازات می‌ترسند. کسانی که احتمال دارد از رژیم جدا شوند، به‌خصوص نیروهای نظامی وپلیس، متوجه خواهند شد که تنها با تهدید به این‌که از سرکوب امتناع خواهند کرد، می‌توانند گزینه خودکامه برای استفاده از زور را به شدت محدود کنند.

خودکامگان ممکن است نزد خود دلایل خوبی برای استفاده ازخشونت علیه جنبش قدرت مردم داشته باشند. در حقیقت بین سال‌های ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۶ بیش از ۸۸ درصد از شورش‌ها (خشونت بار وبی‌خشونت) با سرکوب وخشونت روبرو شدند. علاوه برآن نرخ موفقیت جنبش‌های مقاومت مدنی هنگامی که با سرکوب خشونت بار روبرو می‌شوند، یک سوم کاهش می‌یابد.

خشونت می‌تواند رهبری جنبش، تحرک جنبش وآزادی بیان را محدود کند. دارایی‌های مورد نیاز خانواده را مصادره کرده وآن‌ها را ازسرپناه، غذا ودارو محروم کند. علاوه برآن خشونت می‌تواند در بین گروه‌ها شکاف ایجاد کند. یک بخش را سرکوب می‌کند وبه بخش دیگر امتیاز می‌دهد. سرانجام خشونت می‌تواند سبب شود تعدادی ازاعضای مقاومت مدنی که ناامید وبیمناک هستند، تعهد خود نسبت به انضباط بی‌خشونت را کناربگذارند. تاثیر جمعی سرکوب مکررمی‌تواند حس ترس وناامیدی را دربین مردم تقویت کند ومانع ارتباطات مستقل وسفرشود. این احتمالات ازجمله دلایلی است که خودکامگان وقتی درموضع قوت هستند، به خشونت روی می‌آورند.

دیکتاتورها ممکن است وقتی قدرتشان روبه افول است استدلال برای استفاده از خشونت را قانع کننده‌تر ببینند. زمانی که به این باورمی‌رسند که عامل تعیین کننده برای بقای دیکتاتوری استفاده ازخشونت است، دراین صورت استراتژی مناسب برای دیکتاتور باید افزایش خشونت بی‌رحمانه باشد تا مبارزه بی‌خشونت شکست بخورد. نتیجه منطقی این استدلال این است که دیکتاتورباید بیشترین استفاده را ازخشونت بکند وهیچ وقت از آن چشم‌پوشی نکند. اگرچه این نظریه برمبنای دو۲.

فرض اشتباه است:

- این که ظرفیت خودکامه برای سرکوب در جریان مبارزه بی‌خشونت تغییر نمی‌کند.
- واین که اثرات سرکوب خودکامه در جریان مبارزه بی‌خشونت تغییرنمی‌کند.

در طول مبارزه بی خشونت این متغیرها می‌توانند به نحو چشمگیری نوسان داشته باشند واین تغییرات سبب می‌شوند که خودکامه نتواند ارزیابی دقیقی ازافزایش سرکوب داشته باشد. تصمیمات استراتژیک ناراضیان برای حفظ مشارکت بالای مردم ورعایت کامل انضباط بی‌خشونت می‌تواند این نوسانات را شدت ببخشد واین عدم اطمینان را درخودکامه به وجود بیاورد که آیا سرکوب می‌تواند او را درقدرت نگه دارد یا نه.

روال معمول برای یک خودکامه این است که متکی برسرکوب فزاینده وبی‌رحمانه باشد، درحالی که قدرت اوتضعیف می‌شود. استفاده ازروش‌های بی‌رحمانه لزوما نشانه قدرت رژیم نیست، بلکه می‌تواند نشان این باشد که شکست خودکامه قریب‌الوقوع است. دراین شرایط ضعف شدید است که دستورهای خود کامه به نیروهای نظامی وپلیس به احتمال زیاد با نافرمانی روبرومی‌شود.

ادراک نقشی کلیدی دارد، اما واقعیت نیز نقش بازی می‌کند، اتکای به خشونت برای کنترل سیاسی، برای خود کامه‌ها رایگان نیست. ملموس‌ترین هزینه‌های سرکوب برای یک رژیم تخصیص نیروی انسانی، منابع مادی وپول است. سرکوب به افراد، تجهیزات (مانند وسایل نقلیه، تجهیزات ضد شورش، سلاح، فناوری نظارت، زندان، دادگاه) وپول برای جبران خسارت نیروهای سرکوبگر دارد.

پیاده کردن روزانه پلیس درخیابان‌ها برای این‌که از فعالان دموکراسی‌خواه تحقیق کرده وآن‌ها را به زندان بیندازند، مخارج سنگینی دارد. این هزینه‌ها با حبس‌های دسته جمعی دوچندان می‌شوند. رژیم‌ها می‌توانند تا زمانی که بقیه جامعه را ترسانده ومردد کنند، این هزینه‌ها را تحمل کنند. اما اگر مقاومت توده‌ای پایداربماند، منابع مالی سرکوب می‌توانند به سرعت ناپایدارشوند.

تظاهرات عمومی، شاید عیان‌ترین تاکتیک بی‌خشونت باشد- این تاکتیک اگر به لحاظ جغرافیایی پراکنده باشد، برای رژیم غیرقابل مدیریت است. زمانی که تظاهرات درشهرهای بزرگ وکوچک درسراسرکشورجریان داشته باشد، نیروهای امنیتی برای برخورد با آن‌ها کافی نیستند ونمی‌توانند به شکل موثری در یک منطقه تمرکز کنند وتوان رژیم برای کنترل تظاهرات به شدت کم می‌شود.

حال در نظربگیرید که اگرجنبشی به طورهمزمان با تظاهرات، کنش‌های غیرمتمرکزی مانند بایکوت مصرف کنندگان راهم داشته باشد، فشارچگونه افزایش می‌یابد. درچنین سناریویی، پلیس چگونه احتمالاً می‌تواند بفهمد چه کسی در بایکوت مشارکت داشته است؟ چه کسی را بازداشت کند؟ اگر میلیون‌ها نفر کار را در سراسر کشورمتوقف کنند، چگونه نیروهای امنیتی می‌توانند آن‌ها را پیدا کرده وهمه را بازداشت کنند؟

علاوه برهزینه‌های انسانی ومادی ومالی برای سرکوب مقاومت مدنی، استفاده ازسرکوب خشونت‌آمیز خطر ازبین بردن مشروعیت رژیم را نیز دارد. رژیم از ارزش‌هایی که مدعی است به آن‌ها پایبند است، تجاوز می کند وبه اعتماد مردمی که مدعی نمایندگی آن‌ها است، خیانت می‌کند. زمانی که ناراضیان مقاومت مدنی از آزادی طرفداری می‌کنند وبه نحو گسترده عقاید سیاسی مشترکی دارند، سرکوب خشونت‌بارآن‌ها به شدت به تصویر رژیم در اذهان عمومی لطمه می‌زند.

مردم ممکن است خودکامه را کسی ببینند که وطن پرست نیست وازکشور وشهروندانش دفاع نمی‌کند وحاضراست منافع عمومی را برای منافع شخصی خود قربانی کند. خودکامه‌ها تلاش می‌کنند تا تصویر خود را با کشور وپرچم مترادف کنند واین کار را برای این انجام می‌دهند تا هرانتقادی ازخودکامه را کاری ضدمیهنی وخیانت جلوه دهند. اما زمانی که افشاء می‌شود خود کامه همه منابع کشور را برای حمایت ازخود دربرابرمخالفین سازمان یافته بی‌خشونت به کار گرفته، خودکامه دیگر قادرنیست که وطن پرستی را مبنایی برای مشروعیت خود قراردهد.

او فردی معمولی، جنایتکار، خائن به مردم ویا اشغالگربه‌نظر می‌رسد که با کمک جمع کوچک دوستانش جامعه را به دام انداخته وازمنابع مردم خودخواهانه سوء استفاده می‌کند.

همزمان با آن که مشروعیت خودکامه اقتدارگرا فرسایش می‌یابد، فعالان دموکراسی‌خواه متوجه می‌شوند که طرفداران آن‌ها متعهدترمی‌شوند. حامیان منفعل آن‌ها بیشترفعال شده وخطرپذیرترمی‌شوند. گروه‌های بی‌تفاوت که درگیرمبارزه نیستند، ازخشونت غیرقابل دفاع خودکامه خشمگین می‌شوند. سرکوب بی‌وقفه خودکامه، توهمی که برخی ازمردم درباره خصلت واهداف رژیم دارند، از بین می‌رود وحتی ادامه حیات رژیم با توجه به وضع موجود زیرسوال می‌رود. خودکامه ازافزایش خطرات آگاهی یافته واین‌که چگونه ادامه خشونت می‌تواند سبب ریزش وفادارانش وپیوستن آن‌ها به جبهه مخالف شود و درنتیجه بقای خود را دروضعیت بغرنجی می‌بیند.

اگر میلیون‌ها نفر کار را درسراسر کشورمتوقف کنند، چگونه نیروهای امنیتی می‌توانند آن‌ها را پیدا کرده وهمه را بازداشت کنند؟

علاوه بر این معضل، افزایش سرکوب خشونت‌بار مورد توجه ودقت بیشتربازیگران بین‌المللی قرارمی‌گیرد. این بازیگران شامل نهادهای چند جانبه بین‌المللی، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، روزنامه نگاران وشهروندان خارج ازکشوری هستند. حتی دولت‌هایی که متحد خودکامه هستند، همزمان با افشای جنایات رژیم ممکن است از طرف مقابل حمایت کرده ویا حمایت خود را پس بگیرند. به‌طورکلی افزایش توجه بین‌المللی سرکوب خودکامگان، به تغییر محاسبات بازیگران خارجی منجرمی‌شود واین که رفتارشان بامبارزه چگونه باید باشد. این تحولات می‌تواند برای خود کامه بسیارمنفی‌ترشود وقتی که یکی از متحدانش کاملاً علیه او موضع بگیرد.

ویران کننده‌ترین خطر برای خودکامه این است که دستورسرکوب خشونت‌بار شهروندان را بدهد وعواملش ازاین کارامتناع کنند. این امتناع برای خودکامه مرگباراست، مگراین‌که مخالفان فشار را کم کرده وبا شویق جناح خشونت‌طلب انضباط مبارزه بی‌خشونت را رها کنند. در این شرایط نیروهای امنیتی رژیم که با خشونت طرف مقابل روبرو می‌شوند، ممکن است خواسته خودکامه برای اعمال خشونت بیشتر را بپذیرند.

یک رهبر ورزیده مقاومت مدنی باید دورنمای عدم اطاعت از دستورات را بیشترین مشغله ذهنی خودکامه کند.

روش انجام این کارتنوع تاکتیکی به صورت متنوع کردن توالی تاکتیک‌های باید کرد (مانند تظاهرات) و تمرکزبرتاکتیک‌های نباید کرد(مانند اطاعت) است تا جایی که فروپاشی ماشین سرکوب فرابرسد. اگر ظرفیت‌های جنبش باقی بمانند وتاکتیک‌ها با مهارت اجرا شوند، سرانجام خودکامه اعتماد خود را به سرکوب به‌عنوان آخرین وسیله برای بقای درقدرت از دست می‌دهد. وجود این مهارت‌های استراتژیک است که مشخص می‌کند چرا مقاومت مدنی امکان پیروزشدنش دوبرابرشورش خشونت‌بار است.

با همه این ها باید توجه داشت که آنچه در گذشته درست بوده، معلوم نیست که لزوماً در آینده هم درست باشد. ممکن است استدلال شود که تکنولوژی‌های جدید مزیتی دائمی برای خودکامگان در نبرد با ناراضیان محسوب می‌شوند. جدیداً در مقاله‌ای در فارین افیرز، با عنوان «دیکتاتورهای دیجیتال: چگونه فناوری استبداد را تقویت می‌کند» نوشته آندریا کندال-تیلور، اریکا فرانتس وجوزف رایت این موضوع مطرح شده است. در بخشی از مقاله می‌آید که:

> پیشرفت در تکنولوژی تحت نظر گرفتن شهروندان مهم‌ترین تکامل دراقتدارگرایی دیجیتال است. دوربین‌های با وضوح بالا، تشخیص چهره، بدافزارهای جاسوسی، تجزیه وتحلیل اتوماتیک متن وپردازش کلان داده‌ها، طیف گسترده‌ای از کنترل شهروندان را به وجود آورده است. [۳۲]

نویسندگان همچنین معتقدند که تکنولوژی پیوند بین سرکوب واطاعت را تقویت می‌کند، پیوندی که ناراضیان امیدوارند آن را از بین ببرند. درهمان مقاله می‌آید که:

> دیکتاتوری ازتکنولوژی نه تنها برای سرکوب اعتراضات، بلکه برای محکم‌تر کردن روش‌های کنترل قدیمی نیزاستفاده می‌کند. دیکتاتوری همزمان با افزایش سرکوب دیجیتال، مایل است که انواع سرکوب‌های خشونت‌بار "در زندگی واقعی" مانند شکنجه وکشتن مخالفین را نیز افزایش دهد. این تحلیل نشان می‌دهد که رهبران اقتدارگرا سرکوب‌های سنتی را با سرکوب‌های دیجیتال عوض نمی‌کنند. در حقیقت سرکوب‌های دیجیتال کار رژیم‌های اقتدارگرا را برای شناخت مخالفین آسان‌ترکرده است واین رژیم‌ها با استفاده از تکنولوژی به نحو موثری می‌فهمند که درخانه چه کسی را باید زد وچه کسی را بایددر سلول انداخت. این شیوه از هدف گیری مخالفان نیاز به سرکوب بی‌هدف را که می تواند در بین مردم نتیجه عکس داشته باشد ویا سبب ریزش نخبگان شود، کاهش می دهد.[۳۳]

---

۳۲ - آندریا کندال-تیلور، اریکا فرانتز و جوزف رایت، "دیکتاتورهای دیجیتال:چگونه فناوری استبداد را تقویت می کند؟" در نشریه فارین افیرز (مارس/آوریل ۲۰۲۰)،
https://www.foreignaffairs.com/articles/china/۲۰۲۰-۰۲-۰۶/digital-dictators

۳۳ - کندال تیلور، فرانتز و رایت، «دیکتاتورهای دیجیتال».

آیا این پایان بحث است؟ آیا پیشرفت تکنولوژی سبب ادامه برتری خودکامگان می‌شود تا جایی که دربرابر هر مبارزه بی‌خشونتی پیروزشوند؟ بسیار بعید است. من ۲۶ سال پیش به این نکته اشاره کردم:

آخرین عاملی که شرایط مبارزه را تغییر می‌دهد، تکنولوژی وبه‌خصوص تکنولوژی ارتباطات است. از آن جا که مبارزه اجتماعی سازمان یافته نیاز به دسترسی به ارتباطات پیشرفته، ارزان وکارآمد دارد، این تکنولوژی می‌تواند مبارزه استراتژیک بی‌خشونت را آسان‌تر ومرتبطترکند. در حقیقت تکنولوژی‌های جدید از کامپیوترهای شخصی گرفته تا ماشین‌های فکس، بیپر وتلفن‌های همراه، در حال حاضر محدوده جدیدی از فرصت‌هارا برای فعالان مبارزه بی‌خشونت فراهم کرده است. علیرغم مثال‌های فراوانی که نشان از استفاده چشمگیر استراتژیست‌ها از این فرصت‌ها دارند، باید توجه داشت که تکنولوژی‌های پیشرفته مزیت دائمی به نیروهای دمکراتیک وبی‌خشونت نخواهند داد. از همین ابزار می‌توان برای تسلط وسرکوب هم استفاده کرد. این ابزار، استراتژیست‌های بی خشونت را نباید وادار کند تا روش استراتژیک وبنیادی خود یعنی "بهتر عمل کردن از دشمن " را رهاکنند.[۳۴]

بنابراین نباید تصور کنید که توسعه تکنولوژی منفعتی دائمی برای خودکامگان درمقایسه با ناراضیان خواهد داشت. این وضعیت ممکن است به سرعت تغییر جهت دهد. به عنوان مثال امروزه صنایع غذایی از برچسب‌هایی استفاده می‌کنند که با فرکانس رادیویی کار می‌کنند. این روش برای ردیابی کالاهایی است که به خانه‌ها ارسال می‌شوند. تصورکنید یکی از این برچسب‌ها را بردارید ودامنه فرکانس آن را تغییردهید وپشت تمبربچسبانید میلیون‌ها از آن‌ها را به کشورهایی مانند ایران، روسیه وچین ویا سایر کشورهای اقتدارگرا بفرستید. ناراضیان اکنون شکل جدیدی از وسیله ارتباطی خواهند داشت که می‌توانند آن را درفضای بازنصب کرده وازآن‌ها برای انتقال پیام‌های مبارزاتی ویا این‌که چه تاکتیک بی‌خشونتی چگونه وکی باید به کارگرفته شود، استفاده کنند. نمونه‌های دیگری از فرصت‌های فناوری جدید استفاده ازسنجاق یقه است که سیگنالی را منتشرمی‌کند وتصویر را برای دوربین‌های با وضوح بالا که درخیابان‌ها نصب شده‌اند، غیر قابل تشخیص می‌کند ویا چراغ قوه کوچکی که لنز دوربین‌های مداربسته را می‌سوزاند وآن را بی‌مصرف می‌کند. علاوه برآن چه دلیلی وجود دارد که جدیدترین وآسیب زننده ترین بد افزارها فقط دراختیار خودکامگان باشد؟

---

۳۴ - پیتر آکرمن و کریستوفر کروگلر، مبارزه استراتژیک بی‌خشونت: پویایی قدرت مردم در قرن بیستم (وست‌پورت، کانکتیکات: انتشارات پراگر، ۱۹۹۴)،

کندال-تیلور، فرانتز ورایت، نویسندگان کتاب "دیکتاتورهای دیجیتال"، به مخرب‌ترین استفاده از هوش مصنوعی (AI) به صورتی زیرکانه در چین اشاره می‌کنند:

هیچ رژیمی به اندازه رژیم چین از پتانسیل سرکوبگرهوش مصنوعی به طورکامل استفاده نکرده است. حزب کمونیست چین حجمی انبوه وباورنکردنی از داده‌ها درمورد افراد ومشاغل شامل: اظهارنامه‌های مالیاتی، صورتحساب‌های بانکی، سوابق خرید وسوابق کیفری وپزشکی را جمع‌آوری کرده است. رژیم این اطلاعات را با هوش مصنوعی تحلیل می‌کند و "شماره کردیت اجتماعی" هر فرد را به دست می‌آورد واز آن برای به دست آوردن پارامترهایی درباره رفتار قابل قبول وکنترل شهروندان استفاده می‌کند. اشخاص حقیقی وکمپانی‌هایی که "غیرقابل اعتماد" شناخته شوند، از مزایای دولتی مانند آپارتمان‌های اجاره‌ای بدون سپرده، محروم شده ویا مسافرت آن‌ها با قطار وهواپیما ممنوع می‌شود. حزب کمونیست چین این سیستم را هرروز تقویت می‌کند، سیستم پیشرفته تحلیل داده‌ها، تصمیم‌گیری تکنولوژیک، ظرفیت رژیم را پیش‌بینی وکنترل را بهبود می‌بخشد، دولت آن را "مدیریت جامعه" می‌نامد.[35]

اگر بتوان ازهوش مصنوعی برای کنترل جامعه استفاده کرد، ناراضیان نیز می‌توانند برنامه‌های کاربردی را توسعه داده واز آن‌ها برای شناسایی کسانی‌که بالقوه امکان جدا شدن از رژیم را دارند، استفاده کنند. به عنوان مثال باید راهی پیدا کرد تا به مردم اجازه داده شود در یک همه پرسی به صورت ناشناس شرکت کرده وپایبندی‌ها وترجیحات خود را آشکارکنند. این توانایی‌ها فرصتی را ایجاد می‌کند که خواسته‌ها واولویت‌های واقعی جامعه روشن شود. این گونه همه پرسی‌ها نشان می‌دهد که حمایت از سیستم اقتدارگرا ضعیف‌تر از آن است که مردم تصورمی‌کنند وبالقوه راه را برای نافرمانی بزرگ هموار می‌کند. میلیاردها دلاری که چین امروز خرج می‌کند ممکن است منجر به اتکای بیش از حد به محصولات تکنولوژیکی شود که دائماً از بین می‌روند. در آینده‌ای نه چندان دور، خودکامگان عمدتاً برای ماندن درقدرت برفناوری تکیه می‌کنند وممکن است متوجه شوند که نمونه‌ای مدرن ازخط ماژینو ایجاد کرده‌اند که بیشتر تخیلی است تا واقعی.

چک لیست پرسش شماره ۷

آیا احتمال ریزش حامیان کلیدی خودکامه افزایش می‌یابد؟

مگراین‌که خودکامه ومتحدین نزدیکش دچاربحران ایمان شده ویک جانبه وداوطلبانه قدرت را رها کنند! واگرنه هیچ مبارزه بی‌خشونتی بدون ریزش حامیان، به‌خصوص نیروهای امنیتی وجدایی آن‌ها از رژیم پیروز نمی‌شود.

---

۳۵ - کندال ـ تیلور، فرانتز ورایت، «دیکتاتورهای دیجیتال».

جدا شدن از رژیم زمانی بیشترین فایده را برای ناراضیان دارد که حامیانی که خود کامه برای کنترل مردم به آن‌ها متکی است از رژیم جدا شوند. زمانی که ریزش نیروها خودکامه را غافلگیر کند، برای استفاده از زور دچار تردید خواهد شد. برای این‌که مطمئن نیست دفعه بعد کدامیک از متحدین‌اش او را ناامید خواهند کرد.

تصورغلط رایج درباره حکومت‌های دیکتاتوری این است که یکپارچه هستند وحامیانشان برای همیشه متحد باقی می‌مانند، اما دیکتاتورها متکی به حمایت افراد وگروه‌های مختلفی هستند، از جمله: دارندگان کسب وکار، کارگران، بانکداران، دیوان سالاران، افسران پلیس ونیروهای نظامی، قضات، رهبران سازمان‌های مذهبی وکارگران حمل ونقل، ارتباطات وزیرساخت‌ها وغیره. هر کدام ازاین گروه‌ها منافع، اهداف، فرهنگ، تاریخ، شبکه‌ها ورقبای خود را دارند. رژیم دیکتاتوری تا آن‌جا می‌تواند کارآمد عمل کند که این افراد وگروه‌های مختلف اختلافات خود را با یکدیگر کنترل ومنافع مختلف خود را تعدیل کرده ومشترکا برای حمایت از رژیم همکاری کنند. تا زمانی که مخالفین وجود دارند، خودکامه باید آن‌ها را ساکت وایزوله کند.

اکثرعمل‌گرایان سیاسی براین باورند که ظرفیت این حوزه‌ها ثابت بوده ودراین شرایط جنبش بی‌خشونت نفوذ اندکی دارد. به عنوان مثال قوت نیروهای امنیتی براساس بودجه، تجهیزات، پرسنل، آموزش وتجربه محاسبه می‌شود. عمل‌گرایان فرض می‌کنند که جنبش مقاومت مدنی با خودکامه‌ای روبرو می‌شود که با اتکاء به نیروهای تحت فرمانش قابلیت مداوم سرکوب را دارد. اما تاریخ نشان داده که جنبش مقاومت مدنی قابلیت‌ها وانسجام نیروهای امنیتی دیکتاتور را در طول زمان فرسوده کرده است. ناراضیان این کار را با تشدید اختلاف در بین افراد وواحدهای مختلف نیروهای امنیتی وایجاد عدم اعتماد درباره وضعیت وبقای رژیم به انجام می‌رسانند. این تاکتیک‌ها ریزش در بین نیروهای رژیم را تسریع می‌کند.

نیروهای امنیتی تنها گروهی نیستند که درطول مبارزه ازخودکامه جدا می‌شوند، اما آن‌ها گروهی هستند که تحلیلگران علاقه زیادی برای پژوهش درباره آن‌ها دارند. دریک مطالعه تطبیقی ازصربستان (۲۰۰۰) واوکراین (۲۰۰۴)، آنیکا بینندیک و ایوان مارووویچ

در مورد اهمیت جدا شدن نیروهای نظامی از رژیم چنین نتیجه‌گیری کردند:

توجه استراتژیک به نیروهای امنیتی ممکن است به سه مورد عمده درباره عملکرد نیروها در صحنه نبرد مبارزه بی‌خشونت کمک کند: دفاع بازدارنده واجباری. از نظر دفاعی ممکن است که جنبش ومتحدانش تاثیر سلاح های کشنده رژیم را دوباره بی اثر سازند (آکرمن و کروگلر، ۱۹۹۴.)

هزینه سرکوب بالا می‌رود و ظرفیت سرکوب مخالفان کم می‌شود و رهبری رژیم ممکن است از اعمال نیروی سرکوب کننده به‌کلی منصرف شود (دال ۱۹۷۱). سرانجام با تضعیف یکی از مراکز ثقل رژیم، جنبش ممکن است رژیم اقتدارگرا را وادار به انتخاباتی مطابق استانداردهای بین‌المللی کرده ویا آن را ساقط کند.[۳۶]

چنووت واستفان مواردی از خرابکاری سیستماتیک درمقیاسی بزرگ توسط نیروهای امنیتی درمورد دستورات داده شده دربرابرمبارزات بی‌خشونت را شناسایی کرده‌اند.[۳۷] آن‌ها دریافتند که افزایش جداشدگان از رژیم احتمال موفقیت جنبش‌ها را ۵۸ درصد افزایش می‌دهد.

در جدول زیر ۱۱ مورد مثال مهم آورده شده است که در طی مبارزه، ریزش وجدا شدن نیروهای امنیتی اثر تعیین کننده‌ای در نتیجه مبارزه بی‌خشونت داشته است.

سال	جدول ۱۴- کمپین‌های بی‌خشونتی که نیروهای امنیتی ریزش چشم گیری داشته‌اند کمپین
۱۹۷۸-۱۹۷۹	کمپین بی‌خشونت علیه محمد رضا شاه پهلوی در ایران
۱۹۸۵– ۱۹۸۸	کمپین علیه دیکتاتوری نظامی در شیلی
۱۹۸۳– ۱۹۸۶	قدرت مردم در فیلیپین
۱۹۹۰	مقاومت بی‌خشونت علیه کودتای اوت در اتحاد جماهیر شوروی
۲۰۰۰	انقلاب بولدوزر در صربستان
۲۰۰۴	انقلاب نارنجی در اوکراین
۲۰۱۱	انقلاب یاس در تونس
۲۰۱۴	قیام بورکینابه علیه رئیس جمهوربلزکامپائوره دربورکینافاسو
۲۰۱۸	انقلاب مخملی در ارمنستان
۲۰۱۸– ۲۰۱۹	قیام مردمی علیه رئیس جمهوراوو مورالس دربولیوی
۲۰۱۹– ۲۰۲۰	انقلاب لبخندهای الجزایر

۳۶ - آنیکا بیننديک وایوان مارووپچ، "قدرت و ترغیب: راهبردهای بی‌خشونت برای نفوذ در نیروهای امنیتی دولتی در صربستان (۲۰۰۰) و اوکراین (۲۰۰۴)". درمطالعات کمونیسم وپسا کمونیسم ۳۹، شماره ۳ (سپتامبر ۲۰۰۶):۴۱۱-۴۲۹

۳۷ - چنووت و استفان، چرا مقاومت مدنی کار می کند؟ ۴۸.

تحقیقات چنووت واستفان تمرکزی برجدا شدن افراد معمولی از نیروهای امنیتی ندارد ونیز به میزان موفقیت کمپین‌ها پس ازجدا شدن مسئولان رده بالای قوه قضاییه، جامعه دارندگان کسب وکار، احزاب سیاسی، مسئولان رسانه‌های دولتی، دیوان سالاران، نهادهای مذهبی ویا شخصیت‌های سرشناس فرهنگی نمی‌پردازد. با همه این‌ها با توجه به قانون متعارف می‌توانیم نتیجه بگیریم که همه ریزش‌ها وجدا شدن‌ها از رژیم‌های اقتدارگرا به نفع فعالان دموکراسی‌خواه است.

جدا کردن نزدیکترین متحدان خودکامه از او بسیارسخت‌تر ازبسیج شهروندان عادی برای مشارکت درمبارزه بی‌خشونت است. یک ناراضی امکان دوباره فکرکردن وعقب نشینی پس ازیک بار مشارکت در کنش بی‌خشونت علیه خودکامه را دارد، اما وقتی "دوبارفکرکننده‌ای" با مقامی بالا نظرش را نسبت به رژیم افشاء می‌کند دیگرراه برگشت ندارد. زمانی که وفاداران کلیدی تغییرموضع می‌دهند، این تغییر موضع تا پایان مبارزه به قوت خود باقی می‌ماند.

همزمان با افزایش تعداد مشارکت کنندگان در مبارزه، تعداد جداشوندگان بالقوه از رژیم نیز افزایش می‌یابد وبرعکس زمانی که تعداد مشارکت کنندگان کاهش می‌یابد، "دوبارفکرکنندگان" پنهان ترجیح می‌دهند مخفی بمانند تا زمانی که جریان به نفع ناراضیان تغییرکند. برای همین است که ریزش وجدا شدن از رژیم معمولاً دراواسط یا اواخرمبارزه بی‌خشونت صورت می‌گیرد.

چه نوع استدلال‌هایی شهروندان را ترغیب می‌کند تا از رژیم دیکتاتوری جدا شوند؟ هیچ فرمول یا رویکرد واحدی وجود ندارد که بتوان کسانی که بالقوه احتمال جدا شدن از رژیم را دارند وپس از جدا شدن با خطرات زیادی روبرو خواهند شد، به جدایی ترغیب کند. جین شارپ چهارمکانیسم تغییر را در طول مبارزه که با جنبش‌های مدنی موفق آغاز می‌شوند، شناسایی کرد.[۳۸] هر کدام از این مکانیسم‌ها راهی را توضیح می‌دهد که کمپین‌های مقاومت مدنی می‌توانند نگرش ورفتار افراد را تغییر دهند وبه درستی چهار روشی را که فرد جداشده از رژیم را وادار می‌کند تا علنا خودکامه را تقبیح کند، توصیف می‌کند:

- تبدیل
- تطبیق
- اجبار
- فروپاشی

---

۳۸ - جین شارپ، سیاست کنش بی‌خشونت، بخش سه: دینامیک کنش بی‌خشونت (بوستون، ماساچوست: انتشارات پورترسارجنت، ۱۹۷۳).

تبدیل

درتبدیل، جنبش قادر است فرد یا گروهی را ترغیب کند که آرمانش تنها براساس شایستگی‌هایش ارزش حمایت دارد. جداشدگان بالقوه ازآغاز به رژیم وفادار بوده‌اند. آن‌ها بخش عمده‌ای ازعمر شان را به سختی برای موفقیت رژیم کار کرده‌اند. برای این‌که یک "دوبارفکرکننده"که عقایدش را پنهان نگه داشته، متقاعد شود تا از موقعیتش دست بکشد، ناراضیان باید ابتدا شرایطی را فراهم کنند که تضاد بین عقاید ورفتارش را احساس کند واین کار نیاز به تماس‌های زیادی دارد. جداشوندگان بالقوه باید فعالانه توسط رهبران مقاومت مدنی، چنانچه هدف تبدیل آن‌هااست، تعلیم داده شوند. فعالان دموکراسی‌خواه باید مرتباً لیست تبدیل شوندگان بالقوه را توسعه دهند. این کار را می‌توان با گفت‌وگوی مداوم با کسانی که ممکن است تمایل به جدا شدن داشته باشند، انجام داد.

با استفاده از تاکتیک‌های بی‌خشونت که وضعیت موجود را مختل می‌کند، همراه با ارتباطات فرهنگی وعاطفی، کمپین مقاومت مدنی می‌تواند احساس تضاد بین عقاید ورفتار را درافراد ظاهراً وفادار به وجود بیاورد. جداشوندگان بالقوه به تدریج نسبت به دروغ‌های رژیم حساس می‌شوند. دروغ هایی که رژیم بر روی آن‌ها بنا شده ومتوجه می‌شوند که رژیم از مردم و از جمله خود آن‌ها برای منافع خود سوء استفاده می‌کند. افرادی کلیدی ممکن است جنبش بی‌خشونت را نماینده واقعی آرمان‌های مردمی بدانند. دردوران فرایند تبدیل، امید واعتماد جای ناامیدی و سرگردانی را می‌گیرد. "دوبارفکرکنندگان" همزمان با کاهش خطر تبدیل شدن، شروع به ابرازعقاید واقعی خود می‌کنند. اطمینان برای دورنمای موفقیت جنبش افزایش می‌یابد وآسیب پذیری‌های خودکامه بیشتر خود را نشان می‌دهد.

تطبیق

معنای تطبیق این است که فرد یا گروهی پس از تحلیل سود وزیان خود، تصمیم می‌گیرند که منافع شخصی‌اشان ایجاب می‌کند وفاداری‌اشان به‌رژیم را پس بگیرند و تغییر موضع دهند. این تغییر موضع اغلب در بین بازرگانان و نخبگان اقتصادی اتفاق می‌افتد برای این که در دوران جنبش مقاومت مدنی متوجه می‌شوند که با انفعالی عمل کردن و متحد بودن با رژیم ممکن است مقدار زیادی از سرمایه خود را از دست بدهند. دارندگان کسب وکار دردرجه اول نگران حفظ منافع اقتصادی خودهستند. حمایت آنان از رژیم اقتدارگرا بیشتربه دلیل مصلحت است، نه اصول. اگر خودکامه سرکوبگرترشود، ممکن است به این نتیجه برسند که سازگاری با کمپین مقاومت مدنی با استفاده از جدا شدن از رژیم شیوه موثری برای حفظ منافع اقتصادی‌اشان باشد. زمانی که کمپین مقاومت مدنی منافع مالی مالکان و کارکنان را به یک اندازه به خطرمی‌اندازد، پاسخ به سوال ادامه همدستی با حاکمیت غیر اخلاقی خودکامه، ضروری‌ترهم می‌شود.

■ اجبار

اجبار زمانی پیش می‌آید که کسانی که فعالانه با کمپین مقاومت مدنی مخالفت می‌کردند به خاطر ترسی که ازعواقب همکاری با خودکامه دارند، ازاوجدا می‌شوند. این مورد زمانی اتفاق می‌افتد که متحدین قبلی خودکامه متقاعد می‌شوند حکومت او رو به زوال است وادامه وفاداری به اودیگر گزینه مطمئنی نیست. از خود سوال می‌کنند چگونه در حالی‌که می‌دانند پیروزی مقاومت مدنی وپس ازآن دوران گذاراجتناب‌ناپذیراست، بهترین موضع را داشته باشند. موارد زیادی وجود دارد که پشتیبانان وفادارخودکامگان زمانی که احساس کردند کار آن‌ها تمام است، نهایتاً از آن‌ها جدا شدند ودرنتیجه خودکامگان ضعیف‌ترشده و پیشگویی جداشدگان برای سقوط رژیم که خود در تحقق آن نقش داشته‌اند، محقق می‌شود.

■ فروپاشی

در فروپاشی، رژیم با سرعت وبه گونه‌ای غیرقابل کنترل فرو می‌پاشد. در این صورت رژیمی باقی نمی‌ماند که کسی به آن وفادار باشد. اغلب اوقات این وضعیت برای ناراضیان بسیار خطرناک است، مگر آن‌که به سرعت خلا قدرت را با برنامه گذار قابل دسترس ومورد قبول مردم پرکنند. با روشن نشدن این‌که چه حکومتی قراراست سر کار بیاید، ممکن است حامیان رژیم قبلی ونظامی‌ها خود را سازمان دهند تا رژیم جدیدی را سرکار بیاورند، کودتا کنند تا با استفاده از زوراسلحه ثبات را برگردانند. برای مقابله با این احتمال، فعالان دموکراسی‌خواه باید گفت وگو با کسانی که امکان جدا شدن دارند را افزایش دهند. آن‌ها همچنین می‌توانند برنامه‌ای برای گذاردرمراحل اولیه کمپین تهیه کنند تا بعداً در صورت نیاز از آن به عنوان یک الگو استفاده کنند.

مکانیزم‌های تغییردرطول زمان نشان می‌دهند که چگونه عدم وفاداری‌ها می‌توانند مانند زخم چرکینی دیکتاتوری را تضعیف کنند. تمام جدا شدن‌ها با کنش‌هایی شروع می شوند که لزوما همگانی وآشکار نیستند. جدا شدن‌ها می‌تواند در شکلی بسیارساده مانند انجام ندادن دستورات ویا اجرای آهسته وناکارآمد آن‌ها ونیز می‌تواند شامل خرابکاری مخفیانه ویا فایل نکردن عمدی اسناد باشد. آن‌ها ممکن است مذاکراتی زیرزمینی با جنبش مقاومت مدنی شروع کرده واطلاعات ومنابع را به آن‌ها منتقل کنند. کشف ورویارویی با این گونه کارهای ظریف وسطح پایین جدا شوندگان برای رژیم بسیار دشوار است. درحالی‌که تشخیص ومجازات نافرمانی آشکار آسان است، مقابله با بی‌کفایتی عمدی ونافرمانی پنهانی بسیار دشوار است.

جدایی از یک گروه می‌تواند جدایی از دیگران را تسریع کند. تیمور کوران، پژوهشگر اقتصادی وسیاسی، معتقد است کسانی که (به هر دلیلی) از یک رژیم ناراضیند، با انتخاب ساده‌ای بین بیان عمومی این که چه رژیمی را ترجیح می‌دهند (که مخالفت با رژیم است) ویا به دروغ از رژیم حمایت کنند، روبرو هستند.[۳۹] کسانی که اولویت واقعی خود را پنهان می‌کنند با مشکلی درونی وروانی روبرو خواهندشد که هزینه آن را می‌پردازند. آن‌ها همچنان به اطاعت از رژیم تا زمانی که خطرات بیرونی برای انجام این کار برمنافع آن‌ها برای ابراز اولویت واقعی خود پیشی بگیرد، ادامه می‌دهند.

افراد مختلف آستانه تحمل‌های متفاوتی برای خطرپذیری درباره افشای اولویت واقعی خود دارند. برای برخی ادامه هزینه‌های روانی ودرونی برای این‌که اولویت واقعی خود را پنهان کنند، آن‌قدر زیاد است که تصمیم می‌گیرند عقیده واقعی خود را که مخالفت با رژیم است، در اوائل کمپین مقاومت بی‌خشونت ابراز کنند. همزمان با این کار بقیه کسانی نیزکه اولویت واقعی خود را به دروغ پنهان نگه می‌دارند، درمحاسبات خود تجدید نظر می‌کنند وتغییر جهت می‌دهند. زمانی که تماشاچیان مشاهده می‌کنند که مردم بیشتر وبیشتر ازرژیم جدا می‌شوند، آن‌ها نیز تصمیم به جدا شدن می‌گیرند، با جدایی بیشتر مردم از رژیم، منافع جدایی از رژیم ازمزایای اطاعت بیشترمی‌شود.

زمانی که من بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ رئیس هیئت‌مدیره موسسه خانه‌آزادی (Freedom House) بودم، یکی از همکاران من مارک پالمر بود. اورا می‌توان نمادی آمریکایی برای گسترش دموکراسی دانست. درکتاب معروف او شکستن محور واقعی شیطانی: چگونه آخرین دیکتاتور دنیا را تا سال ۲۰۲۵ پایین بیاوریم؟ همان ارزش‌هایی مورد نظرمارک پالمراست که من دراین کتاب درنظردارم. مارک در سال‌های تاریخی ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ سفیر آمریکا در مجارستان بود. او به من گفت در آن دوره پرتلاطم یک روز وزیرتبلیغات مجارستان که شغلش را درخطر می‌دید، از من پرسید که او در دوران پس از کمونیسم درمجارستان چه کاری می‌تواند داشته باشد. مارک بلافاصله در جوابش می‌گوید:"چطور، البته تو می‌توانی یک کمپانی درزمینه برقراری روابط راه بیندازی". مارک به من گفت این دقیقا همان کاری است که وزیرسابق تبلیغات بعدا انجام داد. سخنان مارک برای او آرامش‌بخش بود، ترس از سقوط در ورطه وتعاریف بد وخطرناک، ترس از محاکمه برای نقض حقوق بشر، به کلی از بین رفت وجایش را امید وخوشبینی نسبت به آینده گرفت. این گفت وگو به وزیر تبلیغات اجازه داد که ازتوسل به نقش ابزاری خود در حمایت از رهبری نامشروع کمونیستی دست بکشد.

---

۳۹ - یمور کوران، حقایق خصوصی، دروغ های عمومی (کمبریج، ماساچوست، کارشناسی ارشد: انتشارات دانشگاه هاروارد، ۱۹۹۵).

کوران نقطه ای را که هرشخص برای خود انتخاب می‌کند تا موضع گیری خود راعلیه رژیم افشاء کند" آستانه انقلابی‌گری" می‌داند. به‌نظراو، گرچه افراد مختلف آستانه‌های انقلابی‌گری متفاوتی دارند، اماجدایی آبشارمانند زمانی می‌تواند اتفاق بیفتد که آن‌ها که آستانه پایین‌تری دارند شروع به پیروی از کسانی کنند که آستانه بالاتری دارند. برخی ازافراد حاضر به جداشدن از رژیم هستند در صورتی که اعتقاد پیدا کنند که یک درصد از جمعیت تاکنون این کاررا انجام داده‌اند. زمانی که افرادی با "یک درصد" آستانه انقلابی گری به جنبش می‌پیوندند، مشارکت بالا رفته وبه دودرصد جمعیت می‌رسد. این پیوستن سبب می‌شود که افرادی که "دودرصد" آستانه انقلابی‌گری دارند به جنبش بپیوندند ومشارکت را به سه درصد جمعیت برسانند، این روند ادامه می‌یابد وافراد بیشتری به جنبش می‌پیوندند.

پاسخ به بعضی از سوالات چک لیست‌ها برای تسریع جدا شدن افراد از رژیم بسیار مهم است. سوالات شامل مشارکت غیرنظامیان (چک لیست، پرسش شماره ۵) انضباط بی‌خشونت (چک لیست پرسش شماره ۲) برنامه‌ریزی استراتژیک (چک لیست پرسش شماره ۳).

چنووت واستفان نشان می‌دهند که سطوح بالای مشارکت غیرنظامی به طورقابل توجهی احتمال ریزش نیروی امنیتی را افزایش می‌دهد. آن‌ها دریافتند که "برای کمپین‌های بی‌خشونت، احتمال ریزش نیروهای امنیتی به طور پیوسته با افزایش عضویت مردم درکمپین مقاومت رشد می‌کند وکمپین‌های بزرگ مقاومت مدنی ۶۰ درصد شانس دارند که در نیروهای امنیتی ریزش ایجاد کنند. این شانس برای کمپین‌های کوچک ۵۰ درصد است.[۴۰] هر چقدر مردم بیشتردر مقاومت مدنی مشارکت کنند، پیوندهای بیشتری با حامیان رژیم برقرارمی‌کنند، این پیوندها براساس خویشاوندی ویا وابستگی‌های شخصی ویا حرفه‌ای خواهد بود. ازاین ارتباطها می‌توان برای نفوذ وتحریک برای ریزش استفاده کرد.

جنبه دیگری از چک لیست که به ریزش کمک می‌کند، حفظ انضباط بی‌خشونت است. یک حامی خودکامه اگراز نظر فیزیکی احساس خطر کند، هیچگاه قصد خود را برای جدا شدن از رژیم نشان نخواهد داد. علاوه بر این چون انضباط بی‌خشونت با مشارکت بالای مردم در جنبش بستگی دارد، حفظ انضباط بی‌خشونت می‌تواند به طورغیرمستقیم به افزایش ریزش از رژیم کمک کند.

---

۴۰ - چنووت واستفان چرا مقاومت مدنی کار می کند؟

جدا شدن نیروهای امنیتی از رژیم در میانه شورش خشونت‌بار هم می‌تواند اتفاق بیفتد، اما بسیار کمتر. دلایل منطقی برای این مورد وجود دارد. شورش خشونت‌آمیز می‌تواند عملاً انسجام رژیم و حامیانش را افزایش دهد، برای این که احساس می‌کنند باید در مقابل دشمن مشترکی متحد باشند. احتمال اندکی وجود دارد که نیروهای امنیتی اعتقاد داشته باشند اگر طرف شورش خشونت‌آمیز را بگیرند، در مقابل انتقام‌گیری مصون خواهند بود.

هر استراتژی برای پیروزی جنبش‌های مقاومت مدنی لازم است که برنامه‌ریزی دقیقی همراه با جزئیات برای به حداکثر رساندن ریزش حامیان رژیم با استفاده از توالی آگاهانه تاکتیک‌ها داشته باشد. هر گروه بالقوه و اعضای آن باید هدف قرار بگیرند و باید چندین بار با آن‌ها تماس گرفته شود. این‌که بتوان با یک تعامل، دارنده تفکر دوگانه را به یک ناراضی فعال تبدیل کرد، انتظار واقع بینانه‌ای نیست. مواردی وجود دارد که افراد برای این تغییر آماده هستند، ولی نیاز به تشویق بیشتری دارند. ایده‌های بحث‌انگیز برای این‌که در خودآگاه افراد وارد شوند و به بلوغ برسند، نیاز به زمان دارد و معمولاً این چهار دوره را طی می‌کنند:

- جدایی از رژیم؟ ایده‌ای وحشتناک و برای من پر از خطر است.
- جدایی از رژیم؟ شنیده‌ام، احتمالا از جانب دیگران است.
- جدایی از رژیم؟ می‌دانستم، در تمام این مدت منطقی به نظر می‌رسید.
- جدایی از رژیم؟ از ابتدا ایده من بود.

برای درک این که چگونه ریزش به وجود می‌آید، اولین قدم یافتن حقیقت و ارزیابی است. برای آشنایی بیشتر با اعضای گروه بخصوصی که دموکراسی‌خواهان می‌خواهند در آن نفوذ کنند، فعالان باید خود را با تاکتیک‌ها و ارتباطات موثری که برای این منظور طراحی شده، مجهز کنند.
آگاهی درباره جزئیات گرایش افراد حیاتی است.

برای انجام کامل کار، باید طرحی برای تعامل با هرگروه و گروه زیرمجموعه و افرادی که پشتیبان خودکامه هستند، تهیه شده و سپس اولویت‌بندی شود که چه کسانی باید اهداف اولیه برای ریزش باشند. انعطاف در هدف گرفتن نیز کلیدی است، برای این‌که موفقیت و شکست یک تاکتیک ممکن است تعیین کند که با کدام یک از "دوبارفکرکنندگان" باید گفتگو کرد.
احتمالا هیچ چیزی در مبارزه بی‌خشونت به اندازه گسترش گفت وگو با گروهی از "دوبارفکرکنندگان" به پیروزی کمک نمی‌کند. تا زمانی که کمپین از شتاب مثبتی برخوردار باشد، آن‌ها می‌توانند موج توقف ناپذیری از ریزش نیروهای طرفدار رژیم را سبب شوند که خودکامه بعید است بتواند آن را جبران کند.

چک لیست پرسش شماره ۸

آیا پس از مبارزه، نظم سیاسی که برقرار می‌شود با ارزش‌های دمکراتیک سازگار خواهد بود؟

کمپین موفق علیه رژیم دیکتاتوری به احتمال زیاد به دموکراسی می‌انجامد مشروط براین‌که مقاومت مدنی آن را رهبری کند. ناراضیان می‌توانند از این مورد مطمئن باشند برای این‌که منابع مختلفی این داده‌ها را تایید کرده‌اند. یکی ازمطالعات مهم دراین زمینه را جاناتان پینکنی کرده است، او ۳۳۱ گذارازرژیم‌های غیردمکراتیک را بررسی کرده که ۷۸ مورد آن با کمپین‌های مقاومت مدنی بوده است.[۴۱]

او درباره کشورهایی که دوران گذارآن‌ها را جنبش مقاومت مدنی هدایت کرده است، چنین اظهارنظرمی‌کند: "این صرفاً یک داستان آمریکای لاتینی یا آفریقایی ویا اروپایی نیست، داستان پدیده‌ای جهانی است که عمیقاً تاثیرات دگرگون کننده‌ای داشته است.[۴۲]

پس از تحلیل‌های آماری، نتیجه‌گیری کلیدی وی این است که:

> تاثیرات مستقل مقاومت بی‌خشونت بردموکراسی اساسی است.... اگرمبارزه بی‌خشونت گذار را آغاز کند، احتمال این‌که پس از دوران گذارکشوردمکراتیک شود ویا یک دموکراسی حداقل درآن برقرارشود دوبرابراست.

شکل ۱۷: کشورهای با حداقل یک گذار ناشی از مقاومت مدنی (۱۹۴۵-۲۰۱۵)

منبع: جاناتان پینکنی، زمانی که مقاومت مدنی موفق می‌شود: ایجاد دموکراسی پس از قیام‌های بی‌خشونت مردمی (واشنگتن، دی سی:انتشارات مرکز بین‌المللی مبارزات بی‌خشونت ۲۰۱۸).

■ کشورهای دارای حداقل یک دوره گذار ناشی از مقاومت مدنی از سال ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۵

---

۴۱ - جاناتان پینکنی، زمانی که مقاومت مدنی موفق می‌شود: ایجاد دموکراسی پس از قیام‌های بی‌خشونت مردمی (واشنگتن، دی سی:انتشارات مرکز بین‌المللی مبارزات بی‌خشونت ۲۰۱۸)

۴۲ - پیکنی، زمانی که مقاومت مدنی موفق می‌شود، ۲۷.

بدون مقاومت مدنی احتمال این‌که کشور در پایان دوران گذار به آستانه دموکراسی برسد ۳۰ درصد است وبا مقاومت مدنی این احتمال به ۷۰ درصد می‌رسد.[۴۳]

یافته‌های پینکنی در مورد احتمال ۷۰ درصدی دموکراسی پس از یک کمپین موفقیت‌آمیز مقاومت‌مدنی تاثیرقیام بی‌خشونت براستقراردموکراسی را تایید می‌کند.

اگرچه باید به این حقیقت توجه کنیم که ۳۰ درصد از کمپین‌های موفق مقاومت مدنی به دموکراسی منتهی نمی‌شوند. این مسئله نشان می‌دهد که حتی اگرمقاومت مدنی پیروزشود، این خطر وجود دارد که کشوربه نظم دمکراتیک نرسد. چگونه فعالان دموکراسی‌خواه می‌توانند این خطرات را گوشزد کنند؟

درمراحل اولیه مبارزه بی‌خشونت اتحاد برای پایین آوردن دیکتاتورحول آرمان‌های مردم یک چالش است، ولی چالش مهم‌تر پس ازرفتن دیکتاتورورسیدن به توافق است که چگونه نهادهای دولتی مزایا را توزیع کنند. به عنوان مثال کشاورزان ممکن است وام‌هایی با بهره کمترویا یارانه برای فروش محصولات خود به قیمت مناسب بخواهند. مردم درمناطق شهرنشین ممکن است آب تصفیه شده ویا ایمنی عمومی بهتربخواهند. اتحادیه بخش‌های دولتی ممکن است بازنشستگی زودترودستمزد بیشتردردوران بازنشستگی مطالبه کنند. والدین شاغل ممکن است شغلی بهتروحداقل دستمزد بخواهند. دانشجویان ممکن است تقاضای بورس تحصیلی ونیز تضمین اشتغال پس از فارغ‌التحصیلی را داشته باشند.

سالمندان ممکن است تقاضای کاهش قیمت دارو ونیز هزینه های پزشکی عادلانه‌تری داشته باشند. لیست مطالبات ممکن است طولانی‌تر شود درحالی که هیچ کس نمی داند چگونه این نگرانی‌ها پس از این که مبارزه پایان یافت اولویت بندی خواهد شد.

مشغول شدن زودهنگام به جزئیات مسائل محلی انرژی کمپین را کاهش می‌دهد. دیکتاتور زیرک می‌تواند حتی ازکوچکترین اختلاف برسرمنافع دربین ناراضیان سوءاستفاده کند. هرچقدرناراضیان بیشتردرباره غنائم آینده جروبحث کنند، به همان میزان اعتماد کاهش می‌یابد. ازآن‌جایی که نیازروانی به اطمینان درموردآینده به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیرافزایش می‌یابد، برای رهبرانی که مشغول تضعیف دیکتاتور هستند، تحقق بخشیدن به این نیازمشکل‌ترمی‌شود. عدم اعتماد به رهبری جنبش برای این‌که بتواند گذارمنظمی رابرای بهبود وضع زندگی مردم ترتیب بدهد، سبب می‌شود که مردم درمقطعی پیشنهاد دیکتاتور را قبل ازگذارنامشخص به سوی دموکراسی برای زندگی قابل پیش‌بینی (حتی اگر اندکی) بپذیرند.

---

۴۳ - پینکنی، زمانی که مقاومت مدنی موفق می‌شود، ۳۸.



گاندی برای مذاکره پس از راهپیمایی موفقیت‌آمیز نمک برای استقلال هند، به بریتانیا می‌آید، ۱۹۳۱

علاوه برآن هرچقدرتنش بین فعالان دموکراسی‌خواه افزایش یابد، احتمال این‌که "دوبارفکرکنندگان" عقیده واقعی خود را افشاء کنند، کمترمی‌شود. ازطرف دیگراگرعموم مردم برنامه‌های جنبش را برای دوران پس ازمبارزه قبول کنند، احتمال زیاد دارد که گروهی از حامیان موجود رژیم اطمینان یافته وازآن جدا شوند.

در برخی شرایط لازم است که رهبران کمپین مقاومت مدنی رهبران سیاسی را پیشنهاد بدهند که بتوانند الهام‌بخش مردم برای پذیرفتن نظم دوران پس ازدیکتاتوری باشند. در دوران مبارزه ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی، ۳۰۰ گروه مدنی وابسته به کنگره آفریقای جنوبی درزندان بودند. درحقیقت آن‌ها که در زندان بودند ازکمپین مقاومت مدنی بهره بردند، اگر چه لزوماً با استراتژی که آن‌ها را آزاد کرد، موافق نبودند. نلسون ماندلا هرگز استفاده ازخشونت را برای پایان دادن به آپارتاید رد نکرد. علیرغم مقام والای نلسون ماندلا، رهبران جنبش ضد آپارتاید مقاومت مدنی را برگزیدند زیرا تجربه وناامیدی حاصل ازجنگ‌های ناموفق چریکی در دهه ۷۰ را داشتند. یکی از بهترین مثال‌های مبارزه بی‌خشونت در دهه ۸۰ بایکوت خرید مصرف کنندگان درپورت الیزابت به رهبری موکاسلی جک بود. این بایکوت موفقیت آمیز را می‌توان در فیلم مستند نیرویی قدرتمندتر دید.[۴۴]

---

۴۴ - ین مستند به چندین زبان در صفحه وب سایت زیرموجود است:
/https://www.nonviolent-conflict.org/force-powerful-english

درحالی که تمایل ماندلا برای استفاده ازخشونت به لحاظ استراتژیکی مناسب نبود، نمی‌توان

نقش حیاتی ونبوغ او را پس ازآزادی از زندان کمرنگ کرد. به لحاظ سیاسی بسیار موفق عمل کرد وانتقال قدرت به شیوه بی‌خشونت را آغازنمود. انتخابات آزاد برگزارکرد وخود او به عنوان اولین رئیس جمهورپس ازآپارتاید انتخاب شد.

یکی ازبرجسته‌ترین مخالفان رژیم فعلی ایران می‌گوید که میلیون‌ها نفراز شهروندان ایرانی که مخالف رژیم هستند دراین موارد باهم توافق دارند: دموکراسی، سکولاریسم، اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق مدنی برابر برای همه ایرانیان (صرف نظر از مذهب، جنسیت یا قومیت)، تعهد به کمپین مقاومت مدنی برای سرنگونی ملاها وپرهیز ازمبارزه مسلحانه. به نظراو درزمینه‌هایی نیزاختلاف وجود دارد ومردم درآینده وپس از تغییرنظام باصندوق رای آزاد تکلیف آن‌ها را معلوم خواهند کرد. ازجمله اختلافات این است که سمبل کشوردرنظام دمکراتیک آینده ایران یک شاه باشد یا یک رئیس‌جمهورمنتخب ومورد دیگراختلاف چگونگی توزیع قدرت درمناطق مختلف است. هردومورد به آینده وتصمیم مردم احاله شده است.

به نظرناراضی ونویسنده معروف بیل موير، جنبش‌ها باید دوپیروزی داشته باشند: اول باید آن‌چه در مقابل آن ایستاده‌اند را شکست دهند ودوم باید آن چیزی که برایش ایستاده‌اند رابه دست بیاورند. فرمولی وجود ندارد که این دوپیروزی را به هم پیوند بدهد.

تاکتیک‌های بی‌خشونت باید حتی‌الامکان طوری طراحی شود که همکاری بین کسانی که بالقوه دردوران پس ازدیکتاتوری ازنظرمنافع شخصی یاگروهی می‌توانند رقیب یکدیگر باشند، تقویت شود. اعتماد زمانی به دست می‌آید که مردم با اولویت‌های متفاوت شانه به شانه هم پذیرای خطرات دردوران مبارزه بی‌خشونت باشند.

در سال ۲۰۰۵ من مطالعه مشترکی داشتم تحت عنوان، چگونه آزادی برنده می‌شود: از مبارزه مدنی تا دموکراسی پایدار. دراین مطالعه ۶۷ گذار در ۳۳ سال گذشته مرورشد وبه نتایج زیر رسیدیم:

> از نظر داخلی ائتلاف‌های گسترده مدنی محیطی برای مصالحه، زمینه‌های مشترک وانضباط فردی است. گروه‌های جدا ازهم یاد می‌گیرند چگونه ضمن آن‌که عقاید سیاسی مختلف دارند، با هم کار کنند. آن‌ها مبنایی برای تساهل در زمینه دادن وگرفتن می‌آفرینند که عنصر حیاتی دموکراسی است. همزمان جنبش‌های مدنی توده‌ای مدرسه مهمی برای آماده سازی رهبران مدنی آینده، سیاستمداران، صاحب نظران ومدیران دولتی برای دوران پس از گذار می‌باشد.

شکل ۱۸: هرچه ائتلاف مدنی بی‌خشونت قدرتمندترباشد، دستاوردهای بیشتری برای آزادی دارد

منبع: کاراتنیکی واکرمن، چگونه آزادی برنده می‌شود، ۱۸

"آزادی درجهان" و"درجه میانگین ترکیبی(FIW&CAR) شماره‌ها براساس درجه‌بندی یک تاهفت داده شده‌اند. یک بالاترین و ۷ پایین‌ترین درجه آزادی را نشان می‌دهند.

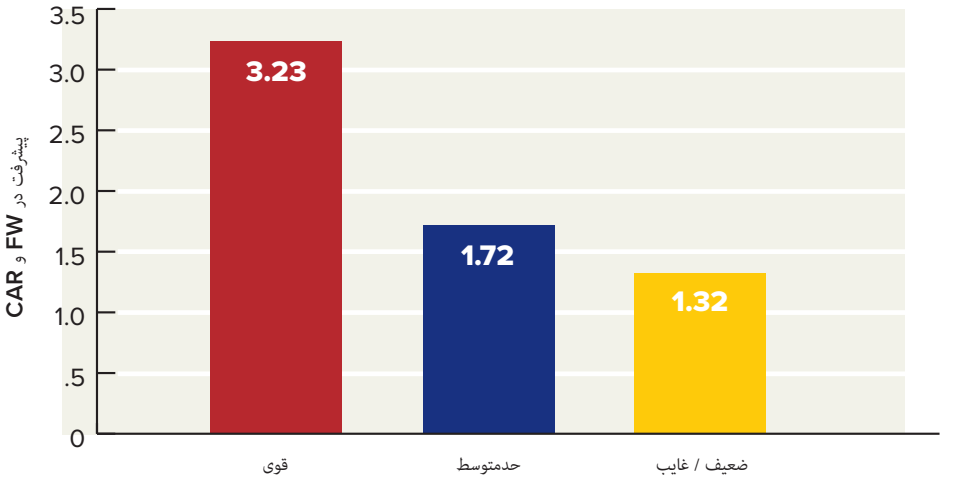

این جنبش‌ها مکانیزمی برای ظهور رهبران جدید هستند که اغلب آن‌ها سرشاراز استعداد بوده ومی‌توانند گذار را حفظ کرده وآن را به سوی آزادی رهنمون شوند. خلاصه اینکه ائتلاف‌های گسترده مبتنی بردموکراسی می‌توانند رهبران وفعالانی با اصول ومجرب پرورش دهند که در اداره دمکراتیک کشور موفق باشند.[۴۵]

شکل ۱۸، ۶۷ گذار را در سه دسته براساس قوت ائتلاف مدنی طبقه بندی می‌کند: قوی، متوسط، ضعیف/غایب. این مطالعه دستاوردهای سیاسی وآزادی‌های مدنی را با استفاده از "رده بندی میانگین ترکیبی" امتیازات درفهرست جهانی فریدم هاوس تحلیل می‌کند.[۴۶]

رده بندی میانگین ترکیبی برای هرکشوری مرتباً هرسال اعمال شده است ومی‌تواند به نحو منحصر به فردی روند وضعیت دموکراسی‌ها را درجهان نشان دهد.

---

۴۵ - آدریان کاراتنیکی وپیترآکرمن، چگونه آزادی برنده می‌شود: ازمبارزه مدنی تا دموکراسی پایدار دموکراسی (واشنگتن، دی سی:فریدم هاوس، ۲۰۰۵) ۱۲.

۴۶ - هرساله از سال ۱۹۷۲، فریدم هاوس هر کشور را از ۱ (آزادترین) تا ۷ (کمترین آزادی) رتبه بندی می‌کند. رتبه بندی را با دوماتریس - حقوق سیاسی وآزادی‌های مدنی، طبق تعریف اعلامیه جهانی حقوق بشرانجام می‌دهد. میانگین این دو شماره میانگین رده بندی ترکیبی است. به عنوان مثال از آغاز کارتا کنون کره شمالی هرگزدرهردوبخش از رده بندی ۷ بهترنشده است.

شکل ۱۹: میانگین سطوح دموکراسی‌ها در پیروزی‌های مختلف جنبش‌ها

منبع: جاناتان پینکنی، چگونه به خوبی پیروز شویم: پیروزی‌های مقاومت مدنی وراهی به دموکراسی (واشنگتن، دی سی: انتشارات آی سی ان سی ۲۰۲۱) ۱۲

خط عمودی نشان دهنده سال پیروزی است. میزان دموکراسی با استفاده از امتیاز حکومت جمعی در پروژه‌های مختلف دموکراسی محاسبه شده است که دامنه آن بین صفر، (مطلقا دموکراسی وجود ندارد) یک، (دموکراسی کامل) است.

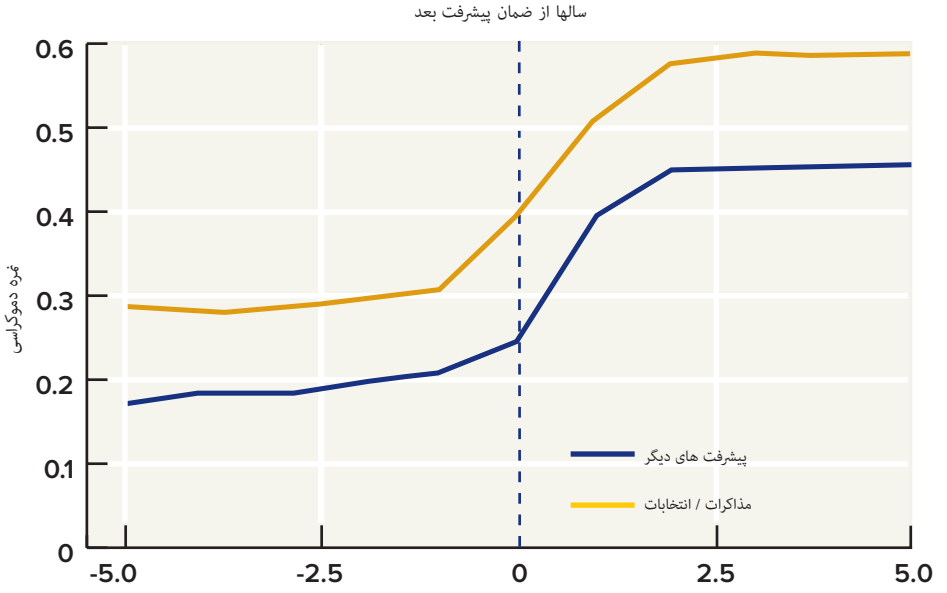

درمورد وضعیت دموکراسی به عنوان مثال فرض کنید که میانگین امتیاز یک کشور آزاد ۲ ومیانگین امتیاز یک کشور غیرآزاد ۶ است. تفاوت بین آزاد وغیر آزاد ۴ است.

امتیاز فریدم هاوس برای کشورهایی با ائتلاف قوی ۲۳/۳ بیشتر از پایان مبارزه بی‌خشونت در برابر شروع آن است واین نشان دهنده جهش بزرگ در وضعیت دموکراسی است- یعنی تقریباً حرکت کامل ازغیرآزاد به آزاد. امتیاز برای کشورهایی با ائتلاف ضعیف تنها ۳۲/۱ است. هرچقدر ائتلاف در دوران مبارزه بی‌خشونت قوی‌ترباشد، کشور دردوران پس از گذاردمکراتیک‌ترخواهد بود. امروز اگر هرکشور غیرآزاد جهش۲۳/۳ را در رده بندی تجربه کند، خطرناک ترین تهدیدات برای نظم وصلح جهانی ازبین می‌رود.

همزمان با آن که مشروعیت خودکامه از بین می‌رود، گفت وگو میان فعالان دموکراسی‌خواه وشهروندانی که آن‌ها را نمایندگی می‌کنند، درباره شکل دموکراسی آینده از نظر تناوب وویژگی باید افزایش یابد. زمانی که تصورعموم براین است که احتمال پیروزی افزایش یافته است، معنای آن این است که کمپین مقاومت باید بتواند تساهل بیشتری دربرابراختلاف نظرها داشته باشد.

مهارت مهم رهبری کمپین بی‌خشونت در این است که چگونه تنش‌هایی را که در دوران گذار به نظم جدید دمکراتیک خود را نشان می‌دهند مدیریت و زمان‌بندی کند.

عامل نهایی خطرناکی که ممکن است نتیجه به دست آمده از جنبش دمکراتیک را از خط خارج کند، این است که خودکامگان و یارانشان شکست را نپذیرند. چشم‌انداز شورش دوباره خودکامگان که ممکن است شکاف‌های جدیدی را در بین مردم و ناراضیان ایجاد کند، چه خواهد بود؟

برای جلوگیری از این گونه برگشت‌ها در آخرین مراحل، نیاز به اقداماتی است که پایان مبارزه را نشان دهد. پینکنی شش رویداد پیشرفته را برای این که مقاومت بی‌خشونت را قادر سازد تا از خیابان‌ها به کریدورهای قدرت بروند، شناسایی کرده است.... که نتیجه آن تغییر بسیار مهمی در رژیم حاکم خواهد بود.[۴۷] وآن‌ها از این قرارند:

- مذاکره در سطح ملی بین اپوزیسیون و رژیم غیردمکراتیک
- انتخابات ملی رقابتی
- استعفای رهبر رژیم غیردمکراتیک
- دخالت‌های خارجی
- کودتا (خشونت‌آمیز یا مسالمت‌آمیز)
- درهم شکستن رژیم غیردمکراتیک[۴۸]

شکل شماره ۱۹ دو رویداد را نشان می‌دهد که بهترین دورنما را برای اداره دمکراتیک کشور در دراز مدت رقم خواهند زد: "مذاکره در سطح ملی و انتخابات ملی"۵۱

فعالان دموکراسی‌خواه باید انتظار داشته باشند که جامعه بین‌المللی به کمک برای برگزاری انتخابات آزاد و مذاکره برای صلح ادامه خواهند داد.[۴۹]

---

۴۷ - جاناتان پینکنی، چگونه خوب پیروز شویم: پیشرفت‌های مقاومت مدنی و راهی به سوی دموکراسی (واشنگتن، دی سی: انتشارات آی سی ان سی ۲۰۲۱)۵.

۴۸ - این معادل مکانیسم شارپ در هنگام فروپاشی استبداد است.

۴۹ - برای بحث بیشتر درمورد نقش جامعه بین‌المللی، لطفاً مراجعه کنید به: اعلامیه اصول جهانی توسط شبکه جهانی ناظران محلی انتخابات که دارای ۲۵۱ سازمان عضو در ۸۹ کشور و منطقه است
مقاله اخیر "میانجیگری درجنبش‌های توده‌ای" نوشته ماریا استفان، که ارزش مذاکره کنندگان خارجی در میانجیگری در پایان یک کمپین بی خشونت را مورد بحث قرار می‌دهد.
.Mediating-Mass-Movements.pdf/۰۹/۲۰۲۰/www.hcentre.org/wp-content/uploads

امکان دارد یک میلیون نفر که در کشورهایی با بدترین رژیم‌های دیکتاتوری زندگی می‌کنند به میزان قابل توجهی به توانایی‌های مقاومت مدنی آگاهی یابند. ممکن است این عدد درمقایسه با میلیاردها نفری که در دنیا زندگی می‌کنند کم به نظر برسد. اما این تعداد برای اقتدارگرایان ترسناک است، به خصوص برای این‌که این تعداد می‌تواند به سرعت افزایش یابد.

۵

فصل ۵

چگونه ناراضیان اعتماد به نفس خود را افزایش دهند:

تمرین چک لیست برای آزادی

پرسش‌های چک لیستی که در فصل‌های قبل توضیح داده شد، اگر به درستی مورد استفاده قرارگیرند، می‌توانند به یک ابزار آموزشی فوق‌العاده برای ناراضیان تبدیل شوند. پرسش‌ها قدم منطقی بعدی را برای فارغ‌التحصیلان کارگاه‌های مقاومت مدنی میسر می‌کنند و آن‌ها را قادر می‌سازد در حالی که در کشور خود زندگی می کنند، افزایش مهارت‌ها را در بین فعالان دموکراسی‌خواه مشاهده کنند. آیا چک لیست برای ناراضیانی که هرگز در کارگاه‌ها نبوده‌اند نیز می‌تواند قابل استفاده باشد؟ جواب آن مثبت است. افزایش فعالان دموکراسی‌خواه می‌تواند پیامدهای مهمی برای چشم‌انداز دموکراسی در دنیا داشته باشد.

برنامه‌های درسی کارگاه‌های کنونی مقاومت مدنی موثرترین مجمع را برای افراد شرکت کننده فراهم می کند تا بینشی عمومی درباره مبارزه بی‌خشونت به دست آورند. هشت سوال چک لیست، پتانسیل ایجاد روشن‌بینی و اجماع را درگروه برای یافتن بهترین راه به سوی پیروزی در مراحل مختلف کمپین مقاومت مدنی بالا می‌برد. مهمتر از همه این‌که فعالان دموکراسی‌خواه در هرکجا می‌توانند بدون تکیه بر به اصطلاح کارشناسان خارج ازکشور، راه خود را پیدا کنند.

در فاصله بین اتمام دوره دکترا و انتشار اولین کتاب، من پانزده سال در وال استریت کار کردم. بیشتر اوقات مسئول بازارهای سرمایه در بانک‌های سرمایه گذار بزرگ بودم. شغل بسیار جذابی بود که طی آن با بسیاری از مدیران با استعداد در زمینه‌های مختلف صنعتی از جمله تولید، خدمات، تکنولوژی، صنایع غذایی، درمانی و رسانه‌ها آشنا شدم. متوجه شدم که همه آن‌ها مشکل مشترکی دارند بدین معنی که چگونه می‌توانند بهترین فرد را برای استخدام در بخش‌های مختلف مانند توسعه محصولات، بازاریابی، مالی، منابع انسانی وقانونی پیدا کنند و آن‌ها را ترغیب کنند که به حل مشکلات یکدیگر متعهد باشند.

یک رویکرد رایج این بود که نشستی دوستانه برای یک تا دو روز داشته باشیم. این نشست‌ها معمولا شامل سه گام بود. گام اول آگاهی یافتن از نیازها ومحدودیت‌های یکدیگروگام بعدی یافتن بهترین زمینه‌ها برای ایجاد خط مشی مشترک همکاری بود. گام نهایی تعهد به یکدیگر برای انجام وظایف خاصی بود که منجر به یافتن راه حل‌های هماهنگ شده برای پیشبرد اهداف شرکت شود.

در شرکت ما تمرین مشابهی انجام شد، مدیر عامل ما مسئولان کلیدی امور مالی ومدیران بخش زودبازده را موظف کرد که ۳۶ ساعت جلسه بگذارند. هدف آن کشف راه‌های جدیدی برای افزایش درآمد سرمایه گذاری بانک در سریع ترین زمان ممکن بود. اول نوعی بی‌میلی وجود داشت وتصورمی‌شد که این کاراتلاف وقتی است. باید به جای تمرکز برایده‌های غیرعملی برمعاملات خاصی تمرکز کنیم که نیاز به توجه فوری دارد. با این حال پس از پایان ۳۶ ساعت همه کسانی که در جلسه حضور داشتند به ارزش تجربه مشترک پی بردند. دریک دوره ده ساله شرکت ما از مقام سی وششم درسرمایه گذاری بانکی به مقام اول ارتقاء یافت.

چک لیست تمرین برای آزادی به گونه‌ای طراحی شده که تجربه جلسه ۳۶ ساعته من به عنوان یک سرمایه گذاررا منعکس کند. انتظار دارم ناراضیان بدون این‌که متکی به تخصص‌های خارجی باشند با یکدیگردرزمان کوتاه مشابهی همکاری کنند وراه هایی را پیدا کنند که به گونه‌ای فوق‌العاده مواضع مقابله خودعلیه دشمنان خودکامه را بهبود بخشند. ایجاد اعتماد تیمی، برتری رقابتی شکست ناپذیری را سبب خواهد شد. زمانی که یک میلیون نفرفعال دموکراسی‌خواه این تمرین را تکمیل کنند، خودکامگان جهان باید مراقب خود باشند.

این نکته اغلب در این کتاب ذکر شده است که بزرگترین دارایی خودکامه سرگردانی جمعیت است. آن‌چه در ادامه می‌آید یک پادزهر است: چک لیست تمرین آزادی.

تمرین چک لیست دارای پنج مرحله است:

- سازماندهی
- معرفی
- ارزیابی
- نوآوری
- تعهد

■ فازسازماندهی

این فازشامل فعالیت‌های آماده سازی است. ازجمله انتخاب یک مجری(وشاید دستیار) برای جذب مشارکت کنندگان ونیز یافتن مکان مناسبی برای ملاقات.

وظیفه این مجری ویا دستیاراین است که ایده‌های هرکدام ازمشارکت‌کنندگان کاملاً ودقیقاً شنیده شود. درک عمیق دستیار از مقاومت مدنی بسیار مفید است، ولی اجباری نیست.

واضح است که انتخاب مجری می‌تواند ازمیان کسانی باشد که درگذشته با مقاومت مدنی آشنایی داشته اند، ولی لزوماً هرناراضی دستیار ویا مجری خوبی نیست.

مجری مسئول جذب بیست نفر برای مشارکت در جلسه ۳۶ ساعته است. اگر مشارکت کنندگان نماینده طبقات مختلف با منافع متفاوت باشند، کمال مطلوب خواهد بود. هرچقدر اختلاف‌های اولیه بیشترباشد، بهتر است. چرا؟ برای اینکه اصطکاک‌های اولیه می‌تواند تکامل یافته ونهایتاً به درکی متقابل واعتماد تبدیل شود. برخوردهای دوران تبدیل دربین مشارکت‌کنندگان سبب می شود که تمرین چک لیست موثرتر شود.

مجری باید قبل از زمان تشکیل جلسه با مشارکت کنندگان صحبت کند تا از پیشینه و دیدگاه‌های آنان آگاه شده واعتماد سازی کند. بسیارمهم است که مشخص شود هرکدام از شرکت کنندگان، پنج پیام فصل ۲(نمودار ۴) را به دقت بررسی کرده و به سودمندی آن پی برده باشند. یکی از نقش‌های مهم مجری این است که نگذارد اختلافات به تمرینات صدمه بزند. شناخته انگیزه هرکدام از شرکت کنندگان اهمیتی حیاتی دارد، برای اینکه بتوان به نحوسازنده‌ای تنش‌ها را آشکار کرده وبعدا به حل آن‌ها کمک کرد.

وظیفه بعدی مجری تهیه کردن مکانی برای جلسات است. این امر ممکن است به بودجه نیاز داشته باشد، مهمتر ازهمه، افراد غیرعضو نباید امکان ورود به این مکان را داشته باشند. این مکان باید به اندازه کافی جادار باشد تا همه افراد را در خود جای دهد ونیزباید به گونه‌ای باشد که هرکس بتواند به طورخصوصی درمورد مسائل مطرح شده فکر کند. در طول جلسه ۳۶ ساعته، مشارکت کنندگان باید تسهیلات و خدمات ضروری را در اختیار داشته باشند تا بتوانند صرفاً بر موضوع جلسه تمرکزکنند.

مجری باید سه پایه، کاغذ وماژیک برای نوشتن آنچه گفته شده را تهیه کند.هر ورق کاغذی که پر شد باید به دیوارچسبانده شود تا مشارکت کنندگان بتوانند ایده‌های یکدیگر را پیگیری کنند. سرانجام مجری باید مطمئن باشد که هرکدام از مشارکت‌کنندگان به اندازه کافی کاغذ وقلم دراختیاردارند تا بتوانند وظایف شان را انجام دهند.

■ فاز معرفی

هدف ازمرحله مقدماتی این است که شرکت کنندگان در مورد اینکه چه کسی دراتاق است وچرا واجد شرایط است، احساس راحتی کنند. همچنین باید اطمینان داشت که هر کدام از شرکت کنندگان مفاهیم کلیدی مقاومت مدنی را فهمیده باشد. مشارکت کنندگان باید حداقل این کتاب را خوانده باشند و۵ ایده ای را که ناراضیان باید بدانند ودر فصل ۲ آمده، کاملاً استنباط کرده باشند.

اگر مشارکت‌کنندگان درباره معنای هرکدام از پرسش‌های چک لیست روشن نباشند، این تمرین به اوج کارآیی خود نخواهد رسید. برای رسیدن به شفافیت دراین فاز، باید از مشارکت کنندگان خواسته شود که اگرشکی دارند که چک لیست روشن، جامع ویا واقعی نیست، اعلام کنند. اگرازمشارکت کنندگان دعوت شود که انتقادات خود را مطرح کنند، عملاً به درک بهتر ازمعنا وهدف هریک ازپرسش‌های چک لیست کمک می‌کنند.

گفتگو با مشارکت‌کنندگان به مجری اجازه می‌دهد که به سوالات درباره اصطلاحات پاسخ دهد(مثلاً برای آن‌ها توضیح دهد که چرا مقاومت مدنی با بی‌خشونت تفاوت دارد) سوالاتی که می‌توانند تبدیل به موارد گیج کننده‌ای درفازهای ارزیابی، نوآوری وتعهد باشند.

نهایتاً مجری باید آنچه ازمشارکت کنندگان درفازهای ارزیابی، نوآوری وتعهد انتظار می‌رود برایشان تشریح کند.

■ فاز ارزیابی

دراین فاز مجری باید ازهر شرکت کننده بخواهد درنقطه‌ای خلوت چک لیست را ازدودیدگاه به ترتیب زیرتحلیل کنند:

- اول، هرکدام از پرسش‌ها را بین ۱ تا ۱۰ امتیاز بدهد، بله قوی نمره ۱۰ ونه قوی نمره۱
- بعد، نمره دادن به پرسش‌های شماره یک تا چهار(ایجاد توانمندی) به ترتیب اهمیت "۱" بیشترین اهمیت و"۴" کمترین اهمیت.
- نهایی، رتبه پرسش‌های چک لیست از ۵ تا ۸(هدایت مبارزه) به ترتیب اهمیت "۱" بیشترین اهمیت و"۴" کمترین اهمیت.

چک لیست
تمرین برای آزادی

ایجاد توانمندی(پرسش‌های ۱ تا ۴)

رتبه اهمیت ۱ تا ۴

☐ آیا کمپین مقاومت مدنی مردم را حول آرمان‌ها، رهبران واستراتژی واحد برای پیروزی متحد می‌کند؟

نه ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ بله

☐ آیا کمپین مقاومت مدنی ضمن حفظ انضباط بی‌خشونت، گزینه‌های تاکتیکی متنوع را به کارمی‌گیرد؟

نه ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ بله

☐ آیا کمپین مقاومت مدنی برای ایجاد حداکثراختلال با حداقل خطر، تاکتیک‌های خود را تنظیم می‌کند؟

نه ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ بله

☐ آیا کمپین مقاومت مدنی به دنبال یافتن راه‌هایی برای جلب ارزشمندتر حمایت بیرونی است؟

نه ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ بله

هدایت مبارزه (پرسش‌های ۵ تا ۸)

رتبه اهمیت ۱ تا ۴

☐ آیا تعداد وتنوع شهروندانی که با خودکامگی رویارویی دارند احتمالاً افزایش پیدا می‌کند؟

نه ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ بله

☐ آیا اعتقاد خودکامه به اثربخشی سرکوب خشونت‌بار کاهش می‌یابد؟

نه ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ بله

☐ آیا احتمال ریزش حامیان کلیدی خودکامه افزایش می‌یابد؟

نه ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ بله

☐ آیا پس از مبارزه، نظم سیاسی که برقرارمی‌شود با ارزش‌های دمکراتیک سازگارخواهد بود؟

نه ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ بله

نباید تصور کرد که پرسش‌هایی ازچک لیست که نمره‌هایی شدیدا منفی می‌گیرند، مهم‌ترین پرسش‌هایی هستند که گروه باید به آن بپردازد. در این جاست که نمره دهی ۱ تا ۴ از نظر اهمیت درتمرین چک لیست، می‌تواند بیشترین ربط را پیدا کند. پرسش‌های این چک لیست با این فرض تهیه شده که اهمیت یکسانی دارند، اما تنها مبارزین هرمنطقه می‌توانند با توجه به شرایط خود به پرسش‌ها ازنظراهمیت، اولویت مناسب را بدهند.

تحلیل‌های انفرادی باید در۴۵ دقیقه تمام شود وپس ازآن مجری جلسه را برای همه گروه دوباره تشکیل دهد. در این جلسه باید هرکدام ازشرکت کنندگان رتبه بندی ودلایل خود را بیان کنند ومجری باید آن‌ها را روی تابلو بنویسد. فرض کنید ۲۰ مشارکت کننده، هر کدام ۵ دقیقه دلایل خود را بگویند، بنابراین مجموعه امتیازهای داده شده را می‌توان در ۱۰۰ دقیقه جمع آوری کرد. فازارزیابی می‌تواند در کمتر از ۳ ساعت تکمیل شود.

بسیارمهم است که افرادشرکت کننده درهرفاز نظرات خود را به روشنی واختصار بیان کنند. نباید هیچ شرکت کننده‌ای مانند موشک‌هایی که گرما را تعقیب می کنند ایده‌های دیگران را تعقیب کرده وبه آن‌ها شلیک کند. هدف فازهای ارزیابی ونوآوری این است که بهترین ایده‌های هرمشارکت کننده با توجه به تجربیات منحصر به فرد آن‌ها گزینش شود. انطباق ایده‌ها را زمانی می‌شود تایید کرد که اجباردرکار نبوده وخودجوش باشد.

■ فاز نوآوری

فاز نوآوری بر پرسش‌های چک لیستی که شرکت کنندگان آن‌ها را مهم‌ترین می دانند، تمرکزدارد وباید یک به یک آن‌ها را توضیح دهند. با تمرکز برپرسش واحدی ازچک لیست که گروه آن را انتخاب کرده تا درباره آن توضیح دهد، مجری باید از هر کدام است ازشرکت‌کنندگان بخواهد که در ۴۵ دقیقه ۵ ایده خود را که چگونه می‌توان شرایط را درصحنه بهبود بخشید وامتیاز را از یک به ده رساند، لیست کنند. مجری باید دوباره جلسه را تشکیل دهد وهرکدام ازشرکت کنندگان ۵ ایده برتر خود را توضیح دهند وپس ازآن مجری درچند کلمه ۵ ایده آن‌ها را روی تابلو بنویسد. با ۲۰ مشارکت کننده مجموع ایده‌های مختلف به صد خواهد رسید. (اگرایده‌ها با هم همپوشانی داشته باشند، مجری آن‌ها را درهم ادغام کرده وبه یک ایده تبدیل می‌کند). اگر جایی برای نوشتن نبود مجری می تواند کاغذ را جدا کرده و بر روی دیوار بچسباند تا همه بتوانند آن را دیده وبه آن استناد کنند.پس ازآن مجری باید ازهرکدام از شرکت‌کنندگان بخواهد که به تنهایی ۱۵ دقیقه تمام ایده‌ها را بررسی کرده و ۵ ایده را به عنوان بهترین انتخاب کنند(ایده‌های خودش دربین این ۵ایده نباشد.)

زمانی که جلسه مجدداً تشکیل شد، مجری باید علامتی در کنارهر کدام از۵ ایده انتخاب شده توسط هرمشارکت کننده (بجزایده‌های خودش) بگذارد وصد ایده علامت گذاری شده مشخص می‌شوند. سپس مجری می‌تواند ۱۰ ایده را با بیشترین علامت بر روی تابلو بنویسد. فاز نوآوری در کمتر از ۳ ساعت تکمیل می‌شود.

■ فاز تعهد

در این مرحله بده - بستان فوق‌العاده‌ای از سوی مشارکت‌کنندگان برای ایده‌ها وجود خواهد داشت. شرکت کنندگانی که در جلسات حاضروشاهد ارزیابی نقطه نظرهای مختلف همکاران خود بوده‌اند، مسئولیت‌هایی درباره این‌که چگونه می‌توانند دشمنان خود را شکست دهند براساس ایده‌ها برعهده می‌گیرند. فاز تعهد درمقایسه با سایرفازها، کمتر ساختاری وبیشترذهنی است. فازهای قبلی باید به گروه این احساس را بدهد که برای پیروزی برخودکامه به چه چیزهایی نیازدارند. درفازتعهد به این سوال باید پاسخ داد: چه کسی در بین ما باید مسئولیت بپذیرد وقدم‌های مشخصی را برای پیروزی بردارد؟

پاسخ‌ها به این پرسش هدف چک لیست تمرین برای آزادی را تعریف می‌کند. اگرچه پاسخ درست ویا پاسخ غلط وجود ندارد. تنها پاسخ‌های معتبر پاسخ‌هایی هستند که براساس نظرات شرکت کنندگان درهرمنطقه جواب داده شده وعلیه پاسخ‌های نامعتبرکسانی است که خارج از مبارزه بوده وازخطرسرکوب خودکامه مصون هستند.

جدا کردن معتبرازنامعتبر مستلزم آن است که مجریان درکارخود انضباط داشته باشند. آن‌ها باید ازپیشنهاد دادن تاکتیک‌ها یا نظرات استراتژیک خودخودداری کنند ودرعوض استفاده ازایده‌هایی که مشارکت‌کنندگان به عنوان بهترین انتخاب کرده‌اند را تشویق کنند. اگرایده‌ای محترم شمرده شود وخود مشارکت کنندگان آن را اولویت بدهند، نتیجه آن اعتماد بیشتری برای کنش خواهد داشت.

فاز تعهد موفق در ۲۴ ساعت اول بنیانش گذاشته می‌شود. نیم ساعت استراحت و صرف غذا به مشارکت کنندگان فرصت می‌دهد تا درباره پرسش‌ها، توافق‌ها واختلاف نظرها ونیز ایده‌های مختلف درباره قدم‌های بعدی برای کمپین‌های مقاومت مدنی گفتگو کنند. فاز تعهد اجازه می‌دهد که انرژی وشوق ذخیره شده بر اساس ایده‌هایی که تاکنون آزمایش شده، خود را نشان دهند. فاز تعهد به عنصری انفرادی نیاز ندارد، بحث دراین فازگروهی است وممکن است برای اولین بارشامل انتقادات ومناظره‌های تندی باشد. فاز تعهد زمانی پایان می‌یابد که مشارکت کنندگان قانع شوند که به اندازه کافی کار برای انجام دارند تا شتاب مبارزه را درجهت مورد نظر خود حرکت دهند.

جدول ۱۶: برنامه ۳۶ ساعته تمرین چک لیست	
روز ۱	
۷ صبح تا ۸ صبح	صبحانه
۸ صبح تا ۱۰	مرحله معرفی
۱۰ صبح تا ۱۰:۳۰	وقفه
۱۰:۳۰ صبح تا ۱۳	مرحله ارزیابی
۱بعد ازظهر تا ۲ بعد ازظهر	ناهار
۲ تا ۴:۳۰ بعد ازظهر	مرحله معرفی
۴:۳۰ بعد ازظهر تا ۵ بعد ازظهر	وقفه
۵ بعد ازظهر تا ۵:۴۵ بعد ازظهر	فاز نوآوری، پرسش کلیدی چک لیست برای ایجاد قابلیت‌ها (۴۵ دقیقه انفرادی، ۱:۴۵ دقیقه گروهی)
۶:۱۵ بعد ازظهر تا ۱۹:۱۵	شام
۷:۱۵ بعد ازظهر تا ۹ بعد از ظهر	فاز تعهد برای سؤال کلیدی چک لیست در مورد ایجاد قابلیت ها (جلسه ۲)
روز ۲	
۷ صبح تا ۸ صبح	صبحانه
۸ صبح تا ۱۰:۳۰ صبح	فاز نوآوری برای سؤال کلیدی چک لیست درباره رصد مبارزه (۴۵ دقیقه انفرادی، ۱:۴۵ دقیقه گروهی)
۱۰:۳۰ صبح تا ۱۱ صبح	وقفه
۱۱ صبح تا ۱۲:۳۰بعد از ظهر	فازتعهد برای سؤال کلیدی چک لیست درباره رصد مبارزه (جلسه
۱۲:۳۰ الی ۱۳:۳۰	ناهار
۱:۳۰ بعد از ظهر تا ۳بعد از ظهر	مرحله تعهد برای سؤال کلیدی چک لیست درباره رصد مبارزه
۳ بعد از ظهر تا ۷ بعد از ظهر	زمان آزاد می گیرد تصمیم بگیرد تو (به عنوان مثال، گروه ممکن است تصمیم بگیرد در زمینه نوآوری وتعهد و یا بقیه سوالات چک لیست کار کند)

معیارموفقیت این خواهد بود که آیا مشارکت کنندگان تصمیم می‌گیرند جلسه را دوباره پس ازچند ماه برای تمرین چک لیست برگزارکنند وپیشرفت خود را بررسی کنند. این تصمیم نشان می‌دهد که آن‌ها نسبت به قدرت نفوذ فوق‌العاده خود درروند مبارزه آگاهی یافته‌اند.

این تصمیم همچنین عزم آن‌ها را برای تعهد مجدد به آن‌چه که باید انجام گیرد تا امکان پیروزی را به حداکثر برساند، نشان می‌دهد. تمرین چک لیست راهی برای تایید همزمان پیشرفت وواکنش به تغییرواقعیت‌ها برای مبارزه بی‌خشونت است. تجربه قدرت فازهای ارزیابی، نوآوری وتعهد، آن‌ها را مطمئن می‌کند که اگر باردیگراین جلسات را تکرارکنند بازهم نتیجه خواهند گرفت. آن‌ها ممکن است حتی مجری خود را انتخاب کنند که دال براین است که می‌خواهند گروه خود را به تنهایی تشکیل دهند. امکان دارد کسانی را که ازطریق چک لیست تمرین آزادی با مقاومت مدنی آشنا می‌شوند به تعداد زیادی افزایش داد. تصورکنید تعداد شرکت کنندگان درکارگاه‌های آنلاین[۵۰] وآفلاین به ۲۵۰۰ نفر درسال برسد وهرکدام ازآن‌ها یاد بگیرند که تمرین ۳۶ ساعته چک لیست برای آزادی را اجرا کنند. اگرآن‌ها تعهد کنند که هر سال ۵ سمینار را سازمان داده ودر هر سمینار ۲۰ نفردرکشورشان شرکت کنند، امکان دارد که در طی چهار سال تعداد آن‌ها به یک میلیون نفر برسد که در کشورهایی با سرکوبگرترین رژیم‌ها زندگی می‌کنند. این افراد به نحو چشمگیری از پتانسیل‌های مقاومت مدنی آگاهی پیدا می‌کنند وممکن است این عدد در مقایسه با میلیاردها نفری که در دنیا زندگی می‌کنند کم به نظر برسد، اما این تعداد برای اقتدارگرایان ترسناک است، به خصوص برای این‌که این تعداد می‌تواند طی زمان به سرعت افزایش یابد.

تمرینات چک لیست راهی برای تایید همزمان پیشرفت و واکنش به تغییر واقعیت‌ها در مبارزه بی‌خشونت است.

مقوله گذر زمان از مهم‌ترین مزیت‌هایی‌است که کمپین‌های مقاومت مدنی درمقایسه با شورش‌های خشونت‌آمیز دارند. رهبران شورش‌های خشونت‌باربابید به سرعت برتری نظامی رژیم را از بین ببرند. این برتری را با کشتن تعداد زیادی از نیروهای امنیتی دولت وفراری دادن بقیه به دست می‌آورند. چنانچه نیروهای دولتی برتری خود را درمدتی کوتاه از دست ندهند، شورشیان در برابر خشونتی برتر قرارخواهند گرفت که ممکن است به کلی آنها را از بین ببرد.

---

۵۰ - بهترین گزینه برای تمرین چک لیست، اگر شرایط اجازه دهد، ملاقات حضوری است که باعث ایجاد علاقه پایدار و عمق تعامل بین شرکت کنندگان می شود. با این حال، اگر سلامت عمومی، محدودیت‌های مالی یا چالش‌های لجستیکی یا امنیتی مانع شود، افراد می‌توانند سعی کنند تمرین را به صورت مجازی در یک پلتفرم کنفرانس آنلاین برگزار کنند، در صورتی که این امکان برای آن‌ها وجود داشته وارتباط برقرار شود. استفاده شرکت‌کنندگان از پلتفرم ونحوه استفاده ازآن بستگی دارد به قابلیت استفاده وامنیت در کشوریا کشورهایی که شرکت کنندگان در آن زندگی می‌کنند.

درمقایسه با شورش‌های خشونت بار، جنبش‌های بی‌خشونت می‌توانند صبرکنند، می‌توانند تاکتیک‌های مقاومت خود را آرام وسپس تشدید ودوباره آرام کنند. آن‌ها می‌توانند دست به یک بازی طولانی فرسایشی با خودکامه بزنند ودستاوردهای استراتژیک داشته باشند. حتی اگر درظاهرعقب نشینی کرده وبه مکان‌های خصوصی یا خانواده برگردند، دوباره با قدرت ظهورخواهند کرد. در تمام این مدت اقتدارگرایان باید هوشیار باشند ومنابع وامکانات خود را نیز آماده نگه دارند که هزینه آن‌ها را برای کنترل بالا می‌برد. یکی از راه‌های تازه نگه داشتن صحنه نبرد، افزایش زیاد تمرینات چک لیست است.

خودکامگان هم این کتاب را می‌خوانند ویا می‌توان انتظار داشت که بعضی ازآن‌ها بخوانند، آن‌ها به این نتیجه خواهند رسید یک کمپین مقاومت مدنی را هرگز نمی‌شود کاملا از بین برد. مهم نیست اوضاع چقدروخیم باشد، همیشه می‌توان جلسات چک لیست تمرین برای آزادی را برگزارکرد.

دیکتاتور ممکن است سرسپردگان خود را بفرستد تا با شورشیان خشونت گرا روبرو شده وتسلیحات آن‌ها را ضبط کنند، اما اگرسرسپردگان خود را برای مقابله با مردمی که تمرین چک لیست می‌کنند بفرستد، چه چیزی را می خواهند ضبط کنند؟ جلوگیری از این تمرینات ممکن است به این نتیجه منجر شود که تعدادی از سرسپردگان او از رژیم جدا شده و به مشارکت کنندگان بپیوندند.

نتیجه نبرد ناراضیان وخودکامه بستگی به این دارد که کدام یک از طرفین اعتماد به نفس لازم برای ادامه مبارزه را دارند. تمرین چک لیست برای آزادی فعالان دموکراسی‌خواه را همیشه در صحنه نبرد نگه می‌دارد وبه آن‌ها امکان دیدن فرصت‌ها برای بهبود مواضع خود را می‌دهد. تمرینات چک لیست به خودکامه ثابت می‌کنند که نهایتاً باید قدرت را واگذار کند. این نه تنها درباره دیکتاتورهای ملایم، بلکه درباره همه دیکتاتورها صادق است.

به تازگی یکی ازبی‌رحم ترین رهبران جهان، عمرالبشیر درسودان با بهره‌گیری ازکمپین مقاومت مدنی از قدرت کنارگذاشته شد. اواکنون درزندان به سر می‌برد وبه جرم جنایت علیه بشریت محاکمه می‌شود. به گفته استفان زونز، تلاش قابل توجهی برای دستیابی به دانش مقاومت مدنی صورت گرفت:

برای چند سال متوالی قبل ازانقلاب، تعدادی از سازمان‌های بین‌المللی... کارگاه‌هایی برای گروه‌های جامعه مدنی در زمینه آموزش مدنی، رفع منازعه وسایر مواردی که به توانمندی فعالان کمک کند، برگزار کردند. این آموزش‌ها مشخصاً استراتژی‌ها وتاکتیک‌های مقاومت مدنی را شامل می‌شد که منحصراً ریشه‌های سودانی داشت.

یکی از گروه‌هایی که نقش مهمی درگسترش مقاومت بی‌خشونت داشت تشکیلاتی به نام "سازمان عدم خشونت وتوسعه"(ONAD) بود. این سازمان برای سال‌ها کارگاه‌هایی را درسراسر کشورراه اندازی کرده بود که در زمینه مسائلی مانند برقراری صلح، جنسیت، حقوق بشر، آموزش مدنی، توسعه نهادها، حکمرانی خوب، رفع منازعه، گفتگوی بین ادیان، آموزش اعضای یک گروه برای کارکردن با یکدیگرآموزش می‌داد. با توجه به تخریب اکثرنهادهای جامعه مدنی تحت دیکتاتوری ۳۰ ساله وتاکتیک‌های تفرقه بیانداز وحکومت کن رژیم، چنین موضوعاتی که به ظاهرغیرسیاسی به نظرمی‌رسند، ولی درنهایت اثرات سیاسی مهمی داشتند،

توانستند نقش مهمی بازی کنند. علاوه برآموزش‌هایی دراین زمینه‌ها، "سازمان عدم‌خشونت وتوسعه"(ONAD) کارگاه‌هایی را راه انداخت که مستقیماً به آموزش استراتژیک کنش بی‌خشونت وحفظ انضباط بی‌خشونت در برابرحملات وتحریکات نیروهای امنیتی پرداخت.... سازمان عدم خشونت درحالی که به توسعه برنامه‌های درسی خود ادامه می‌داد، مطالب آموزشی از سازمان‌های اروپایی وگروه‌های هندی چون انستیتوی گاندی، مقاومین بین‌المللی جنگ، انجمن صلح سوئد دریافت وپخش می‌کرد. همچنین دی وی دی‌های ارزشمندی همراه با سایرمدارک از کمپین‌های مقاومت مدنی، درس‌های آموخته شده از فعالان دربنیادهای آموزشی آمریکا مانند مرکزبین‌المللی مبارزات بی‌خشونت وموسسه آلبرت انیشتین راهم دریافت می‌کرد و آموزش می‌داد. سازمان عدم خشونت وتوسعه برآورد می‌کند که بیش از ۱۰ هزار نفر را مستقیماً آموزش داده وپنجاه هزار نفر را غیرمستقیم وازطریق تعلیم آموزش دهندگان آموزش داده است. سازمان‌هایی که برکنش بی‌خشونت تاکید دارند. در طول زمان افزایش یافته‌اند وهفتاددرصد ازآموزش‌ها بربه چالش کشیدن مستقیم دولت‌ها وسایرنهادهای سرکوب تمرکز دارند.[۵۱]

آنچه برای عمرالبشیراتفاق افتاد باعث تعجب کارشناسان منطقه شد. سقوط عمرالبشیراتفاقی نبود. حاصل آموزش فعالان دموکراسی‌خواه درباره قدرت مقاومت مدنی بود.

مرکز بین‌المللی مبارزات بی‌خشونت این کتاب چک لیست را رایگان در اینترنت می‌گذارد وهمچنین به تعداد زیادی از زبان‌های دنیا ترجمه می‌کند. چون انتظار داریم که رژیم‌های خودکامه مانع خواندن آنلاین این کتاب توسط شهروندان شوند، آن را با جلد کاغذی انعطاف پذیرهم توزیع می‌کنیم. این کتاب به هرنحوی که شده از مرزها عبور خواهد کرد، حتی اگر خودکامگان سعی کنند جلوی آن را بگیرند وبرای هرکسی که بخواهد فعال دموکراسی‌خواه موثری شود، در دسترس خواهد بود. این کتاب اگردرداخل کشوربه صورت فتوکپی به اشتراک گذاشته شود، رژیم نمی‌تواند ان را به راحتی ممنوع کند. هم اکنون این فرصت وجود دارد که هزاران فعال دموکراسی‌خواه مهارت مورد نیاز را برای برنده شدن در مبارزه بی‌خشونت کسب کنند.

---

۵۱ - استفان زونز، انقلاب سودان ۲۰۱۹: قدرت مقاومت مدنی ، واشنگتن، دی سی: انتشارات ICNC، ۲۰۲۱)، ۱۵-۱۴

خودکامگان ممکن است خطرات مبارزه
بی‌خشونت را که متوجه آن‌ها است،
دست‌کم بگیرند. این خود بزرگ بینی
برای آن‌ها آسیب پذیری ایجاد خواهد کرد
که می‌تواند بقای رژیم‌های ریشه داری
ازجمله ایران، روسیه، چین، کره‌شمالی،
ونزوئلا و میانمار را تهدید کند.

۶

فصل ۶

انتخابی تاریخی:

تن دادن به استبداد یا شعله ور کردن موج چهارم دموکراسی

سرنوشت میلیاردها نفردرجهان را نبرد بین ناراضیان وخودکامگان تعیین می‌کند. برآورد می‌شود که دوونیم میلیارد نفردرجهان زیرشلاق استبداد زندگی می‌کنند. زندگی شهروندان بی‌گناه بازیچه هوی و هوس حاکمانی غیرپاسخگوست که اهمیتی به حقوق اساسی بشرنمی‌دهند. پیامدهای این واقعیت بسیارزیاد است. بسیاری ازبدترین اعمال بشردرتاریخ توسط خودکامگان انجام شده وناشی ازسرکوب ومحرومیتی بوده است که آن‌ها خلق کردند.

استبدادها درطول تاریخ ظاهر خود را تغییر داده‌اند، اما تحرکات نهفته ورفتارآن‌ها تغییری نکرده است. امپراتوری‌های استعمارگر با دیکتاتورهای جنگ سرد متفاوت به نظر می‌رسند، همان‌گونه که اقتدارگرایان مدرن امروز که به تکنولوژی وابسته هستند نیز متفاوت به نظرمی‌رسند. درحالی که این تفاوت‌ها می‌توانند مهم باشند، نباید ما را ازواقعیت‌های غالب استبدادغافل کند، فارغ ازاین‌که خود را چگونه درجهان عرضه می‌کنند. این که دیکتاتوردرنگاه خارجیان، فردی تکنوکرات وبا دانش فنی، انزواطلب، غیرقابل پیش‌بینی، طرفدارحاکمیت مذهبی، پدرملت وازنظرایدئولوژی چپ یا راست ویا ترکیبی از آن‌ها است، اصل مسئله را تغییرنمی‌دهد. دیکتاتور را می‌توان با سختی‌هایی که برای مردم تحت سیطره‌اش به وجود آورده است، شناخت. از نظرداخلی رژیم‌های دیکتاتوری جوامعی را می‌آفرینند که:

- ترس فراگیراست
- فساد وسیاست‌های آشکارا ناعادلانه منجربه شکاف طبقاتی گسترده بین ثروتمندان وفقرا می‌شود.

- کارگران بدون این‌که چاره‌ای داشته باشند، استثمار می‌شوند.
- احتمال وقوع بحران‌های بشردوستانه و نارسایی‌های بهداشتی به دلیل بی‌کفایتی یا بی‌تفاوتی عمدی حاکمیت، بسیار بیشتر است.
- دارایی‌های افراد بی دلیل وصرفاً بنا برتمایل حاکمان ضبط می‌شود.
- انتخابات ناعادلانه همراه با تقلب ویا اصلاً انتخابات وجود ندارد.
- سیستم قضایی آشکارا مغرضانه است ودرخدمت منافع حکومتیان است ومردم معمولی را همیشه بازداشت‌های خودسرانه تهدید می‌کند.
- رسانه‌ها ومحیط‌های آموزشی منحصربه پروپاگاندا واطلاعات نادرست است.
- کسانی که تلاش می‌کنند تا سیستم را برای تغییر به چالش بکشند، به شدت سرکوب شده وبه طور سیستماتیک حقوق آن‌ها نقض می‌شود.

در حالی که خودکامگان عامل اصلی درد ورنج مردم داخل کشورهستند، وجود آن‌ها برای جهان هم پیامدهای منفی بسیاردارد. دولت‌های غیردمکراتیک بروز جنگ را افزایش می‌دهند (هم داخلی و هم بین کشورها)، که منجربه قساوت وسبعیت، افراط‌گرایی،بحران‌های بشردوستانه، نقض حقوق بشر، مهاجرت دسته جمعی، پناهندگی وفسادی می‌شود که اغلب هم ازمرزها عبورمی‌کند. رژیم اقتدارگرا شکنندگی کشور را افزایش داده ومنابع اجتماعی برای مقابله با فاجعه‌ها را از بین می‌برد. رژیم‌های اقتدارگرا به‌دنبال راه‌هایی برای تضعیف دموکراسی‌های موجود وازبین بردن قوانین ونهادهای بین‌المللی هستند. هدف‌اشان منحرف کردن ماموریت شورای حقوق بشر درسازمان ملل متحد با استفاده ازعضویت درآن شورا است. جهان اقتدارگراتر، دنیایی بی ثبات وخطرناک خواهد بود که هیچ کشوری ازآن مصون نیست.

درجنگ قدرت بین خودکامگان وفعالان دموکراسی‌خواه چرخه‌های طولانی ازبرندگان وبازندگان بوده است واین نشان دهنده آن است که چرا ازاوائل قرن نوزدهم دموکراسی درسه موج پیشرفت داشته است. بنابرنظرساموئل هانتینگتون:

اولین موج بلند دموکراسی دراواخر دهه۱۸۲۰ شروع شد وبا گسترش حق رای برای بخش بزرگی از مردان درایالات متحده برای تقریباً یک قرن ادامه یافت وتا سال ۱۹۲۶حدود ۲۹ دموکراسی به وجود آمد. اگرچه در سال ۱۹۲۲ با روی کار آمدن موسولینی درایتالیا اولین موج برگشت شروع شد وتا سال ۱۹۴۲ تعداد دموکراسی‌ها کاهش یافت وبه ۱۲کشور درسراسر جهان رسید. با پیروزی متفقین درجنگ جهانی دوم موج دوم دموکراسی شروع شد وبه اوج خود در سال ۱۹۶۲ رسید که ۳۶ کشور به شیوه‌ای دمکراتیک اداره می‌شدند تا زمانی که موج دوم برگشت (۱۹۷۵-۱۹۶۰) شروع شد وتعداد کشورهای دموکراسی را به ۳۰ کاهش داد.[۵۲]

---

۵۲ - ساموئل پی. هانتینگتون، «موج سوم دموکراسی»، درمجله دموکراسی ۲، شماره ۲(۱۹۹۱):۱.

موج سوم دموکراسی درسال ۱۹۷۴ با انقلاب میخک درپرتغال شروع شد وسپس به کشورهای آمریکای لاتین، آسیا واقیانوسیه، اروپای شرقی وجنوب صحرای آفریقا آمد. طبق رتبه‌بندی فریدم هاوس ۳۵ کشور در سال‌های (۲۰۰۵-۱۹۷۲) از "غیرآزاد" به "نیمه آزاد" تبدیل شدند. ۵۶ مهمترین ویژگی موج سوم این بود که اکثر این گذارها با استفاده از کمپین مبارزات بی‌خشونت ومقاومت مدنی انجام شد.

نیمه دوم موج سوم با خوش‌بینی زیادی رو به رو شد. روح آن در کتاب اول فوکویاما پایان تاریخ وآخرین انسان تدوین یافت. این کتاب در سال ۱۹۹۲ درست پس از پایان جنگ سرد وهمزمان با آن که موج سوم شتاب بیشتری گرفته بود، منتشر شد. استدلال اصلی فوکویاما این بود که مقصد نهایی ویا نقطه تعادل سازمان‌های سیاسی بشری دموکراسی لیبرال غربی است.

همه جوامع سیاسی باید تمایل داشته باشند که به رسمیت شناخته شوند ودرعین حال باید خود را از آثار مخرب آن نیز حفظ کنند. اگر دولت‌های معاصرکه مقید به قانون اساسی هستند، براستی فرمولی را پیدا کرده باشند که مانع ظهوردیکتاتوری شوند درآن صورت می‌توانند مدعی باشند که عامل ثبات وطول عمر برای همه رژیم‌هایی خواهند بود که در جهان ظهور کرده‌اند.[۵۳]

متاسفانه از سال ۲۰۰۵ گزارش فریدم هاوس نشان می‌دهد که برای ۱۵ سال متوالی رتبه بندی دموکراسی درکل جهان کاهش یافته است. همزمان با آن که خاطره موج سوم کمرنگ می‌شود، حکومت‌های اقتدارگرا ودست پرورده‌هایشان رشد می‌کنند وبه نظر می‌رسد که حکومت‌های فاسد توقف ناپذیر هستند. باعث تعجب نیست اگر تزفوکویاما رابه اشتباه برند ساده لوحی می‌نامند.[۵۴]

سوال امروز این است، آیا اگر موج چهارم دموکراسی شروع شود، ثابت می‌شود که تز اصلی فوکویاما درست است؟

---

۵۳ - کاراتنیکی و آکرمن، ۱۸

۵۴ - فرانسیس فوکویاما، پایان تاریخ و آخرین انسان (نیویورک، نیویورک: فری پرس ۲۰۰۶)، xxi-xxii

عمل‌گرایان احتمال موج چهارم دمکراتیک را رد می‌کنند وبراین باورند که استبداد به‌عنوان یک نیروی مسلط درامورجهانی باقی خواهد ماند. آن‌ها فکرمی‌کنند اکنون که موج سوم دمکراتیک گذشته است، مبارزات مقاومت مدنی دیگرحاکمان خودکامه را تهدید نمی‌کند ونمی‌تواند با قدرت دولت رقابت کند.

خودکامگانی که زمانی دربرابرمبارزات مقاومت مدنی متعدد درجریان موج سوم دمکراتیک چرت می‌زدند، اکنون با یکدیگر برای سرکوب فعالان همکاری می‌کنند. آن‌ها اکنون مهارت بیشتری برای تحکیم قدرت وپرهیزازخشونت آشکار وماندن درقدرت با استفاده ازتهدیدهای قضایی واستفاده کمترازخشونت پیدا کرده‌اند. استفاده ازتکنولوژی‌های جدید برای نظارت وردیابی دفاع مهمی در برابرمقاومت مدنی برایشان به‌وجود آورده است ودرعین حال به تضعیف نهادهایی که از دموکراسی وحقوق بشردفاع می‌کنند، ادامه می‌دهند. اقتدارگرایان احساس می‌کنند که می‌توانند بدون ترس از مجازات عمل کنند، محدودیت دوره را با کمک قوه قضاییه بردارند، رسانه‌ها را که صدای حمایت ازحقوق سیاسی وآزادی‌های مدنی هستند ببندند ودرزندانی کردن وکشتن فعالان دموکراسی‌خواه تهاجمی‌تر عمل کنند.

عمل‌گرایان استدلال می‌کنند که دلیل اصلی این که اقتدارگرایی روندی صعودی دارد،

ایالات متحده آمریکاست- پرچمدار پیام آزادی دیگرتنها ابرقدرت جهان نیست ودرحال رقابت چند جانبه با چین، روسیه، ایران، کره شمالی وسایر دیکتاتوری‌های متخاصم است. بدون اعتبارپشتیبانی آمریکا جامعه ترویج دموکراسی که پس ازسقوط دیوار برلین کارمهمی انجام نداده، اکنون درحال عقب‌نشینی کامل است.

این غروری که آمریکا می‌تواند همه کشورهای جهان را به دموکراسی‌های تحکیم شده تبدیل کند بارها وبارها رد شده است، از ویتنام تا أفغانستان وتا عراق. این دیدگاه که در آن واشنگتن باید مثال درخشانی از یک کشور دموکراتیک را به‌وجود بیاورد شکست خورد، تا خطرناک بودن دنیای معاصر درک شود. دنیایی که گروه یا افرادی می‌توانند با کمترین منابع هزاران یا حتی صدها هزار آمریکایی را بکشند. ایالات متحده نمی‌تواند مشکلات جهان را حل کند اما این تحمل راهم ندارد که از آن چشم بپوشد.[۵۵]

---

۵۵ - استیون کراسنر، "یادگیری زندگی با مستبدان: محدودیت‌های ترویج دموکراسی"
امور خارجه ۹۹، شماره ۲، (۱۰ فوریه ۲۰۲۰). https://www.foreignaffairs.com/articles/۲۰۲۰-۰۲-۱۰/learning-live-despots

دیدگاه عمل‌گرایانه تقریباً در همه کارشناسان منطقه که تمرکز اصلی آن‌ها توضیح رفتار نخبگان است، ریشه دوانده است. آن‌ها با اهمیت گسترش فعالیت‌های مردمی و مخصوصا تغییر ظرفیت خودکامگان برای دفاع دربرابر مبارزه بی‌خشونت مشکل دارند. برای همین است که عمل‌گرایان و کارشناسان منطقه‌ای رکورد بسیار بدی در پیش‌بینی زمان شروع کمپین‌های مقاومت مدنی دارند. آن‌ها همیشه پس از وقوع آن تعجب می‌کنند و تمایل دارند اعتراضات توده‌ای، اعتصابات و بایکوت‌ها را یک اتفاقی تلقی کنند که به زودی و بدون هیچ عواقبی پایان می‌یابد.

کارشناسان منطقه‌ای معتقد بودند که دیکتاتور صرب، اسلوبودان میلوسویچ بدون توسل به خشونت مقامش را ترک نمی‌کند. جنبش سبز در ایران تا زمانی که اتفاق افتاد غیرقابل تصور بود. قبل از قیام و اشغال میدان تحریر، کارشناسان منطقه‌ای مطمئن بودند که حوادث به هیچ عنوان به مصر سرایت نخواهد کرد. ساقط کردن عمر بشیر در سودان و به زندان انداختن او توهم به نظر می‌رسید.

عمل‌گرایان تفاوتی بین پی‌آمد شکست شورش‌های خشونت گرا و شکست شورش‌های بی‌خشونت قائل نیستند. شورش خشونت گرا پس از درگیری با نیروی قدرتمندتر پلیس و ارتش از بین می‌رود و شورشیان یا اعدام شده و یا به زندان می‌افتند و در نتیجه برای سال‌ها و شاید هم هرگز، نیروی منسجمی برای از سرگرفتن مبارزه ندارند. حال آن‌که خودکامه هرگز نمی‌تواند مقاومت بی‌خشونت شکست خورده را برای همیشه از بین ببرد. حتی وقتی خودکامگان پیروز شوند، آن‌ها همچنان باید نیازهای اساسی شهروندان خود را تامین کنند و اگر نه از بی‌تفاوتی آن‌ها بهره‌مند نخواهند شد. این سازش حتی کمپین‌های مقاومت مدنی در آستانه مرگ را احیا می‌کند، تا بعد از چند سال به کمپین خود برای دموکراسی ادامه دهند.

عمل‌گرایان وکارشناسان منطقه‌ای رکورد بسیار بدی در پیش‌بینی زمان شروع کمپین‌های مقاومت مدنی دارند.

درطی ۱۵ سال گذشته که دموکراسی‌ها عقب‌نشینی داشته‌اند، عمل‌گرایان نابودی بهار عربی را دلیلی برمحدود بودن گسترش دموکراسی در آینده دانسته‌اند. اگرچه بقیه معتقدند که قیام اعراب هرگز پایان نیافته است:

در سال ۲۰۲۲ کمتر باوری وجود داشته که همه جهان آن را قبول داشته باشند. یکی از این باورها این است که قیام اعراب شکست خورده است. درک جذابیت این ایده آسان است برای این که با اشتیاق توسط رژیم‌های اقتدارگرا و عمل‌گرایان سیاست خارجی به طور یکسان ترویج می‌شود. این به معنای بازگشت به روال معمول است، دولت‌های اوباما و ترامپ به طور ضمنی این دیدگاه را پذیرفتند و نگاه خود را به اهداف دیگری متمرکز کردند، اوباما به مذاکرات هسته‌ای با ایران و ترامپ به عادی کردن روابط اعراب و اسرائیل. این باور درواقع نتیجه‌گیری از یک سری پیش‌بینی‌های پیشرس است.

علیرغم اعلام مرگ زودهنگام قیام اعراب ومیراث تاریک آن، موج انقلابی در سال ۲۰۱۱ سرابی گذرا نبود. ده سال بعد، باردیگر، نمای اقتدارگرایی منطقه در حال ترک خوردن است. قیام‌های مهم اخیر، مانع از انتخاب مجدد رئیس جمهور ضعیف الجزایر شد، به سرنگونی رئیس جمهور طولانی‌مدت سودان منجر شد ونظم سیاسی فرقه‌ای درعراق ولبنان به چالش کشیده شد. لبنان پس از یک سال اعتراضات، فاجعه اقتصادی وعواقب غیرقابل درک انفجار دربندر بیروت، به سختی دارای دولت است. عربستان شاهد دگرگونی‌های سریع است وخود را برای سلطنت احتمالی محمد بن سلمان آماده می‌کند.[۵۶]

خودکامگان هرگز تصورنمی‌کنند آنقدر قدرت دارند که احساس امنیت کنند. آن‌ها مثل یک پوسترکودکان ازگفته معروف لرد اکتون هستند: قدرت فساد می‌آورد وقدرت مطلق، فساد مطلق. خودکامگان هرچه بیشترکنترلی خفقان‌آوربرمردمی که برآن‌ها حکومت می‌کنند، اعمال کنند، این احتمال وجود دارد که "دوبارفکرکنندگانی" که عقیده خود را پنهان می‌کنند، تعدادشان زیادتر شده ودر طول زمان به "دوبارفکرکنندگانی" تبدیل شوند که عقیده خود را آشکارکرده ونهایتاً از رژیم جدا شوند. روند بالا نشان می‌دهد که چرا با آن‌که مجموعه آزادی‌ها دردنیا کمترشده کمپین‌های قدرت مردم با سرعت بی‌سابقه‌ای درحال افزایش است.

در هر لحظه خودکامگان ممکن است خطرات مبارزه بی خشونت را که متوجه آن هاست دست کم بگیرند. این خود بزرگ بینی برای آنها آسیب پذیری ایجاد خواهد کرد که می تواند بقای رژیم های ریشه داری از جمله ایران، روسیه، چین، کره شمالی، ونزوئلا و میانمار را تهدید کند.

به منظور آمادگی برای عرضه پرسش‌های چک لیست، من در فصل ۲ پنج ایده را که ناراضیان باید در آغاز بدانند لیست کردم. ایده ششمی نیز هست که از بقیه ایده‌ها امیدوار کننده تر است(ایده ای که برای فعالان دموکراسی خواه، پس از تمرینات چک لیست برای آزادی روشن تر خواهد شد): در حالی که دیکتاتور می تواند نیروی های چریکی را از بین ببرد و شورش مسلحانه را اگر نه برای همیشه بلکه برای ده‌ها سال پایان دهد، هرگز نمی تواند کمپین مقاومت مدنی را که برای حمایت از دموکراسی و حقوق بشر است بین ببرد. یکی از دلگرم ترین داده ها در نمودار ۲۰ است که حتی اگر یک کمپین بی خشونت در رسیدن به اهداف خود شکست بخورد، ۳۵ درصد امکان دارد که در ۵ سال آینده به اهداف خود برسد.

---

۵۶ - مارک لینچ، "قیام‌های عرب هرگز پایان نیافت: مبارزه پایدار برای بازسازی خاورمیانه، درنشریه فارین افریز (ژانویه/فوریه ۲۰۲۱)

نمودار ۲۰: امکان دستیابی یک کشور به دموکراسی پنج سال پس از پایان کمپینی بی‌خشونت

منبع: اریکا چنووت وماریا استفان" چرا مقاومت بی‌خشونت کار می‌کند؟ منطق استراتژیک مقاومت بی‌خشونت" (نیویورک انتشارات دانشگاه کلمبیا)۲۰۱۱

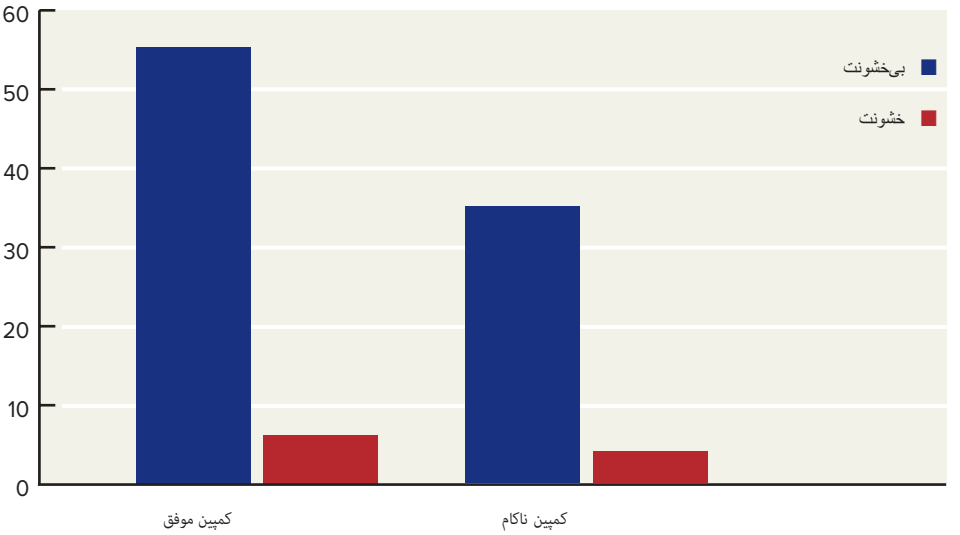

چه چیزی از دست رفته است؟ درباره آینده مقاومت مدنی" اریکا چنووت مدارکی را عرضه می‌کند که نشان می‌دهد سطوح مهارت فعالان دموکراسی‌خواه کاهش یافته است، از جمله:

- میزان مشارکت مردمی در کمپین‌های مقاومت مدنی از ۷/۲درصد در دهه ۱۹۹۰ به ۳/۱درصد در زمان حاضر کاهش یافته است.
- اتکای بیش ازحد به تظاهرات توده‌ای در برابر بقیه تاکتیک‌ها باخطراتی متفاوت، مانند اعتصاب وتحریم.
- اتکای بیش از حد به سازماندهی دیجیتال برای ایجاد کنش‌های خودجوش به جای برنامه‌ریزی برای توالی تاکتیک‌های مهم.
- تمایل بیشتری برای ارتباط غیرمستقیم با نیروهایی که می‌خواهند از خشونت استفاده کنند وجود دارد، پاره‌ای فعالان براین باورند که این روش باعث افزایش شانس موفقیت خواهد شد.۵۷

کمپین های مقاومت مدنی افزایش می‌یابد وبدون گسترش آموزش‌های مناسب، کاهش احتمالی نرخ موفقیت کمپین‌ها اجتناب ناپذیرخواهد بود. اکنون تصورکنید که افزایش تعداد کمپین‌ها با افزایش ناراضیانی که چک لیست تمرین برای آزادی را تمام کرده‌اند هماهنگ باشد. برای شعله‌ور کردن موج چهارم دموکراسی این کار مورد نیاز است.

---

۵۷ - چنووت، "آینده مقاومت بی‌خشونت".

تا زمان نوشتن این کتاب مبارزه قدرت بین ایالات متحده ومتحدین دموکراتش(وبرخی غیر دمکراتیک) دربرابر چین روسیه و ایران جریان دارد. دراتحادی به رهبری آمریکا کارشناسان رسانه‌ای، حرفه‌ای‌های اتاق فکر وسیاست سازان دولتی، تقریباً منحصراً فشار خود را برروی کشورهای اقتدارگرا با تحریم، افزایش توان نظامی وایجاد ائتلاف متمرکز کرده‌اند، تمام این فشارها اقدامات وادارکننده‌ای هستند که از خارج اعمال می‌شوند. علیرغم سابقه چشمگیرکمپین‌های مقاومت مدنی علیه حاکمان دیکتاتور، این که چگونه می‌شود فشار برخودکامه را درداخل مرزها افزایش داد، کمتر مورد توجه قرارگرفته است.

حتی چین، مادرهمه دیکتاتوری‌ها وبزرگترین تهدید علیه کشورهای دمکراتیک، ازاین آسیب‌پذیری‌ها مستثنی نیست. اورویل شل در مقاله خود "زندگی حزب: چقدر حزب کمونیست چین امن است؟". این مورد را مطرح می‌کند:

> شاید چین توانسته باشد مدل جدیدی از توسعه را کامل کند که نیازی به ارزش‌های عجیبی مانند آزادی، عدالت و حاکمیت قانون نداشته باشد، اما تاریخ مدرن نشان داده است که غیبت این عناصر می‌تواند کشور رابه خطر بیندازد. به ایتالیا وآلمان فاشیست، امپراتوری ژاپن، اسپانیای فرانکو، رژیم مذهبی ایران واتحاد شوروی فکرکنید.
>
> شاید چینی‌ها با بقیه متفاوت باشند، مخصوصاً با آن‌هایی که درغرب زندگی می‌کنند، شاید برخی بگویند شهروندان چینی ثابت کردند که تنها با کسب قدرت وثروت راضی هستند وبه جنبه‌های دیگر زندگی اهمیت نمی‌دهند، جنبه‌هایی که بقیه جوامع برای انسان بودن، آن‌ها را بنیادی می‌دانند. این فرض‌ها غیرواقعی است، اگرمغرورانه واز موضع بالا نباشد. در پایان مردم چین احتمالاً ممکن است ثابت کنند که تمایلات شان با کانادایی‌ها، چک‌ها، ژاپنی‌ها ویا کره‌ای‌ها کمی تفاوت دارند. تنها به دلیل این‌که هیچ‌کس خارج از چین نمی‌تواند تمجید مشتاقانه درباره ارزش‌های جهانی ببیند ویا بشنود، دلیلی برآن نیست که این تمایلات در چین وجود ندارد. آن‌ها هنوز درگذشته ظاهر می‌شوند وناچارند دوباره در آینده ظاهر شوند.[۵۸]

رهبران گذشته وحال، تحلیلگران سیاسی ورسانه‌ها درقدیمی‌ترین دموکراسی‌های دنیا، باید مقاومت مدنی را با دیدی تازه نگاه کنند. آن‌ها باید باورهای رایج درباره مقاومت مدنی را کناربگذارند ازجمله: این که مقاومت مدنی محکوم به شکست است ویا بدترازآن، مبارزه بی‌خشونت دردورانی که یک یا دومبارزه خشونت‌بارعمده جریان دارد، بی‌معنی است. عمل‌گرایان مطمئن هستند که مقاومت بی‌خشونت نمی‌تواند درجریان جنگ خشونت‌بار داخلی، گذاربه دموکراسی را آغاز کند. دلیل آن‌ها این است که درنتیجه مبارزات شدید خشونت بار، برنده مطمئناً دیکتاتوری بی‌رحمی را بربازنده تحمیل خواهد کرد.

---

۵۸ - اورویل شل، "زندگی حزب: حزب کمونیست چین چقدر امن است؟" درنشریه فارین افریز (ژوئیه/آگوست ۲۰۲۱)۷۴-۷۵

لوک ابس، نزدیک به شش دهه داده‌ها را دررابطه با اثرمقاومت بی‌خشونت درجنگ‌های داخلی تحلیل کرده وبه نتایج غیرقابل انتظاری رسیده است:

شکل ۲۱ احتمال بقای جنگ داخلی را درمحور y وتعداد اپیزودهای جنگ داخلی را در محور x نشان می‌دهد. دراین داده‌ها، در تمام دوره‌های حیات جنگ‌های داخلی، در صورتی که کمپین‌های بزرگ بی‌خشونت درمبارزه حضور داشته باشند، احتمال ادامه مبارزه خشونت‌بار کمتر می‌شود، به عنوان مثال پنج سال پس از جنگ داخلی، امکان توافق صلح، درصورتی که کمپین‌های بی‌خشونت حضورداشته باشند ۲۵ درصد بیشتر است.[۵۹]

شکل ۲۱: کمپین های بی خشونت ومدت جنگ داخلی (۱۹۵۵-۲۰۱۳)

منبع: لوک ابس، تأثیر مقاومت بی‌خشونت بر دگرگونی صلح آمیز جنگ داخلی (واشنگتن، دی سی: انتشارات آی سی ان سی، ۲۰۲۱) ۳۳.

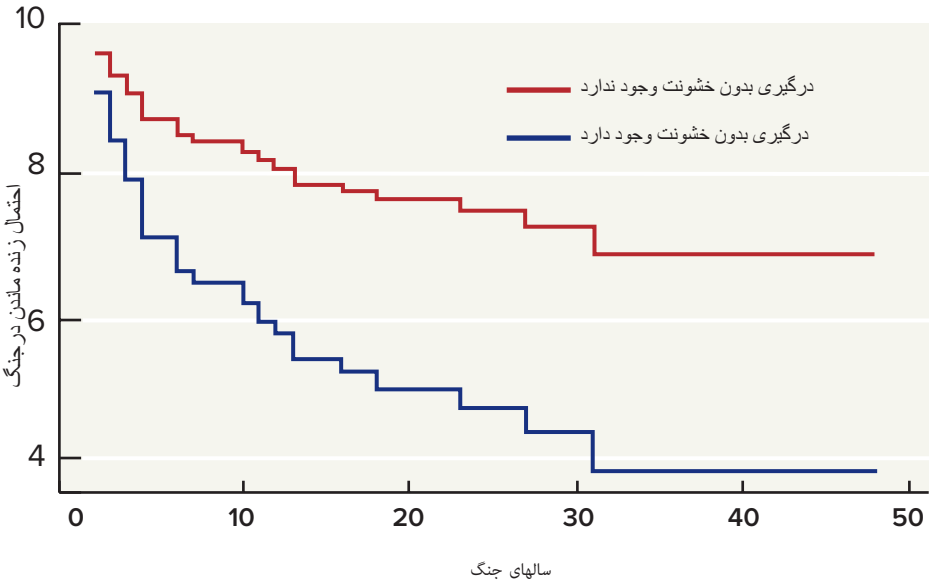

شناسایی این‌که چگونه خارجیان می‌توانند برای به بارنشاندن جنبش‌های بی‌خشونت کمک کنند، فرصتی سیاسی است، به‌خصوص جنبش‌هایی که درحال حاضربه صورت ارگانیک ظهور کرده‌اند. مهم‌ترین یافته چنووت واستفان این است"پشتیبانی آموزشی مداوم تاثیر بسیاری دارد":

۵۹ - ابس، تأثیر مقاومت بی خشونت، ۳۸.

آموزش تنها کمکی است که با شاخص‌های کمپین بی‌خشونت همبستگی مثبتی دارد. این امر واقعیتی است، مخصوصاً در دوران قبل ازکمپین، زمانی که تعّدد آموزش‌ها با نرخ بالای مشارکت وکاهش تلفات کمپین وریزش نیروهای امنیتی دردوران بسیج مردمی، ارتباط دارد. آموزش دراوج بسیج مردمی کمپین نیزبا افزایش مشارکت وپیروزی نهایی کمپین ارتباط مستقیم دارد. درتمامی مدل‌ها آموزش به‌طور سیستماتیک اثر منفی ندارد - وتنها نوع حمایت است که مدام با تمام مدل‌ها همبستگی مثبت دارد.[۶۰]

لری دایموند پژوهشگر برجسته دموکراسی براین باوراست که:

> امروز دنیا غرق در رقابت شدیدی در زمینه ایده‌ها، اطلاعات وهنجارها است. در عصر دیجیتال رقابت‌ها باسرعت نور درساعت حرکت می‌کنند وتفکر مردم را درباره سیستم‌های سیاسی وآینده نظم جهانی شکل می‌دهند. به‌خصوص در زمان حاضر که شک‌ها وتهدیدها علیه دموکراسی در غرب بالا گرفته است، این مسابقه‌ای است که غرب نباید آن را ببازد.[۶۱]

برای معکوس کردن نزول سیستم‌های دمکراتیک در ۱۵سال گذشته، لازم است که ناراضیان فرکانس مبارزه بی‌خشونت را بالا ببرند. اگر بخواهیم موج چهارم دموکراسی وجود داشته باشد، ناراضیان باید به تعدادی بسیار زیادترازامروز آموزش می‌بینند.

> چک لیست برای پایان بخشیدن به خودکامگی به ناراضیان هرمنطقه ابزارلازم را می‌دهد تا بتوانند درصحنه مبارزه یکدیگررا آموزش دهند، ونیز به آن‌ها این امکان را می‌دهد که: ”ظرفیت بیشتری برای برنامه ریزی استراتژیک، انضباط تاکتیکی، بسیج مردمی وجلوگیری موثرازخشونت حکومت داشته باشند“.[۶۲]

این کتاب، دردست ناراضیان، قدم بعدی برای تکامل انتقال دانش مقاومت مدنی است. قابلیت دسترسی وکاربرد استراتژیک این دانش درهرکدام از مبارزات بی‌خشونت آینده می‌تواند به سرعت توازن قدرت را به نفع فعالان دموکراسی‌خواه وبه ضررخودکامگان تغییر دهد.

درسمت راست: لخ والسا رهبر جنبش همبستگی، تشکیل اتحادیه کشاورزان را در لهستان در سال ۱۹۸۱ جشن می‌گیرد

---

۶۰ - چنووت و استفان، نقش حمایت خارجی

۶۱ - ری دایموند، "سکوت آمریکا به پیروزی خودکامگان کمک می‌کند"، نشریه فارین افیرز https:// americas-silence-helps-autocrats-triumphdemocratic-rollback-/۰۶/۰۹/۲۰۱۹/foreignpolicy.com recession-larry-diamond-ill-winds

۶۲ - چنووت و استفان، نقش حمایت خارجی





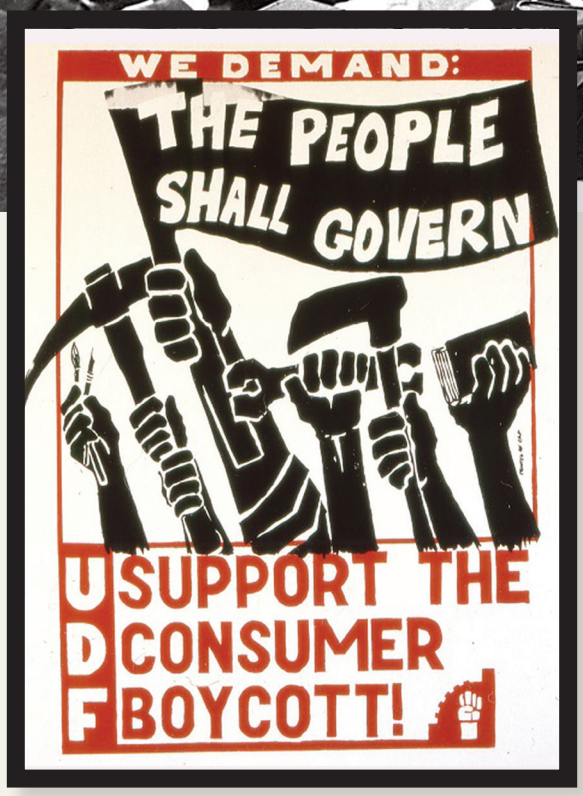

بالا: موکاسلی جک درپورت الیزابت درآفریقای جنوبی، بایکوت توسط مصرف‌کنندگان علیه آپارتاید را هدایت می‌کند.

چپ: پوستری که مردم را به بایکوت دعوت می‌کند.

پیوست

کارگاه آموزشی ودرس آنلاین

با گذشت زمان مرکزبین‌المللی مبارزات بی‌خشونت بازخوردهای زیادی دررابطه با کارهایش وتعامل با مبارزین از سراسر جهان دریافت کرده است. درپاسخ به درخواست‌های ویژه، ما سمینارها وکارگاه‌های زیادی را برگزارکرده ونیز برنامه آموزشی سالیانه‌ای را سازماندهی کرده‌ایم که مکرراً در اختیاردرخواست کنندگان قرارخواهد گرفت. برنامه‌ها عبارتند از:

انستیتوهای تابستانی: از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ آی سی ان سی، با مشارکت دانشکده حقوق ودیپلماسی دانشگاه فلچر، کارگاه‌هایی پنج وشش روزه درباره مقاومت مدنی برای افرادی از سرتاسرجهان برگزارکرده است. نمونه دستورکارانستیتوت تابستانی را درنمودارشماره ۱۷ ببینید.

انستیتوهای منطقه‌ای: در فبروري ۲۰۱۸، آی سی ان سی با چند سازمان محلی همکاری کرد تا انستیتوی منطقه‌ای را برای مطالعات درباره مبارزه بی‌خشونت درکیتو، اکوادور راه‌اندازی کند. در آن سال ۳۵ نفر از ۱۱ کشور آمریکای جنوبی درسمینار شش روزه شرکت کردند. در پاییزپاییز ۲۰۱۸ انستیتو دوم با همکاری برخی فعالان درکیف اوکراین سازمان داده شد که تمرکز آن بر اروپای شرقی وآسیای مرکزی بود و ۴۰ نفرازده کشور درآن شرکت کردند. انستیتوی سوم با همکاری شرکای محلی درکاتماندو نپال سازماندهی شد وبا همکاری با دانشگاه‌ها وسازمان‌های غیردولتی محلی تحقیق درباره استراتژی‌های مقاومت مدنی وتجربیات جنبش با ناراضیان ودموکراسی‌خواهان به مشارکت گذاشته شد. در این برنامه ۳۶ نفر از ۱۲ کشور شرکت کردند.

دوره‌های آنلاین: آی سی ان سی دوره‌های آنلاین خود را در سال ۲۰۱۲ با همکاری دانشگاه راتگرز شروع کرد.[۶۳] "قدرت مردم: پویایی استراتژیک مقاومت مدنی" افراد زیادی از همه کشورهای جهان در دوره ۷ هفته‌ای شرکت کردند وموارد زیر مطرح شد:

۶۳ - در سال ۲۰۲۰ آی سی ان سی دوره را بدون همکاری دانشگاه راتگرز آغاز کرد.

واحد ۱: معرفی دوره: خوش‌آمد وآشنایی با وبینار، معرفی شرکت کنندگان، برآورد دانش حاضران.

واحد ۲: بنیان مقاومت مدنی: مقاومت مدنی چیست؟ کارآمدی مقاومت مدنی

واحد ۳: مواردی از مقاومت مدنی در اطراف دنیا: موارد آزادی ملی. موارد ایمنی مدنی و خودمختاری. موارد دفاع وگسترش حقوق. موارد پاسخگویی به عموم

واحد ۴: استراتژی‌ها وتاکتیک‌های مقاومت مدنی: تحلیل کمپین سالن غذاخوری در نشویل. نقش زنان درمقاومت مدنی. برنامه‌ریزی استراتژیک وانتخاب تاکتیک‌ها. لوازم تحلیل درگیری

واحد ۵: سرکوب، نتیجه عکس، ریزش: سرکوب ونتیجه عکس. استراتژی‌های جنبش برای ریزش وجدایی نیروهای طرفداررژیم

واحد ۶: جناح‌های خشن، عوامل تحریک کننده، حفظ انضباط بی‌خشونت: جناح‌های خشن. واکسن علیه جناح‌های خشن. حفظ انضباط بی‌خشونت

واحد ۷: مرزهای جدید درمطالعات مقاومت مدنی: دمکراتیزه کردن ومقاومت مدنی. مقاومت مدنی علیه سوء استفاده شرکت‌های بزرگ. مقاومت مدنی وجوامع مذهبی. مقاومت فرهنگی

واحد ۸: تکمیل دوره: بررسی دستاوردهای یادگیری. ارزیابی دوره‌ها

فراترازبازخوردهای نوشتاری وشفاهی، داده‌های کمّی ماهم آنچه را فارغ‌التحصیلان "آی سی ان سی" ودریافت‌کنندگان کمک هزینه وهمکارانمان به ما گفته‌اند، نشان می‌دهد وتقویت می‌کند.

به عنوان مثال در زیر ارزیابی نتایج برای دوره آنلاین ۷ هفته‌ای آی سی ان سی تحت عنوان" قدرت مردم: پویایی استراتژیک مقاومت مدنی" که در آن ۵۵ تا ۶۵ نفردر سال از مناطق مختلف جهان در آن شرکت کرده بودند، می‌بینید. برای ارزیابی این دوره موارد زیر انجام شد:

- ارزیابی سریع قبل ازشروع دوره برای تشخیص دانش، نگرش وفعالیت‌های شرکت کنندگان.
- ارزیابی سریع پس ازپایان دوره برای تشخیص دانش، نگرش وفعالیت‌های شرکت کنندگان، تا بتوان تغییرات را نسبت به اول دوره مشخص کرد.
- ارزیابی کل دوره که درآن شرکت کنندگان نظرخودشان را درباره خود دوره می‌گویند.

نمودار ۱۷: نمونه اجندا انستیتوت تابستانی

جمعه	پنجشنبه	چهارشنبه	سه شنبه	دوشنبه	
آژانس غیرنظامی در جوامع مختل شده و یا مقابله با بازیگران غیردولتی خشونت آمیز	زبان و معنی در جنبش	سرکوب و نتیجه معکوس	اساسات بدون خشونت و جناحین خشونت آمیز	معرفی اشتراک کنندکان و اشتادان	۹ صبح تا ۱۰:۳۰
		اتمان ازاد	اتمان ازاد		
وقفه					۱۰ صبح تا ۱۱
کمپین زد فساد	دفاع بدون خشونت در برابر تهاجم خارجی	بازیگران خارجی و جنبش های مقاومت مدنی	چرا مقاومت مدنی؟ ناکامی ها	معرفی با مقاومت مدنی	۱۱ صبح تا ۱۲:۳۰ ظهر
عکس جمعی	ناهار	ناهارو مراسم جایزه جیمز لاوسون	سخنرانی پیتراکرمن	ناهار	ظهر ۱۲:۳۰ تا ۲
ناهار					
تثبیت دستاوردها و مرحله تغییر دموکراتیک	جلسه فراگیر ۲: راهبردهای مقاومت مدنی برای ایجاد صلح و عدالت انتقالی مقاومت مدنی در برابر اعمال غیرعادلانه عناصر شرکتی		سخنرانی جمعه: جنس و مقاومت مدنی	ظهور و پایداری جنبش	۲ بعد از ظهر تا ۳:۳۰
	وقفه	وقفه			
				اتمان ازاد	
وقفه	جلسه فراگیر ۳: مقابله با افراط گرایی خشونت آمیز دیاسپورا و مقاومت مدنی افراط گرایی خشونت آمیز مقاومت دیجیتال	تمرین گروهی و ارزیابی وسط هفته	وقفه	وقفه	۳:۳۰ بعد از ظهرتا ۴
ادامه تعامل و ارزیابی نهایی	جلسه فراگیر ۴: آموزش، اشتراک و ترجمه دانش از پوشش رسانه ای مقاومت مدنی برای موفقیت جنبش		جلسه فراگیر ۱: چگونه و چرا جنبش‌های مقاومت مدنی باعث فرار می‌شوند؟ مقاومت هنری و فرهنگی مقاومت مدنی و حقوق بشر	ستراتیجی و تکتیک	۴ بعد از ظهر تا ۵:۳۰
	شام	سیاحت با کشتی روی دریای چارلس		اتمان ازاد	
وقت آزاد				شام	۵:۳۰ بعد از ظهرتا ۷
محفل پایانی و غذا شام	وقفه شام		سخنرانی مهمان خاس	نمایش "Ignite" داستانهای مواومت مدنی	۷ شام تا ۹

- ارزیابی سه ماهه پس ازپایان دوره، برای اینکه مشخص شود چگونه دانش فرا گرفته شده از دوره آموزشی برانتخاب‌ها وکنش‌های بعدی شرکت کنندگان تاثیر گذاشته است. در اینجا چند داده کلیدی ازارزیابی سه ماهه پس ازپایان دوره درسال ۲۰۱۸ آمده است:

۱ - پاسخ دهندگان درمورد دستاوردها درزمینه موفقیت برنامه‌ریزی وتعامل درمقاومت مدنی گزارش‌های قابل توجهی دادند.

- ۹۴ درصد گزارش دادند که مهارت آن‌ها دربرنامه‌ریزی کمپین‌های مقاومت بی‌خشونت پس از گذراندن دوره آی سی ان سی پیشرفت داشته است.
- ۹۴ درصد گفتند که دررسیدن به اهداف خود درکمپین‌های مقاومت مدنی ویا آموزش، پس ازگذراندن دوره آی سی ان سی موفق‌تر بوده‌اند، ۶۲ درصد گفتند بسیارموفق‌تر (۵ از ۵) یا به نحوقابل توجهی بیشترموفق بودند (۴ از ۵).
- ۹۴ درصد گفتند که درنوشتن، تدریس وتحقیق درباره مقاومت مدنی پس ازگذراندن دوره آی سی ان سی موفق‌تربودند. ۷۵% گزارش دادند بسیارموفق‌تر(۵ از ۵) ویا به نحوقابل توجهی(۴ از ۵) موفق بودند.
- ۸۶ درصد گزارش دادند که در کنش‌های مقاومت مدنی پس ازآنکه دردوره آی سی ان سی شرکت کردند بسیارموثربودند، ۵۰ درصد گزارش دادند که در کنش‌های مقاومت مدنی که شرکت کردند بسیارموثرتر(۵ از ۵) ویا به نحو قابل توجهی موثربودند (۴ از ۵) .

۲ - پاسخ دهندگان گزارش دادند که مشارکت بیشتری درکمپین‌های مقاومت مدنی ونیز نوشتن، تدریس وتحقیق درباره مقاومت مدنی داشته‌اند.

- ۵۶ درصد از پاسخ دهندگان گفتند که دوره آی سی ان سی تاثیر زیادی درتصمیمات بعدی آن‌ها برای پیوستن به کمپین مقاومت مدنی داشته است.
- ۶۲درصد پاسخ دهندگان گفتند که پس ازگذراندن دوره آی سی ان سی دررهبری ویا برنامه‌ریزی برای کمپین‌های جنبش بی‌خشونت بسیارفعال‌تربوده‌اند.
- ۶۲ درصد از پاسخ دهندگان گفتند که آن‌ها درزمینه نوشتن، تدریس وتحقیق درباره مقاومت مدنی پس از گذراندن دوره آی سی ان سی فعال‌ترشده‌اند.

۳ - پاسخ دهندگان گزارش دادند که آن‌ها مستقیماً دانشی را که در دوره فراگرفته بودند به کارگرفتند وپس ازدوره مجدداً به آن مراجعه کردند.

- بلافاصله پس از دوره:
- ۷۵ درصد از پاسخ دهندگان گفتند که آن‌ها دانش فراگرفته از دوره را دربرنامه‌ریزی کمپین‌های بی‌خشونت به کارگرفتند.

- ۷۵ درصد از پاسخ دهندگان گفتند که آن‌ها دانش فراگرفته ازدوره را درآموزش وتدریس مقاومت مدنی به کارگرفته‌اند.
- ۶۲ درصد ازپاسخ دهندگان گفتندآن‌ها دانش فراگرفته ازدوره را درنوشتن درباره مقاومت مدنی به کارگرفته‌اند.
- ۵۶ درصد ازپاسخ دهندگان گفتند که آن‌ها دانش فراگرفته از دوره را مستقیماً درکنش‌های مقاومت بی‌خشونت به کارگرفتند.

۳ ماه پس از دوره:

- ۱۰۰ درصدپاسخ دهندگان گفتند پس ازپایان دوره حداقل ۱ تا ۵ بار به کلاس‌های الکترونیک آی سی ان سی برگشته‌اند تا به مواد درسی دوباره رجوع کنند. ۵۰ درصد گفتند این کار را ۶ تا ۱۰ بار و ۶ درصد گفتند ۱۱ تا ۱۵ بار انجام داده‌اند.
- شش ابزار برنامه ریزی استراتژیک درطول دوره معرفی شد. پس ازپایان دوره، حداقل ۵۶ درصد پاسخ دهندگان گفتند که آن‌ها هرکدام ازاین ابزار را بیشتر از قبل از دوره آی سی ان سی استفاده کرده‌اند و۶۹ درصد گفتند که سه ابزارازشش ابزاررا خیلی بیشتر مورد استفاده قرارداده‌اند.

۴ - پاسخ‌دهندگان گزارش دادند که پس ازپایان دوره آن‌ها علاقه بیشتری به یاد گرفتن درباره مقاومت مدنی دارند، وتعداد قابل توجهی ازآن‌ها گزارش دادند که سه ماه پس ازپایان دوره محتوای دوره را حتی ارزشمندترنسبت به بلافاصله بعد از پایان دوره یافتند.

- ۹۴ درصد گفتند پس از پایان دوره علاقه بیشتری برای یادگیری مقاومت مدنی دارند.
- ۴۴ درصد از پاسخ دهندگان گفتند که سه ماه پس از پایان دوره آی سی ان سی، محتوای درسی را ارزشمندتر ازبلافاصله پس از پایان دوره یافتند.

۵ - پاسخ دهندگان(که از کشورهای مختلف دنیا آمده بودند) گزارش دادند که پس از پایان دوره با یکدیگر در تماس هستند.

- ۴۴درصد از پاسخ دهندگان گفتند که حداقل با یکی از مشارکت‌کنندگان در دوره، یک تا پنج بار پس از پایان دوره ارتباط برقرار کرده اند.
- ۱۲درصد گزارش دادند که ۶ تا ۱۰ ارتباط پس از پایان دوره داشته‌اند.
- ۱۹درصد گزارش دادند که بیش از ۲۱درصد ارتباط پس ازپایان دوره داشته‌اند.

این یافته‌ها توسط بقیه داده‌های کمّی درباره ارزیابی که آی سی ان سی دریافت کرده است تایید می‌شود. به عنوان مثال، ارزیابی فوری وارزیابی یک ساله پس از یک هفته انستیتو منطقه‌ای آی سی ان سی در سال ۲۰۱۸ درمورد مقاومت مدنی درکیتو، اکوادور، نتایج مشابهی را نشان می دهد.[۶۴] نتایج کلیدی برنامه را ببینید.[۶۵]

نمودار-۱۷ نتایج کلیدی برنامه

افزایش دانش	مفاهیم ایجاد صلح، تئوری‌ها ومواردی که به مشارکت کنندگان اجازه می‌دهد درصحنه، ارتباط اجتماعی برقرارکنند، تعامل با دیگر کنشگران، وطراحی مبارزات آگاهانه‌تری که نمایش دهنده تمرین‌های بهتر وتئوری‌های بهترتوسعه یافته برای تغییر باشند.
ایجاد ظرفیت شخصی وتوسعه حرفه‌ای	شرکت کنندگان مهارت بیشتری دروظایف کلیدی ویا پروفایل رقابتی‌تری برای کار، کمک مالی ویا برنامه‌های آکادمیک پیدا می‌کنند.
تغییر نگرش، الهام وانگیزه	شرکت کنندگان به ماندن درصحنه وادامه مبارزه تشویق می‌شوند ویا وقت ومنابع خود را برای ایجاد صلح اختصاص می‌دهند.
پروژه‌های جدید	ممکن است شامل نهادهای غیردولتی، کمپین‌ها، آموزش‌های تکراری وغیره باشد که درمیان جوامع گسترده‌ای که خودشان درآموزش‌های اصلی شرکت نکرده‌اند صلح ایجاد کند واز آموخته‌های فنی برنامه اصلی آموزشی کمک بگیرند (به عنوان مثال پروژه اینکوباتور)
سرمایه اجتماعی بزرگتر	دسترسی به شبکه فارغ‌التحصیلان یا پورتال‌های سازمان‌های حمایت کننده که الف: افزایش آگاهی/دسترسی به فرصت‌ها ومنابعی که اقدامات بعدی را ممکن کند. ب: تلاش برای افزایش ابتکارات کوچکتر ازطریق همکاری با مردم در محل‌های دیگر ویا مناطق مسئله دار. ج: انتشاراطلاعات
صداهای تقویت شده:	مقالات منتشر شده، مصاحبه‌ها وخبرنامه‌ها به فعالیت‌های مشارکت کنندگان برای ایجاد صلح نور بیشتری می‌تابانند ومخاطبان بیشتری پیدا می‌کنند تا داستان‌های خود را درباره تغییر تعریف کنند(به جای این که این داستان‌ها توسط خبرگزاری‌ها یا کانال‌های با واسطه فیلترشده ومنتشرشوند)

۶۴ رخی از این نتایج در مجلات علمی معتبرنیز منتشر شد. جفری پیو را ببینید «کاتالیزوری برای اقدام: آموزش به عنوان بسترهای شبکه‌سازی برای صلح». پروژه‌ها، مجله صلح وتوسعه ۱۵، شماره. ۱ (آوریل ۲۰۲۰): جفری پیو ایجاد شبکه‌های فراملی فعال: استراتژی ظرفیت سازی از پایین به بالا برای کاهش خشونت در آمریکای لاتین(میدل اتلانتیک ، مروری بر مطالعات آمریکای لاتین، (ژوئن ۲۰۱۸): ۱۳۰-۱۴۴

۶۵ - پیو، "کاتالیزور برای اقدام"، ۱۳۰

لیست نمودارها

نمودار ۱: شرایط کنترل شده خشونت: توضیح داده شد

نمودار ۲: ۷۴زبان درمنابع کتابخانه آی سی ان سی

نمودار ۳: آی سی ان سی کاندیدای جایزه نوبل در ۲۰۱۴ شد

نمودار ۴: ۵ ایده ناراضیان که باید بدانند

نمودار ۵: یافته‌های کلیدی از ارزیابی شرکت کنندگان

نمودار ۶: چک لیست پایان بخشیدن به خودکامگی

نمودار ۷: ۴۱ کمپین مقاومت مدنی با نمونه‌هایی ازتاکتیک‌های بی‌خشونت

نمودار ۸: زمان کمک

نمودار ۹: انواع پشتیبانی

نمودار ۱۰: انواع حامیان

نمودار ۱۱: انواع گیرندگان

نمودار ۱۲: ۹۵ کمپین‌های موفق مقاومت مدنی بامشارکت قابل توجه زنان درخط مقدم علیه

استبداد خارجی یا داخلی بین -۱۹۴۹ ۲۰۱۳

نمودار ۱۳: ۱۰ دلیل اصلی که چرا مردم ازسیستم‌های سرکوبگراطاعت می‌کنند

نمودار ۱۴: کمپین‌های بی‌خشونت با ریزش قابل توجه نیروهای امنیتی

نمودار ۱۵: فازارزیابی: چک لیست تمرین آزادی

نمودار ۱۶: برنامه تمرینی چک لیست ۳۶ساعته

نمودار ۱۷: نمونه دستورکارانستیتوتابستانی

نمودار ۱۸: نتایج کلیدی برنامه

فهرست اشکال

شکل ۱: نظریه تغییرآی سی ان سی

شکل ۲: شروع کمپین‌های توده‌ای وخشونت وخشونت‌باربراساس دهه (۱۹۰۰- ۲۰۱۹)

شکل ۳: میزان موفقیت کمپین‌های توده‌ای بی‌خشونت وخشونت‌بار براساس دهه (۱۹۳۰- ۲۰۱۹)

شکل ۴: تعامل آی سی ان سی با فعالان دموکراسی‌خواه، پژوهشگران، سیاست گذاران وروزنامه‌نگاران براساس کشور

شکل ۵: نمای مشترک از میدان نبرد

شکل ۶: شورش خشونت‌آمیز: نظریه

شکل ۷: شورش خشونت‌آمیز: خطر

شکل ۸: میزان دموکراسی پیش ازگذاروپس از گذار

شکل ۹: شرکت‌کنندگان دوره آنلاین آی سی ان سی براساس کشوری که زندگی می‌کنند.

شکل ۱۰: نمای مشترک ازمیدان نبرد

شکل ۱۱: فرصت

شکل ۱۲: مقاومت مدنی اخلال می‌کند

شکل ۱۳: مقاومت مدنی پیروز شد

شکل ۱۴: اولویت بندی براساس تاثیرات مورد انتظار

شکل ۱۵: تاریخ‌های هشت کمپین دراوایل قرن بیست ویکم

شکل ۱۷: کشورهای دارای حداقل یک گذار ناشی ازمقاومت مدنی (۱۹۴۵- ۲۰۱۵)

شکل ۱۸: هرچقدرائتلاف بی‌خشونت مدنی قوی‌ترباشد، دستاوردها برای آزادی بیشتراست

شکل ۱۹: متوسط میزان دموکراسی درپیروزی‌های مختلف

شکل ۲۰: احتمال اینکه یک کشورپنج سال پس ازپایان مبارزات به دموکراسی دست یابد

شکل ۲۱: کمپین‌های بدون‌خشونت ومدت زمان جنگ داخلی اطلاعات (۱۹۵۵-۲۰۱۳)

نام عکاس‌ها

جدا از تصویرنویسنده وجین شارپ درلیتوانی، همه عکس‌ها مربوط به کمپین‌های موفق مقاومت مدنی است.

روی جلد: لانا هارون

فتحی بلید/ خبرگزاری فرانسه از طریق گتی ایماژ

سیندی کارپ/ مجموعه کرونیکل از طریق گتی ایماژ

عکس از آی سی ان سی

سرگئی سوپینسکی/ خبرگزاری فرانسه ازطریق گتی ایماژ

بتمان از طریق گتی ایماژ

پیتر چارلزورث/لایت راکت از طریق گتی ایماژ

آرشیو تاریخ جهانی/گروه تصاویر جهانی از طریق گتی ایماژ

بتمان از طریق گتی ایماژ

ایلایجا جوکازی ازطریق ایونینگ پست/

براکا نادزیک از طریق گتی ایماژ

تصویر: آتپوراپوزیسیون راعلیه اسلوبودان میلوسویچ متحد می‌کند، صربستان ۲۰۰۰


MENJAČNICA
GREEN UNION
OF SERBIA!!!
ГОТОВ

چک لیست برای پایان بخشیدن به خودکامگی

ایجاد توانمندی‌ها

1. آیا کمپین مقاومت مدنی مردم را حول آرمان‌ها، رهبران واستراتژی واحد برای پیروزی متحد می‌کند؟
2. آیا کمپین مقاومت مدنی ضمن حفظ انضباط بی‌خشونت، گزینه‌های تاکتیکی متنوع را به کارمی‌گیرد؟
3. آیا کمپین مقاومت مدنی برای ایجاد حداکثراختلال با حداقل خطر، تاکتیک‌های خود را تنظیم می‌کند؟
4. آیا کمپین مقاومت مدنی به دنبال یافتن راه‌هایی برای جلب ارزشمندتر حمایت بیرونی است؟

هدایت مبارزه

5. آیا تعداد وتنوع شهروندانی که با خودکامگی رویارویی دارند احتمالاً افزایش پیدا می‌کند؟
6. آیا اعتقاد خودکامه به اثربخشی سرکوب خشونت‌بار کاهش می‌یابد؟
7. آیا احتمال ریزش حامیان کلیدی خودکامه افزایش می‌یابد؟
8. آیا پس از مبارزه، نظم سیاسی که برقرارمی‌شود با ارزش‌های دمکراتیک سازگارخواهد بود؟

امروزمرگبارترین مبارزات بین دولت‌ها نیست، بلکه درداخل کشورهاست. خودکامگان زندگی مردم تحت ستم را جهنم می‌کنند. داده‌های بیش ازیک قرن نشان می‌دهد که کمپین‌های مقاومت مدنی با به کارگرفتن اعتصابات، بایکوت، اعتراضات توده‌ای وبسیاری دیگرازتاکتیک‌های بی‌خشونت، قدرتمندترین ابزار برای رویارویی با اقتدارگرایان هستند.

"چک لیست برای پایان بخشیدن به خودکامگی" خود را وقف توانمند کردن ناراضیان کرده است تا برای رسیدن به خواسته خود که دموکراسی وحقوق بشراست به گونه‌ای استراتژیک فکر کرده ومهارت بیشتری پیدا کنند. این کتاب همچنین منبع منحصربه فردی برای حرفه‌ای‌ها درسیاست خارجی وترویج دموکراسی است تا دقیقاً متوجه شوند که چه توانایی ومهارتی برای فعالان دموکراسی‌خواه لازم است تا به دیکتاتوری که درآن زندگی می‌کنند پایان دهند.

اگر جهان شاهد موج چهارم دموکراسی برای گسترش آزادی دربرابراختناق باشد، آن‌گاه کمپین‌های مقاومت مدنی پیشگام خواهند بود وهیچ پشتوانه‌ای محکم‌ترازآن وجود ندارد..

International Center on Nonviolent Conflict
600 New Hampshire Ave NW, Suite 1010
Washington, D.C. 20037

www.nonviolent-conflict.org

ISBN 978-1-943271-50-4
90000>
9 781943 271504